

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهدا به:

نظامیان دلیر و باغروور افغان که قلب شان برای حفظ و
ارزشهای اسلامی، فرهنگ اصیل افغانی و تاریخ غنامند مردم
افغانستان عاشقانه می تپد.

مشخصات اثر:

نام اثر	: تجارب هندوستان
نویسنده	: الحاج بریدجنرال ارکانحرب دوکتور عبدالواحد خرم
طرح و دیزاین	: احمد ولید خرم
زمان نگارش اثر	: سال 2013 میلادی مطابق 1392 هـ ش
سال چاپ اثر	: 1393 هـ ش مطابق 2014 میلادی
محل چاپ	: کابل، افغانستان
چاپ	: مطبعه بهیر
تیراژ	: 500 جلد

حق چاپ محفوظ است

فهرست

صفحات	موضوعات
1	از کابل تا بنگلور
35	ما کجا اینجا کجا
65	از دهلی تا تمپل نادو
100	افغانستان پس از سال 2014
116	سفر به افریقا و اروپا
153	دیدار از مناطق جنوب هند
219	بحث جنجال بر انگیز در کالج مدافعه ملی هندوستان
226	ستراتیژی هند در قبال کشور های آسیای میانه و افغانستان
235	نظریات گوناگون در مورد گاندی ها
240	علاوه گی ها به نامه محرمانه جنرال جیکی شرما
253	سریلانکا سر زمین تاریخی
264	سفر های اخیر و نتایج تحصیل
296	هرچاته خپل وطن کشمیری
315	چند مطلب در مورد کالج و ماحول آن
335	شهر علیگر ایالت اترپردیش هند
344	گفتنی چندی در خصوص وضعیت جاری افغانستان
352	جریان انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی
359	اختتامیه
366	خلص سوانح

بسم الله الرحمن الرحيم

تقریظ

اثر پرمحتوا و كاملا عيار به اصول ژورناليزم داكثر عبدالواحد «خرم» تحت عنوان:

«تجارب از هندوستان در سال 2013» كه در آن تمام رویدادها و جریانات تحصیل هندوستان اش را اعم از نظری و عملی، چگونگی سیرهای علمی به کشورهای گوناگون و ایالات مختلف هند بشمول قاره افریقا (زمبیا، زیمبابی و افریقای جنوبی) و در قاره اروپا در اسکاتلیند و انگلند و کشور سریلانکا در آسیا و بخش های سفر شخصی شانرا به چندین کشور اروپائی به درستی تحریر کرده است، قابل وصف میدانم .

نامبرده تجارب از کشور پرنفوس هند را بشمول بازدید از ایالات مختلف اش همچو تامیل نادو، اندراپردیش، سیکیم، جمو و کشمیر وغیره كه جمله یازده ایالت میگردد منحیث يك ژورنالیست ماهر و نویسنده چهره دست رقم زده است. باچنین استعدادوشیوه عالی نگارش اش بوده كه ازمدت سیزده سال بدینسو عضویت شورای عالی سراسری ژورنالستان افغانستان راكسب کرده است .

وی به حیث يك افسرمتجرب دارنده یازده اثرويك هزار مقالات به زبانهای دری، تاجکی و روسی كه در قالب تحریر درآورده است زحمات قابل وصف

را به اردوی ملی افغانستان انجام داده که اثر موصوف یک دست آورد بزرگ نظامی و علمی محسوب می‌گردد .

از دیدگاه ژورنالیزم جنرال ارکان حرب عبدالواحد "حرم" یک شخصیت ملی و وفادار به آرمانها ومصالح علیای کشور بوده و آثار زیادی را در عرصه های نظامی ، اجتماعی و سیاسی به رشته تحریر در آورده است.

طوری که دو اثر ترجمه شده اش تحت عناوین : "تروریزم بین المللی و افراط گرائی و دیگری بنام افغانستان ، طالبان و تشکل مراکز تروریستی خیلی ها خوب ترجمه شده و مورد استفاده اعظمی نظامیان افغانستان قرار گرفته است. تجارب هندوستان یازدمین کتابش بوده و دو اثر گرانبهای دیگرش تحت عناوین :

"برخی مسایل مبرم حیاتی در افغانستان و جهان "

"خاطرات مهاجرت در ازبکستان " نیز تحت چاپ قرار دارد که برای این شخصیت عالیقدر ملی ، نظامی و فرهنگی پیروزی های بیشتر را از درگاه خداوند "ج" آرزو دارم .

با احترام

حفیظ الله "بارکزی"

رئیس عمومی شورای سراسری ژورنالستان افغانستان

بنام خداوند جان و خرد

تقریظ

این مجموعه مقالات را تحت عنوان: (تجارب هندوستان) به نویسنده گی بریدجنرال عبدالواحد خرم مدیرپلانگذاری عقیدتی و فرهنگی که دربرگیرنده خاطرات موصوف از سال 2011 در بازدید نخستین اش از کابل تابنگلور بوده مطالعه نمودم و زمانیکه وی محصل کالج مدافع ملی در دهلی میگردد همه جانبه با تلاش و زحمات زیاد در بخش فارسی این اثر که مشتمل به سفرهای داخلی و خارجی مانند ایالات سیکیم، تمیل نادو جنوب هند، قاره افریقا و اروپا، کشور سریلانکا کشمیر و آگره و موضوعات داخل کالج و ملاقاتهای بارهبری کشور هند و سایر مسائل را خیلی منظم رقم زده است و کارهای عملی اش در بخش انگلیسی شامل مقالات، تیزیس و تحلیل های بوده که مدیریت عمومی دو کتورین این اثر را ارزشمند، قابل خواندن و مفید به اردوی کنونی و نسلهای بعدی می شمارد .

شیوه بیان عبدالواحد خرم نشانه آن است که وی مطالعات خوبی در رشته تاریخ و به خصوص علاقه مندی زیاد به امپراطوری شیعیان فارس در جنوب هند و سایر امپراطوری های افغانی داشته و به تاریخ و سلسله تیموریان هند و هرات آشنا است. این دانش تاریخی شان که در این رشته ماستری و دو کتور دارند رمزی از موفقیت شان در نگارش این اثر میباشد.

کسب درجه ارکان حربی در بخش نظامی و ماستری چهارم اش در فلسفه دفاعی به غنای اثر افزوده است .

در پایان کتاب خواننده گان با برخی محلات هند، افریقا و اروپا و اماکن مقدس به خصوص در موضوع سفرهای اخیر و نتایج تحصیل و موضوع (هرچاته خپل وطن کشمیردی) آشنائی حاصل میکند که تاریخ مشترک افغانستان، پاکستان و هند را موضوع فوق بار دیگر تازه کرده است .

کتاب حاضر به عنوان نمونه ای خوب و رهگشای بهتر در تحکیم دوستی عمیق میان کشورهای منطقه محسوب میگردد.

واقعاً نویسنده به شکل اکادمیک و با تحلیل عمیق از جریانات تحصیل و چشم دیدها به شکل ساده، خوانا، و سلیس مانند نویسنده گان معروف تاریخ معاصر افغانستان در صدسال اخیر با رعایت دقیق اصول دو کتورین نظامی بدون لغزیشها دست به نگارش زده که زحمات موصوف را وزارت دفاع ملی افغانستان نهایت به دیده قدرنگریسته و برایش موفقیت‌های بزرگی را از جانب خداوند لایزال آرزو میکنم .

با احترام

مدیر عمومی دو کتورین

قوماندانی تعلیم و تربیه و دو کتورین ستردرستیز

تورن جنرال گل‌بهار سالم

بسم الله الرحمن الرحيم

تقریظ

دو اثر گرانبهای نویسنده و داکتر علوم تاریخ محترم بریدجنرال ارکانحرب عبدالواحد خرم مدیر پلان گذاری امور عقیدتی و فرهنگی قوماندانی عمومی تعلیم و تربیه و دوکتورین ستر درستیز را تحت عناوین: سفر به امریکا و تجارب هندوستان مطالعه نمودم، نگارنده محترم بدون اینکه از اثر و کتاب سایر نویسنده گان و تحلیل گران ماخذ و کمک گرفته باشد با دیدگاه سالم، همت کامل و پاکی نفس و بدون کاربرد اصطلاحات و لغات مرموز و پیچیده به زبان ساده و عام فهم تهداب نگارش کتب فوق الذکر را بر مبنای حقایق و چشم دیدش بنا نهاده و به صفحه آرائی از آموزه های خود پرداخته است.

از صداقت و حقیقت، تدقیق، مطالعه و چشم دید و دستاورد های آقای خرم هویدا میشود که ایشان به شکل واقعی کار نامه های گذشته و حاضره کشور های هندوستان و امریکا را در عرصه های سیاست، تاریخ، اقتصاد، قوه دفاعی و پالیسی ها با درنظر داشت شرایط و اوضاع گذشته و کنونی افغانستان ارتباط داده که تحلیل، ارزیابی، تفسیر و تحقیق شان همتا با آثار نویسنده گان برجسته تاریخ افغانستان بوده که مطالعه آن را برای کلیه نظامیان کشور مفید و در خور اهمیت میدانم.

الحق این دو اثر بنام سفر به امریکا و تجارب هندوستان یک نوشته بزرگ تاریخی محسوب میگردد و هکذا چراغ است برای نسل آینده که از مطالعه آن در عرصه های سیاسی، اقتصادی، مذاهب، رسوم و عنعنات، تعالی و ترقی و مطالعات سیستم های دفاعی کشور های فوق الذکر معلومات کافی بدست

می آورند و این اثر راه گشائی خوبی در جهت رفع و از بین بردن انحرافات، بیداد گری ها و ستم های گوناگون در جامعه افغانی تلقی میگردد. جنرال عبدالواحد خرم از سال 1356 هـ ش آغاز به نویسنده گی نموده که تا حال 10 اثر و در حدود هزار مقالات و مضامین اش در موضوعات گوناگون در مطبوعات داخل و خارج کشور به چاپ رسیده است، قابل یاد آوری است که تجارب هندوستان اثر مفید و یازده همین کتاب موصوف محسوب میگردد:

به امید صحت کامل، فکر و نگرش بیشتر، همت و قوت کامل نویسنده روشن ضمیر اردو نوین افغانستان عبدالواحد خرم.

والسلام

دگروال سید رحمت الله هاشمی

افسر قوماندانی تعلیم و تربیه و دوکتورین ستردرستیز

11.11.1392

از کابل تا بنگلور

می 2013

یک سفر مختصر با داستان زیاد پس از انتظاری های خسته کن و سرگردانی های فراوان .

سرانجام صبحدم 7 بجه در میدان هوایی بین المللی کابل رسیدم و برسم معمول افغانی بساعت 9 ونیم داخل طیاره شده وساعت 10 ویست به شهر تاریخی و پر آوازه کندهار این مهد پاد شا هان وسلاطین افغانستان رسیدیم وتا ساعت 11 بجه منتظر مسافرین کندهار ماندیم. ساعت 11 قبل از ظهر خاک قندهار را با عبور از مرز های پاکستان بسوی سر زمین کهن سال دنیا هند کبیر ترک کردیم. هدف از سفر تداوی پای، بازدید از هند و ملاقات با پسر ودوستان اش بود.

در کنار کلکین طیاره در صف اول نشسته بودم ، پرواز بر فراز ابر ها و کوه های سربه فلک کشیده افغانستان آنهم که طیاره آریانا آهسته آهسته جهیش دارد و گاه گاه اطلاعات از طریق تخته واعلانات پیلوتان از موقعیت ، آب وهوا و زمان رسیدن ما به دهلی جدید به زبانهای دری، پشتو وانگلیسی شنیده می شد .



کاکا رحیم قندهاری ادویه فروش که در کنارم نشسته بود ویکجا با خانواده اش نیز سفر هند را قصد کرده است مرا در معرفی بیشتر به اوضاع کنونی ولایات قندهار و هلمند و خصوصا زمانیکه از دامان و دوری گذشته در محلی تپه های ریگ زارجوار بحر خاکی که در کنارش قرا و روستا های کم آب دیده می شود ، آشنا ساخت.

میدان هوایی قندهار بدست امریکاییان قرار دارد که پشه در آن پر نمی زند و به گفته رحیم خان بار ها به نشست طیاره آریانا اجازه داده نشده است این قبیل سخنان زیاد داشتیم.

همه اوضاع کشور شنیدن و دیدنش در لحظه جاری برایم خوش آیند نبود زیرا می خواستم لحظات را در طیاره خوش سپری نموده دقیقه شماری دارم تا به دهلی جدید و سرزمین تاریخی هندوستان که از سلسله بآبری ها، تیمور

لنگ، احمد شاه درانی و کمپنی شرقی هند خوانده بودیم و مبارزات گاندی، نهرو را برضد استعمار در این سرزمین مطالعه داشتیم، برسم. دلکم شاد بر انست که بدون اطلاع با فرزندم احمد ولید خرم محصل فاکولته اقتصاد دانشگاه بنگلور وصل شوم.

این خیالات که پس از ده ماه بوسیدن روی پسر و آشنایی محلات مختلف هند و خصوصا ولایت آریانا تا بنگلور درد های پایم را کاهش داده می رود ولی زمانیکه به فرود گاه دهلی رسیدم این آرزو ها به گونه دیگر تغییر یافته می رود.

پس از فرود از طیاره و اینکه مهر دخولی در پاسپورت زده شد دیگر مانند روز محشر در کنارم کدام افغانی را مشاهده نمی کنم و لحظات است که از دروازه میدان می برآیم و احساس دارم که به مشکل روبرو می شوم.



ضیا خوستی و اسد الله نوری با پسر نابالغ اش که انتظار مسافری را از لحاظ ترجمانی و دریوری دارند بمن رهنمایی لازم ولی دلسوزانه نکردند و به ادرس داده شده ابراهیم باید نزد عبد الله به لاجپت نگر بروم ولی میزبان زنگ تلفون را نمی بردارد بلاخره بوسیله ریکشا به منزل عبدالله رسیدم روز اول می است نا راحت شدم از من بدتر نورالله برادر عبدالله که بایست مهمان شان می بودم نا راحت بودند هنوز رفع خستگی نکرده بودم که اصرار می ورزید تا اتاقی برابم تدارک دهد. من مثل جنرال نظامی ولوژستیکی دارای سه بادیگارد در چند ساعت بخاطر اتاق و خرید سیم کارت در کوچه ها و بازارها شهر دهلی در چنین گرما سرگردان ام ولی از تجارب و تفکر خود که آنرا در زمان تحصیل شوروی آموخته بودم خیلی ها سود بردم.

آگاهی داشتم که محصلین افغانی در دهلی جدید ترجمانان خوبی در خدمت هم میهنان اند آنها را به هرات رستوران بردم و در آنجا جوان افغانی خدمت گار رستوران مرا با هارون هندی معرفی کرد تا اتاقی برابم دریافت کند و هارون بدون تعیین کرایه بنام پروا نداره طوریکه میان افغان ها معمول است اتاقی را در اختیارم قرار داد و با سپری نمودن یک شب طاقت گرمی را نداشتم که در پرداخت کرایه یک شبه جنجال برابم رخداد، دوم می تکت طیاره را گرفتم و بعد از سه ساعت پرواز به بنگلور رسیدم در کنارم تاجر جوان هندی قرار داشت که محبت زیاد نمود و پس از رسیدن به فرود گاه او مرا در گرفتن تکسی کمک زیاد کرد تا به فاکولته آچاریا برسم و به گفته احمد ولید به قیمت مناسب بدانجا رسیدم که 46 کیلومتر فاصله داشت.

پسرم بوسیله تلفون دوست اش فریدون جان با من در تماس بود و تکسی مرا نزد خوابگاه محصلین رسانید ساعت 2 بجه اینجا رسیدم رفقای پسرم همچو

چریکان نیرومند در حال مبارزه با القاعده که اکثریت شان از برادران اهل تشیع و هزاره مان بودند اطرافم را حلقه زدند .



سوالات و بحث ها زیاد به همان خصلت افغانی با بد گویی و خوب گویی رهبران اما بدون آزرده گی محور صحبت ها گشت، حسن بیگ فرزند مرحوم شراف بیگ و قیمت خان خوستی که چندان به دری فصیح صحبت ندارند نیز سهم فعال داشتند اینها خیلی ها محصلین خوب هستند ولی روز سوم چنان پراکنده شدند که از آنها خبری نبود زیرا انها برحق بودند که اکثریت شان امتحان زبان انگلیسی را در چارم می بایست سپری می کردند، خیرالدین ترکمن و فرهاد پنجشیری گاه گاه از حضور شان غیر مستقیم صدا بلند می کردند، راستی روز سوم می در محل اپارتمنت رفته تکت ریل خود را با جوانان رونده کابل عیار ساختم و دیگر فعالیت برجسته صورت نگرفت .

زیرا انتظار برگشت ولید جان و ذکریا ذکی را داشتم که برایم غذا های لذیذ سه هفته را به طبع دلم آماده سازند.

صبحدم روز 4 می به تنهایی تا اپارتمنت رفته برخی چیزها را خریدم و راه مارکیت سبزیجات و ترکاری را پیدا نتوانستم در برگشت با جوانان افغان از رشته انجیری به اسمهای ذیبر نگرهاری، احمد فهیم وردگ، فیض الله پکتیکایی و رقیب هراتی مرا بحساب پیراهن یخن دوزی ام شناسایی کرده با چنان شتاب بسویم پرتاب شدند و خودها را معرفی کردند و به این حرکت شان که در جوار فاکولته بود محصلان هندی، افریقایی، ایرانی باتحیر می نگریستند با ایشان بغل کشی نمودم و آنها مرا کاکا جان و کاکا جان خطاب زده می رفتند اینها که ده ماه مسافری کرده بودند یاد وطن و هموطن را سخت علاقه مند بودند بهر صورت باهم صحبت گرم نمودیم، مزاحها کردیم و هنگامیکه بسوی شفاخانه کولمبیا - آسیا می رفتم از من به نان شب دعوت کردند و به ولید جان زنگهای زیاد می زدند ولی ما معذرت خواسته به روز بعدی اش وعده دادیم زیرا شب 4 بر 5 می مارا رشید هاشمی، سید مرتضی نیازی و حسین علی ریزرف کرده بود در اتاق محصلی شان در دیار مسافرت با اینها نیز صحبتها داشتیم و خوب نان و نمک شدیم. درجه حرارت در بنگلور از 23 تا 30 درجه حرارت بود.

در حالیکه در دهلی تا 50 درجه سانتی گرید می رسد، فاکولته آچاریا در قریه سول دیواناهلی قرار داشته در جوار اش قریه چیک بناور و دورتر از آن کالج سپته گری موقعیت دارد، سرک واقع شفاخانه رومایا مشابه سرک شهر دوشنبه تاجیکستان بود، مناطق دبل رود، ام جی رود، شیواجی نگر، مجستیک را مشاهده کردم در بسیاری نقاط دیگر و به شفاخانه خیرالدین و ذکریا ذکی مرا گشت و گذار می دادند.

ناگفته نباید گذاشت که تمام محصلین بخصوص همایون خان که با خانواده زنده گی دارد ، قیمت خان خوستی ،محمد علی ارگونی، ذکریا ذکی ، خان زمان، خیرالدین ترکمن، خیرالله جوز جانی، (در میسور یوسف مالستانی ونورمحمد نور آقچه ای) فریدون ، حسن بیگ ، عزیز خان، میرزا جان ، ذبیر، فیض الله، رقیب جان، احمد فهیم وردگ، احمد نوید ، شیر شوخ ، ولید شیرزی ، واسیع هراتی با همان لهجه های خوش آیند ودلپذیر هرات باستان این مهد علم وفرهنگ ، فرهاد خان وقیوم ثامر که اکنون بحیث سخنگوی وزارت مبارزه علیه مواد مخدر کار می کند از من استقبال گرم نموده وهمچو کاکا شان در مدت بیست وسه روزه عالی نشان دادند که از همه شان عکس های یاد گاری گرفتم که همچو خاطرات باقی بماند طوریکه از 32 سال بدینسو عکس های دوران کار وزنده گی نزدم موجود است .

چند سخن پیرامون ایالت کرناٹاکا

این ایالت در جنوب هندوستان همجواری ایالت کریلا قرار دارد که فاصله نچندان بعید از بحر هند داشته وپایتخت آن شهر بنگلور می باشد ، مردم این شهر به ادیان اسلام بودا ومسیحیت پیرواند ، در کنار فاکولته آچاریا مسجد جامع موقعیت داشت که محصلین افغانی آنجا ادای نماز می کردند ، شهر بنگلور شهر صنعتی وبه سرزمین کمپیوتر ساینس وتکنالوژی شهرت دارد ، مردم اش آرام، خوش خلق ومهربان می باشد .

بنگلور طبیعت زیبا و گوارا، دشت ودمن پهناور داشته ومانند نگرهار مان شهر همیشه بهار است در این شهر درختان فراوان وجود دارد که اکثرا غیر مثمر اند و گاه گاه طوفان های شدید نصیب مردم اش می گردد که تلفات

مالی و جانی را نیز در قبال دارد، معاملات تجارتي، ترانسپورت و ترافیک رنگ و رونق خوب دارد، اعمار بلند منزل ها و تعمیرات گوناگون به زیبایی شهر افزوده و یگان یگان فامیل های افغان نیز در اینجا زیست دارند. زبان مردم اش کنه دایی بوده که از جمله زبان های مروج این کشور است.

شهر بنگلور را طوریکه عرض کردم شهر تکنا لوژی معلوماتی در سطح براعظم آسیا می نامند زیرا بزرگترین نماینده گی شرکت مایکروسافت را با خود دارد. از اکثریت ممالک دنیا عرب و عجم در این ایالت مشغول تعلیم اند و نماینده گی سیاسی و دیپلماتیک و کور دیپلماتیک بسیاری از دول قدرتمند جهان در این شهر دیده می شود، طیارات همیشه پرواز، ریل های داخل گرد و بیرون از شهر و بس های مختلف النوع مردم این شهر را آسوده نگهداشته است بدین ملحوظ بوده که در اکثریت فلم های هندی از بنگلور نام برده می شود.

تبعیض میان مردم اش به نظر نمی رسد، دختران و پسران ممالک مختلف دنیا در کالج ها و پوهنتون های بنگلور یکجا دروس را تعقیب می دارند پارک های دیدنی، رستوران ها و مارکیت های تجاری و شفاخانه های مدرن و عصری و غذا های سبک شرق و غرب در بنگلور شهرت دارد.

این شهر قدامت تاریخی کهن دارد، پای بزرگمردان دنیا به اینجا رسیده است، سرک ها و جاده های در حال انکشاف اما با ترانسپورت خسته کن. راول گاندی شخصیت مهم پارلمان کشور حین سفرش به این شهر گفته است که: در گذشته ها بنگلور به شهر تکنالوژی معاصر شهرت داشت و اکنون به شهر فساد و رشوت.

در این مدت با دو جوان محصل هندی بنام های محمد فیصل و محمد اعجاز خان از ایالت بیهار که در 600 ک.م. دهلی فاصله دارد، ملاقی شدم آنها خود را پتان و مسلم می خواندند ، احساس و غرور شان بلند بود. در بیهار 25 ملیون انسان زنده گی دارد

محمد فیصل که در حال ختم تحصیل قرار دارد با من بحث های زیاد داشت ولی نگارنده آنقدر انگلیسی نمی دانستم که زیاد درک کنم زیرا محصلین افغانی بشمول احمد ولید خرم مصروف سپری نمودن امتحانات شان بودند و ایشان لحظه ای برای صحبت اضافه نداشتند .

فیصل خان موجودیت مسلمانان را 52٪ از قول عزیز برنی می گوید و مشخص میسازد که از جمله 1200 ملیون نفوس هند 500 ملیون آن مسلمانان اند.

از انجاییکه در درس های تاریخ راجع به گاندی ونهرو چیز های خوانده بودم نظر فیصل را خواستم بدانم او در مورد گفت :مهاتما گاندی فاکولته حقوق را در لندن تمام کرده بود از وی راجیف واندررا گاندی باقی ماند.مهاتما گاندی که از گجرات بود توسط یک گجراتی به قتل رسید.

او محمد علی جناح قاید اعظم پاکستان را توصیف کرد که واقعا رهبر مسلمانان هند و پاکستان و شخصیت با تقوا بود و جواهر لعل نیرو را که در آزادی پاکستان وجدانش از بدنه هند کمک زیاد کرده شخصیت بهتر و مناسب نسبت به گاندی خواند و کار های نیک او را ستود .

این جوان گاه گاه به چنان سرعت صحبت می کرد ولی من برداشت زیاد کرده نمی توانستم .

مهمانی پرنسپال (رییس فاکولته آچاریا)

سرانجام دهم می با مشوره وترجمانی خیرالدین شیرزاد اهل قلعه ذال کندز که سال دوم تحصیل را سپری کرده است بخاطر دریافت نتایج تحصیلی،



حال و احوال در
سی نه تنها فرزندم
بلکه جمله
محصّلین افغانی
به فاکولته آچاریا
دانشگاه
بنگلور که محل
شان مشابّه موسی
قلعه هلمند است

سرزدم تا با آقای جورج ماستر علوم روانشناسی ومدیر بخش مهارت های اقتصادی که محصلین همچو عبدالعزیز از دایکندی، رشید هاشمی، سید مرتضی، حسین علی، احمد ولید خرم، ذکریا ذکی وحسن بیگ در ان مشغول تدریس بوده وسمستر دوم را به پایان می رسانند معرفی شدم باید گفت که از میان این محصلین تنها احمد ولید خرم و ذکریا ذکی بحساب رقابت وسایرین که بیشتر شان اهل دایکندی اند بحساب سهمیه آمده اند.



آقای جورج 30 سال دارد و خیلی ها جوان است او مذهب عیسوی را پذیرفته است آقای جورج با پیش آمد عالی و استادانه اش از وضعیت حاضری، دسپلین، اخلاق و نتایج امتحانات سمستر اول احمد ولید خرم مرا آگاه ساخت و راجع به تمام محصلین افغانی بخش خودش که فوقا اسمای شان ذکر شد سخنان چندی ارایه کرد و چند دقیقه نگذشته بود که در دهلیز تصادفا با آقای پروفیسور داوی رییس فاکولته ملاقی شده و تعارف نمودیم پروفیسور در حالیکه خیرالدین و جورج حضور داشت مرا به دفترش دعوت کرد و با نوشابه سرد از ما استقبال کردند و جورج در لبان اش تبسم می زدو فردا ان که 11 می است مرا به نان چاشت دعوت نمود من ابا ورزیدم و گفتم من شما را مهمان خواهم کرد ایشان گفتند که ما هندیها نیز مهمان نواز هستیم و در کابل مهمان شما خواهیم گشت و اکنون شما مهمان ما هستید ولی 11 می انها مهمانان از دانشگاه داشتند و مرا به مهمانی تاریخ 20 می بدون خیرالدین به رستوران بردند و صرف غذا مطابق میل من بود صحبت های شیرین داشتیم پروفیسور افزود در حیات فاکولته اولین افغان هستید که از محصلین و فرزندان خود می

خواهید باخبر شوید من گفتم من تاجر و شخصیت سیاسی بزرگ نیستم ولی در ضمن تداوی علاقه گرفتم تا من حیث شخص چیز نویس در باره این فاکولته چیزی بنویسم از حسن نظر شان در مورد افغانستان و محصلان تشکرات عظیم بعمل آوردم آنها از وظیفه ام پرسیدم گفتم در بست دگروال در اردوی ملی افغانستان خدمت می کنم ولی ویزیت کارت ندارم در هندوستان همه با سوادان و اهل کار ویزیت کارت دارند و این کارشان عالی است.

پروفسور از من خواهش اخذ عکس های یکجایی را کرد و همچنان تقاضای ارسال بیرق کوچک افغانستان را بالای میزش نمود آنرا پذیرفتم و وعده ارسال آنرا بدست احمد ولید خرم از افغانستان نمودم ولی انجنیر خیرالله که مسولیت عکاسی را عهده دار بود چند قطعه عکس را چاپ و فردا ان برایش تسلیم کرد که پروفسور از اقدام عملی خرسند شده بود .

قابل یاد آوری می دانم هنگامیکه در 11 می مهمانی تشکیل نیافت من یکجا با نورالحق و شیرزاد فوتو های دلچسپ از صحن فاکولته و محلات دلچسپ اش گرفتم با آنها خدا حافظی کرده بسوی شهر به تنهایی رفتم ولی با خود تلفون نداشتم سوار بر بس وریکشا (اتو) بخاطر خریداری یک پایه ماشین کالا شویی در سی پی رود رفتم، گرچه خیلی عذاب شدم اما برای فرزند آخرین خانواده و (کیچکینه) می ارزد برایم نگاه به لالا باغ، روز نامه سالار و مدرسه فرقانیه عالی بنظر رسید صدا آذان در 5 تام در این شهر به گوش میرسد مسلم و هندو در این شهر صمیمی اند و من پس از چنه زیاد در عالم تنهایی بلاخره یک تحفه بزرگ به پسر م که همانا ماشین کالا شویی است خریداری کرده ساعت 7 به حرکت آغاز و ساعت 9 بجه بوسیله اتو به لیلیه رسیدم در این مورد سخت اشتباه کردم

زیرا ارتباط نداشتم احمد ولید و ذکریا خیلی پریشان بودند اما هدف من بردن ماشین کالا شویی به پسر م بود که این پلان خلاف اراده احمد ولید عملی گشت.

سفر به میسوریا

در زمان استقامت در لیلیه محصلین کمی خسته شدم زیرا تنها بودم به مشوره خان زمان و خیرالدین سوار بریس بسوی شهر پر آوازه و کهن سال میسوریا که راجاها و شهزاده گان نامور هند و منطقه را در دل خاک جاداده است و افتخارات بزرگ را نصیب این سرزمین کهن سال نموده اند، حرکت نمودیم . مترجم و همسفر م خیرالدین شیر زاد که اکنون در سمستر پنجم سال سوم فاکولته آچاریا پا می گذارد، می باشد .

13 بر 14 می میسوریا رسیدم ، بس تمام سهولت های لازم را بمثابه سفر مود روز از قبیل تلویزیون، پاکی و صفای با خود داشت ، با پایین شدن از بس دلا لان پیدا گر محل خوب با عکس های و قیمت هتل ها مسافرین را می یابند . اکنون ما را اسلم خان میسوری که مسلمان است ، یاری می دهد. متاسفانه باعجله در سفر چارجر موبایل و چارچ کننده کامره را بشمول پاسپورت ها و حتی کارت محصلی فراموش ما شده بود که بسیاری هتل ها بما شک آوردند در 3 هتل که اسلم ما را همراهی میکرد به بهانه از پذیرش ما کنار رفتند سرانجام در کنار پولیس استیشن هتل یافتیم و خود را کاملا نا بلد احساس می کردیم و تا این زمان جدی به افغانها مراجعه نکرده بودیم .

نورمحمد نور اهل آقچه به تلفون خیرالدین پیام فرستاد تا خانه اویبایم بعد از آنکه هتل را یافتیم واسلم را خرسند ساختیم کباب مرغ را در هتل ملی شهر صرف کردیم که خیلی ها چرب و تلخ بود و هرچند بوتل های آب را می

نوشیدیم تشنگی فروکش نمی شد زیرا در شهر های هند چای تیپ افغانی وجود ندارد و بالای روغن پیوسته آب نوشی دست و پا و بدن را خسته می سازد ، چای در هند یک گیلاس قهوه کوچک است که کیف نگارنده را تامین نمی کند ، اما خیرالدین که دو سال را سپری کرده به آن عادت کرده است .

سی دالر بخاطر یک چای سبز افغانی

ناارام در بستر تهیه شده خوابیده بودیم که سوار بر موتور سایکل نورمحمد آمد و ما را با خود برد در حالیکه محل را اجاره کرده بودیم ولی بخاطر یک چای سبز افغانی آنهم در اتاق یک افغان خیلی دور از شهر رفتیم و 30 دالر را به قمار زدیم در اتاق نور مطیع الله تازه و نوید حاحی انتظار ما را داشتند . صحبت های افغانی به عنوان بد گویی یک رهبر و خوب گویی دیگر رهبر تا 2 بجه شب ادامه یافت شیرزاد با نور بعضا به لسان ترکی صحبت می کردند فردا آن این جوانان بسوی کالج خود رفتند ولی دو افغانی که در منزل دوم زنده گی داشتند به سلام ما نیامدند ، مسافرت در بس که 142 ک .م از بنگلور فاصله داشت 3 ونیم ساعت را در برگرفت .

فردا صبح نور صاحب و نوید جان صبحانه بما دادند و با اخذ 2 و 3 فوتو از نزد این سه جوان رهسپار شهر میسوریا به قصد تماشا از محلات تاریخی این شهر قدیم دنیا گردیدیم ، ساعت 11 بجه قبل از ظهر ذریعه ریکشا که انرا در هندوستان کبیر اوتو می نامند به قصر مهاراجا رسیدیم با اخذ تکت بداخل قصر شدیم ، کامره انجنیر خیرالله را باخود داریم، در زنده گی محصلی همه چیز قرض قرضک و طلب طلبک است نگارنده مرد کهن سال اکنون در رول محصل وارد زنده گی شده ام .

مختصرا با اخذ تکت داخل قصر گردیدیم ولی راهنمایان زیاد اطراف ما را حلقه زدند تا با پرداخت پول ما را گردش در تمام نقاط قصر داده وسیر علمی انجام دهند، اما خیرالدین مخالفت ورزید و خودش به تشریح مسایل پرداخت. مفکوره دعوت یوسف مالستانی که شب ما را احوال گیر شده بود به ذهنم خطور کرد و او را زنگ کشیدم

این شیریچه افغان که انتظار قلبی پذیرایی ما را داشت بعد از نیم ساعت لنگ لنگان با وجود تکلیف پایش بما پیوست اکنون خود هارا راحت احساس می داریم چون شخص فعال وبلد کار اداره امور را بدست گرفت، هوا امروز کمتر گرم است و سیاحت در گرما حوصله می خواهد منکه بسیار آثار نوشته ام و شش سال در حکومت کرزی بیکار بودم و 53 سال عمر دارم نسبت به جوانان در تماشا محلات و گردش با حوصله و تنومند تر بودم بعد از آنکه تصاویر چند از قصر میسور و مهاراجا پادشاه برداشتیم بداخل قصر که یوسف مارا می برد در اطراف قصر معابد زیاد وجود دارد در یک آن داخل شدیم که خدایان زیاد دارد و مردم مصروف عبادت اند، این قصر که از اسلحه، میدان پهلوانی، اسلحه جات برای مقابله، سالون جلسه، سالون رقص و آواز، موسیقی و بزم، نمونه های افزار و وسایل جنگی، لباس رزمی، صندوقچه ها، محل نگهداری اشیا قیمتی، چوکی و صندل های کاری و سالون پذیرش مهمان و لفت قدیمی را که از پایین به بالا و برعکس با خود دارد، همه آن قابل تماشا است .

بسیاری ها فوتو برداشتیم و بایک خانم زیبای کولمبیایی بنام گولیرا نیز . میسوریا در حدود 700000 اهالی دارد ، این شهر یک شهر آرام نهایت تاریخی با داشتن آب و هوا مناسب تر در تناسب بنگلور کم ازدحام از لحاظ

گشت و گذار مردم و وسایط اما پاک و تازه و دارای کوه های کوچک و تپه و چمن ها مملو از گل و گلزار و شهر همیشه بهار ایالت کرنا تا کا.

از برنامه ای که آقای نور و مالستانی با ما طرح ریزی کرد نسبت نبود وقت چمن تپه که خدای بزرگ بمیان آمده در حیدر آباد را که اینجا زیب و زینت داده اند و متعلق خدای زنان می گردد تماشا کرده نتوانستیم ، ناگفته نباید گذاشت که قصر میسور بعد از تخریبات زیاد انگلیس ها در سال 1901 اعمار مجدد گردیده است . ما از نقاط مختلف قصر میسور، باغ وحش، سلطان تپه، موزیم سلطان ، محل شهادت سلطان ، معبد خیانت کار به سلطان و باغ خدای بزرگ که بنام باغ بیرینداون در 17 کیلومتری از شهر میسوریا موقعیت دارد، تماشا بعمل آمد که مهاراجا آنرا در سلطنت خود اعمار و اکنون محل باز دید عام و خاص است این باغ در ساحه کرشنا راجا سگره (بحر) موقعیت دارد که جالب ترین بخش آن رقص آب با نظم موسیقی بوده که هزاران هزار تماشاگر را نه تنها از میسور و بنگلور بل از مندیبا، منگلور ، ایالات کریرا و گوا و سایر نقاط هندوستان بسوی خود جلب کرده و تماشاگاه عام و خاص می باشد و در بالای تپه مجسمه مهاراجا جابجا بوده که جناح چپ باغ را دیوار های مشابه دیوار چین احتوا کرده است که تا محل رقص آب پل طویل مردم را از یک سوی بحر بسوی دیگرش می کشاند .

مردم میسوریا مانند سایر مناطق کرنا تا کا به زبان کنه دایی صحبت می دارند البته زبان متذکره با کشور کانادا نباید مغالطه گردد ولی مردم مسلمان اش اردو را بلدیّت دارند . کلمات و نگارش های زیاد به زبان اردو در شهر میسوریا دیده می شود و مسلمانان کثرت زیاد داشته آذان در تمام بنگلور میسور به تام 5 وقت به گوش شنیده می شود.



در اقامت دو یومیه بدون از روز رفت و برگشت در حالیکه روز اول قصر میسور و باغ وحش تماشا گردید و روز دوم محلات تیپوسلطان و باغ مهارا جا . تاریخ نگاری محل چه مقدم و چه تاخیر تاثیر گذار جدی در روند بیان مسایل تاریخی نمی باشد، اما از عدم تسلسل اش چندان هراس ندارم.

بازهم سخن از میسور و میسوریان است پس از غذا چاشخانه بسوی باغ وحش که در تمام لوحه ها و تبلیغات بصری مسیر راه از ان ذکر شده است، سرزدیم اگر آهسته آهسته تماشا کرد دوروز را تماشا آن در بر می گیرد دورانی 4 ک م. مسافه دارد و چه مخلوقات در دنیا نیست که در اینجا وجود ندارد، باغ وحش میسور هیبت ناک و خیلی ها وسیع است در آنجا ظرافت های بلند قامت، انواع پرنده گان، شیر ها و ببر های رنگه، گاوهای وحشی لشکریان از آهو، آهو یان مشابه گاوها، گوره خر، پلنگ و خرس، شادی دم دار، شادی

سیاه، شادی سرخ، گوریلا با حرکات مشابه انسانها، روباه ها، شغال، موش، تمساح، انواع مختلف مارها، باز، قاص، مرغابی، لک لک ها، خرگوش، سنگ پشت، بقه وبوم وبسیار حیوانات وپرنده گان وچه وچه که نبود همه جالب و دیدنی که اکنون نام زیادی از آنها را فراموش کرده ام، وجود داشت.

درمورد تیپو سلطان

اکثریت مردم دنیا تاریخ را مطالعه دارند واز برگ های آن کم و بیش مطلع اند که در قرن 18 میلادی کمپنی شرقی هند که توسط انگلیسها رهبری می گردید بتدریج آغاز به کار و فعالیت و سرانجام به نفوذ سیاسی و نظامی بریتانیا که قوی ترین کشور استعماری آن زمان بود در هندوستان ظاهر گشت. دقیق ماه و سنوآت آنرا تحقیق نکرده ام واز کسی پرسش ودوباره شاگردی را نیز پذیرا نیستم بود نبود از روی علایم وشواهد متعلق راجاها وسلاطین بوده که به گفته عمران پادشاه باشنده مسلم شهر میسور این سلاطین باروش های حکومت داری متفاوت بوده اند که مردم از روش حکومت داری تیپو سلطان وپدرش که سه صد سال از آن گذشته به نیکویی تاهنوز یاد می کنند وخاطرات این خانواده عدالت پسند وآزادیخواه را گرامی می دارند.

پدر تیپو خان حیدر علی خان نام داشته وبر ایالت کرناتا کا فعلی مانند سایر راجاها که مرکز آن شهر میسوریا بوده، حاکمیت کرده اند مادر کلانش مدینه بیگم نام داشته وتا حیات نواسه اش تیپو در قید حیات بوده است. پس از آنکه 18 سال از حاکمیت حیدر علی خان می گذرد، پسرش تیپو سلطان بر تخت سلطنت جلوس می کند و موصوف نیز مدت 18 سال حاکم وفرمانروا این منطقه سر سبز، حاصل خیز جنوب هندوستان بوده است



مادر تیپو فاطمه بیگم بوده و قوماندان برجسته اورا میر محمود ملک خان نامیده اند این اسمها را بزبان اردو ودری با تمام نگارش ها در دیوارها، قبرها، مقبره هاو گنبد این دلیر مردان راه ازادی ودین دریافتم.

در گنبد تیپو (تیپو ، پدر ومادرش) مدفون است در جوار مقبره اش مادر کلانش مدفون است .

تیپو چنان سلطان دلیر و شجاع بوده که استقلال، عزت نفس و آزاده گی را نسبت به اسارت و برده گی به هزاران مرتبه ترجیح داده بنا انگلیس ها به هیچ یک از اعضای فامیل وی از طفل گهواره تا کهن سال ترین ترحم نکرده همه را به قتل می رسانند به قبیح ترین شکل .

زیرا تدارکات حربی وی و بویژه حفر خندق های اطراف قرارگاه و محل زیست اش که انگلیس ها را بسیار غذاییده و از تجارب جنگ خندق در زمان حضرت محمد(ص) که به ابتکار سلمان فارس صورت گرفته بود سخت استفاده می کند، دشمنان دین و میهن اش را سخت غافلگیر می سازد و ضربات سنگین و فقه ای و مهلک را پیهم وارد می سازد . از روی این حفریات دوره ای معلوم میشود که

متجاوزین چگونه در این گودال ها می افتند و در نتیجه گزمه و کمین و شب خون زدن ها به انها تلفات زیادی وارد ساخته است که می توان وی را عاقل ترین فرد نظامی نامید.

فکر می کنم ستالین، هتلر، ژوکوف، کاسترو، تیتو و دیگران شاید از این مرد آموخته باشند .

اوسلطان میلیون ها انسان کرنا



تا کای فعلی بوده و هرگز مانند مولا نا جلال الدین بلخی تمیز رنگ و بو نمی داشت او میان هندو و مسلم و سک فرقی را نگذاشته است و همیشه یک چیز را خوب به شیوه اسلامی می فهمانده است وطن، حب وطن، همسایگی نیک و اعتقاد به ادیان مربوط، ترحم، عدالت و آزادی.

تیپو به آسانی به شهادت نرسیده او مبارز بوده که هرگز سنگر را رها نکرده و در پیشاپیش نبرد ورزم قرار داشته وی با مردانگی یک تن در برابر ده ها تن جنگیده تا جام شهادت را نوشیده است این سلطان در سال 1799 به شهادت می رسد. ولی تا امروز تمام مردم هندوستان و بخصوص 400 میلیون مسلمان هندوستانی او را همچو محمد علی جناح قاید اعظم و شخصیت عدالت خواه می پندارند.

تیپو به عمر 30 سالگی به قدرت می رسد و در 48 سالگی مانند بابر شاه و شاه محمد هوتک جان خود را به جان آفرین می سپارد اما تیپو به آسانی طوریکه ذکر شد کشته نشده است او هزاران مهاجم را قبل از خود به گورستان ابدی سپرد ولی هرگز چهره اصلی خود را در میدان نبرد آشکار نساخت.

راجا خان هندی که غیر مسلم بود بحیث خدمت گار او کار می کرد حتی در زیر فشار و شکنجه نیز محل او را افشا نمی کرد، شور بختانه یکی از مقربین در بار وی در حالیکه او معبد برایش ساخته و جام لباس نقره ای برایش تحفه کرده خایانه محل زیست فامیل و چهره اصلی وی را با انگلیس ها معامله می کند میسوریان عملکرد این خاین را نکوهش و ازوی ابراز نفرت می کردند. قلعه شیری رنگ پتنگ محل اصلی زیست وی بدون از آرامگاه بنگلوری اش بوده و این محل 14 ک. م. از میسوریا فاصله دارد و مانند نسل اش از این جا کدام نشانه وجود ندارد.



زمانیکه تیپو در محل موزیم کنونی سلطان محاصره می گردد و آگاهی می یابد که هیچ یک از افراد و اعضای فامیل اش حیات ندارند و او تنها آخرین لحظات زنده گی را بسراغ مرگ و شهادت می گذراند و حال نمی داند کلید خزانه را به که تسلیم نماید در چند متری در یای وجود دارد و بسوی دریا می شتابد و کلید را در میان اب پرتاب می کند تا بدست انگریزها نماند و هندو و مسلمان این دریا را بزبان دری مانند نیت نماز در یا دولت می گویند سلطان آخرین و آخرین شهید می شود تا 2 ک. م تن به تن شمشیر میراند مردم از دلاوری شیخ حسین سرباز سلطان و غلام علی خان قوماندان اش سخت توصیف می کردند سه قرن گذشته اما تاریخ نسل به نسل و سینه به سینه تکرار می شود .

فرزند اول او عبدالخالق، دومی اش فتح حیدر، سومی معزالدین، چارمی غلام محی الدین، پنجمی یاسین خان، ششمی سبحان الله وهفتمی شکرالله نام داشته است. ساحه جنگی او تا 42 ک. م. شهر کنونی مندیافعلی بوده است. قبل از شهادت در کنار مقبره فعلی اش در ظرف 24 ساعت توسط کارداوطلبانه مسلمین مسجد و اوقاف بنا کرده که بزبان دری نگارشات موجود است. گفتنی اند که مسجد جامع کنونی در نزدیکی محل شهادت او در 24 ساعت پس از خواب وی اعمار گردیده است. نماز ظهر را در امامت مولوی میسوری در مسجد جوار گنبد سلطان با خیر الدین کندزی ادا کردم تا روح این بزرگ مرد شاد باشد و فرض بجا گردد.



موزیم فعلی سلطان که کنار آن طوریکه قبلاً گفتم بنام دولت باغ و دریا دولت مشهور است از تمام نقاط دنیا از صف بندی لشکر، توپ های بزرگ با سنگ پرتاب ها، لولاندن سنگ ها از بالای کوه بر سر دشمن، گرچه اینجا کوه وجود ندارد اما تپه های سنگی وجود دارد، گادی، اسپ ها، سواره، اسلحه جات، تفنگ ها، لباس های مختلف مشابه گویچه مردم شمال افغانستان، شلوار، لنگی و غیره همه و همه در موزیم دیده می شود.

تکت نمی رسد به بس هاییکه مردم را به تماشا موزیم سلطان می آورند، سیاحین، مورخین و تماشا چیان مقبره و موزیم سلطان را عکس برداری می دارند.

در اینجا اسپ های فراوان وجود دارد آثار قدیمه و عتیقه در دکاکین جهت فروش وجود دارد ولی به قیمت بلند عرضه می گردد.

در بازگشت تاریخ 16 می توسط ریل که حدود سه ساعت را تا مجیستیک مرکز بنگلور در بر گرفت نیز خسته کن نبود با آقای مهیش دوا ساز، رنگاپا و سونیچا دختر شان و مالا دختر دیگر سیاه پوست هندی که غیر مسلم بودند از مبارزه برحق سلطان تیپو و مشابه آن از مبارزان آزادیخواه افغانستان یاد آوری کردیم و در برخی محلات عکس ها گرفتم و تپه های رام نگر در 20 ک. م دیدنی و جالب است که خداوند به قدرت خود چگونه آنها را خلق کرده است.

17 می قرار برنامه داکتر معالج پای چپ که به مرض تقریض گرفتارم و بدین مقصد و به هدف مرور زندگی پسر امجد ولید جان به بنگلور آمده ام و در شفاخانه کولمیا - آسیا مصروفیت تداوی دارم در چند دقیقه محدود کارم اختتام یافت. داکتر موظف بمدت 15 یوم دیگر تمدید ادویه کرد و مرا بعد از 3 و یا 4 ماه دوباره برای عملیات دعوت کرد و مصرف آنرا 2000 دالر امریکایی رقم زد.

از این معضله که فارغ وال شدیم چون تایم برای مان زیاد مانده بود بسواری بس ورهنمایی ذکر یا ذکی از لال باغ مشهور تماشا کردیم . تماشا لال باغ که در امتداد سرک آن روزنامه سالار به زبان



دری نوشته شده است که پیشتر از آنمدرسه الفرقانیه موقعیت دارد محل عالی تفریحی این باغ محسوب می گردد رفتن به بنگلور وعدم تماشا لال باغ کار خوب سیاحتی محسوب نمی گردد ، درحقیقت تماشا این باغ آهسته آهسته یک روز را دربر می گیرد.

اما در صورت گرسنگی و تشنگی در برابر پول مانند ریل و طیاره در کشور هند غذا و خوراک و نوشابه با تفاوت نرخ بالا فراوان وجود دارد، عاشق بازان، فامیل های کلان سال، جوانان و محصلین، هندو ها و مسلمانان در باغ گشت و گذار داشتند باغ 2 دروازه بزرگ دارد، در میان آن آب ایستاده با گل های روئیده جالب است، شادی ها در بالا و میان درختان با انسانها آمیزش کرده ، گربدست ات کیله ویسکیت باشد از بویش آنرا میرباید. حوض بزرگ در میان ماهی ها و درختان کهنه و پربرگ و عظیم با گل ها و گلبرگ ها و دیگر آسوده گی ها به زیبایی باغ افزوده است اینکه لال باغ (لعل باغ)

تجارب از هندوستان در سال 2013

است و بنام که مانده شده است چون زیاد انگلیسی وارد و نمی دانم تحقیقات کرده نتوانستم اما تپه های سنگی خدا داده این باغ شگفت آور است که خداوند



بزرگ با نقشه و دیزاین این تپه سنگ هارا چنان آفریده مانند دست کاری نجار چوب هارا . در یک تپه سنگی جناح چپ باغ بالا شدیم که حاجی محمد اسماعیل از افریقای جنوبی و همسرش بی بی حاجی فوزیه را ملاقی شدیم آنها وقت فراوان نداشتند و هوا کم گرم بود او خود را از مسلمانان افریقای جنوبی معرفی داشت با ما محبت زیاد کرد و عکس های یکجایی گرفتیم و بسوال من افزود که در کشور 60 میلیونی افریقای جنوبی 3 میلیون مسلمان اند و افغانهای زیاد وجود دارد که مصروفیت تجاری دارند اونگارانده را به افریقای جنوبی دعوت کرد.

موصوف کلمات چند از قران شریف گفت و طوریکه مشاهده کردم برمسایل دینی شخص وارد بنظر می رسید .

بعد از صرف غذا چاشت در بازگشت و در انتظاری بس خیلی ها خسته و نا آرام شدم و با ذکر یا ذکی بسوی آچار یا در بس رنگ سرخ سوار شدیم که در آن که یک جوان غیر مسلم برازیلی و دیگری از روندا با دخترک سبزینه رنگ زیبا مسلمان که 19 ساله خود را معرفی کرد و از کشور تانزانیا از شهر

دار السلام بود به اسم رقیه در کنار هم نشسته و با شوق و ذوق صحبت می کردند این دخترک بامن سر صحبت را گرفت و پرسید که شما از کجا هستید به موصوفه راجع به افغانستان و کلتور اسلام معلومات دادم او علاقه مند معرفی با احمد ولید خرم و ذکریاذکی گشت و آنها باهم معرفی شدند در این سفر داخل شهرچه ذکر یا مرا حمایت می کرد تا فشار روانی در خستگی ها برآیم رخ ندهد اما او را مانند خیرالدین و یوسف از نبود ترانسپورت و چالاکی در یوران ریکشاهها که ایشان قصور نداشتند سرزنش می کردم البته نسبت بزرگ سالی ام آرام و شونا بوده و تحمل جوانی میکردند که از ایشان متشکرم.

مهمانی در ریل

ما دامیکه 2 می 2011 به بنگلور رسیدم خود را به پلان برگشت پسر و رفقایش بتاریخ 21 می عیار ساختم قیمت تکت ریل از بنگلور الی دهلی جدید 2000 کلدار هندی بود ولی مسافه حدود 2500 کیلومتر را دربر می گرفت .

ریل آخرین مدرن هندوستان را سوار شدیم ساعت 12 بجه شب بر 22 می آ غاز به حرکت کردیم 23 می ساعت 8 بجه صبح به دهلی جدید پس از محل بنام نظام الدین با صرف صبحانه مواصلت کردیم در این مسیر از ایالات همچو کرنااتاکا بانفوس 56 ملیون که مرکز آن بنگلور دارای 9 ملیون اهالی، اندراپردیش مرکز آن حیدر آباد از محل ناک پور ایالت مها راش ترا که مرکز آن بمبی، مدیا پردیش که مرکز آن بوپل، اوترا پردیش که پایتخت

هندوستان، زنده گی اجتماعی با همی هند و مسلم، سک و غیره همه همه که عاری از تعصبات و تخریشات با چنین وسعت خاک و افزایش نفوس نمونه مثال خوب دموکراسی شده می تواند، با کمتر آشنایی به لسان جوانان هندی همچو حامد، راجو، دپیک، شیکر و سنجی اطراف ما را حلقه زدند و بسا مسایل مشترک تاریخی و فرهنگی مان را منجمله نقش زبان فارسی را در هندوستان و علاقمندی افغانها را به کلچر و عنعنات هند و بویژه تماشای فلمها و سریال های هندی را در افغانستان مورد بحث قرار دادیم. مسلمانان هند به اردو و انگلیسی بلدیت داشته و محصلان افغان با هر دو لسان بصراحت صحبت می کردند، در سفر ریل بسیاری مسایل فرهنگی و رواجهای هند از قبیل ازدواج ها و اینکه پسران بادر نظر داشت درجه تحصیل شان (لسانس، ماستر و داکتر) از طرف خانواده دختر پول پرداخته می شود برایم صحبت کردند.

مردمان هندوستان فروتن، زحمتکش و خیلی متواضع اند آنها منافع اقتصادی خود را بدرستی می سنجند و به ان سمت حرکت دارند اما بدون اینکه به خشونت، فریب و نیرنگ دست بزنند، چنین خصیصه در پاکستان و ایران ضعیف به نظر می رسد.

هندو، مسلم و سک در کنار هم عبادت دارند و زنده گی دارند اما علی الرغم تبلیغات ها رسانه ها در برخی حالات با یکدیگر کدام دشمنی و خصومت نمی ورزند 23 می زمانیکه به دهلی رسیدیم هوا دهلی خیلی ها گرم بود. مردم به گشایش مغازه ها، در ملتون ها و مارکیت های شان عصرانه آغاز می کردند گویا در روز همه خاموش و استراحت در منازل شان اند و عصرانه به کار می روند.

یک شب را سپری کردیم و 24 می به قصد میدان و رسیدن به کابل بسوی میدان آمدم و نسبت گرمی هوا تایم را تصمیم گرفتیم در میدان سپری نمایم ناگفته نباید گذاشت که در هند 3 میدان بزرگ هوایی وجود دارد میدان هوایی محلی دمستیک با شماره 1، میدان هوایی بگاژ با نمبر 2 و میدان بزرگ و پر زیب و زینت بین المللی نمبر 3 که در داخل خدمات و سرویس، چک جدی، انطباق و دسپلین، طول و عرض بزرگ اش، موجودیت فروشگاه ها با تمام مواد لازم، مترو در روی زمین و داخل ترمینل در تابستان چنان سرد و در زمستان خیلی گرم و قابل وصف است.

روش افغانها در هند

آنچه در تفاوت از سایر ملل جهان در میدان هوایی بمشاهده رسید تنها افغانها بودند که نوبت را مراعات نمی کردند در صف بندی به طبقه اناث و بزرگسالان احترام نمی گذاشتند.

طوریکه محصلان افغانی را نسبت اخلاص عام در محافل چند صد نفری و هزار نفری نسبت فریاد زدن و بی نظمی شان در دانشگاه شهر میسوریا از تشکیل اجتماعات و اشتراک در محافل منع ساخته بودند. همه نماینده گان کشور هاییکه به آلمان، انگلستان، تاجیکستان، عربستان، چین و داخل ایالات هندیا سفر داشتند تنها افغانها در تسلیمی بگاژ و ارایه اسناد و خانه پوری فورم کوچک و هنگام چک نمودن پاسپورت و تاپه خروجی پریشان حال و دست و پاچه بنظر می رسیدند

مشکل دیگر که در دهلی وجود داشت برخی از افغانان مقیم آنجا که بیشتر شان محصلین اند نفع بیشتر از جیب هموطنان شان به هندیها می ریزاندند و

وسیله خوب سود اوری به نفع ساکنین دهلی در حساب کرایه اتاق ها، دعوت به هتل ها اخذ ادویه و رهنمایی به دوکتوران و شفاخانه ها بودند. شاید این هموطنان ما مجبوریت ها خود را داشته باشند بعضا فکر میکنم که برخی ها عادت به چنین اعمال کرده اند. طور مثال یک محصل که در یک سال 100000 کلدار هندی در دهلی فیس می پردازد و به همان مقدار سالانه حد اقل کرایه اتاق و غذا می خورند نباید ده هزار و بیست هزار پول حلال نکرده را از هموطن خود بریابند .



در صورتیکه کدام وکیل و سناتور که اکثریت شان ثروتمند اند و یا وزرا پولدار کابینه و یا کدام تاجر و جنرال لطف و بخشش اعطا می فرماید این سخن دیگرست درحالیکه از بیچاره گان و مظلومین که بنابر نا آرامی ها در پاکستان و پایین بودن سطح تداوی در کشور به هندوستان میروند و از وضع و صحبت های شان نیز هویدا است که نباید از ایشان بهره کشی مادی خلاف آرزو و میل شان گردد.

سخنان آخر

پس از پایین شدن از ریل طبق برنامه طرح ریزی شده که بایست از قطب منار و تاج محل در اگره و نظام الدین اولیا تماشا می کردم ولی نسبت گرمی هوا و نبود وقت این کار عملی نگردید.

بسیاری از محلات مشهور همچو راجستان و مناطق دیگری را که هندیها اثار باستانی تاریخی مسلمانان و پادشاهان شان می نامند همچو تاج محل در اگره، لعل قلعه، مسجد جامع، قطب منار و نظام الدین اولیا در دهلی جدید، چار منار در حیدر آباد، مقبره شیر شاه در سرسام ایالت بهیار که در 700 کیلومتری از دهلی و سراج الدوله در بنگال در 2000 ک م و خواجه محی الدین چشتی در اجمیر راجستان در 600 ک م. دهلی محلات تاریخی و زیارتگاه عام و خاص می باشند.

بنابر خالی بودن جیب، کمی وقت از این جاهای تاریخی بازدید نتوانستم. بطور مختصر دهلی جدید، شهر بنگلور (لعل باغ، هیسل باغ، کبن باغ) و در شهر میسور (قصر میسور متعلق به مهاراجا، باغ وحش، باغ بزرگ خدای زنها مقبره سلطان تپو، مسجد جامع، محل شهادت، موزیم سلطان، باغ دولت

ودریا دولت، کاغوش سربازان، طویله و محل طهارت و مقبره تمام گذشته ها سلطان تیپو باغ زیبا اش باتمام فرعیات) که شرح آنها در بالا آمده است تماشا نمودم .

در فرجام باید نگاشت که رییس جمهور هند پرتی با دیوی سنگ پاتیل، اهل کریلا هندو، صدراعظم اش من موهان سنگ از پنجاب اهل سک و معاون رییس جمهور آقای حامد انصاری از دهلی واز نامش معلوم است که مسلم می باشد ، اند .

در ولسی جرگه کشوری با نفوس یک میلیارد و دو صد میلیون هندوستان 556 تن ودر مشرانو جرگه آن 250 نفر عضویت دارد. امدار کشور فقیر مانند افغانستان که 30 ملیون نفوس دارد 248 تن در ولسی جرگه و 102 تن در مشرانو جرگه عضویت دارند .

در هندوستان 2500 زبان وجود دارد که 22 ان رسمی می باشد حکومت اش شبه فدرالی رییس جمهور اش هندو ، معاون اش مسلمان و صدر اعظم اش سک می باشد.

صلاحیت های رییس جمهور در قانون اساسی زیاد است ولی مطلق العنان نیست . رییس جمهور صلاحیت دارد ولسی جرگه را انحلال بخشد ، عمر رییس جمهور کمتر از 35 سال نمی باشد واز میان اعضای ولسی جرگه بر حال و اسبق تعیین می گردد .



طبق قانون هند تعلیم تا 14 سالگی اجباری است و ریس مشرانو جرگه معاون ریس جمهور نیز حساب می شود. پارلمان از کلمه فرانسوی مشتق شده و معنی آن گفتگو است، مشرانو جرگه (راجیا صباح) یا خانه دانش نامیده می شود، قانون اساسی هندوستان به گفته سید مرتضی دارای 395 ماده، 12 باب و 22 فصل است.

ما کجا اینجا کجا

فبروری 2013

مطالعات سیاست اجتماعی نخستین مضمون کالج دفاع ملی است. در حدود 37 روز مصروف آموزش آن شدیم. صحبت ها و فعالیت در گروپ های تحلیلی به ارتقای دانش مسلکی 100 تن اعضای کورس که از جمله 3 تن آن خانمها اند کمک جدی می رساند، و هکذا و ایس ادمیرال سونیل لمبا، جنرال انوراک گوپتا، کپتان سمیرو بریگدیر جیک شرما را سخت مصروف ساخته است. لکچرها طبق پلان یومیه عالی پیش برده می شود، اما پلان، پلان است و قرار عسکری قابل تطبیق.

ما اعضای کورس که در 7 گروپ تنظیم ایم حتمی است سفر 5 روزه کاری را به استقامت های مختلف ایالات هند داشته باشیم. سرگروپ عمومی ما انیل کپور است و هرگروپ، گروپ های 4 و 5 نفری کوچک تری را دارا می باشد، لیدران از میان هم صنفان زیاد است یکی افسر حمایوی، دیگری تنظیم کننده صنف، سومی در نظم داشتن بس ها و دیگر سرور گروپ چند نفری. این است نظم عالی رعایت دسپلین عسکری.

ادمیرال اول محمد ادیب از کشور مالیزیا به مثابه سرگروپ افسران خارجی که تعدادشان به 24 تن می رسد معرفی شده است انگلیسی اش از من بهتر است اما در بحث های عمومی و طرح سوالات سهم کمتر دارد، بهر صورت بخالت نمی ورزم زیرا خدا داده را خدا داده است.

پارتنی جمعه هفته اول خیلی فراموش نشدنی بود. 15 فبروری را بالباس های منظم عسکری همه ما ن خوب گذرانیدیم، میلاد النبی بر مبنای اصول

دموکراسی 25 فبروری توسط مسلمانان هند بخوبی تجلیل گردید، 26 جنوری روز تاسیس جمهوریت هند با چنان آماده گی جدی، تطبیقات نظامی ورژه عسکری و تمرینات که حتی شب ها و صبحدم ها آرام نخواایده ایم برگذار گشت. رژه، نمایش اسلحه و تخنیک و ترسیم یک صحنه محاروبی در 15 جنوری بیانگر حقیقت قوت اردو هندوستان در برابر دشمنان اش می باشد.



وایس ادمیرال سونیل لمبا قوماندان کالج همسرش و دگروال احمد از عمان با نگارنده

سخنران اساسی لوی درستیز اردو از اشتراک کننده گان استقبال خوبی کرد این جنرال چهار ستاره یعنی آقای ویکرام سنگ از سابقه داران جنگ توصیف، با بسیاری ها مصافحه نمود او خانواده های شهدا و سربازانیکه در حفاظت از سرحد شجاعت نشان داده بودند تقدیر بعمل آورد با ختم محفل

یکجا با آقای دگروال مسعود ستانکزی آتسه نظامی سفارت کبرای افغانستان مقیم دهلی قهوه و کلچه تهیه شده ستردرستیز اردو هند را صرف کرده از کلتور مشترک ما با هند ونظم ونسق عسکری شان در هنگام پرات وسلیوت ستایش بعمل آوردیم .

تجلیل از روز جمهوریت به اندازه 15 جنوری روز اردو با کیفیت و عالی نبود ، روز اردو با مراسم شاندار تجلیل گردید وآسوده گی وپروگرام های مناسب تفریحی داشت ، شاید ازدحام بیشتر مردم باعث آن گردیده باشد. مادرطول سال شش مضمون اساسی را در موضوعات مختلف به تحلیل میگیریم. ولی آموزش هر مضمون سفری را به داخل هندوستان برای تعمیم تجارب با دو سفر خارجی در یک کشور قوی ویک کشور در حال رشد درقبال دارد . کالج دارای کتابخانه معادل بزرگترین دانشگاه های منطقه است در جستجوی کتاب در مورد افغانستان شدم از کتاب خانه رکشا باون تحت اداره صوبه دار پاتک چیزی نیافتم .ولی این محل به مطالعه انفرادی واستفاده از انترنیت جای مناسب است .از خانم کهن سال که هفته بعد اش تقاعد نمود خیلی ها متشکرم ،زیرا زمانیکه راجع به کتاب درمورد افغانستان به زبان انگلیسی توسط نویسنده گان هندی وخارجیان برایش مراجعه نمودم موصوفه بدون تاخیر لست 132 جلد کتاب را توسط نویسنده گان مختلف هند و جهان در مورد افغانستان برایم در لوکر 2 آماده ساخته و گذاشته بود .



جنرال سنجیف شرما، قوماندان کالی و دگروال خرم از افغانستان

اجرات اداری معاون کالج آقای دگرمن دهر مندر سنگ که نام آشنا و زیبا مشابه دهر مندر بچه فلم دارد قابل وصف است.

از توافق موضوع تیزس بوسیله جنرال اردو 1 گوسامی در مورد: (سناریو افغانستان پس از سال 2014) اظهار سپاس می دارم که در نخستین بحث مرا درک نمود اورا جنرال قوی می حسابم در کالج موضوع 2014 آنقدر مهم گشته که حتی کسپیر دو بار به حساب من از این مسله یاد آوری نموده است، وعده آقای سودا کارچی در مورد دوست اش جنرال دپیک که چندان ارزش بما قایل نشد غیر عملی گشت، اما از پشتیبانی آقای سودا کارچی و درک اش از سوالات من خیلی ها خرسند ام راین، امر دیپ بیندر، بالا و آرو

در پهلویم قرار دارند. چیزهای غیر قابل فهم را برایم توضیح می‌دارند. در اصلاح سوالاتم بیندر همیشه آماده گی خود را نشان داده و کم حوصله نشده است. رفیق پیشرو ام آقای سنجیف شرما همیشه مرا خوش نگه میدارد. او دایما مزاح در مورد سیم کارت، کانتین کارت و راجستریشن میکرد و من حرف های گانندی را در مورد روتی، کپرا اور مکان تکرار کرده ومی افزودم که تحصیل، شغل وموتر نیز در شرایط کنونی مهم است در جناح راست دو مرد دیگری آقایون بالا و آروی اند. آروی دایما خوشحال ومسرور به نظر میرسد وتصور می شود که هیچ مشکل میهنی وفامیلی ندارد.

برخی افسران زبان روسی میدانند اما ازادانه صحبت نمی کنند رود کی سلطان الشعرا میگفت گر زبان دانی جهان دانی. هرش گوپتا از استعمال زبان روسی انکار نمی ورزد. بدین ملحوظ اورا افسر حمایوی قبول کردم جیک شرما این موضوع را تایید کرد اما مرا در پهلویش بجایی امریکایی در سیت نشاناند. همچنان صنفی دیگری ما سخنگویی خارج تشکیل که شاید کسپیر باشد در کار هایش خیلی جدی است اوبه حیث سخنگوی خارج تشکیل گروپ ما دایما از عقب تربیون کالج سخنان دلچسپ دارد که خنده های زیاد در قبال دارد. هکذا دوست دیگری داریم که هر روز در مورد بازی گلف سخنرانی دارد اما نسبت به همه سوالات بیشتر را آقایون هورا، سودا کارجی ومحترمه شالونی مشرا که حتی قوماندان کالج به سوالات شالونی مشرا نیز عادت کرده است تقدیم لکچر دهندگان مینمایند.

دگروال راجیف گوپتا داکتر کالج را زمانی در دفتر کوچک اش که مشابه پوسته صحنی در زمان جنگ است در رابطه با مریضی همسرم ملاقی شدم، موصوف با دادن یک یاد داشت کوچک به ادرس نامعلوم کا ررا بسنده

دانست واریه کمک بعدی را به آدرس هرش گوپتا گذاشت، هرش گوپتا همان روز سراسیمه بود و از بردن من تا کلینیک دندان و همکاری به دادن آدرس ابا ورزید.

ایام زیاد به تکلیف زکام و بلغم و درد تمام بدن دچار شدم که ادویه داکتر کلینیک اردو کارگر تمام نشد تا اینکه دوست ام آقای بیندر ادویه یونانی بنام بنیشه را خانه آورد و تا جایی وضعیت صحتی ام بهبود یافت.



دگرمن درمندر سنگ معاون اداری کالج در قطب منار

باری همسایه ام خالد اقبال از بنگله دیش در روز آمدن نواسه گان اظهار نمود که چرا تکسی را از طریق کالج تقاضا نکرده اید، گفتم در کار هاییکه توسط پول و خودم اجرا کرده می توانم کالج را اذیت نمی دارم، کالج برای درس، سفرها، راجستر، بهبود شرایط خوب در رکشباون و انتخاب کشور

خوب خارجی قابل اذیت می باشد سرگروپ عمومی آقای انیل کپور که ما را اولین بار نان و نمک ساخت ادم مهربان است و خانم اش محترمه شالونی بهترین و مودب ترین زن محله ماست که برحق اورا رییس شورا زنان کالج برگماریده اند، موصوفه در جریان ماه توانسته چندین جلسه زنان مصروف امور منزل را که روسای ارکان یک صفاکار و یک نان پز اند تدویر نماید.

جیم مولتی رکشا باون خیلی عالی و همیشه در خدمت است هارون جوان مرا در اجرای سپورت کمک می دارد ولی هرچند می کوشم از وزنام کم نمی شود، تصادف بد روزی بالباس افغانی تپ پتان ها جهت اجرای سپورت داخل جیم شدم که جنرال توپچی بالایم غضب شد و مرا عقب دواند تا چینج نمایم و گفت اینجا مشکل ایجاد نکنید که بعد ها بریگدیر شوخ جسوال این موضوع را در بس کلان ساخت و خدا خیرش بده که در لکچر هال نگفت زیرا او مرد جسور است اسم اش با کرکتراش تطابقت دارد.

این جنرال توپچی در حالیکه در محله ما زنده گی ندارد تصور می کند که همه اعضای کورس کالج مادونان اواند این جنرال بدخوی دو مسازیست را در اختیار دارد هارون و رفیق اش از او بسیار می ترسند و گویا که معاش خور او باشند. مصمم بر آن بودم تا دیگر چیزی نویسم تنها انگلیسی و کمپیوتر را تقویه کنم و خاطرات این تحصیل را به عنوان خاطرات تصویری از تحصیلات یکساله 2013 در کالج مدافعه ملی عالیترین موسسه تعلیمی نظامی هندوستان بدرجه ماستری در مسلک فلسفه دفاعی ویا ارکانحربی با نمایش فوتوها و چندین شارت نوته ها در البوم های زیاد در دو بخش زنده گی در کالج و غیر کالج تنظیم نمایم .

امروز 24 جنوری است خیلی خوش خوی در صحن کالج گردش داشتم در این خوشی حکومت هند بخاطر اعتماد اش در دادن ا دوانس مبلغ 34500 روپیه شریک است . چند رفیق ام خواهش نمود چیزی در مورد کالج بنویسم اما به ستایل کسپیر نوشته نمی توانم کسپیر در کلاس ما یک چهره نا معلوم که گاه یک ورق را بایان نقایص شوخی گویانه به نشر می سپارد از این رفتار کسپیر انیل کپور را خوش آیند نیست .



دگروال جورج ویدال از کشور پیرو و ادریس خرم

در جریان درس بعد از ظهر به صحبت های لکچر دهنده گوش ندادم و آغاز به نوشتن کردم، بیندر ورائینا خیره خیره بسوی ام می نگرند گرچه موضوع اصلی مطابق عنوان ما کجا اینجا کجا سفر بسوی سیکیم رفتن به پوسته ناتالیا در سرحد مشترک چین (تبت) و هندی باشد ، اما خلاف اراده سخن به درازا

کشید که از خواننده گان مقاله نسبت طولانی شدن معذرت می خواهم در این جا خواستم یک مرور کوتاه به فعالیت های کوتاه علمی مان صورت گیرد تا پیشینه سفر سیکیم دلچسپ واقع گردد در همین جا لازم به تذکر می دانم تا از کمک های عادلانه جنرال مستون آتشه نظامی و آقای راجکمار معاون شان در سفارت هند مقیم کابل نسبت انتخاب بنده به این کالج اظهار سپاس بدارم، قبل از ظهر همین روز سوالی در مورد رسانه در خصوص ویکی لیکس و تلویزیون الجزیره و گروه بحران نمودم زیرا در س همین روز مسایل فوق بود در حالیکه در اکثر لکچر ها سوالاتی با لهجه انگلیسی که دارم ارایه می دارم اما این یک موضوع خاصی بود زیرا تلویزیون الجزیره در رابطه با افغانستان زیاد تر فعالیت ها را برجسته می ساخت و اولین اطلاعات را پخش می کرد و ویکی لیکس و گروه بحران هنگامیکه مطلبی را در مورد افغانستان پخش نمایند یک جنگ مطبوعاتی و سرگرمی در کابل بمیان می آید و رسانه های طرفدار حکومت را سخت نگران می سازد. من نیز آدم خیلی با جرات ام هر حرکت منفی و یا مثبت که دارم رفقای هندی ام تایید می کنند نمی دانم در غیاب چه می گویند هر چند باشد دموکراسی شرقی باریکی های خود را دارد ولی آنچه را که تعلق بخودم دارد گر نفهمم چند بار واز چند تن می پرسم. این کالج کهن سال که 53 سال عمر دارد و در افتتاح آن در 27 اپریل 1960 فوتوهای گاندی ونهرو به مشاهده می رسد و اولین قوماندان اش بهادر سنگ بوده ، ما را به جا های مختلف هند آشنا می سازد و طوریکه آشنا شده ایم در مدت کم معلومات زیادی در ذهن ام پیدا شده است زمانی که مقاله زیبا را به نام از کابل تا بنگلور نوشتم در سال 2011 بود آنگاه آزاد بودم اکنون در چوکات دسپلین نظامی و رسمیات قرار

دارم ، کالج ما عالی ترین موسسه تعلیمی نظامی هندوستان است که از آن بالاتر در وزارت دفاع موسسه تعلیمی وجود ندارد ، اسناد ، نام و نشان، قوماندان و جنرالان و کارمندان کالج در دهلی و در تمام هند خیلی ها قدر و احترام می شوند طوریکه جنرال ارشاد رییس جمهور بنگله دیش دوبار در این کالج تحصیل نموده و دانش فرا گرفته است ، هکذا جنرال چهار ستار لوی درستیز اردو افغانستان آقای شیر محمد کریمی در سال 1991 این کورس(دوره 31) را تعقیب نموده است، بیندر توضیح داد که سیستم تحصیلات نظامی به این گونه است: اکادمی ملی نظامی در پونه سه سال، اکادمی تربیوی نظامی یکسال در دیرادون ماستری کالج قوماندانیت و قرار گاهی به رتبه های جگرن و دگرمن یکسال در جنوب هند ماستری، کالج حربی اردو یکسال به رتبه دگروال به درجه ماستری در میدیا پردیش.

کالج مدافعه ملی یکسال رتبه جنرال در دهلی ماستر و درجه بین ماستر و داکتر و ار کانحرب.

انیل کپور خیلی ها زحمت کشید تا جنرال انوراک گویتا رهبر صنفی ما را در تهیه صحبت پیرامون افزایش نفوس و ثبات آن راضی نگهدارند اما راضی ساختن این جنرال کار ساده نیست، جنرال گویتا سردار ارمی سوم خوانده می شود، جنرال گوسامی ارمی 1 شخص آرام و مهذب است که در حال لکچر کمتر دیده می شود و جنرال ارمی 2 را تا هنوز معرفی نیستم، در این مدت کوتاه پسر امحمد ولید خرم که به دیدن ما از بنگلور آمده بود با توشار پسر کپتان گروپ آقای سمیر دوست شدند ولی نگارنده و آقای سمیر تا هنوز شخصی باهم نان و نمک نشده ایم ولی او چنان مهربان است که یومیه صرف نظر از موقف اش با ما خنده می کند و احوال گیری دوستانه دارد اما در

پارتی اول با ایشان عکس ها گرفتیم و دیگر درک این فوتو ها نشد زیرا من نابلد هستم و آقای سمیر صاحب سخت مصروف .

در زنده گی انسان آنچه را که در تصورات اش خطوط می کند تحقق بخشیده نمی تواند اما سرنوشت گاهی ادم را به وقایع غیر قابل پیش بینی روبرو می سازد، هیچ تصور نداشتم و همیشه با مطالعه از در سهای تاریخ و گاهی در خواب و خیال تماشای کوه های همالیا بزرگ و تبت در کجا باشد در ذهنم بود اما از موجودیت شش لک انسان در سرزمین بنام سیکیم چیزی معلومات در دست نداشتم اصلا فکر نمی کردم که عضویت این کالج را حصول نمایم، بهر صورت پایان نخستین ماه آموزش سیاست اجتماعی هند را می گذرانیم و با یک سفر علمی و تحقیقاتی و کاری. انتخاب ما را به سرزمین زیبا، قابل وصف، دلکش و کوهی، دارای تپه های خاکی وسیع بر مقیاس مختلف و با داشتن تاریخ کهن بودیزم با گل ها و گلبرگ های مشهور در جوار و بطن کوهها نخست جهانی با توریزم مشهور و مملو از برف ها و یخدانها همالیای بزرگ کشاند سیر و سفر عالی ما با اخذ فوتوها حتی در نقطه 5 کیلومتری به اندازه 15000 فیت در عالیترین سرحد دنیا میان تبت و سیکیم خاتمه می یابد.



دگروال تین تون از برما، دگروال دیان از ویتنام، جنرال اندروپ از آسترلیا و جنرال استوارت از کشور انگلستان در قطب منار

در خط سرحدی میان چین و هند، تبت ایکه نیمه ساحه چین را تشکیل می دهد با سرباز سفید چهره و قد کوتاه و خورد سال چین دست دادن واخذ فوتو و چند متر پا گذاشتن در خاک تبت ونمایی از دیوار سازی در آنسوی مرز، قدیمترین راه ابریشم دنیا ما را با بازی گلف و موسیقی جاذب، غذا های متنوع ، استقبال محصلین جوان واهدا سیرتفیکیت ها به هر کدام.

در هر فاصله در مسیر راه قطعات نظامی لوای پیاده با جوشش وصمیمیت ما را پذیرفتند، استقامت حرکت از میدان هوایی بگدورا بنگال شرقی تا رنگپو وهوتل 5 ستار میفلر به پایتخت گن توک چنگو، تیگو ونتالویست دیدار از معبد بابا هربجن وعکاسی با شاگردان مکاتب آمده ازدیگرایالات.

این بابا از این سرحد سخت محافظه کرده از رتبه سربازی به تورنی رسیده است، اومخالف سرسخت چین بوده است ، سرحدیان در سال 2 بار آنهم در

15 می و 15 سپتامبر ملاقات دارند یک میل که 1.6 کیلومتر است و یک کیلومتر 3300 فیت است ما در نقطه 5 کیلومتر قرار داریم ، باید گفت در انسوی مرز ودر همین سرحد تمام سهولت ها از قبیل شاور ، کمود ، هال میتنگ، اتاق افنخارات، لکچر هال ،طعامخانه های آسایش آور وجود داشت از رفقای گروپ بنابر تصمیم در کالج اجی پال ورایننا نقش لوژستیکی، بالا (نام یک صنفی) در عکاسی مصروف بودند، دگروال شراوت در گلف و جاذب، دگروال سینا از بیهار معاون لوا 63، آشوک کمار، اقبال حسن، هارون خان از مناطق مختلف هند در بلند ترین نقاط کوه های همالیا مصروف خدمت اند و عدالت وزارت دفاع هند در ان است که این افسران به مدت 2 سال ودر سایر مناطق آسوده سه سال خدمت می دارند واضیحا هر فرقه 3 لوا وهر لوا 3 کندک وهر کندک 4 تولی دارد که این لوا از نقطه نظر تشکیلات تکمیل و آماده خدمت بود.

سرزمین میان کوه ها ودره های هموار بادریا در میان اش، باغات چای زار مشابه سالنگ، خنجان، دوشی و بدخشان و تخار افغانستان. با سواری در 7 موتر اداره ولایتی سیکیم وما هر یک نگارنده، اجی ورایننا با دریوری سمندر راجستانی، در برخی محلات پاسپورت تقاضا داشتند، سمندر راه آسام بسوی کشور بوتان را نشان داد. پرسونل کندک مسیر راه و قوماندان اش دگروال نان چاشت خوبی را تقدیم کرد و کلاه خوب عسکری را تقدیم مان کرد و فوتو های چندی داشتیم.

در مدخل هوتل دختران هندی مشابه چینیایی ها با انداختن مفلر ها به گردن هر یک ما را افتخار بخشیدند پیشامد عالی، غذا شبانه متنوع که هر یک سه بار خوردیم ترس از سپورت نمی بود ده بارمی خوردم از اداره حکومتی تاشی

چوپیل ما را همکاری می‌کرد سیماجان در راجسترشدن پیش آمد عالی داشت. جلسات با 17 تن از کارمندان حکومت و با سکرتر وزارت که شخص خوب بود با والی و معاون ناحیه نامچی و با رییس فاکولته اداره هوتل داری و شورا های محلی، معبد بودا و معابد هندو ها نقاط اساسی تماشا ها را تشکیل می داد.

دنی هنرمند مشهور سینمای هند که بنام دنی هزاره در افغانستان مشهور است که نقش خوبی در فلم بنام خدا گواه ساخته شده در بلخ، کابل و بامیان توسط امیتا بچن بنام حسین بخش دارد از همین دیار است پس فهمیده می‌شود که اکثریت چهره های مرد وزن سیکیم مانند دنی بوده این ایالت از افراد چین و نیپال با علاقه ای که به گاندی داشته اند تشکیل شده است و گاندی خود سفری در حیاتش به این جا نموده است.



فوتو در دفتر سكرتر وزير اعلى ايالت سيكيم

در اینجا صحبت از پیشرفت‌ها و عدم پیشرفت‌ها ایالت سیكيم نمی‌رود بلکه مسئله برسر آنست که ما به چه روبرو شدیم اکنون پایان کار است از دره زیبا و مقبول با تصفیه حسابات هتل بسوی ولایت در حرکت شدیم بدون از بیندر دیگران مقدار اخذ پول را کم نشان داده بودند به کم پولی مواجه شدم واقای بیندر مرا کمک کرده از نزدش خیلی‌ها متشکرم.



فوتو دسته جمعی گروپ در مقابل معبد بودا ایالت سیکیم

در شرتنگ مارکیت که جایی خوبی بوده گشت و گذار کردیم واقای اجی پال را سخت ازاریدم در میان 14 تن یک تن آقای تیرا پاتی از ساحه ملکی است او در ساز ماندهی گشت و گذار مان از ابتدا اخذ تکت ها و تقاضای پاسپورت های سه تبعه خارجی شامل گروپ با مشوره انیل کپور تحت اداره جنرال گوپتا عمل می کرد، شب اخیر در هتل اجی پال از قطعه سابق اش یک مهمانی مختصری به همه ساز ماندهی کرد که همان شب کپور و بعدا اجی پال مورد ستایش جنرال قرار گرفتند هم صنف ملکی مان ادم فعال بود، ندانستم اورا می شناسند، آیا رسمی معرفی بود، یا کدام پست بلند در اداره خدمات ملکی دارد ویا خود خود را می شناساند. با ستووارت جنرال قوای بحری انگلستان در مورد صرف غذا اینکه در روز 5 وحتى 6 بار بما لطف

کردند و ما چاق می شویم توافق نظر داشتیم مهمان نوازی، مهربانی، ادب و بیش آمد همه جاهای تماشا شده قابل ستایش بود دختران و پسران جوان کالج های دیگر در نزدیک معبد بابا هریجن با ما عکس ها گرفتند و از همه بیشتر به من علاقه نشان دادند از یک طرف دریشی دیجتل معمولی ام جالب بود و از سوی دیگر نام افغانستان در دنیا بدون معلومات خیلی خطرناک است که جوشش متعلمین را جنرال دیده مرا خطاب نمود که شما مشهور شدید.

در بازگشت در مسیر راه به تیمپل بزرگ سه همسفر هندی ام رفتند با نواختن زنگ ها و کشیدن بوت ها. من منتظر ماندم و در همان جا کسانی بودند که با پیاله های شیرچای که در هندوستان چای گفته می شود از ما استقبال کردند، چای به تیپ افغانی اش در این سرزمین ها معمول نیست ولی لشیاتی نگرنمبر 1 کابل کوچک است که معاملات، نانوایی ها و دواخانه ها همه مانند کابل است در انتظار به والی سیکیم چای تیپ دلخواه را برای ما تهیه کردند در شب اول اقامت در هتل 5 ستار کمتر در خوردن غذا اضافه روی کردم که به ان کپور ولونگ توجه کرده بود بعد ها در مورد صرف غذا حساس شدم مانند بیندر، اجی پال، ستووارت ولونگ عمل می کردم اما واقعا لونگ کم خور به نظر می رسید. برخی ها دو سه بار غذا گرفتن را عادت داشتند و من یک بار مکمل می گرفتم از غذا خوری و تعریف آن اگر بگذریم والی سیکیم مرد کهن سال ولی متجرب که بیش از 5 سال اداره این ولایت را بعهده دارد نسبت به چیف منستر و رییس ناحیه نامچی در جنوب سیکیم از ما استقبال گرم نموده و صحبت های شیرین نموده و با تقدیم کتب، چای خشک و هیل مشهور این ولا و فوتوهای مشترک ما را وداع کرد او در سه

موضوع تاکید جدی نمود: کلتور مشترک مردم، دموکراسی و حکومت داری خوب.

از دیدگاه من راپور ها و استماعات از جانب رهبری ولایت، چیف وزیر و کارمندان محلی حکومت بوده است زمانی می توان سیاست اجتماعی حکومت را فهمید که از افراد مستقل و علیحده راجع به زنده گی شان پرسیده شود طوریکه دریور حامل موتر ما سمندر راجستانی که دارای دو فرزند است و تا نیمه های شب مصروف ما بود دارای 5000 معاش، رییس شورا غیر حکومتی ناحیه نامچی و سکرتر اش که دیگر مصروفیت دولتی ندارند به اندازه 2400 و 1600 معاش دارند ولی دوست ما تاشی ماهانه 54000 حقوق اخذ می دارد.

بعد از سپری شدن شب الوداع در 5 ستار صبحانه حرکت برگشت پلان گردید، چند دقیقه منتظر تاشی بودیم و بعدا برسر کوتل های بلند نان تینگ که کارمندان کوچک دولتی ما را همراهی می کردند و در برخی محلات موتر های ما را توقف داده و علاقه مند عکاسی بودند جنرال که مرد حوصله مند است هیچگاهی تقاضای آنها را رد نمی کرد. هدف رفتن به سوی ناحیه نامچی ملاقات با شورای همبستگی و دیدار چای زار مشهور سیکیم و بزرگترین تیمپل میان کوه های همالیا که در اینجا با جنرال بودیم.



شاگردان انستیتوت اداره هتل داری ایالت سیکیم

حین رسیدن به ناحیه نامچی مانند دفعات قبلی به جنرال ورفیق ملکی ما دستمال های سفید تقدیم گردید به سایرین خصوصا به سه خارجی کم جرات مانند اینکه در اخیر بس جابجا میشویم از این امتیاز محروم ماندیم اگر من مشکل زبان دارم، نمی دانم ستووارت ولونگ چرا حاضر نبودند سر انجام به ناحیه نامچی رسیدیم خانمی ما را استقبال کرد و به منزل 5 در سالون کنفرانس ها بالا شدیم که چوکی ها اش بشمول چوکی جنرال بسیار کشیف بود، جنرال جای خود را تعویض و چوکی دیگر رابدستان خود پاک کرد، فکر می شود اینجا در یک سال کدام جلسه و تدابیری نبوده است. دریشی ام دیجتلی بود و برای من نشستن در هر گونه اراضی اهمیت نداشت و چند تن

محدود از ناحیه با ما بودند این خانم چینیایی چهره قد کوتاه، سفید پوست و میانه سال که به گفته بالا معاون رییس ناحیه است با استفاده از سلایت شروع به سخنرانی کرد، موصوفه چیز های آماده را از روی ورق خط خوانی کرد و به پاسخ های همسفر های مان جواب داده نتوانست به همکاران و مادونان اش مراجعه می کرد، آنها با وجود تقاضای جنرال و باتیا که سخنگوی گروپ ما بود نیز به ارایه معلومات از عقب تریبون و نشسته حاضر نبودند، خانم خیلی ها ضعیف، سراسیمه و آنقدر آگاه و خبیر از وضع منطقه نبود، اما به جنرال احترام بخشید.

در جناح راست ما خانمی دیگری نشسته بود که مقبول تر از اولی بود نامش را پرسیدم خود را بندیا معاون سکر تر ناحیه نامچی و اسم سخنران اصلی را گلوریا معرفی کرد، ولسوالی نامچی یک لک و چهل و یک هزار نفوس دارد، برای یک ناحیه نفوس زیاد است، شب اخیر را در یکی از هوتل های نامچی جوار تیمپل بزرگ سپری کرده صبحانه خود را آماده گرفتیم تا در مسیر راه گردد و بسوی بگدوره در حرکت شدیم قابل تذکر است که قبل از سفر به سیکیم قوماندان سنجی شرما از موجودیت دوست اش بنام دگرمن منظور بما یاد آور گشت و نمبر تلفون او را بمن داد تا موصوف در خدمت ما قرار گیرد در شب اول رسیدن از مباایل خود بوسیله قوماندان باتیا برایش زنگ زدیم او ما را پسند نکرد و یادی از ما بعمل نیآورد، دریک سخن منظورما را منظور نکرد و سخنان قوماندان سنجی شرما پا در هوا باقی ماند، در این مسئله محبت عسکری به مشاهده نرسید.

ازیک راه رفتیم و برگشت نیز از همان راه با طیاره طی دو ساعت پرواز از دهلی تا بگک دوره بنگال شرقی با سواری موتر تیوتا دیپارتمنت توریزم ایالت

سیکیم و تا سه ساعت دیگر در هوتل 5 ستار، برگشت نیز به همین گونه از نامچی جنوبی با نشانی و تاپه در پاسپورت سه تبعه خارجی که جنرال از چنین حرکت نیز در تحیر افتید زیرا دخولی و خروجی را یکجا زدند ما سه خارجی از سنگاپور، افغانستان و انگلستان بودیم ما را جنرال گوپتا رهبری می کند او شخص آرام و متواضع است که درنگ اش غیر محسوس می باشد در همین بنگال در یک ساحه هموار که اسمش را نمی دانم احساس گرمی نمودم نمی دانم افسران این محل در تابستان چگونه زنده گی میدارند.



ماه فبروری 2013 با جنرال هورا و آقای تراپاتی در سرحد چین و هند پوسته نتولا با سرباز چینائی

بسوی هدف روان ایم در رفت و آمد ما در مسیر سرک های گوناگون شادی ها که به هندی بندر گفته می شود زیاد وجود داشت ، مردم اساسا مصروف ساختمان سرک و دیگر آبادی قرا شان بودند، من، اجی پال ورائنا در رفت و آمد در یک واسطه قرار داریم نا گفته نباید گذاشت که در این آواخر رفاقت قوی را با کپتان مسول دانشگاه مدراس اقای سندیف شروع کرده ام،

همکاری ویرما را در تنظیم مقاله ام فراموش نمی کنم شب 17 فبروری به افتخار پایان بخشیدن مضمون اولی (سیاست اجتماعی هند) قوماندان سابقه مرکز تریننگ آقای بریگدیر سنگ وان که جنرال گوپتا نیز در آن اشتراک داشت دو گروپ تحلیلی را به مهمانی در همان قطعه سابق اش پذیرفت و اسقبال گرم نمود البته هریک خود مصرف کردند.

در هندوستان افسرانیکه به تحصیل می آیند در جایشان دیگر کسان استخدام می شوند و بعد از تحصیل به پست های بلند تر گماشته می شوند باید افزود که جناب سنگ وان منحیث آخرین قوماندان فوتواش در ستند دیوار این مرکز نظامی که آراسته به تجهیزات، نمایش آثار و خاطرات قدیم تاریخ اردو هند می باشد، نصب است.

این شخص یک عضو فعال کورس ماست که به شعر و شاعری، شعر گویی و مفاهیم مقاله نویسی بیشتر از همه پی می برد. اما در کشور ما بیش از ده سال در یک پست اجرای وظیفه می دارند ولی چنین نمی شود و یا اینکه بعد از تحصیل مانند هند ارتقا نکرده و پستهای شان حفظ می باشد، و یا چنان کهن سال اند که به تقاعد سوق نمی گردند و همچنان از دوهم بریدمن تا دگروال در سن 54 و جنرال یک ستاره در 56 سالگی و جنرال دو ستاره به 58 سالگی، سه ستاره در 60 سالگی و جنرال چهار ستاره مانند لوی درستیز جناب ویکرام سنگ در 62 سالگی تقاعد می دارند در اینجا قانون قانون است اسشتنا ندارد اینها که با ما درس می خوانند بدون از چند خارجی همه و همه جنرالان یک ستار و دو ستار اند ولی من بیچاره با نگارش ده کتاب و هزار مقاله ام 7 سال در حکومت دموکراسی بیکار ماندم ورتبه جنرالی ام را غیر عادلانه از من گرفتند 17 سال جنرال بودم واز 1989 تا حال دگروال هستم.



جنرال راینا و نگارنده در سرحد تبت چین

واقعا پرسونل اداری کالج آشپزان، صفا کاران، دریوران، کارمندان دفتر راجستریشن وهمه سر بازان که تعداد زیادی اند در برخوردار، ادب و دسپلین عسکری، رسم و تعظیم، نزاکت های اجتماعی نمونه مثال ها خوبی اند. اما یک چیز قابل فهم نیست زمانیکه از دریوران پرسیده شود که دانشگاه دهلی و یا دانشگاه جواهر لعل نهرو در کجا موقعیت دارد میگویند میرا پته نهی یعنی بما معلوم نیست در سال 2011 سفر شخصی به دهلی، بنگلور، میدیا و میسوریا داشتم نیز برخوردار عالی و مهمان نوازی مردم هند را احساس کرده بودم ولی در جریان آموزش مضمون اولی از طریق کالج در روز اردو، روز جمهوریت اشتراک و سیر علمی را در معبد لوتس، قطب منار، بازار دهلی و

آرامگاه شهزاده همایون گذراندیم. مستقلانه و با نواسه گان از پارک مرکزی، پالیکه بازار، هندیا گیت، شفاخانه مگس، خان مارکیت، مسجدنظام، مزار اسدالله غالب، آرامگاه نظام الدین در روز میلاد النبی، نپورا قلعه و بحیره کشتی، قطب منار، لودی گاردین دیدن کرده ایم.

در منازل شان آقایون انیل کپور، جنرال نرین، هرش گوپتا و جنرال سنگ وان در قوماندانی سابق اش بما ضیافت تشکیل داده اند و در هفته اول جنوری تاریخ 11 آن قوماندان کالج بما مهمانی را در سطح عالی اش ترتیب کرد. شعایر و تبلیغات زیاد وجود دارد که هندوستان جایگاه واقعی دموکراسی است، اسلام هند، اندونیزیا و بنگله دیش به گفته استاد اکبر نیز واقعی اند، اینجا کلتور های مختلف، زبانهای مختلف، اقوام فراوان با ادیان گوناگون وجود دارد هندوستان خاستگاه هنر و موسیقی است واقعا 150 سال قبل از امروز موسیقی از دهلی کهنه به کوچه خرابات کابل آمده است.

مردم افغانستان فلما و سریال های هندی را زیاد تماشا دارند و از روی همین سریال ها و شباهت زبان دری و اردو بسیاری کلمات هندی را پی می برند اقبال لاهوری، میرزا اسدالله غالب سمنگانی هندوستانی، میرزا عبدالقادر بیدیل، قطب الدین ایبک و بابریان هند به همین زبان تحریر و تکلم داشتند، بالای موضوع بر می گردم وقتی که به ترکیب پارلمان هند دیده شود که خانم جوان لکچر دهنده و عضو راجا صباح به نام شری متی رینوکا چودری به سوالم درست جواب نداد 85٪ آنرا مردان تشکیل می دهد زمانیکه 56 وزیر کابینه اش را در نظر بگیریم به تعداد 7 و 8 زن حضور دارند.

مادامیکه حکومت کرزی را همه از عدم حضور زنان به انتقاد می گیرند و اعتقادیکه به دموکراسی هند وجود دارد، باید حد انتقادات نسبت حکومت

افغانستان باموجودیت جنگ که از 25 وزیر سه وزیر زن دارد و چندین معاونین وزرا، یک پست سره میاشت معادل وزیر ویک والی زن در بامیان و 68 عضو در پارلمان کاهش یابد. بعضا خاموش نبوده پس از ایراد لکچرها سوالات را که به جوابش کم و بیش آشنا هستم همچو در مورد حقوق زنان، سیاست اسلام، دموکراسی و غیره ارایه می دارم تکاشی کپتان بحری جاپان در مطرح ساختن سوالات علاقه ندارد، بسویم خیره و خیره هنگام طرح سوالاتم می نگرده که از حرکت، طرز تلفظ و شیوه برخورد اش لذت خوبی می برم زیرا او همیشه می خندد و کالج برایش دنیای دیگرست. بریگدیر متهو اداره چی بس که شیرین زبانی زیاد دارد، فکاهی می گوید و تاریخ های عروسی و تولد رایبان می دارد برعکس زود کم حوصله می شود طور مثال روز 21 فبروری عوض اینکه زنگ بزند ویا راجستریشن را بگوید سراسیمه بوده بخاطر آمدن به بس که همان روز پلان درسی تغیر خورده همصنفی ها را صدا می زند که... ای تیز بیان، اگر ایشان سرگروپ اند چرا دوماه سپری شد نام ها را نمیداند و نمرات تلفون ها را ندارد در حالیکه به این شیوه خانم هارا صدا می زنند، باری از او رفتن بس را پرسیدم با قهر جواب منفی داد که من نمی دانم. I don't know

انسانها مختلف اند علاوه بر ویرما که قبلا ذکر شد ویمل جان کتابخانه خدمات خوبی را پیش می برد و آقای ویدال از کشور پیرو در فعال ساختن لب تاپ بنده که بعضی اوقات عارضه پیدا می کند با من همکاری نموده است تشکری بعمل می آورم .

با وجودیکه از سکریترا اجازه رفتن نیم ساعته را به کلینیک گرفته بودم اما پنج دقیقه بعد تر از قوماندان داخل صنف شدم که از آن حرکت ام گرچه تقصیر ندارم متاثر

می باشم در حالیکه قوماندان ورهبری کالج کدام عکس العمل بمن نشان نداده اند، مگر خود آنرا نقض دسپلین می شمارم زیراچنین روش را از مادون خود توقع ندارم چیزیکه انسان برای خود می پسندد برای دیگران نیز باید پسند نماید.



فوتو از هوتل پنج ستاره ایالت سیکیم

مضمون مطالعات علوم اقتصادی تکنالوژی که بتاريخ 18 فبروری به آموزش آن آغاز کردیم و 19 فبروری روز تولد یک صنفی ما بود که تمام افسران در میز طبله نوازی کردند و متولد آهنگ روز تولدی را به زبان انگلیسی خواند که با خنده های زیاد همراهی گردید و در این دور دوباره گروپ بندی شد خدا خیر ما را بدهد که سر گروپ 14 نفری و 4 نفری مان چهره های جدید بازهم تعداد خارجیان همان سه نفر اما این بار از بنگله دیش، استرلیا و افغانستان تحت رهبری ارمی سوم جنرال گوپتا که بعضی اوقات بانگارانده مزاح های زیاد می کند، قرار داریم

عطر آنست که خوب بوید و مهم نیست که از کدام دوکان است و توسط که تقدیم می گردد دوسخن سکریتزر شرما و جنرال گوپتا خیلی ها خوشم آمد یک روز بحثی در مورد سیاست اجتماعی هند داشتیم در جایی نوشتم بخاطر جلوگیری از ازدیاد نفوس باید لمیت (حد) تعیین گردد تا 2 طفل مانند چین و ایران مردم هند داشته باشند.

جنرال گفت در اینصورت دموکراسی رعایت نمی گردد، به جنرال شرما بخاطر ویژه پسر در خصوص دو مرتبه شدن اش مراجعه کردم و اجرای چنین کار را در تاجیکستان، ازبکستان و روسیه آسان نشان دادم در حالیکه آنقدر آسان هم در آنجا ها نیست، ایشان بدون درنگ جواب خوب داد که این کشورها به تناسب هندوستان بسیار کوچک اند واقعا چنین است روسیه 150 میلیون دارد، تاجیکستان 8 و ازبکستان 30 میلیون که با هند غیر قابل مقایسه است اگر عادلانه سنجیده شود آفرین به حکومت هند و داکتر من موهان سنگ که چنین ملت عظیم را با این رفت و آمد ها خارجیان اداره میکند در ماه های نومبر، دسامبر، جنوری، فبروری، مارچ و اپریل سیلی از خارجیان به قصد تماشای دهلی و ایالات جنوب می آیند مهمانان زیادی دهلی از خارج دارد در فصل زمستان در هر ماه 30 هزار تنها مریضان با درد های شدید بسوی دهلی می شتابند، دهلی مهمان جای جهان می گردد، گروپ جنرالان ارشد اردو هفته اول فبروری تحت ریاست دگرجنرال محمد دوران معاون لوی درستیز در امور هوایی، تورنجنرال خوشی وال، تورنجنرال اسد الله اکرم یار و دیگران سفر کاری داشتند که ضمنا عصرانه و تا آغاز شب مصروف چیک و تداوی خویش بودند، آنها برحق بودند.

اکنون مناسبات افغانستان و پاکستان در نتیجه کمک های بی شایبه هندوستان و گرایش مردم افغانستان منحصیث یک جنبش خودی بسوی دهلی، گوا، کریلا و کرناتاگا، سرد گردیده است، هر روز قرار اظهار الحاج محمد ظاهر شاهرخی یک تن از شخصیت های با نفوذ ولایت بلخ ورئیس شورای فرهنگی و اجتماعی باختر به تعداد یک هزار افغان داخل دهلی می شوند واقعا هر رقم، هر گروه با تفکرات مختلف داخل هندوستان می شوند، تنها از اقارب سر شناس وحد اقل دارنده گان امکانات مادی نگارنده به تعداد چندین فامیل در مدت چهل روز مصروف تداوی و سیر و سفر در دهلی شدند.



مشهورترین باغ چای زار سیکیم در دامنه کوه های همالیا

سخن از درس و آموزش انگلیسی، حرکات و اندیشه رهبری کالج بطور طبیعی بسوی دهلی، کابل و مردان اینطرف کوههای همالیا و آنسوی پامیر و هندوکش کشانده می شود که نگارنده در آن کدام قصور ندارد. ختم آموزش سیاست اجتماعی هند که در 8 جنوری آغاز شده بود در 15 فبروری پایان یافت ولی قبل از آغاز مضمون علوم اقتصادی و تکنالوژی سه روز جر و بحث ها و صحبت جنرال گوپتا متکی بر سخنان ارزشمند تیوریسن های جهانی در مسله داشتن حکومت خوب و با محاسبه قوی، شکست تروریزم، جلوگیری از افراطیت و مداخلات خارجی جان مطلب را تشکیل میداد. سخنران اخیر لکچر هال 15 فبروری وایس ادمیرال سونیل لمبا با تشکر از جنرال گوپتا

مسائل آموخته شده را مرور کوتاه نمود و آنرا به بحث گرفت با تاکید بر مسائل تدریس شده و ارایه ارقام و اعداد مشخص در مورد پیشرفت های هند صحبت رهنمود دهنده و تکان دهنده اش آموزش مضمون سیاست اجتماعی هند را ساعت 13 بجه قبل از ظهر پایان بخشید.

از دهلی تا تمیل نادو اپریل 2013

در جریان آموزش مضمون دومی تحت عنوان «علوم اقتصادی و تکنالوژی» قرار داریم که مانند مضمون اولی سفر گروپ های 7 گانه را در داخل هندوستان دارد، این بار به ایالت مدراس سابق و تمیل نادو کنونی که مانند بمبی به ممبی نامگذاری شده است و مرکز ان چینای می باشد سفر مان را کالج تنظیم کرد و در راس مان این بار جنرال سرن قرار دارد. سفر در آغاز هفته دوم شروع گردیده و ما را در روز اول در محل بنام Madras Atomic Power Station بردند که از جانب رهبری و کار مندان استقبال گرم بعمل آمد، این دستگاه اتمی برقی تدابیر شدید امنیتی دارد که مربوط حکومت تمیل نادو است. چیف منستر اش خانم 52 ساله بوده که تاهنوز ازدواج نکرده و به گفته دو سه تن از مامورین ولایت به ساز ماندهی موسیقی یعنی ساز و اواز نامبرده علاقه زیاد دارد از پذیرش گروپ ما معذرت خواست و خانمی دیگری که بحیث سکریتر کار می دارد با گروپ از مدیران بخش های مختلف با گروپ صحبت کرد و به سوالات ما جواب های یاد داشته خود را ارایه کردند و همچنان به مدت محدود به حضور والی کهن سال ایالت مشرف شدیم و فوتو های لازم برداشتیم و در طول مدت در موتر با آقای نارین بودم و در عرض راه ها و سفر ها قصه های گوناگون در مورد والی و چیف منستر داشتیم آقای نارین گفت که مردم تمیل نادو چیف منستر شان را مادر ملت می خطابند، دستگاه تولیدات انرژی در کنار بحر هند قرار دارد و بزرگترین دستگاه برقی است که جنوب هند مانند راجستان و اندراپردیش را تامین انرژی می دارد و در سایر نقاط کرناتاکا، مهاراج ترا

13 پروژه اش فعالیت دارد. ساختار استیشن قابل وصف است ما را به تمام ساختمان ها و تجهیزات و وسایل استیشن دولتی برقی آشنایی دادند و از تدابیر ایمر جنسی اش که عاقلانه سنجیده شده که توان مقابله در برابر سونامی ها را دارد توضیحات ارائه کردند . پمپ های آبی و استفاده از یورانیم را دیدیم و این محل را بنام Kalpakkam می گویند که تا 2050 به 1.6 میلیون اهالی جنوب هند برق خواهد داد . استیشن برق 220 می گاوات تمیل نادو دارای 20 پروژه است.



تکنالوژی مبارزه برضد سونامی را از جاپان، روسیه و امریکا خریداری می‌دارند. یک میگاووات مساوی به 1000 کیلو وات است پس در اینصورت پروژه مذکور 220000 کیلو وات را تولید می‌دارد. پمپ هایش قوی و با بحر وصل است مادر کنار بحر رفتیم، در سطح تمیل نادو این دستگاه فعالیت دارد و با پوشش کلاه های آهنی و تدابیر بیخطری از دستگاه و ذخایر آبی اش که بعدا چگونه فلتر می‌شود و دو باره گردش می‌دارد مشاهده صورت گرفت در فاصله های دورتر بوسیله موتر می‌رویم دریوی مان ارون کمار نام دارد که فاقد تحصیلات می‌باشد و باشنده محل بوده بدون از زبان تمیلی دیگر زبان را نمی‌داند که به انگلیسی پی نمی‌برد در هند زبانهای مختلف وجود دارد زبان مردم تمیل نادو، کرنااتاکا و مردم دهلی از هم فرق زیاد دارند، نا گفته نباید گذاشت که رهبری موسسه در مقدم پذیرش با نثار گلها از ما استقبال کرده و بعد از نشست بخاطر اخذ معلومات چای و آب و کلچه و نوشیدنی را حین صحبت ها فراهم ساختند، این محل که روز اول کار سیر و سفر و تحقیقات علمی مان را تشکیل می‌دهد ساحه آرام و زیبا در کنار بحر هند و در مسافه 58 ک. م. از هتل تاج نمبر 2 که در سراسر هند موقعیت داشته و بنام 5 ستار نیز یاد می‌شود موقعیت دارد. خوشبختانه این بار در موتر 2 نفر هستیم و در سفر قبلی به سیکیم سه نفر بودیم، این نیز یک ترقی است، آهسته آهسته همدیگر فهمی زیاد شده می‌رود و به بخالت هانیز افزایش به عمل می‌آید، در مسیر راه با اقای نارین صحبت های خوب داشتیم این جناب را با من بخاطر توظیف کرده بودند که در گذشته معاون کشف و استخبارات اردو هند بوده تا نظریات بنده را پیرامون سیاست هندوستان بداند و اینکه در افغانستان چه می‌گذرد موصوف را علاقه مند نمی‌سازد من از وضعیت

کشورم نا آرام هستم، هر روز، هر لکچر دهنده مطبوعات داخلی و خارجی صحبت بالای افغانستان دارد، این بار گروه ما را افراد آرام تشکیل می دهد اما در گروه قبلی افسران شوخ در گروه شامل بودند ماننداجی پال، آرویسنگ، بیندر، راینولونگ آن بار سه خارجی از بریتانیا، سنگاپور و افغانستان و این بار 4 خارجی از افغانستان، یوگندا، ویتنام و میان مار می باشند



روز دوم شهرک زیست کارگران کمپنی های خصوصی را بنام تاون سیتی..... مشاهده کردیم ونان چاشت را صرف کردیم در هتل شهرک رهایشی اکنون مهمان رییس کارخانه ایم او مرد شوخ وبا ما عکس های زیاد گرفت، کمپنی شخصی تولیدی نامبرده مطابق ستندرت های بین المللی 730 کار گر را پذیرفته است و ما را خلاف اراده نگارنده ودگروال یوگندا که پیرو عیسویت می باشد به تمپیل (مندیر) ویا معبد کهن سال مکاپلی پورم که به فاصله 46 ک م از چای نای که 1400 سال سابقه دارد وساختمان های زیبا

وقدیمی باحفظ آثار وابدات اش تمپل سنگی جوار بحر که سیاحان بزرگ خارجی نسبت سابقه 1500 ساله بخود کشانده در 30 متری بحر هند قرار دارد، در اینجا همواری، دشت ودمن، استشن برق، معبد های گوناگون که دیدن آنرا زیاد تر آقای دی ای جی سورش کمار که قوماندان کشتی در همین محل بوده واز چینای نیز می باشد بخاطر بروز شخصیت اش ساز ماندهی داشته و خانم و مادر خود را نیز باخود برده بودتا تبارز بیشتر کند وهمچنان کشتی های تجاری وسیاحتی باعمق سوحل بحر ده متری وعمق میانه 1000 متر وآن بار چای زار، کوه های همالیا، ار تفاعات بلند ناتولیا، تپه ودره های تنگ بدون میدان هوایی وسرک های خراب .



در مسیر راه هموار زمین های زراعتی، گندم و برنج و تربوز کشت می شود، درختان مثمر کمتر دیده می شود، خانمها مانند بسیار نقاط افغانستان مصروف جمع آوری هیزم بودند زمین های هموار قابل کشت در تمیل نادو زیاد است، این ایالت 63 ملیون نفوس داشته واز نقطه نظر نفوس ایالت درجه دوم هند به شمار می رود در مقابل اکثریت دکاکین شان سنگ های زیاد وقوی رنگارنگ قرار دارد که اهل کسبه مطابق فرمایشات قبلی از این سنگ ها هر چیز می سازند مانند اسپ ها ،فیل ها، شترها وخدایان شتر. اکثریت مردم این جا غریب بنظر میرسند. آنها زیاد مذهبی اند و مصروفیت بیشترشان رفتن به معابد را تشکیل میدهد. این ایالت توریستان زیاد را بسوی خود بخاطر بحر و ماهی جلب کرده است.

چهره های زرد خارجیان در میان این سیاه چهره گان ناشی از گرما تمیل نادو بسیار خوب معلوم میشد، زرد پوستان اروپائی و امریکائی با همسرانشان در هتل تاج نمبر 2 زنده گی داشته و از همین جا بسیر و سفر آغاز میکردند و بسوی محلات تاریخی چینائی می شتاییدند، هندی ها با آنها انگلیسی صحبت میکنند. اکثریت مردم کهن سال هند خوب انگلیسی میدانند اما نسل فعلی چندان به آموزش زبان انگلیسی علاقه ندارند. مردمان هند از انگلیس ها بد گوئی نمیدارند اما پیشرفت ها را از زمان بابریان ارجیحت میدهند لیک احمد شاه ابدالی، شهاب الدین و غیاث الدین غوری را بویژه سلطان محمود را دوست ندارند.



تا رسیدن به دانشگاه مدراس که تعمیر کهن سال از عصر هند بریتانیاوی دارد صد ها بازار ماهی را دیدیم که مردم مصروف پاک کاری و آماده گی پخت و پز ماهی بودند. ما بسوی دفتر چیف منستر روانیم پس از جنرال سرن اخذ موقعیت داشتیم تا مانند تجارب قبلی از دستمال و تحایف گل محروم نگردیم زیرا هر بار برخی افسران اردوی هند در هر مساله حمله میکنند و بدون اینکه عقب و پیشروی خود را ببینند، اما چنین چیزی بدون از اینکه انتظاری باشد در سالون نشست وجود نداشت، تمیل نادو محل خوب تاریخی و محاط به بحر است کشتی های کوچک و بزرگش در میان بحر هند در رفت و آمد قرار دارد اما آنچه در هند زیاد دیده میشود خصوصا در چینائی پاکي و صفائی بسیار ضعیف است، نظافت، نظم و نسق مشکل عمده این کشور است. گروه 16 نفری ما متشکل از چهار خارجی، چهار ملکی و شش نفر افسران اردوی هند در راس آن جنرال سرن و مدیر اداری دگرمن دهرمندر سنگ

در سالون انتظار خیلی منتظر چیف منستر بودیم، سکرتر چیف منستر که اسمش را نمیدانم در صحبت که با ما داشت از پیشرفت های تمیل نادو در مقایسه با سایر ایالات هند صحبت مفصل نمود او از اعمار ساختمان ها، رشد اقتصاد و فعالیت کمپنی نوکیا و داشتن نزده پارک صنعتی در 92 زون های اقتصادی و داشتن 18083 جنراتور ها رضایت و خوشی ابراز کرد. چینیائ به صادرات موتر های نیسان و تویوتا شهرت دارد و مسولین این ایالت چینیائ را ارزانتترین شهر هند در سال 2012 حساب کردند. این دولت مردان از صنایع موتر سازی، مواد غذایی و استراتیژی حکومت تمیل در مورد انرژی برقی توضیحات زیاد کردند، در بخش معارف برای اطفال حکومت را موفق و 75٪ اهالی را با سواد رقم زدند. موجودیت 5000 ماشین های ماهی پزی را دست آورد بزرگ خواندند از پولیتخنیک، موسسات تعلیمی و موجودیت 25 کالج تکنالوژی معلوماتی شان سخن راندند، ترقیات اقتصادی شان را وابسته به تامین امنیت در سراسر کشور و تمیل نادو خوانده از فعالیت های جهادی از طرف فلیپین و تاثیرات پرابلم سوریه و مصر بالای مجاهدین هند که تعداد شان در حدود یک لک می رسد نگران بودند و گفتند که کمیشنری های پولیس و قطعات اردو در محل با مردم روابط نزدیک داشته ودر ایالت ما منابع خوب طبیعی همچو گرانات و سنگ های قیمتی وجود دارد.



تاریخ 12.3.2013 بسوی محلی بنام Kattupalli رفتیم. یک شهرک زیبا و هیت رهبری دل پذیر که در آن ساختمان های انجینیری و بندری عالی اما کمپنی کهن سال و مشهور شخصی بنام لارسن و توبرا Larsen & Toubri یاد می شود که در سراسر لوحه ها و تبلیغات دارد و در بسیاری رسانه ها از این کمپنی یاد می شود مانند اینکه هتل 5 ستار مشهور است به همین گونه این کمپنی نیز شهرت دارد، سرک های دولتی تا این محل 43 ک.م که چندان وضعیت خوب نداشت اما زمانیکه به ساحه مربوط کمپنی وارد شدیم، فضا، سرک، تعمیرها، گل ها و زیبایی اش دلچسپ گشته می رود، پل، پورت، طیاره، کشتی، موتر و تکنالوژی که مردم را زود به هنگام نزدیک می سازد، تکنالوژی و خدمات انجینیری اینجا را همه می پسندند واقعا کمپنی های شخصی در هندوستان نتایج و دست آوردهای خوب کاری داشته و از کنترل دولت نیز بیرون نیستند در حالیکه در گذشته به فعالیت های کمپنی های شخصی باور

چندان نداشتم اما پس از ختم این سفر نظریات خود را تغییر دادم این کمپنی از لحاظ صادرات وسایل انجیری در هند ششمین مقام جهانی دارد در این شهرک ساختمانی، تجاری و بندری 99 فامیل با داشتن مکتب، کلینیک و معبد زنده گی دارند که در 9. 9. 2009 به پایه اکمال رسیده است، مسولین در پاسخ سوال نگارنده گفتند که ما زمین را از حکومت می خریم و اعمار ساختمان های می داریم، اساس گذار این شرکت دنیارکی های بوده که بنام لارسن وتوبرا یاد می شده اند و آنها به کمک هندیها این شرکت را در سال 1948 اعمار ساخته اند که در قرارگاه اش 200 تن کار می دارد و در حدود 1000 کارگر مصروف تعلیم اند.



کمپنی مدت زیاد مشترک بوده است ده سال کامل 1938 تا 1948 دوره ایجادش بوده ودر 1951 عملا به کار آغاز کرده است از کشورهای مانند

چین، سنگاپور، دبی، کوریای جنوبی واردات دارد در این شهرک مقدم بر همه تعمیر اطفاییه، تعمیر امنیت و تعمیر اداری موجود است که صادرات واردات داشته و به حکومت مالیه می‌پردازند. در این پورت اموال و کارگو، انتقال کانتین، شاپ قطع آهن، شاپ قطع المونیم برای ساخت کشتی بزرگ باربری و مسافری بری که در انگلیس Ship Coast Guard گفته می‌شود و 7 ونیم میلیون دالر قیمت دارد ساخته می‌شود و تمام حمل و نقل اموال را این شرکت عهده‌دار است از اینجا به محل (فابریکه تانک سازی) رفتیم که در سال 1966 سوم جولای توسط شری متی اندرا گاندی اساس گذاری شده، مواد خام ساخت تانک را از روسیه می‌گیرند فابریکه نصب وسایل تانک T 90 از سال 2010 فعال است و ساخت های سابق T 53 ، T 63 و T 55 نیز وجود دارد اکمالات وسایل تکنالوژی نظامی توسط روسیه بوده است، عکاسی از تانک ها اجازه نیست از این مناسبات با روسیه امریکا نگران است تولیدات نظامی شان تانک و طیاره ار جون نامیده می شود ، کمپلکس ب ام ت BMT رادیدیم که تانک 90 در مسافه وسطی انداخت 3 ک م و دور آن 5 ک م. گفته شد از سه یونیت ور کشاپ های باز دید گشت که کلچری کاری شان در محیط تانک سازی غریبانه بود ، پروگرام گردش بالای تانک ها که چندان خوش آیند نبود خاتمه یافت وعصرانه ما را نزد والی کهن سال ایالت که خیلی ضعیف بود از لحاظ فزیکي که در بالا نیز ذکر نمودم ، بردند نامبرده سر سخن آغاز کرد واز امنیت وثبات، ترقیات اقتصادی و تکنالوژی، صادرات و واردات و سر مایه گذاری خارجی، اعمار ساختمانها، راه ها و سرک ها ابراز رضایت داشت وبا 4 سوال گروپ با دریافت پاسخ های کوتاه ما را مرخص ساخت ومانند والی سیکیم

دانشمند، جذاب و پرتعمق نبود و هکذا از شهر جهانی ماهیندرا که در انگلیسی Mahindra World City گفته میشود به خاطر تماشای یک شرکت شخصی ساختمانی رفتیم که 220 منزل را اعمار و در آن 30000 کارمند مصروف بوده و 730 آپارتمان دیگر رانیز اعمار و 40 مکتب و کلینیک با 40 استاد و 500 شاگرد در اینجا مصروفیت داشته ، کلوب اسپورتنی ، با تمام امکانات، بار و رستوران ، های جلسات، تامین ارتباطات خوب با سایر محلات هند طوریکه نماینده گی کمپنی ماهیندرا از سال 2005 در جیپور راجستان فعالیت دارد .

سفر به مدهورای:

شهرک زیبا مشابه کابل خصوصا ساحه باغ بالا و هوتل انتر کانتینینتل و کارته



مامورین دارای
تپه‌ها و بلندیها و از
چینای یک ساعت
به طیاره و از طریق
زمین 600 ک م
فاصله دارد، ما
بتاریخ 13 مارچ در
هوتل بنام (راه را در
نظر داشته باش) که

نام خیلی دلچسپ است مستقر شدیم ، که کارمندان خیلی ظریف و با نزاکت داشت .

در این هتل نرخ یک ساعت کار با انترنیت 200 روپیه بوده اما جریان برق و حرکت انترنیت ضعیف به نظر میرسید، تعمیر های خیلی زیبا در میان تپه های یک منزله و مستریج، زیرا در بلندی کوهها قرار دارد. نان چاشت ساده و ماهی لذیذ و مقدم بر آن دیمله (ساخت گندم) را توزیع کردند که بسیاری ها بشمول افسران هندی آنرا نمی شناختند از لذت و قوت آن که در قریه آبابی ام در سمنگان در کودکی و نوجوانی زیاد خورده بودم به دیگران توضیحات دادم ، ما واقعا فرزندان چهارمغز خور و به دیمله و جواری خوری عادت داشتیم، ساختمان های زمان قبل از استقلال 1947 از این هتل بسوی شهر بخوبی و اما بسیار زیبا به مشاهده می رسید. مانند اینکه از انتر کانتینیتل کابل می توان ساحت زیاد کابل را دید نام انگلیسی هتل The Gate Way Hotel است.



پس از ظهر همین روز از همین هتل ما را بسیار بسیار بادوش و عجله که گویا نماز قضا می گردد و یا وقت افطار است در محلی بنام Tirumalai

Naik (1623-1659) بردند از 4 خارجی یک مسلم، یک عیسوی و دو تن بودیست اند ما دونفر در بیرون ماندیم و همه داخل این معبد بزرگ شدند روحیه مرا در ک کردند دیگر در این شهر به معابد بعدی نرفتم و آنها نیز سکوت بودند در بیرون راجع به این قصر معلومات اخذ کردم این قصر بابه نایک بوده و از سکها بنام قصر بابه نانک یاد می شود پیشوای مذهبی اهل هند بوده که توسط نواسه اش در 1751 ساخته شده است و از جمله بزرگترین قصر هند حساب می شود بابه نایک 60 سال زنده گی کرده و بعد از مردن توسط پیروانش سوختانده شده است، این قصر بروی همه باز بوده، شامانه پروگرام مذهبی دارند، داخل معبد بزرگ ساختمان های زیاد دیگر بشمول چهار تعمیر بزرگ، 5 تعمیر متوسط و چندین دیگر کوچک در اراضی وسیع و هموار در مرکز مدهوری این ساحات وسیع اگر به مردم توزیع شود تاخانه برای خود بسازند به نظر بهتر است تاهر روز زمین های تازه به خاطر اعمار معابد اختصاص داده می شود.

واقعا این قصر قابل دیدن است در اینجا ساختمانها چنان زیاد و پیچیده است که موجودیت 1000 پله های آهنین یکساخت و موازی آن با سابقه 1500 سال در مدخل قصر و معبد و دارای 8000 ستون با چنان مهندسی عالی ایکه تمام قوت و انرژی مصرف شده از جانب انسانها مظلوم ان زمان را جبرانه و با تکنالوژی همان عصر نشان می دهد نقطه جالب دیگر ستون های محل رقص در برابر شاهان قدیم که در فستیوال های شان بر گذار می شده از سه استقامت یکسان به نظر می خورد و در مقدم معبد خیرات خوران به هزاران تن و همچنان دکاکین زیاد اجناس مختلف و همه چیز اما قیمت تر یافت می شود دیگر اینکه قیمت تکت برای دخول به معبد به خارجیان 5 چند نسبت به



اهالی هنداضافه
است. یک دو
شوخی کردم که
به سنگهای وبت
های خود ساخته
تان دعا کنید تا
در افغانستان
صلح بیاید که
تورنجنرال را
قهرش آمد،

آنقدر این محلات مزدحم است که وقتی از مردم پرسیدم که چرا اینقدر عجله دارید و پریشان هستید گفتند زیرا بزرگترین خدایان در اینجا اند. خانمها علیحده و مردان علیحده حرکت داشتند ولین های زیادی بود در برخی پله ها در صورتیکه تماس گرفته شود صدا موسیقی طبله بر می خیزد و در یک جایی معبد نوشته شده: Temple Art Museum یعنی موزیم هنر معبدی.

بعد از ختم پروگرام خسته کن و گردش زیاد و بیمورد جنرال و دگروالان به بت ها که تعداد شان بسیار زیاد است و خم شدن تورنجنرال سرن در مقابل یک سنگ به حیرت ماندم و پس از معبد دوباره به قصر آمدیم صحبت به هندی وانگلیسی با او از وحشت ناک در مورد تاریخچه کار سلطان تمیل نادو بود گروه ما را پای پیاده، با نظم و دیسپلین خاص، با وساطت پولیس، بدون کمر بند، جراب و بوت کامره داخل بردند و رفتن به این محلات نیز واسطه کار دارد داخل شدن در محلات بی معنی و بوچ خیلی مشکل افرین به مردم

است، مردمان سرکفان و پریشان اند که چرا اینجا نمی آیند و از تمام هند به این راه دور و پرداخت مصارف هنگفتی به این قصر و معبد می آیند زیرا قصر بابه نایک پیشوا اهل هنود است که سیکها را چندان علاقه مند نمی سازد. رفیق سیک ما را نیز بزور در معبد بردند او گفت مذهب ما فرق دارد و از ما پرسید چرا شما نرفتید، او گفت اگر رفته ام اما حرف های شان را گوش نمی کردم و دعا نداشتم خاموش و بی پروا بودم، معبد ما برای همه باز است. واقعا موجودیت چنین مذاهب زیاد در دنیا که ملت ها با صرف قوه و انرژی آنها را میسازند و چقدر مصرف میکنند و مصروف عبادات خدائیان مختلف اند خیلی تعجب آور است.

اما حکومت داران و سیاسیون آنها را به همین چیزها مصروف ساخته اند تا مردم غریب و بی چاره بدون حقوق بوده و دنبال مذهب باشند از سیاست رهبران نا آگاه زنده گی کرده و همه بدبختی های شان را به گردن خدایان شان بی اندازند، این نوع مذهب گرایان براه راست روان نیستند حتی اگر موضوع تجارت نباشد اینقدر دکانین در داخل معبد برای خرید و فروش چرا فعالیت دارد؟ واقعا این محلات به چکر و سپورت و دیدن می ارزد که حرکات دلچسپ مردم را در قبال دارد، فکر میدارم به تماشای آن برای دلچسپی و تحلیل و قوت بیشتر ایمان به توحید و یکتا پرستی هرگز مسلمان را کافر نمیسازد. برای مسلمان تماشای این همه مزخرفات دیگر ادیان و به چشم سر دیدن بیشتر و بیشتر به توحید یکتا پرستی و وحدت نزدیک میسازد در معرفی فدا کاران و قهرمانان قصر و کارمندانش آیه از قرآن شریف را ذکر کردند برای افسران هندی و برما و ویتنام این سفر خیلی مهم بود اما برای افسر یوگندائی و افغانی کاملا خسته کن. با درک موضوع از طرف رهبر

گروپ بسفر مذهبی صبحانه شان از افسر یوگندائی آقای جوزف و نگارنده دعوت نکردند، این سفرها با شتاب و عجله مانند جبهات جنگی صرف برای دیدن معبدها فکر میکنم افسران هندی با استفاده از فرصت به این معبدها میرفتند و شاید در پلان کالج معبد گنجانیده نباشد.

در قید برنامه حکومت، موتر حکومت و غذای هتل هستیم. آزاد نیستیم تا در شهرها گشت و گذار نمائیم هدف از سفر ما، کسب تجارت و معلومات راجع به علوم اقتصادی و تکنالوژی میباشد. غذا به دل خود بخوریم و چکر از طبع خود داشته باشیم، بهر صورت از حکومت هند باید تشکر به عمل آورد که مصارف زیاد بالای افسران کالج دارد.



در این شهر از چندین کمپنی شخصی و کارخانه جات دولتی دیدن به عمل آوردیم برای کسب تجربه دیدنش کار بد نیست ما به کارخانه دولتی ساخت میز و چوکی رفتیم که در اینجا 50 تن کارمند و 600 تن کارگران کار میدارند مطابق قرارداد هر کارگر 14000 روپیه معاش دارد چوب ساخت از ایالت کریلا وارد میشود در مقابل این کارخانه دولتی از فابریکه شخصی ساخت تایر برای بایسکل، موتر سایکل و ماشین های سبک رو دیدن کردیم. در کارخانه دولتی شوق و علاقه کاری وجود نداشت محیط کاری شان کثیف بود و کارگران بی روحیه بودند اما در فابریکه شخصی مردان جوان، دختران و زنان با شوق و علاقه خاص کار میکردند. گرچه تعداد شان 30 تن بود و ماشین های فابریکه شخصی را از جاپان وارد میسازند. سفر بعدی به کارخانه شخصی نساجی تولیدات جمپر و دریشی اطفال بود در مدخل این فابریکه که مدیره آن خانم جذاب بود از ما استقبال خیلی گرم نمود. کارگانش تماما خانم ها اند و البسه میسازند، کارخانه های شخصی همه خوب اند، مردم صاحب معاش، جوش و خروش، خرسند و مصروف کار. کاش بعوض این همه تمپل ها و نجات از فقر و گرسنگی که 25٪ اهالی این کشور زیر خط فقر زنده گی دارند و در حدود 400 میلیون نفوس اند به ساخت چنین کارخانه ها افزایش داده شود.

این سفر ما (که سفر دوم حساب میگردد) بیشتر نسبت به اولی جنبه مذهبی داشت در حالیکه اولی زیادتیر اجتماعی بوده تماس با اداره، دانشکده و مکتب و شورا های همبستگی ولسوالی و ولایتی بود. رفقای سفر اول کمتر شوخ و مست بودند رفقای سفر دوم آرام و خاموش و کمتر مذهبی به نظر میرسیدند. این سفر طوریکه عرض کردم برایم هیچ خوشآیند نبود به فابریکه بزرگ

نساجی این شهر که توسط یک کمپنی مشهور کوریا جنوبی ساخته شده و مدت ده سال است که فعالیت دارد و در رهبری اش افراد کوریائی اند که تنها ویژه ده ساله دارند با وجود سرمایه گذاری بزرگ هنوز پاسپورت های هندی را بدست نیاوردند که تعداد شان از ده نفر بیش نیست ولی سرمایه بزرگ را از کشور خود در این شهر سرمایه گذاری نموده و صد ها تن را صاحب کار و معاش ساخته و بدولت نیز مالیه میپردازند و دولت در رقابت این شرکت با کمپنی های چینی سبسایدی را قبول ندارد در حالیکه شرکت های نساجی چین از طرف حکومت چین امتیاز سبسایدی را دارند بنا رقابت کردن این شرکت با کمپنی های چینی مشکل آور میباشد، در مقابل تعمیر این فابریکه به انگلیسی چنین نوشته شده:

Great People
Great Company
We are the Global No 1



زمین برای تعمیر فابریکه از طرف دولت به کمپنی فروخته شده است معاش حداقل کارگران این فابریکه 3200 روپیه بوده و در اینجا 2000 کارگران مصروف اند. نرخ اجناس را کمپنی تعیین میدارد اما بسیار قیمت بود تولیدات این فابریکه از 10 تا 50 دالر نرخ داشت. شرکت دیگری سهامی تولیدات افزار چوبی را مشاهده کردیم، چوب های مساز، تاپه ، گلدانی ها، مالش بوت ها، بازیهای مستحکم اطفال چوبک های دادگاه ها قاضیان وغیره ها جالب بودند. کارمندان فابریکه همه خانمها بودند که با ماشین والات مستحکم وقوی خارجی همه وهمه را بوسیله چوب می ساختند جنرال رییس گروپ ما هر جا در معرفی گروپ ما 4 نفر خارجی بیچاره را بنام فورین افسران عاجل معرفی می کرد تا برخی نزاکت ها و اسرار دولت هند افشا نگردد .

هر دولت، ایالتها شهر ها و کمپنی ها مسایل مربوط به کشور خود را دارند تلاش جنرال در ان بود تا کارمندان هندی آنقدر به عمق موضوعات نزدیک نشوند. طوریکه دی. ای جی سورش کمار از قوای بحری هنگام بازدید از یک کارخانه ترمیم تانک بالای تین تون دگروال مین مار خیلی غضب گشت و آنهم بیجا پیش از آمدن قوماندان ترمیم خانه مرکزی که اینجا عکس برداری نکن، با غضب گفت عکس ها یت را کنترل می نمایم در حالیکه بیچاره قبلا مسول عکاسی از دهلی تعیین شده بود و نفر صحیه از یوگندا، نگارنده را در همچو مسایل توظیف نمی کنند زیرا می دانند که من اجرا نمی کنم در حالیکه یک دگروال ومحصل سورش و دیگری تین تون اما با تفاوت یک حرف که سورش خان از هندوستان است و اینجا وطن اوست برخی افسران هندی هیچ نوع اصول مهمانداری را رعایت نمی دارند ولی افسران هم وجود دارد که خیلی های چنین مسایل را درک دارند مانند:

پوری، چندرا واز همه مهم انیل کپور و خانم اش، جنرال بابو، جنرال نگراج، اروی سنگ، امر دیپ سنگ، راین، قوماندان هورا و سوداکرجی، و عده‌ای محدودی، اگر سورش مانند اینکه با تین تون، برخورد کرد خاموش ماند و ازش دفاع کردم زیرا مظلوم واقع گشت اگر سورش با من چنین رویه می‌کرد همان لحظه سفر خود را کنسل و به دهلی می‌آمدم به سفارت رفته مانند اینکه در بعد ها تمام مقالات و گزارشات را به حکم وجدان به اتشه نظامی سپردم راپور را تقدیم و هر آنچه سفیر مان تصمیم می‌گرفت عملی می‌ساختم.

جوسیف از کشور یوگندا قاره افریقا یکسال در امریکا و سه ماه در انگلستان تحصیل کرده است زبان انگلیسی اش خوب است ولی همیشه خاموش است در سفر افسران ویتنامی و ماین مار به حیث بادیگاردان من بودند هرچه می‌گفتم اجرا می‌کردند و بعد از خدمت زیاد شان در سفر در دهلی آنها را یک پلو افغانی دادم، افغان که 2 و 3 نفر زیر دست در هر جاییکه است نداشته باشد، فرق ندارد که مهاجر است یا محصل، تاجر است یا دوکاندار مگر افغان همیشه بای و خان است در این کالج بالای نگارنده که منزل رهایش در کابل ندارم و پس از برگشت نمی‌دانم در کدام اتاق سرای با پسر من زنده گی نمایم و یا در کدام قطعه عسکری مانند جنرال صابر هلمندی و دگروال نور الله مزاری که همیشه در قوماندانی تعلیم و تربیه و دکتورین بود و باش شبانه دارند زیرا من خانه را گرو کرده 20000 دالر قرضداری انتخابات لعنتی ناکام و پر از قلب دور اول پارلمانی سمنگان را مجبورا بعد از 9 سال پرداختم، مردم عوام هند در هر جاییکه رفته خیلی از من استقبال کردند، واقعا هندیها هر مشکل که در بین خود دارند، افغانها را دوست دارند، جوسیف افریقایی هر دایم تکلیف مریضی بینی دارد، در میان جلسه و در کالج هنگام بحث

لکچرها و سوالات از عطسه بینی اش که برای همه اذیت کننده بود جلوگیری کرده نمی‌توانست و یا در چند گروه های تحلیلی که با دگروال اندری بودم او از کشور استرلیا است به عوض اینکه نمونه مثال کلچر باشد دایما در بین لکچرها، در نشست های افسران خارجی و یا در گروه های تحلیلی صدا می‌کشد و شپلاق می‌نماید بدون اینکه راست و چپ خود را ببیند و یا اینکه درک کند که در اینجا بازی استراتژی جریان دارد و هیت وزارت دفاع نشسته که سر انجام جنرال موهن بابو برایش گفت اندری چه گپ است و بعد خاموش گشت ولی فردا ان هنگام دخول در هال لکچر باز آهنگ خوانده داخل گشت که برخی هاتبسم کردند و همچنان بینود کمار ایکه مگرافون مرا به شماره پنجم برده بود کمترین فرصت را بیابد به صدای بلند در دهلیز و یا از میک اش به آواز خونی می پردازد ، من فکر می‌کنم دگروال اندری در استرلیا یک آدم اضافی بوده و او را اینجا فرستاده اند و قتیکه انگلیسی صحبت نماید هیچ کس او را نمی‌فهمد این 100 تن عجیب و غریب اند هر کدام ستایل و سلیقه کاری خود را دارند به نظر من اکثرا از قطعات آمده اند و کلتور شان ضعیف است در حالیکه کالج به اشخاص تعلیمی ، استادان، جنرالان دفاتر و افسران با دانش و اکادمیک و دوکتورین ضرورت دارد در کالج بخش اطلاع رسانی به سکریتیر و جاسوسی برایش خیلی فعال است ، فکر می‌کنم از اصل موضوع که در مورد سفر به شهرچه های گوناگون تمیل نادو به خاطر تحقیقات پیرامون علوم اقتصادی و تکنالوژی است دور رفتم بهر صورت اکنون به اصل موضوع بر می‌گردم، بعد از ختم برنامه‌ها و بازدید از فابریکات و کمپنی های شخصی تولیدی، تجاری و ساختمانی دوباره به چینی آمدم و ساعت 3 بجه بعد از ظهر عاجل نان

چاشت آماده گشت و تایم حرکت ساعت 3 بجه بسوی ایالت دیگری بنام اندرا پردیش بخاطر زیارت از یک معبد مشهور به خاطر پلان گذاری سورش خان در حرکت شدیم و سرانجام ساعت 11 بجه شب خیلی ها خسته و مانده اما به یک منطقه زیبا به نام تراپتی رسیدیم همه در 8 موتر دوان دوان بخاطر تماشای یک تمپل که در هر جا چنین تمپل ها زیاداست خسته و خسته رسیدیم، آقای سورش خانم و مادر خودرا نیز برده است، خودر از یازاد مذهبی می گیرد واز این امکانات دولتی سو استفاده نموده واز ما هر کدام 500 روپیه بنام خیرات جمع کرد و معلوم نگریدید که این پول هارا چه کرد ویا جنرال سودا کرجی خودرا رهبر سفر خارجی زیمبابوی ساخت تا از چنین فرصت استفاده نموده به دختر و پسر خود ویزه های انگلستان و شنگین گرفت تا فرزندان خود را سیر و سفر دهد از مذهب و قدرت سو استفاده کرده پس چیست که این نیست رهبر گروپ افسران خارجی آقای ادمیرال اول محمد ادیب از کشور مالیزیا می باشد، او 5 تایم نماز می خواند، خانم اش حجاب دارد، انگلیسی متوسط دارد، در افغانستان تعریف مالیزیا و اندونیزیا را زیاد می دارد اما این افسر مانند افسران بنگله دیش، عربها هیچ مهر محبت ندارد و کمتر ریند و خاصیت چرسی هارا دارد و همیشه همه چیز را خوب و اوکی می گوید ما افسران مسلم پیشنهاد نمودیم تا روز عید یکجا در مسجد برویم، اما به گفته خویش عمل نکرد و گذشته از آن در تمام محافل هندیها می رود و در برابرشان چاپلوسی می دارد و هیچگاهی از حقوق افسران خارجی و حتی خودش دفاع کرده نمی تواند واز اینکه ضعیف است در اخیر بس می رود و می آید مسلمان واقعی حرف و عمل اش یکی است بهر صورت به محل پلان شده رسیدیم که هتل از 1500 تا 4000 قیمت داشت بخت من در

اتاق 4 با پرداخت مبلغ 2000 از پرداخت حکومت رسید، پول هتل را به آقای سورش دادیم مانند اینکه در سفر سیکیم از ساحه ملکی شخصی بنام تراپاندی همه کاره بود و او را وزیر خارجه گروپ می گفتیم باری به حساب راجستر شدن ویزه پسر در دهلی ازش خواهش نمودم تا در وزارت داخله هند مرا کمک نماید حرف مرا درست نشنید و چه رسد که کمک کرده باشد در ک کردم که انسان بیخراست از موصوف در مقاله ما کجا اینجا کجا یاد آوری کرده ام ضرور به تکرار نمی دانم، سپس از این ایالت بسوی کویمبتور روان شدیم اودر چینای ماند و چون به هدف خود رسید به خانم و مادرش خود را همه کاره نشان داد و اکنون در کنار آنها باقی ماند و سفر اخیر را تعقیب نکرد و جنرال سرن اداره چی خوب نبوده و تمام اختیار را به جنرال موهانتی مغرور داده بود و موهانتی نیز غرق خود خواهی های خود بود و هکذا سردار اهل سک نیز در سفر تراپیتی اشتراک نکرد و هدف من تماشا محل بود نه رفتن به معبد طلایی که در مدخل اش از یک سلطان مسلم به نام ملک غفور که گویا این معبد را ویران کرده باشد نگارشات وجود داشت، به گفته جوسیف هندیا خنده آور است، این قدر سیستم مشکل، مصارفات، پریشانی گروه های هزار نفری مردم در داخل ساحات ممنوعه، امنیت جدی واسطه کردن، از ساحات دور آمدن و پای لوچ چندین ک م را پیمودن به شمول جنرال رهبر گروپ و سایرین بت هارا طولانی سجده کردن و در یک محل ستون ها و چوب ها را لمس کردن برای نگارنده و افسر یوگندایی سخت خسته کن تمام می گشت این معبد طلایی بوده ختی اطفال کوچک، خانمها و مردان نیمه برهنه همه و همه با احساسات و هیجانات بسوی این معبد طلایی می شتاییدند جنرال بخاطر اینکه پیش ما کم نیاید به اداره پولیس رفته واسطه

کرد تا زیارت این معبد را نماید در غیر آن از موجودیت از دحام نمی توانست در مدت دو روز هم اگر لباس نظامی هم به تن می کرد خود و گروپ را اینجا برساند قرار بود گروپ همکاری نماید و راپور آنرا نگارنده قرایت نماید اما بی علاقه گی های بنده و بعضا تخریبات از زبان ام در مورد این همه خرافات که حوصله نکردم این چانس مرا موهانتی خان به جنرال شانترول داد که پس از برگشت راپور سفر را در مدت 25 دقیقه خواند جنرال شانترول که همه متوجه بودند همیشه چیز های هتل را در جیب خود می گرفت و پرخوری می کرد و در بکس اش حمل می داد در این کارش مرا جنرال نارین متوجه ساخت .



گروپ مان شان وشوکت داشت، و اگر نمی‌داشت کارمندان حکومتی قبلا اجازه نمی‌دادند، هزاران نفر در عقب گروپ ما صف بندی شده روان بودند، محل این معبد طلاایی خیلی‌ها دلکش و زیبا و محلات سلطان نشین یاد می‌شوند، آتش بازی، خواندن ترانه های مذهبی به زبان سانسکریت بوده و در هندوستان به زبان های گوناگون خوانده می‌شود، چقدر ترانسپورت، مصارف نیرو و انرژی در اعمار چنین معابد در یک ساحه کوچک، ازدحام زیاد مردم مصروفیت خوب سیاسی در فقر و بیکاری مردم هند است. هر جا خدایان زیاد است به هر کدام که ساخت دست انسان است، خم می‌شوند، آواز بلند می‌کنند، دعای خوانند، سجده میدارند و گریه وناله سر می‌دهند در ختم پروگرام تماشا که زیارت گفتن اش گناه عظیم است به مراجعین حلوا و برنج در پیاله ها توزیع شد که آنرا نخوردم. راستی چند صد متر ما را پای لوچ نزدیک معبد بردند من وعیسوی داخل نرفتیم اما نظارت داشتیم وگروپ را غسل دادند، بهر صورت تجربه هندوستان است و اثر نیز به چنین نام یادخواهد گشت، بعد از طی 150 ک. م از سرزمین اندرا پردیش که مرکز آن حیدر آباد است با سپری کردن شب نا ارام بخاطر نزدیک بودن در معبد طلاایی ومحل عبادت قوی هندوهای که هر پدیده در بطن خود ضد خود را می‌افریند من ناخود آگاه تحریک شدم واز خدا ورسول یاد می‌کردم و آیات قران خودش برایم زمزمه می‌شد که روی همین مطلب وبا داشتن چند دالر عریضه به مقام سفارت مان در ختم ماه مبارک رمضان نوشتم که به مصرف خود می‌خواهم به بیت الله شریف بروم اما ناجوان آتشف نظامی در حالیکه از کالج نیز رخصت اخذ نمودم به صد بهانه همکاری نکرد در حالیکه به رتبه دگروال کدام مشکلی اصلا وجود ندارد، به موضوع می‌چرخیم قرار شد

ساعت 9 ونیم از اینجا حرکت نماییم اما 11 بجه حرکت کردیم زیرا افسران هندی زمانیکه چنین معابد وخصوصا معبد طلایی باشد علاقه برگشت ندارند چون چنین چانس ها برایشان کمتر میسر می گردد، موتر دولت و غذا دولت واکت ناز بالای چند خارجی بیچاره مانند افغانستان، یوگندا، ویتنام و ماینمار
3 بلاخره



بجه عصر در مهمانخانه حکومت جاییکه دیروز از آنجا حرکت کرده بودیم، رسیدیم وچندساعت محدود ماندیم خیلی خسته از سفر نا خوش آیند معبد طلایی بودم و تصمیم گرفتم تا دانشگاه مشهور مدراس را که قرار است بعد از نگارش تیزس در ختم پروگرام برای مان از همین جا دیپلوم ماستری در رشته فلسفه دفاعی داده شود که دارای تعمیر زرد رنگ دومنزه از دوران استعمار برتانیا می باشد، باز دید ونرخ پروگرام ماستری دوساله را بخاطر پسر

معلومات بدارم که در فاصله یک ک.م از محل توقف فعلی مان فاصله داشت داخل دانشگاه شدم هیچکس که چندین دفتر را سرزدم حتی یک داکتر علوم سیاسی را معرفی شدم برایم در مورد معلومات ندادند و برعکس خیلی سرگردانم ساختند و اگر می فهمیدم آنجا نمی رفتم در هندوستان همه چیز فورم است و اگر عادی ترین موضوع پرسیده شود می گویند شما فورم خانه پوری کردید و مبلغ پرداختید و بدون اینکه به سلام جواب بدهند چنین می گویند طوریکه در حساب ویزه خود وهمسرم در سفر خارجی خانه پوری غلط و نادرست فورم های گوناگون کسی راهنمای هم نمی کند، راهنمای همین است که یگان انسان شریف فقط سایت را برایت نشان می دهد، از طرف دیگر در فاصله های دور وانهم گرمی تابستان دهلی در واسطه سواری او تو که افغانها رکشا می گویند و بی حوصله گی های بنده در مورد 7 سال بیکاری واز دست دادن رتبه جنرالی ودایما نگارش اثر ومقاله وبد ونیک گفتن ظالمان روز گارما .

قرار بود 5 عصر حرکت کنیم اما 5 ونیم حرکت آغاز گشت وبسوی میدان هوایی کمیوتور آمدیم و مونتی دریور دوم ماست، نامبرده خیلی عجله دارد وما به شهر زیبای کمیوتر رسیدیم به هوتل ریزیرینت در منزل 7 وم ودر 707 جابجا شدم این سفر نیز کاملا بی معنی بود که هدف باز دید از یک فابریکه نساجی مطابق پلان می باشد وازاینکه گروه خصوصا خارجیان خسته شده اند نظریات گوناگون وجود دارد، غذا صبحانه را 16 مارچ صرف کردیم این بار دریور ما راوی کمار نام دارد که سومین دریور محسوب می گردد اما زبان انگلیسی اش خیلی خوب است تاختم روز در اختیار ما بود ما فابریکه را عاجل تماشا کردیم ودر ختم ما را به یک شاپ بردند وهرکدام

برخی اجناس را با تخفیف برای خود خریدیم در عرض راه رفت و برگشت به فابریکه باغات سرسبز و منظم دارای میوه جات کوکین کیله وام زیاد دیده شد که دلچسپ بود، سرک ها اش وسیع، طبیعت اش زیبا و پاک، این فابریکه پرده، نیکر، البسه طفلانه و مردانه و انواع مختلف لباس ها را بشکل عالی اما قیمت از وضع بازار و اقتصاد مردم هند تولید می کرد پروگرام رسمی ما پس از باز دید این فابریکه به پایان می رسد در این سفر نفص کوردیناتور ما این بود که درست ساز ماندهی نداشت قرار بود 7 و پنجاه هتل را ترک گویم اما 8 و 45 حرکت کردیم بدین خاطر فابریکه بدرستی مشاهده نگردید زیرا جنرال گروپ را آزاد گذاشته بود و به یک شخص خود خواه صلاحیت های زیاد اعطا کرده بود و حتی ایکه نامبرده علاقه نداشت با اعضای گروپ و چه رسد خارجیان صحبت کند زیرا او غرق دنیای خود بود و رابطه کاری و اطلاعاتی گروپ بدین منظور ضعیف بود، جنرال سرن هیچ جلسه پیش نمی برد، تبادل افکار و نظر نمی کرد او دایما روزه می گرفت و در یک روزه سفر به بهانه رفتن به دانشگاه مدراس نرفت او طوریکه حدس می زنم زیر نام کار در کالج بیشتر اوقات خود را برای تحقیقات دکتورا اش صرف می دارد، در گروپ ما سری و استا واه از بخش ملکی که سه سال در کابل در بانک جهانی کار کرده و در استد لال هایش می گوید تنها دین وسیع و مردمی بودیزم است زیرا هر چیز مقبول گاد یا خدا است و به جوسیف گفته که اسلام دین وسیع و مردمی نیست زیرا مسلمانان هر روز یک دیگر را می کشند و دین شان یک دین مجرد است در اخیر صحبت اش رسیدم جروبحث ما بالاگشت اما جوسیف عیسوی میانجیگری کرد. شخص دومی دی ای جی سروش کمار افسر بحری نیز دیگر مذاهب را تخریب می کند و نفر سوم آقای

دهرمندر شرما در ابتدا چندان محسوس نبود کمتر ریش هم دارد چهره اش ترکمن های اندخوی افغانستان را می ماند در مقامات بالایی حکومت فامیل واقارب اش دست بالا دارند وپس از انکه افسران چاپلوس این موضوع را فهمیدند وخصوصا زمانیکه یک دو سخنران به تکرار زیاد در جریان لکچر از نام برده مثال زده و منحیث استاد اش نام برد دیگر شرما گمنام برسر زبان ها هیت رهبری قرار دارد گرچه او ازبخش ملکی آمده است وحتی زمانیکه به خاطرشمولیت پسرم به نزد جنرال ملکی تراپتی مراجعه کردم این جنرال در حالیکه هیچ اخلاق خوب ندارد او مرا نزد این جناب فرستاد زیرا خواهرش مدیر راجستر دانشگاه دهلی است و او پسرم را نزد خواهرش که ده بار محترمه شرما پسر مرا سرگردان وباری یک روز مکمل خودم موصوفه را ملاقی شدم وعده وریانت دوم را داد اما عملی نکرد ، می باشد و سر انجام گرچه در تحریر موضوع سفر به تمیل نادو برخی مطالب از کالج آمده بی ربط تلقی نمی شود زیرا سفر از طرف کالج است وپرسونل ایکه بالای شان بحث صورت گرفت مداومین کورس همین کالج اند و سرانجام 16 مارچ بوسیله طیاره بسوی دهلی گرم فضا برگشت نمودیم .



گرچه موضوع فوق در سفر از دهلی تا تمپل نادو انقدر ربطی ندارد، اما برای فراموش نشدن موضوعات این مسله را اختصاص دادم اینها همه به نسل کنونی و آینده تاریخ است، کالج ما عجیب و غریب است چه پرابلم ها. بخالت های نبود که از حساب سوالات، نظریات و بحث ها برایم خلق نکردند اما یک روز جنرال متهو افسر قوای هوایی که سخنگوی صنف است، از عقب تریون اعلان کرد که فلان و فلان نسبت سوالات زیاد و طولانی به چند بوتل بیر جریمه اند، من فکر کردم که اوشاید مزاح نماید وقتی بل ماهوار جولای را آوردند واقعا 720 روپیه نگارنده را از میان خارجیان وده تن از افسران فعال وبا دانش اردو هندوستان را لست داده تا شعبه مالی ما را جریمه کند وبسیارخفه شدم وبسیار مقاومت کردم که این پول را نپردازم، زیرا به عوض پاداش، مکافات و دادن سیر تیفیکیت و ابراز شایستگی برعکس جریمه شدیم در حالیکه جریمه را معمولا افراد بی دسپلین وغیر فعال می پردازند با مدیر مالی، سرگروپ عمومی آقای انیل کیور وبا متهو خان گپ زدم تامدتی پول بل را تحویل نکردم ومتهو می گوید من حالا اعلان کرده ام وپس از 16 روز با مشوره پسر م مجبور شده پول را تحویل کردم در اینجا یک محصل به زور پول محصل دیگر را به حساب بانک شان می ریزاند در حالیکه در همین ماه جولای 1000 روپیه از دل ورضایت بخاطر ترحم به زلزله زده گان ایالت اتراکاند کمک کردم که جمله 1720 را مصرف گشت، ماهانه کالج 25000 معاش می دهد وبنام های گوناگون دوباره چارچ می دارد تنها برخی موارد معقول مانند کرایه بس،چای وقهوه هنگام تفریح وغذا چاشت دیگر به نام مصرف بیانیه، سازمان زنان، ژور نال کالج وغیره نامهای بیمورد که بدرستی همه آنها ندانستند، در منزل زیست در رکشباون با وجود معاش

آشپز، وصفا کار دونفر که قسما جبری است و بر هرافسر تقسیم است بخاطر انترنیت وچینل تلویزیون 20 دالر که اکثر اوقات چینل ها خراب می باشد پرداخته می شود، پلان کالج همین است که تمام پول ها مصرف گردد.

افسران کورس باید حقوق مساوی داشته باشند اما :

- اگر در هندوستان از دموکراسی سخن می زنیم پس نباید سکریتر چنین نامه مبتذل بخاطر یک سوالم انهم به ارتباط موضوع صدا مرا مدتی خاموش می کرد.

- اگر زورگویی نباشد بینودکمار حق عقب راندن میکرافون بنده را از نمبر اول به نمبر 5 نمی داشت در حالیکه یک محصل او ویک محصل نگارنده.

- اگر زورگویی و سو استفاده از محلی بودن نباشد متهو خان مرا 720 رویه جریمه نمی کرد.

- اگر داکتر من موهان سنگ حکومت داری خوب دارد چرا یک کاغذ معمولی از ارکی پورم دفتر راجستر اتباع خارجی و در بین شعبات وزارت داخله سه وچهار ماه دوران کند در این کشور یا دموکراسی نبوده ویا جای خود را حالا به بیروکراسی تبدیل کرده است.

- در رفتار هیت رهبری کالج برخورد های چند گانه و تعصبات مشهود نمایان است وافسران بین المللی را پس از سفر خارجی دیگر تاریخچه و پارتی ها وروز های ملی اینکشور علاقه مند نمی سازد طریقه برای همگی کارت دعوت به مناسبت استقلال تاریخ 15 اگست داده شده بوداز میان 24 تن فقط افسر پیرو و دگروال برازیل اشتراک کرده بود و بس .

- در کالج از میان افسران هندی یک تن بنام افسر حمایوی توظیف است که این یک موضوع اضافی بوده و هیچ بدرد بخور نمی‌باشد افسر حمایوی نگارنده هیچ کمک نکرده او همیشه مصروف خود بوده خود خواه نیست اما ترسو و کم جرات، خارجیان بیچاره از این ناحیه خیلی به عذاب اند.
- تورنجرال بحری آقای گایکه در ابتدا انسان خوب نمایان بود و زمانیکه متصدی مضمون پنجم گشت کا ملا تغیر چهره کرد و مغرورگشت زیرا هر روز صحبت می‌کند و مطرح است و مضمون دارد و سخنرانان را به معرفی می‌گیرند و از اینکه ظرفیت ندارد خود را می‌نماید.
- جنرال مالک بنگالی که در وس اضافی را مانند کپسول میدیا وغیره ساز مانده می‌کند درس‌های گروپی تحلیلی را با فکاهی‌های بنگالی ولهجه نا فهم انگلیسی اش سپری ساخت ولی زمانیکه موضوع تیزس‌ها بمیان آمد اعضای کورس وبه خصوص نگارنده را سخت آزار داد در حالیکه یگانه افسر خارجی وحتی نسبت به افسران هند نخستین کسی بودم که تیزس خود را تقدیم اش کردم با انکه تیزس از نظر 5 تن گذشته اما برای جور دادن بنده بهانه‌های زیاد گرفت و از خمیر موی پالید واونیز خود را نشان داد که من یک تورنجرال بیسواد هستم استاد نا لایق ورهبر نا کار آمد در موقع حساس محصل ومردمش را آزار می‌دهد این جنرال خیلی قد بلند، سیاه چهره وفربه ودارای بروت‌های شخ عوض انکه بخواند، نخوانده نظریات خالی را شارت نوت می‌دهد در بار اول بدرستی خوانده ویا اخذ هدایت لازم اش انرا به کمک پسر م اصلاح وتقدیم نمودم موضوع تیزس: سناریو افغانستان پس از سال 2014 بوده که در این موضوع تمام مطبوعات دنیا وافغانستان مصروف است و گذشته از آن دو وسه مقاله‌ام در آریایی به نشر

رسیده و از مقاله پروفیسور جلالی تحت عنوان چشم انداز آینده افغانستان نیز سود زیاد بردم تمام اجرات در هند طولانی، درازا و خسته کن و حوصله گیر می باشد، در گذشته ها چنین مفکوره نداشتیم یکی مجبورت ها است، ازدیاد نفوس، ازدحام ترافیک و دیگری موضوع از رنج دیگران لذت بردن، کار شکنی، تمایل به تحفه و رشوت که جرات گرفتنش نباشد و سومی، عادت بدی منفی بافی و اجرا نکردن کار به نفع کس دیگر آن هم قانونی. مانند که در دفاتر وزارت داخله داخل شدن بکلی ممنوع است وزارتیکه باید آزاد با مردم دید بازدید کند، مراجعین را در شعبات مربوط بپذیرد، مشکلات شان را بشنود و آن را حل نماید در صورتیکه قانونی نباشد به قناعت مراجعین پردازد ولی چنین چیزی وجود ندارد این وزارت در حقیقت یک زندان است مثال دیگر طوریکه در بالا ذکر شد از موضوع تیزس در کالج اگر سخن برانیم من کار تیزس را با در نظر داشت همین روحیه که مشکل زبان دارم بتاريخ 24 جون ختم کرده و به جنرال مالک سپردم ایشان تا 19 جولای نزد خود نگاه داشته و یاد داشت که در آن 15 نقص را برجسته ساخته بود برایم سپرد آنرا طی دو هفته اصلاح کاری نموده و بتاريخ 5 آگست بار دوم برایش سپردم و طبق پلان کالج 16 آگست در مورد تیزس با ما صحبت کرد بدون این که آنرا مطالعه کرده باشد یادداشت ثانی را با ذکر شش مورد برایم سپرد آن را نیز اصلاح کرده که بار سوم میشود برایش سپردم بینم که چه تصمیم میگیرد و همچنان بتاريخ 19 جولای به هرشا گیتا افسر حمایوی نیز سپردم که موصوف بدون اینکه بدرستی خوانده باشد با ذکر چند موضوع جزئی بتاريخ 2 آگست

آنهم بنابر تیلیفون های مکرر نگارنده بتاريخ 2 آگست بدست شخص سوم ارسال نمود، در همین جا نگارش خود را خاتمه می بخشم .

افغانستان پس از سال 2014

جون 2013 بخش دری تیزیس

بر مبنای توافقات میان افغانستان و ایالات متحده امریکادر سال 2014 نیروها ی ناتو کاهش یافته و سرانجام خروج کلی آنها صورت می گیرد، واضحیاً چنین روند انتقال با ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و منطقی آن تاثیرات سرنوشت ساز بر آینده کوتاه مدت و دراز مدت در افغانستان خواهد داشت .

گرچه امریکا در نظر دارد سایر ممالک خارجی افغانستان را ترک گویند و خود در شش زون مختلف افغانستان با تعداد هنگفتی نیرو نظامی اش در عقب جبهه تا 2024 باقی بماند تا در جریان ده سال آینده بنابر تصامیم اتخاذ شده در جلسه شیکاگو مورخ می 2012 نیروهای امنیتی افغانستان تقویه گردد. قرار است پس از خروج کامل نیروهای نظامی ناتو مسولیت امنیت به نیروهای امنیتی افغان سپرده شود و انتخابات ریاست جمهوری مطابق قانون اساسی افغانستان برگزار گردد.

هویدا است که با کاهش تدریجی حضور خارجیان بازار خدمات کوچکتر شده و فرصت های شغلی برای وابستگان غرب که امتیازات بسا بلندی دارند محدود می گردد گرچه شکل دهی حرکات مخالفین دولت و پیشرفت پروسه صلح تاجایی وابسته به تصامیم دول ذینفع به شمول پاکستان و ایران می باشد اما خروج قوای بیگانه جواب مثبت در برابر بهانه ها شده می تواند افزون بران مردم افغانستان، پاکستان و ایران در چنین موضوعات در سرگمی زنده گی دارند.

با در نظر داشت این چالش ها افغانستان در یک مرحله آزمون جدید تاریخی قرار دارد. مسلماً این وضع خطیر دفعتاً ایجاد نشده بلکه ناشی از نوع برخورد نا سنجیده

شده و خوش باورانه جامعه بین‌المللی و منفعت جویی گروهی و شخصی رهبران افغانستان حتی در مسایل عمده سیاسی، ملی و منطوقوی بوده است. در مرحله کنونی در پی تلاش‌های ناهماهنگ و هزینه‌ناکافی قرارداداریم که از طرف جامعه جهانی در امر بازسازی و تقویه اردوی ملی شکل گرفته است عده از کشورهای صادقانه در مبارزه علیه تروریزم اشتراک نمی‌ورزند. برخی کشورها بجای فکر سالم در مورد افغانستان مصروف رقابت‌های درونی میان خود اند بعضا با دیپلوماسی‌های جداگانه رفتار می‌کنند این بی‌تفاوتی‌ها در مجموع باعث مداخله بیشتر پاکستان و ایران در امور داخلی افغانستان گردیده است برای حکومت مافیایی پاکستان این مرکز تشکل تروریزم و هیرویزم امریکا ماه دسامبر 2012 علاوه بر ملاقات به رهبران ای اس ای وعده کمک 60 میلیارد دالر رانیز نموده است.



امریکا - واشنگتن دی سی، می 2012 سیمینار نیسا

از تدویر جلسه بن در سال 2001 میلادی تاکنون تناسب منطقی بین اهداف بازسازی و وسایل توصل به ان وجود نداشت و وعده های بازسازی به اساس پلان مارشال خیال بیش نبوده وتلاش های پراکنده دولت سازی باهزینه نا کافی در یک فضای بی ثبات و ناامن خود ایجاد نموده نتوانست با شرایط واقعی وچالش های موجود هماهنگ ساخته شود .



شهر هامبورگ - جرمنی، جون 2013

پروسه ناقص دولت سازی از دیدنیروی نظامی امریکا، توسعه عملیات نظامی و به کارگیری ستراتیژی کلاسیک به اصطلاح ضد شورش در سالهای 2009 و 2010 دنبال شد طوریکه تاریخ نشان داده است موفقیت چنین ستراتیژی به حوصله وزمان کافی بستگی دارد و دیده شد که فشار داخلی و کاهش امکانات ملی در امریکا وسایر کشورهای ناتو پشتیبانی از دوام چنین

استراتژی که برای رسیدن به هدف نیازمند زمان است، کاهش یافت و منجر به نقشه خروج قوای نظامی ناتو از افغانستان تا سال 2014 گردید.

مسئله نیروی نظامی خارجی بالاخره باید با ایجاد شرایط از افغانستان بیرون رود اما تعیین تاریخ قطعی این خروج در شرایط دوام شورش و سرنوشت نامعلوم پرونده صلح معمولاً سبب می شود که قوای شورشی و حامیان خارجی آنها روش انتظار و فرصت جویی و سیاست حفظ ماتقدم را اختیار نمایند، این وضع نه تنها می تواند جنگ را طولانی سازد بلکه بسیج نیروهای داخلی برای مقابله با پیامدهای مجهول بعد از خروج نیروهای خارجی رانیز با موانع سیاسی، امنیتی و روانی مواجه می سازد.

در افغانستان رهبران و مسولین سیاسی فرصت های خوبی را از دست دادند و نتوانستند به خاطر مصالح علیای کشور از منافع شخصی، گروهی، قومی و تنظیمی خود بگذرند و متحدانه در راه اعمار نهاد های ملی تلاش نمایند طوری که انتخابات دور دوم ریاست جمهوری نشان داد کاندیدان پست ریاست جمهوری که ابتدا 32 نفر بودند تعداد زیادی شان بخاطر منصب گیری با آقای کرزی معامله کردند و گفتنی اند که شخص دوم داکتر عبدالله نیز مبارزه را تا آخر خط به پیش نبرد و داکتر اشرف غنی احمد زی پس از داکتر رمضان بشردوست شخص چهارم حساب می شد و با اخذ 360000 رای در سالهای اخیر به حیث رییس کمیسیون انتقال مسولیت از نیروی های نظامی ناتو به نیروهای امنیتی افغان اجرای وظیفه می دارد در حالیکه در هنگام کمپاین انتخاباتی اش طرح های خوبی برای اردو داشت و یگانه حریف و مشکلات در حکومت داری سالم موجودیت آقای کرزی را در راس زمامداری افغانستان می پنداشت. ناگفته نباید گذاشت که در دو دور انتخابات

ریاست جمهوری، پارلمانی و شوراها و ولایتی آنقدر اراده و تصمیم مردم مطرح نبوده و افراد دلخواه حکومت و خارجیان به گونه های مختلف در رهبری کشور و پارلمان جاگزین گشتند.

رهبران در افغانستان از حاکمیت قانون حمایت نکردند و بجای تقویه و توسعه نهاد های دولتی پیوسته تلاش ورزیدند تا نفوذ شخصی خود را تحکیم بخشند که در نتیجه نهاد های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی دولت به فقدان توامیت ملی و تمامیت مسلکی مواجه گردید و در ضمن آن کمک های خارجی بسوی سیاسی شوی شتافت و در انحصار قدرتمندان داخلی و حامیان خارجی آنها قرار گرفت. این وضع زمینه را برای مافیایی شدن فعالیت های سیاسی، اقتصادی و حکومت داری مساعد ساخت. فساد اداری، قانون شکنی، توسعه نا امنی، بی عدالتی و کاهش گسترده کنترل دولت محصول همین وضع نا مطلوب است. تا زمانیکه این وضع تغیر نیابد بی ثباتی در کشور ادامه خواهد داشت.



شهر لندن در مقابل پارلمان انگلستان، می 2013

بنابراین بستر استراتژیک پروسه انتقال دارای ابعاد گوناگون است. تعاملات ذات الینی میان دولت افغانستان، مخالفین مسلح، قوای نظامی بین‌المللی به رهبری ایالات متحده امریکا وسایر نیروهای داخلی وخارجی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم با این سه جانب درگیر متعهد هستند آینده افغانستان را منحیث یک دولت ویک ساحه جغرافیای که بلقوه قادر به جلوگیری ویا دوام بی ثباتی باشد تعیین می دارد. فلهدذا انتقال مسولیت نظامی - امنیتی در سال 2014 بدون اصلاحات اساسی در دولت وقانون پذیری اشخاص ونیروهای صلح وثبات را درکشور تضمین کرده نمی توانند.

راه حصول صلح و امنیت پایدار در افغانستان نیاز مند یک تغییر بنیادی در نحو حکومت داری با در نظر داشت تجارب تلخ و اشتباهات گذشته و توسعه نهاد های دولت میرا از نفوذ زور مندان و سردمداران داخلی و مداخلات خارجی با اشتراک گسترده مردم افغانستان در تصامیم ملی و تامین امنیت بشری و حاکمیت قانون است. با در نظر داشت دینامیزم سیاسی و امنیتی در کشور و منطقه، عملیه انتقال چند بعدی، پیچیده و پراز فراز و نشیب ها خواهد بود.

توصل به این آرمان های ملی در گام نخستین مستلزم ایجاد شرایط مساعد برای تحقق پذیرفتن دیدگاه کوتاه مدت در پایان دوره انتقال است. ایجاد چنین شرایط به عوامل آتی بستگی دارد:

- 1- نیروهای ملی امنیتی افغانستان باید ظرفیتی را کسب کنند که آنها را قادر سازد که بطور مستقلانه و یا به کمک نیروهای محدود خارجی باقیمانده در پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان با چالش ها و تهدیدات امنیتی مقابله کرده بتواند و در این صورت لازم می افتد حداقل اردوی افغانستان از نقطه نظر طیاره ، تانک و اسلحه ثقیله توپچی مدرن اکمال گردیده و مسولیت سرحدات کشور به عهده اردو گذاشته شود و از لحاظ کمیت نه تنها اینکه کاهش یابد برعکس به 250000 تن برسد.
- 2- روند صلح و اشتهی ملی تاحدی پیشرفت نماید که باعث پایین آمدن سطح تهدیدات امنیتی گردد ، ترکیب شورا تغییر نماید از مورثی بودن و مصلحت بینی نجات یابد .
- 3- پناه گاه های مخالفین مسلح در پاکستان مسدود گردد و جامعه جهانی در مورد پاکستان را کمک بدارد و یا حد اقل به اردو افغانستان اختیار دهد

تا القاعده و تروریست ها را تعقیب داغ نموده در لانه های شان نابود نمایند .

4- در تطبیق اصلاحات سیاسی و حکومت داری که دولت افغانستان در چهار چوب طرح انتقال وعده سپرده است پیشرفت بعمل آید و در نتیجه انتخابات آزاد و شفاف انتقال قدرت بطور مسالمت آمیز و دموکراتیک به اداره جدید صورت گیرد.

بنابراین طی دو سال آینده روند انتقال در چهار جهت مرتبط بهم در جریان خواهد بود:

- 1- انتقال مسولیت امنیتی
- 2- انتقال پروسه سیاسی به شمول انتخابات ریاست جمهوری
- 3- وضع اقتصادی مردم
- 4- روند مذاکرات با مخالفین مسلح



مرکز تعلیمی نظامی کابل ، 16 می 2012

چون موضوع دوم وسوم مربوط وضعیت داخلی و تا جایی متعلق به زمامداران کشور است بالای آن تاکید بیشتر صورت نمیگیرد ولی قصد دارم موضوعات اولی وچارمی را کمی به تحلیل بکشانم زیرا در این بحث ها پای کشور های خارجی، همسایگان وهمسایگان دورتر مانند چین، هند، روسیه و ترکیه نیز دخیل است.

امنیت مهم ترین اولویت در راستای ساختن یک حکومت با ثبات وموفق در افغانستان است. همچنان امنیت ما تقدم توسعه سیاسی، رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر کشور می باشد. امنیت تنها با امن کردن دولت خلاصه نمی شود و به دست نمی آید، بلکه تهدید های امنیتی که زنده گی شهروندان را در سطح وسیعی به خطر انداخته است باید رفع شود. توجه نیروهای ملی امنیتی و جامعه بین المللی در امر مبارزه باشورش وتروریزم نباید تهدیدهای راکه از شبکه های جنایت کار محلی وقاچاق چیان مواد مخدر و مدیران فاسد محلی ناشی می شود تحت شعاع قرار بدهد، چونکه این تهدیدها بیشتر از خشونت شورشیان به پیکر اجتماع آسیب می رساند دولت باید تهدید های متنوع امنیتی چون تروریزم،شورش،تفرقه، جنایات ساز مان یافته، وفساد رسمی اداری را هدف قرار دهد تا آنچه امنیت بشری خوانده می شود تامین گردد .

لازم است دست آورد های امنیتی توسط حکومت داری خوب پایدار گردد وحکومت داری از طریق توسعه اقتصادی نیرومند وغنی ساخته شود . بنابراین امنیت یک پروسه چند وجهی است که تمام پایه های توسعه وانکشاف یک کشور مبتنی بر آن باشد وتنها با مفاصد واستراتیژی های نظامی قابل حصول نیست، بلکه حکومت داری مناسب، تامین عدالت اجتماعی،توجه به حاکمیت قانون وپاسخگویی به نیازمندی های روزمره کشور از مقتضیات آن است .

ستراتژی انتقال مسولیت امنیت به قوای امنیتی افغانستان در 2014 با محاسبه تقلیل فعالیت شورشیان از طریق عملیات نظامی و بالوسيله کشاندن آنان به مذاکره، توسعه همزمان نیروهای ملی امنیتی افغانستان و بدین ترتیب ایجاد شرایط برای خروج قوای خارجی از کشور در 2014 بنا یافته است.

بنابراین فراهم آوردن شرایط لازم برای امنیت در دراز مدت مقتضی ایجاد و توسعه قوای امنیتی مسلکی، منسجم و پایدار، موثر و خودکفا می‌باشد. عملیات مشترک نظامی نیروهای امنیتی افغانستان و ناتو طی سه سال گذشته فعالیت شورشیان را در برخی محلات کلیدی در جنوب کشور کند ساخته است و ضمناً طی سه سال گذشته با بکارگیری هزینه کافی توسط ایالات متحده امریکا و توظیف هزاران مربی خارجی پیشرفت قابل ملاحظه در تعداد و تجهیزات نیروهای اردو و پولیس افغانستان بعمل آمده است. هر چند این دست آوردها چشمگیر اند غیر قابل برگشت نیستند. تقلیل قوای نظامی در مناطقی که از شورشیان پاک شده باعث برگشت شورشیان شده می‌تواند زیرا پولیسهای محلی در خطوط اول از حرکات شورشیان جلوگیری کرده نمی‌توانند و در عین زمان توسعه کمیته‌های امنیتی افغانستان بدون انکشاف کیفیت مسلکی، وسایل و تجهیزات کافی زمینی و هوایی، ایجاد سیستم موثر و پایدار لوژستیک و تقویت روحیه و انگیزه ملی نمی‌تواند انتقال موفقانه مسولیت امنیتی را تضمین کند.

دولت افغانستان خواهان نیروی 352000 ملی امنیتی می‌باشد، اما انکشاف ظرفیت مسلکی آنها زمان بیشتر می‌خواهد. یک عده چالش‌های عمده در راه انکشاف نیروهای امنیتی کشور قرار دارد. توصل به اهداف انتقال امنیتی مستلزم مقابله موثر با این چالش‌ها بدون مقید ساختن آن به زمان معین می‌باشد:

اولاً لازم است ظرفیت حرفوی نیروهای امنیتی درهم آهنگی با مقتضیات مبارزه با شورش بلند برده شود یعنی توسعه ظرفیت های مسلکی همزمان با فعالیت نظامی بعمل آید. این کار به تلاش خلاقانه ورهبری مدبرانه نیاز دارد و زمانگیر است. در شرایط کنونی توسعه قوای امنیتی بیشتر بر ایجاد ظرفیت های صنوف محاربوی متمرکز شده است و هنوز صنوف حمایه محاربوی و حمایه لوژستیکی در مراحل ابتدایی انکشاف قرار دارند و از این رو قوای امنیتی افغانستان از نظر حمایه اتشی، پشتیبانی قوای هوایی و حمایه لوژستیکی متکی به کمک قوای خارجی اند. مزید بر آن روند توسعه قوای امنیتی به چگونگی توسعه سایر نهاد های دولت بستگی دارد.

ثانیا اگرچه تناسب قومی در ترکیب نیروهای امنیتی ظاهرا تا حدود زیادی از وابستگان رهبران برمبنای تعلقی خویشاوندی و تنظیمی رعایت شده است چنین دخالت متنفذین واجاره داران کنونی قومی و تیکه داران سابق دینی که متعهد به منافع قومی و گروهی از داخل و خارج دولت در جابجایی کدرها، قوای مسلح را ترکیب تنظیمی بخشیده و در حقیقت ترکیب ملی را خدشه دار و بی عدالتی را بیار آورده است.

چنین وضعیت هم آهنگی مسلکی و یک پارچگی نیروهای امنیتی را مخصوصا در شرایط کنونی صدمه زده است.

موجودیت و فعالیت افراد و گروه های مسلح غیرقانونی وابسته به زورمندان داخلی به هر عنوان که باشد سد راه توسعه نهاد های قانونی امنیتی واقع می شود. نقش پولیس در مبارزه با شورش در تباین با آنچه در قانون 2005 پولیس و استراتژی انکشاف ملی و استراتژی نظامی تعریف شده است، قرار دارد.

پولیس افغان با امکانات محدود با شورشیان در گیر مبارزه مسلحانه است و بیشتر از اردو متحمل تلفات می شود و تا اندازه دشمنان حکومت کنونی به نفع کشور های همسایه در صفوف نیروهای امنیتی فعالیت دارند. شک نیست که پولیس موثرترین نیروی مبارزه با شورش و تروریزم است اما نه از طریق اجرای عملیات جنگی، موثریت پولیس در مبارزه با شورش و تروریزم مبتنی بر جلب اعتماد و همکاری مردم است که از راه حفظ حقوق شهر وندان و محافظت ملکیت شخصی و دارایی عامه حاصل می گردد. در چنین فضای همکاریست که امکان فعالیت برای شورشیان و تروریستان محدود می شود.



شهر ایدیمبوری – سویدن 4 جون 2013

یکی از چالش های عمده امکانات تمویل قوای امنیتی در دراز مدت است. انتظار نه می رود که عواید داخلی تا ده سال دیگر مصارف قوای امنیتی کشور را بطور کلی تامین نماید وبنابر آن تا آئزمان کمک مالی خارجی

ضروری خواهد بود اما مشروط به آنکه دوروی سکه نباشد. قطع شدن و یا محدود شدن چنین کمک ها و تنها گذاشتن افغانستان بر تمامیت و فعالیت قوای امنیتی اثر ناگوار دارد و حتی پس از 2014 و در دراز مدت ایجاب می کند که نظام نیروهای امنیتی، ساختار و حجم آنها با در نظر داشت سطح تهدید، امکانات مالی و وضع عمومی سیاسی و امنیتی در داخل و خارج کشور مورد بازنگری و تنظیم مجدد قرار گیرد.

نیروهای امنیتی ملی افغانستان از دکتورین نظامی که عبارت از مجموعه نظریات، میتود ها و طرز و روش تاکتیکی اپراتیفی بخاطر توانمندی شان جهت نیل به اهداف استراتژیک می باشد، تعریف درست ندارند.

بایرون شدن قوای خارجی از افغانستان در سال 2014 یک خلای ممکنه بین سطح تهدید امنیت و توانمندی احتمالی مقابله با آن بوجود آمده می تواند. بنابراین حصول موافقه با مخالفین مسلح دولت که مورد قبول مردم افغانستان باشد و یا حد اقل پیشرفت در عملیه صلح که به تقلیل خشونت به انجامد در پر کردن این خلا موثر بوده می تواند.

ایجاد شرایط صلح پایدار، مشروع و مورد قبول همه طرف های در گیر به پیشرفت چشمگیر در وضعیت واقعی نظامی، توجه به عوامل نارضایتی مردم در داخل کشور، حکومت داری موثر و همکاری کشور های منطقه مخصوصا پاکستان که پناهگاه های شورشیان را در خاک خود جاداده و از همین محلات پاکستان موادمخدر توسط تروریستان انتقال یافته و به آسیای میانه راه می یابد بستگی دارد.

ایجاد چنین شرایط به اقدامات هما هنگ نظامی، سیاسی و دیپلماتیکی در داخل افغانستان و به کمک صادقانه جامعه بین المللی نیازمندا است.

ایجادیک فضای مساعد سیاسی- استراتژیک در افغانستان و منطقه شرط اساسی برای آغاز روند صلح از طریق گفتگوی ثمر بخش با طالبان است. ایجاد چنین فضا مستلزم تقویه نفوذ دولت در مناطق بی ثبات توسط اداره موثر و مورد اعتماد مردم و ادغام استراتژی نظامی و سیاسی در یک تلاش راهبردی واحد و به کار بردن هم آهنگ توسط تمام وسایل ممکن است. در فرجام دست آورد های نظامی باید زمینه مساعد را جهت ایجاد یک اداره سالم و حکومت داری غیر فاسد و خدمت گار به مردم مساعد سازد تا به وسیله آن مردم همکار دولت شوند و جاذبه شورش بیرنگ گردد. با وصف تلاش های فزاینده بین المللی برای جستجوی حل سیاسی بحران افغانستان، اقدامات بازیگران داخلی و خارجی در این راه تا کنون غیر هدفمند، متفرق، غیر شفاف و ناهم آهنگ بوده است.



شهر هرا ری - زیمبابوی قاره افریقا می سال 2013

افغانستان در حدود 30 میلیون نفوس دارد عاید سرانه فی نفر در سال به 900 دالر امریکایی می رسد. بیکاری، فقر و گرسنگی دامنگیر مردم این سرزمین است. با وجود سرازیر شدن ملیارد ها دالر به کابل و ولایات 9 میلیون افغان در زیر خط فقر زنده گی دارد با در نظر داشت این همه ستراتیژی ذیل را در سیاست آینده افغانستان پیشنهاد دارم:

- سکتور امنیتی کشور تقویه گردد تا بعد از 2014 بتوانند وظایف خود را مستقلانه انجام دهند.
- فساد در سراسر افغانستان ریشه کن گردد
- اصل شایستگی معیار قرار داده شود و مسایل قومی، محلی، تنظیمی، زبانی، نژادی و غیره در تقرر کادرها در نظر گرفته نشود.
- اصلاحات تشکیلاتی صورت گیرد.

- زمینه رشد و توسعه فراهم گردد .
- تنظیم و استفاده درست و مناسب از منابع طبیعی انجام یابد .
- تنظیم و اداره آب و آبیاری به درستی ساز ماندهی گردد .
- توجه به مالداري، زمین داری و علفچر ها صورت گیرد .
- حفظ محیط زیست و احیای مجدد جنگلات در اولویت های کاری قرار داده شود .
- به باغداری و احیا مجدد ان توجه گردد .
- مسایل و ترنری، تربیت حیوانی و صحت حیوانی کنترل گردد .
- ایجاد فارم های تولیدی به مقیاس کوچک عملی شود .
- موثریت تولیدات افزایش یابد .
- جلوگیری از کشت کوکنار در بدیل دادن امتیازات به دهاقین کشور جنبه عملی پوشد .

سفر به افریقا و اروپا

می 2013

سفر ما 12 می 2013 از دبی بسوی یوساکا مرکز زمبیا بعد از سپری نمودن 7 ساعت پرواز پیاره خاتمه یافت .

از یوساکا بدون آنکه از میدان خروج شویم تا هراری به مدت 40 دقیقه در مساحت 500 کیلومتر رسیدیم، هر دو کشور 13 ملیون نفوس دارد و حدود یک فیصد مسلم که جمله در هر دو کشور یک لک را تشکیل می دهند، زنده گی دارد. زیمبابوی که پایتخت اش هراری می باشد، یک شهر کلاسیک و افسانوی است، دیوار های چوبی و سنگی اش از قدیم الایام نمایان می باشد در گروپ 20 نفری مان 5 نفر خارجیان به ترتیب ایکه 2 افسر از کشور بنگله دیش، یک نفر از اندونیزیا، یک نفر از مالیزیا و نگارنده از افغانستان اشتراک دارد . هراری در سال 1980 استقلال خود را از بریتانیا کبیر بدست آورده است و اکنون تغیر چهره نموده است و از سال 1999 سریعا به پیشرفت های قابل ملاحظه دست یافته است .

از سال 1996 به بعد فعالیت 2 حزب سیاسی در این کشور محسوس بوده است و سالهای 2002 و 2008 انتخابات سالم را پشت سر گذاشته است .



اهالی زیمبابوی از که تامه به زبان انگلیسی تحریر و تکلم دارند و می توانند به آسانی در سایر نقاط دنیا کار و تحصیل نمایند، پول مروج شان دالر بوده و زبان محلی خود را نیز دارا اند .

در این کشور وسیله خوب حمل و نقل میکرو بس ها بوده که برای اهالی خیلی ها مساعد، سریع و راحت می باشد اما بس اجاره شده بزرگ سفارت هند در هراری خیلی نا کار آمد بود که در عرض راه دوبار خراب گشت و مشکلات زیادی را برای ما ن خلق نمود .

این کشور از نقطه نظر معادن قیمتی خصوصا طلا خیلی مشهور بوده و دومین کشور از لحاظ ذخایر طلا بوده، پلاتم و ذغال سنگ فراوان دارد در مسیر راه معادن ذغال سنگ را مشاهده کردیم ، کیفیت طلا این کشور عالی است و بدین منظور است که مورد تهاجم دول خارجی قرار گرفته است .

بعد از سقوط اتحاد شوروی در سال 1992 بنابر بر مشکلات واقعی که داشته سیاست زیمبابوی 180 درجه تغیر می خورد و دوستی جدید را با کشور چین آغاز می دارد و کشور چین مانند یک ایالت اش به هراری در تمام ساحات کمک می دارد، تنها کالج مدافعه ملی را به مصرف 96 میلیون جدید اعمار ساخته که اولین سال آغاز دروس اش بوده، و کشور هند.



نیز آرام نه نشسته، ده هزار اهالی اش در اینجا زنده گی دارد و پیشه شان تجارت کمپیوتر وسامان و آلات کمپیوتر و صادرات موتر از طریق دبی به هراری می باشد، در سال 2012 کشور هند به مبلغ یک میلیارد دالر در زیمبابوی سرمایه گذاری کرده است. هندی های مقیم هراری و سایر نقاط حومه آن هندی های گجراتی الا اصل اند که در میان شان مسلمانان نیز وجود دارد که از تیم مان در رستوران بنام تندور و در عرض راه نان شب را با کباب گوسفند و مرغ مسلمانان هند تهیه و مارا به صرف آن دعوت کردند. شفاخانه با کیفیت و مشهور هراری به کمک دولت هند اعمار و فعال ساخته شده است. با پاکستان نیز روابط بد ندارد و تعداد زیادی پاکستانی ها در اینجا زنده گی دارند طوریکه مشاهده کردیم یک نظامی پاکستانی ملبس بایونیفورم اردو زیمبابوی در کالج دفاع ملی این کشور مصروف تدریس بوده که این کار را افغانها انجام داده نمی توانند شاید بحیث استاد اجرای وظیفه بدارند اما فکر نمی کنم که لباس عسکری کشور دیگری را که غیر مسلم نیز می باشد به تن کنند. به هر صورت از انتقاد پاکستانی می گذرم سه چیز که خیلی خوشم آمد این بود:

- اب وهوا مساعد
- حکومت داری خوب و مورد قبول مردم
- کلتور عمومی عالی

هراری شهر زیبا و در حال ترقی است. مردم زیمبابوی که سه میلیون اش در هراری زنده گی دارد با بی ثباتی و جنگ مخالفت دارند، زیمبابوی در همکاری با صلح و امنیت بین المللی قرار دارد، در یک هفته اقامت همه چیز ها روشن بود، در سرک های هراری، بولاوی و هوانگی و ویکتوریا انسانها کم

گشت و گذار داشتند. هوا هراری نه گرم ونه سرد كاملا مشابه آب وهوا ولسوالی خرم وسارباغ ولايت سمنگان افغانستان ، زمستانش در ماه می آغاز شده كه به گردش خوش آیند، ساختمان تعمیر ها اش زیباوساخته از خشت های قوی، سرخ رنگ و روی زمین این کشور سرخ رنگ بوده ولی شهر هایش قابل زیست و آرام .

وزیر خارجه اش اقای مندازا گفت : با اتحادیه افریقا، سودان شمالی، افریقای جنوبی وفلسطین رفاقت داریم با شش کشور همسایه بوده واز جریانات صلح آمیز بین المللی استقبال می کنیم ودایما همکاری خود را اعلان داشته ایم ، کشور ما مدت 90 سال مستعمره بریتانیا بوده، صحت، ترانسپورت وتعلیم در حال انکشاف است، مدتی وضعیت اقتصادی شان خوب نبوده، دلیل آنرا مداخلات انگلیس وامریکا وانمود ساختند ، 400 کمپنی درهراری کار میکنند با سایر کشور ها مانند روسیه ، چین روابط دوستانه دارند وبا برازیل نیز آغاز گردیده است از سرمایه گذاری هند توصیف بعمل آوردند اما وزیر خارجه در هنگام صحبت اش پریشان حال ومسلط به پالیسی خارجی سخن نمی گفت.

سفارت هند در زیمبابوی خیلی فعال است از آغاز تا آخرین لحظه گروپ را تنهانگذاشته وکمک های زیادی کردند. سفیر هند در هراری اقای تراپتی را كه در روز اول تعارف جنرال سرن آنقدر پسند نكرد اما موصوف مرد مهربان ومتواضع ودلسوز به وطن اش بود سفیر در صحبت اش با وزیر خارجه از محدودیت ویژه به اتباع هند صحبت كرد و جنرال سرن نیز آنرا تائید وپاسخ های معین را دریافتند.



از یک طرف این کشور با افریقا جنوبی دارنده 63 میلیون نفوس و از جوانب دیگر با کشور های زمبیا، بوتسوانا و موزمبیق همجوار است، زبان ملی شان شرنا ایندپینی بوده و این مملکت دارای 10 ولایت است. دیزاین منازل شان از زمان استعمار بریتانیا سخن میگوید، اما زمین و خانه در شهر هراری خیلی قیمت است. این کشور مانند افغانستان قوای بحری ندارد.

دریا و آبشار مشهور ویکتوریا اش هزاران سیاح را از تمام نقاط دنیا به این کشور میکشاند، کشور محاط به خشکه، با درختان زیاد مثمر و غیر مثمر، جنگلات شنیده شده از تاریخ و گروه های بزرگ از حیوانات مختلف.

رئیس جمهوراش رابرت موگابی که از سال 1980 تا حال رئیس جمهور میباشد و دوست مرحوم داکتر نجیب الله رئیس جمهور پیشین افغانستان نیز بوده است. درسهای زیمبابی بود که در سال 1994 افریقا جنوبی به حیث آخرین

کشور مستعمره افریقا استقلال خود را بدست آورد. جنرالان ارتش که با ما بودند مانند جیمس موروزجی، موکولی، موگابی را سخت احترام داشته طلا و پدر ملت خواندند. او رهبر آزادی خواهی این ملت بوده و در حال حاضر 89 سال عمر دارد، افغانستان در حال حاضر در هراری سفارت ندارد.

از هراری تا یوساکا 500 ک م و از هراری تا بوسوانا 700 ک م مسافه است، کرایه یک سه اطاقه در هراری ماهانه 700 دالر امریکائی است، در هنگام پیروزی انقلاب به این کشور شوری و چین کمک زیاد نموده است. فامیل های هندی خیلی ثروتمند اند، کوچه هایشان معلوم، مکتب بین المللی و بزرگترین معبد را اعمار ساخته اند و شفاخانه خود را دارند. هندی ها در منطقه نزدیک پایتخت زنده گی داشته و ساحه شان خیلی سرسبز و شاداب است، کلتور و طرز پوشیدن لباسشان مانند هندوستان میباشد.

بخشی دیگر پلان ما ملاقات با وزیر دفاع زیمبابوی بود که ایشان صحبت مفصل و لکچر پالیسی دفاعی کشور خود را بیان نمود. او متولد 1942 بوده و از جمله انقلابیون روز اول آزادی است. اکنون 71 سال عمر دارد، شخص خوشخوی و شوخ که با ما فوتو های یکجای گرفت.

در مورد رسانه ها نماینده گان حکومت راضی نبودند، از ده هفته نامه چهار آن شخصی بوده، چهار استیشن رادیو و دو استیشن رادیو شخصی فعالیت دارد که توسط خارجیان کمک میشوند.

در هراری تلویزیون ملی نیز فعال است، حوادث، وقایع و پالیسی حکومت را انتشار میدهد.

اراضی سفارت هند در هراری 17 هکتار و اراضی کالج مدافع ملی 25 هکتار زمین بوده که در تعمیر کالج کلمات زیاد چینی نوشته شده. این کالج

خیلی ها زیبا و مساعد توسط چین اعمار گردیده در حال حاضر 25 محصل از کشور های مختلف مصروف تدریس بوده در این کالج تجهیزات و لوازم مکمل وجود دارد، اطاق های سیمینار، اطاق های تحلیلی، کتابخانه و کمپیوتر خانه اش خیلی مدرن است و مانند کالج های لندن و واشنگتن میباشد.

این کمک ها را چین بخاطر نفوذ سیاسی اش به افریقا جنوبی، موزمبیق، بوتسوانا، زمبیا و سایر ممالک قاره افریقا به خاطر الگو شدن انجام داده است. محل دیگر بازدید ما از منار آزادی، منار سپاهی گمنام، قهرمانان ملی شان اعم از ملکی و نظامی و آنانیکه در راه آزادی جان های شیرین خود را از دست داده اند و سخت مورد احترام اند. در آزادی زیمبابوی یک تبعه هندوستانی و تعداد زیادی از ممالک همجوار نیز قربانی داده اند که اسمهای شان درج خاطرات این بناها بود از فامیل موگابی تعداد زیادی شهید شده اند. این ساختمان ها را بشکل بسیار عالی آن کوریا شمالی کمک نموده است. گالری ملی شان نهایت عالی و انعکاس دهنده موجودیت این خلق مبارز در ادوار مختلف تاریخ میباشد.

در هراری 3000 انجو کار میکند مردم محل با زراعت سر و کار دارند و تولیدات خوب دارند. پس از انقلاب صادرات شان با ایران قطع گردیده و به گفته وزیر زراعت اکنون خود کفا گشته ایم و از برکت فعالیت های دموکراتیک به نتایج خوب دست یافتیم. از کشور های مالیزیا و اندونیزیا واردات داریم. 20٪ نفوس این کشور در محلات و 80٪ در شهر ها زنده گی دارند.



سرانجام بتاريخ 18 می ویکتوریا را بسوی جانسبورگ افریقا جنوبی بسواری
 طیاره ترک کردیم برون از جانسبورگ نبودیم ولی چنان یک میدان هوایی
 وسیع طویل که همه چیز و همه دکان هایش چه چیز را که میخواهی در این
 شهرک دیده میشود. این شهر خیلی زیبا و سرسبز بود و معادل شهر
 ادینبورگ سویدن میباشد. خاطرات سفر ما به جنگلات هوانگی، اخذ تصاویر
 سیاحت در کشتی با رهنما، تماشا ده ها نوع حیوانات به سر و چشم و بویژه
 استقامت در یک هتل به فاصله یک کیلومتر از آبشار مشهور ویکتوریا
 هرگز فراموش ناشدنی است. آبشار از چند کشور میگذرد و به عمق 800 متر
 به زمین می افتد و عجالتا باران را برسرت می آورد.



همه با لباس مخصوص حرکت کرده اند، فرانسوی ها، امریکائی ها، انگلیس
 ها و غیره. بازار تماشا این آبشار را سیاحین سخت گرم ساخته و شهر
 ویکتوریا را پر آوازه و قیمتی ساخته است. در مقابل هتل رستوران بزرگ

اما خیلی قیمتی را اخذ موقعیت و صرف غذا کردیم با آن هم به تناسب میدان هوایی پاریس که دو گیلان چای سبز را استاد عبدالحکیم خرم \$21 برایم خرید و یک فوتو کوچک را \$20 پرداخت قیمت محسوب نمیشود. ما بتاريخ 18 می دوباره به دبی آمدم و بتاريخ 19 می در میدان هوایی گلنگو جمهوری سکاتلند بودیم. تا به دخولی بر فرق پاسپورت ها زده شد و دو روز در سکاتلند زیبا مهمان جنرال قنسل هند شدیم. از قرارگاه کشتی رانی، بحیره ماهی، محلات تاریخی (قلعه جنگی)، پارلمان و شهر ادینبورگ پایتخت این جمهوریت بازدید طرح ها و سوالات خوب داشتیم. مردم مهمان نواز و زیبا سکاتلند از ما استقبال گرم نمودند و 21 می بسوی لندن سفر نمودیم و در هتل بزرگ و قیمتی شهر لندن جوار پارلمان و برج بزرگ ساعت مرکز انگلستان استقامت گزیده تا 25 می به سفر رسمی خود ادامه دادیم و روز شنبه بخاطر گذراندن دو هفته دیگر تا 9 جون از هم جدا و متلاشی گشتیم اما

در چهار روز موجودیت رسمی در لندن:

مقدم بر همه باید افزود سوالات که نگارنده از وزرای حکومت انگلستان و زیمبابوی و اعضای پارلمان سکاتلند نموده ام تکرار آنرا ضروری نمیدانم، سوالات خیلی عالی و سنجیده شده اما به گفته تیم پاسخ ها ضعیف به نظر میرسید. 21 می با صرف پیزه های تهیه شده از جانب الحاج دگروال شفیع الله خرم عندالموقع رفیق های سفرم را راحت ساختم. شفیع الله خرم 46 مین دوره کورس کالج مدافع ملی هندوستان بوده فعلا در لندن زنده گی دارد. رفقا کالج راجع به این افسر معلومات گرفتند و برایشان گفتم چون ایشان مقام خوب در اردو افغانستان حاصل نکردند متاثر گشته زنده گی مهاجرت را



پذیرا شدند. شفیع الله خرم اولین افسر بود که در حاکمیت داکتر حامد کرزی بنابر لیاقت اش به این کالج راه یافت.

گروپ ما مهمانی موصوف را همیشه توصیف میکرده اند، بعد از ظهر 21 می عاجل طبق پلان به وزارت دفاع رفتیم و مدیران بخش های مختلف این وزارت با تفکیک اجندا خصوصا در مورد افغانستان بحث های علیحده داشتند و توضیحات دادند. در مساله افغانسان و پاکستان گروپ با سخنرانان توافق نکردند، گیها به درازا کشید. مدیر مبارزه با تروریزم از بخش وزارت داخله علنا در پاسخ به سوالات معذرت خواست.

نان شام را طور مجلل وزارت دفاع لندن به ما داد واین روز را خوب اما خسته سپری کردیم.



22می به وزارت خارجه پس از طی مراحل دقیق و مختلف کنترل امنیتی صحبت های مسولین خارجه را فورمولیته استماع نموده فوتو ها گرفتیم. آب و هوا مساعد نبوده همه احساس خسته گی داشتیم. نان چاشت را آنجا صرف و بعد از ظهر ملاقات با عضو پارلمان انتصاب شده هندی الاصل که پدرش افسر اردو هند بوده در رکشا باون زنده گی و کالج مدافع را ختم کرده داشتیم. این شخص پارسی نام داشت، انسان خیلی ها خوش برخورد، مهربان و ما را در تمام ساحات پارلمان، راه های رفت و آمد ملکه الیزابت، موزیم، حال پارلمان در دو طبقه، اعمار تعمیرات پارلمان و بحر نزدیک پارلمان، تصاویر تمام صدراعظم های بریتانیا با تاریخچه شان معلومات داد. معلوم گشت که وکیل پارسی یک شخصیت نیک آسیایی بوده با آنکه شهروند انگلستان می باشد، خصوصیات کاملا شرقی داشته مهمان نواز، با حوصله، مسلط بر اوضاع و زبان انگلیسی.



این وکیل مانند وزیر دفاع زیمبابوی، جنرالان هراری بر من توجه خاص نمود، وکیل پارسی ما را به داخل جلسه پارلمان در مجلس نماینده گان برد و زمان بود که وزیر فواید عامه مملو از عرق در دهلیز با این وکیل ملاقی شد. او را در حالیکه سراسیمه بود ملاقات کردیم. به منزل دوم رفتیم و جریان قضاوت در مورد وزیر استماع شده را شنیدیم. اعضای پارلمان بدون این وکیل همه کهن سال بودند، بحث های زیاد می کردند ولی ما کمتر میشنیدیم. خیلی وقت ما خوب گذشت از اسناد تاریخی و محلات تاریخی پارلمان تماشا و ساعت بزرگ را با تعمیر پارلمان آقای پطروس اندونیزیایی عکس برداری کرد و در مقابل پارلمان کلیسیا قدیمی که تخریب نگردیده قرار داشت تمام این تعمیرات از 500 سال سابقه دارند، پس از آن دوباره به هتل برگشتیم و برای رفتن به سفارت خانه هند که در عین حال مهمانخانه شان محسوب میگردد دعوت بودیم داکتر بگواتی سفیر هند مقیم لندن شخصیت عالی جناب و خیلی هوشیار و خوش برخورد با هر یک مصافحه کرد و به 5 افسر بین المللی توجه ویژه نموده راجع به مشکلات و پیروزیهای کشور های مان تماس گرفت، سفیر هند یک ویژه گی خاص داشت خیلی شفاف و روان صحبت داشت دانش عالی و جذابیت فوق العاده داشته از همکاری های کشور های سارک رضایت نشان داد او مهمانی خوب برای مان برگزار نمود و تمام اتشه های نظامی (هوایی، بحری و اردو) اش را موظف خدمت گذاری بما کرده بود. در مهمانی شان افسران وزارت دفاع لندن نیز اشتراک کرده بودند. وکیل پارسی دومجلس را 1400 تن از احزاب لیبرال دموکراتیک و محافظه کار خواند. داوید کامرون صدراعظم کنونی از حزب محافظه کار بوده و چندین بار در مورد افغانستان استماع شده است.

در وازه های پارلمان لندن خیلی انتیک و قدیمی بوده شبه موزیم را دارد و تصور می شود که از افغانستان، پاکستان و یا هندوستان اینجا آورده شده باشد یک بار به فکرم در وازه زیارت بابہ قمبر ولسوالی خرم و سارباغ افتید که



شاید در همین سالها آورده شده وبه پارلمان انگلیس تسلیم کرده باشند.

نماینده خارجه از روابط دیپلوماتیک شان با 270 کشور که با 170 ان مناسبات رسمی دارند سخن گفت وافزود که 13000 تن در سفارت خانه ها کار می کند و 9000 کارمندان محلی دیپلومات مشغول اجرای وظیفه اند .

وزارت دفاع انگلستان از فعالیت اکادمی دفاعی، کالج قوماندانیت و قرارگاهی، کالج اداره و تکنالوژی و انکشاف دو کتورین صحبت زیاد کرد و رییس ارکان اکادمی دفاعی از ایجاد کالج دفاعی، در سال 1970 و فعالیت انرا در 1927 وانمود ساخت .

در بحث افغانستان کمتر همه مان احساساتی شدیم و این اولین بار بود که افسران هندی با صداقت از مردم افغانستان دفاع کردند مانند معاون خارجی کالج آقای سری شیواستاوا که در ختم سفر مان اطلاع تقررش بحیث سفیر هند در دنمارک رسید و دیگری جنرال سودا کارجی بود که مرا حمایت کرد . افسران هندی و بین المللی در جریان 5 ماه در همصنفی بودن نگارنده و تبلیغات یومیه ام از کشته شدن وزخمی شدن هموطنان ام آگاه بوده به یک صدا فعالیت قوای ناتو و ایساف را در قبال آوردن صلح و ثبات در افغانستان ضعیف خواندند. انها عملیات تروریستی پاکستان را شدیداً تقبیح و از حقوق حقه خلق فلسطین نیز دفاع کردند و به عوض پاسخ به سوالات غربی ها همیشه طرفه می روند آنها از کالج مطالعات دفاعی رویال واکادمی افسران شان واز اعمار اکادمی افسران به کمک بریتانیا در قرغه کابل یاد آور گشتند، 23 می در بخش بحیره (کشتی رانی) وزارت تجارت رفتیم معلومات های زیاد راجع به ساختمان، طرز کار و فعالیت این کشتی که در حقیقت یک شهر بزرگ با تمام امکانات می باشد داده شد و چندین ساعت پایین و بالا در داخل کشتی گشت و گذار کردیم اما تدابیر خاص امنیتی بدون عکاسی و با تمام سیستم های کشتی آشنا شدیم نان چاشت را قوماندان کشتی رانی در یک محل خوب و سر سبز زیر فشار بارانهای اذیت کننده لندن که گاهاً با سرک های تنگ و مزدحم اش چندان خوش آیند نمی باشد، جوانی کرد. از این ساحه در عقب گرد ساحات خشک شده را مشاهده کردیم که در اراضی خشکه آنها گم شده و تعداد زیاد کشتی ها بدون مالک باقی مانده اند. دوباره به شهر آمدم و بعد از ظهر گالری ملی را که بخش از آثار کشور های جهان در ان به نمایش گذاشته شده بشمول جنوب اسیا، مشاهده کردیم از

راهنما راجع به الماس کوه نور پرسیدم بچواب ام گفت در موزیم ملی جای دیگری است بروید وبا پرداخت 19 پوند شما می توانید انرا مشاهده کنید در بخش هند چیزهای جالب بود که از دوره های قدیم، سوری ها،بابریان واستعمار انگلیس حکایت می کرد .



روز دیگر 24 می تماشا وگشت وگذارمان در چوکات رسمیات به نقاط عمده شهر متمرکز گشت به ما خانه ملکه، قصر ملکه شهر ملکه و منازل کترینا کپور ، شاهرخ خان وامیتاچن، وزارت خارجه، دفاع وامنیت ملی ، هتل قیمتی که در یک شب 1000 پوند اخذ می دارد، بحر ، پل ها وسرک ها، چرخ فلک را توسط راهنما با وجود باران زیاد در داخل کشتی که جنرال جین را سخت سراسیمه ساخته بود نشان دادند تا یک روزایکه بدون مضمون ماندیم به چنین شکل سپری گردد . بازهم باردیگر ما را در اطراف قصر

پارلمان وساعت بزرگ چرخاندند و پروگرام دولتی و رسمی در همین جا عصرانه خاتمه یافت و هر که به کلبه ویرانه اش رفت و دیگر سراغ کسی را ندارم. شب 24 بر 25 می با وجود سپری نمودن برنامه خسته کن رسمی احمد جاوید خرم و همسر اش به دیدن ما آمدند و اطلاع آمدن برادرم را بعد از 18 سال اورند که به خوشی های سفرم به افریقا و اروپا افزود با استفاده از موجودیت همین شب در قلب شهر لندن احمد جاوید و همسر مهربانش نگارنده و همسرم را به بسیاری نقاط شهر از کوچه ها و پس کوچه ها ، شاپ ها بزرگ ، و مجسمه های زیاد آشنا ساخت برای خریداری چتری ها با نجیب الله لغمانی که یک دیگر را از لهجه شناختیم ، آشنا شدیم که رسم افغانی را ادا کرده 2 پوند ارزان داد و با 2 تن ایرانی نیز ملاقی شدم و سر انجام شب آخر را آرام و آرام در هتل کرون پلازا در اتاق نمبر 180 به مثابه روز های غسل در 55 سالگی سپری کردیم این هتل نمایی پیچیده و خم و پیچش زیاد دارد و تصادفا همین شب محفل یکی از ثروت مندان هندی را تماشا نمودیم هتل خیلی دلچسپ و تاریخی از لحاظ ساختمان بوده با صرف نهار صبحانه ساعت 9 بجه هتل را ترک کردیم احمد فرید خرم و نواسه ام ادريس جان خرم به تایم معینه به همین آدرس آمده بی بی و بابا را بسوی ایالت کینت شهر میستون بردند که دیگر بخش سپری کردن روز های رخصتی به حساب شخصی می باشد که از 25 می آغاز و 8 جون خاتمه می یابد این بخش نیز خالی از دلچسپی نیست هدف از نگارش دادن معلومات به دوستان است که به سایت آریایی رفته تا نشر کتابم بنام تجارب هندوستان از سفر بنده مظلوم و عاجز لذت برند که بعد ها مانند سفر به امریکا تلخی های خود در قبال دارد.



پس از گذشت
18 سال
بزرگترین
خوشی در همین
سفر دیدار با
برادرم استاد
عبدالحکیم خرم
مقیم سویدن

بوده که موصوف قبلا به من وهمسرم دعوت نامه را ارسال کرده بود تا یک دیگر را ببینیم او مصروفیت جدی و مریضی طولانی داشت که در این مدت ها به افغانستان آمده نتوانست شب شنبه 25 بر 26 می من و پسر من به استقبال اش رفتم و خیلی خوش بودم و یک هفته کامل را تا 3 جون در لندن سپری کردیم به منازل جاوید خرم، احمد فرید خرم، غیاث الدین خرم، رفیع الله نوید، امین خان که از مانچستر با خانواده به دیدار ما آمده بودند و خیلی ها زحمت کشیدند و انجنیر گل محمد و در کلاسگواز مهمان نوازی الحاج محمد رفیق باید یاد اوری کرد که با آنکه شخص کهن سال و قابل قدر اند از هتل مارا برداشتند و قصه های زیادی از سمنگان داشتیم در لندن صابر تخاری، مدیر صاحب نواب خان، انجنیر محمد علی، داکتر صابر و هزار گل و غیره و دیگر دوستان به ملاقات از راه های دور با وجود مصروفیت های فراوان حضور یافتند سازماندهی همه را الحاج ارکانحرب دگروال شفیع الله خرم به عهده داشت و هر دو پدر کلان نواسه های مشترک ایم خیلی در سازماندهی ملاقات با برادرم پروگرام منظم را طرح ریزی کرد قصه ها زیاد

داشتیم اما وقت بسیار کم، و نمی دانستم از کجا آغاز شود و هیچ فرصتی بدون از یک دو ساعت در میدان هوایی پاریس باقی نماند تا صحبت دو به دو برادری نمایم، بهر صورت خرمیان مقیم لندن ما را به جا های مختلف که اسما ی محلات را فراموش کرده ام مانند پل بزرگ ای که از حمل و نقل وسایط پول اخذ می دارد، به بازار نو ایجاد شده حومه لندن، پارک گرینویچ، دانشگاه گرینویچ کله سیاه که در زمان جنگ های قدیم هزاران انسان کشته شده در زیر این خاک ها مدفون می باشد و ساحه ان خالی، هموار و تپه خوب است و خط ای که جهان را به شرق و غرب تقسیم نموده و هکذا از بزرگترین مرکز تجاری در لندن بنام واتر بلیو که ساحات خیلی زیبا و در چند طبقه مغازه های عجیب و غریب داشت نشان دادند که باری در سال 2004 به برادرم عبدالحکیم خرم نسبت عکس برداری اش در همین ساحه پر ابلم بزرگی که تا چندین سال در بین سویدن و لندن دوام کرده بوجود آمده است تا اینکه این دوسیه بز نداری غم بخر پس از تکلیف زیاد از سیاهی به سفیدی انهم به مشوره حاجی محمد اجان و محترم عبدالرزاق خان مبدل می گردد، این پر ابلم چند سال دوام میکند و مورد پرسش دستگاه امنیتی قرار میگردد که حتی مانع سفرش به افغانستان میگردد و حتی مشکل طولانی را در پناهنده شدنش نیز بمیان آورده است. این قبیل حرف ها بسیار است و نمیتوان از همه مثال ها را برملا ساخت. مناطق مختلف انگلستان علاوه بر سفر رسمی از ایالت کینت شهر زیبا و کلاسیک مایستون و حومه آن مارکیت ها و منازل تاریخی و قدیمی اش نهایت دلکش و زیبا است. مهمانداران ما در کنار بحر میان انگلستان و فرانسه که آنسوی بحر شهر های فرانسه به وضاحت دیده می شد و در انجا مهمانی صحرائی را تشکیل دادند و از جا های تاریخی این مناطق

دیدن کردیم اما احمد فرید خرم در این ضیافت صحرایی و خیلی ها دلچسپ و دسته جمعی اقارب اشتراک نورزید که آغاز سیاه روزی ها دیگری به پدر و مادرش پس از مریضی های طولانی و مزمن زردی سیاه و عملیات در هند و تنها یکسال گذشته بود که غم و اندوه اقارب نزدیک ما که وفات نموده و یا به شهادت رسیده بودند فقط در حالت فروکشی قرار داشت که پرابلم های دیگری و پریشانی ها تازه ظهور کرد که از بحث خارج می باشد زیرا موضوع کاملاً شخصی است.



بهر صورت هرشب پلو های ازبکی را در اختیار مان قرار می دادند که به صبحانه و چاشخانه دیگرجایی باقی نمی ماند استاد حکیم غذا کم می خورد و ساعت ها گردش داشت تا سپورت خود را رها نکند ولی در ماه مبارک

رمضان کمر بسته در دهلی با چنان گرمی روزه گرفتم که خیلی لاغر شدم هم خرما وهم ثواب را حاصل کردم .

به تعداد 40 تن خانمها و آقایون اطراف ما را حلقه زدند شب ها قصه های افغانستان را می کردیم، به حالت مردم ما می اندیشیدیم تا چگونه از جنگ رها یابند وتکیه را بر خداوند می کردیم .صبحدم 3 جون با استفاده از تکت قبلا ریزرف شده توسط استاد حکیم به سوی شهر ادیمبوری سویدن امیدیم پاسپورت سرخ رسمی نگارنده در افریقای جنوبی میدان هوایی سکاتلند وبه میدان هوایی ادیمبوری جالب بود زیرا چند دقیقه موظفین در میدان هوایی به سوی هم دیدند و سرانجام خوش امید گفت تا پشه شینگین را بالای ویزه کشور فرانسه نصب کردند . روز اول از نقاط مختلف شهر، ساختمان های جدید اعمار شده ، ساحه تعلیمی، موسسات عالی تحصیلی وبازار بزرگ (مارکیت) شهر دیدن کرده واز شاپهای دوست عزیزم رزاق خان تماشا ودو باره به منزل استاد برگشتم برادرم عبدالله از ناروی، محترم داکتر صاحب وحید از مسافه خیلی دور ، پرویز خرم، حاجی صاحب حبیب خان وبرادر خوانده ام محمد اسحق از راه های دور وبویژه یوسف شاهرخی وکیهان خرم، یما شاهرخی و دنیل خرمی خوب بدرقه نمودند.



فردای آن طور
دسته جمعی هر
چهار برادر به
فاتحه مادر انجینیر
فرید مزاری رفتیم،
آنها ادا و بساحه
کار انجینیر
عبدالوهاب خرم
نظری انداخته و
نقاط باقی مانده

شهر، دوایر دولتی، کلینیک ها و مکاتب و رسته دکاکین را تماشا و عصرانه را با جمعی از بیست تن دوستان افغانی خویش صرف و بحث های چند ساعته مانند محافل در افغانستان در تمام مسایل، خیلی دلچسپ و خوش آیند که دعوت شونده گان از نقاط مختلف افغانستان و اقوام گوناگون بودند، داشتیم. یک اشتباه بزرگ از من سر زد که چهار برادر یکجاه شدیم و فراموش کردم تا یک قطعه عکس چهار نفری بطور یادگار بدون از برادرم عبدالحمید که در سمنگان است میگرفتیم و فکر نمیکنم تا چنین چانسی در آینده میسر گردد، در بحث های که دوستان همچو آقایون حاجی رحمت الله سمنگانی، انجینیر عبدالصمد، حاجی ظاهر بای سهم فعال داشته و نظریات عالی ارائه میکردند که با شوخی ها و طنزهای ادبی عبدالرزاق سمنگانی یکتن از سرمایه گذاران افغانی در سویدن تقویه میگشت که همه دوستان احساس عالی میهن دوستی

داشتند. برادرم مانند گذشته ها زحمات زیاد را متحمل گشت باز تکت بس را آماده ساخت و ساعت 8 بجه 5 جون بسوی دنمارک آمدیم



از سرحد پل
بزرگ سویدن
گذشته به مرکز
دنمارک
کوپنهاگن
رسیدیم که
استاد حمید الله
مهرورز و محترم
نور احمد خرمی
به استقبال ما

حاضر و با تقدیم دسته های از گل ها به تیپ اروپائیان چه در دنمارک و چه در میدان هوایی سویدن پذیرائی شدیم. نور احمد خرمی ضیافت خوبی را چاشخانه تشکیل داد ولی با تاسف که با وجود تماس های مکرر تیلیفونی از ملاقات با برادر بزرگ و دوست دانشمند خویش آقای نور محمد خرمی نسبت بعد فاصله محروم ماندیم که وعده دیدار بعدی را پلان نمودیم. ساعت 4 حرکت را بسوی هامبورگ جرمنی دنبال کرده که در آنجا حاجی شفیع الله انصاری، هوشنگ انصاری، راشد وجدان و نور احمد وجدان به انتظار ما بودند. از شهر های زیبا میگذریم که به جرمنی نوشته شده ولی خواننده نمیتوانیم و اسمای محلات را نمیدانیم. استاد نیز آنقدر بلد نبود. این بار پس از گذشت از بحر عظیم بداخل کشتی 45 دقیقه که شهر بزرگ است و تمام



چیزها یافت میشود و مانند میدان هوایی جهانسبورگ بود داخل آن شده بحر را تماشا و از داخل تونل پای به خاک جرمنی مانند دیگر پرسش از پاسپورت و ویزه وجود ندارد. از چند شهر مشهور و سرحدی اش گذشتیم و ساعت 10 بجه

شب به ایستگاه بس هامبورگ رسیدیم. حاجی شفیع ما را برداشت و پس از معرفی محلات مختلف و تاریخی شهر هامبورگ زیبا که تعداد زیاد افغان ها اینجا مهاجر اند به منزل حاجی شفیع رسیدیم. حاجی از دفتر کاری اش سه یوم با موتر تکسی اش اجازت اخذ کرده بود تا شهر هامبورگ را به ما نشان دهد و همین کار را عملی ساخت. از جاهای تماشا شده که اسمای طولانی دارد صرف نظر میکنیم. شب 7 بر 8 جون تکت های بس را به ما خریداری و در یک بس کوچک 15 نفری بسوی فرانسه در حرکت شدیم. مسیر راه خسته کن نبود. ابتدا به هالند سپس بروکسل را طی نموده و دو شهر فرانسه را نیز عبور نموده به پاریس رسیدیم. پاریس واقعا عروس شهرها است و اگر لندن باغ دنیا باشد. در چند ساعت باقی مانده بشمول برج ایفل فوتوهای اخذ

کردیم و 10 بجه شب 8 جون پاریس را به قصد دهلی ترک و با برادر الوداع کردم و در طیاره سخت آرام بودم و در کنار چپ و راستم کسی موجود نبود راحت استراحت کردم، 11 بجه 9 جون به دهلی گرم رسیدم جزئیات این سفرها را نمیتوان بدرستی رقم زد، گوشه از این خاطرات فراموش ناشدنی که در ذهنم باقی مانده بود به تحریر آمد، دیده شود که دیگر سرنوشت ما را به کجا میکشاند.



نگارنده با برادرم استاد عبدالحکیم خرم مقیم سویدن والحاج شفیع الله انصاری مقیم هامبورگ جرمنی .

پس از بازگشت از سفر از یک طرف به موقع بدروس حاضر شدم و کمتر جهان گشته شدم و مقاله را تحت عنوان جنگ و صلح به کمک پسرم به زبان انگلیسی تهیه و با نصب دو سه فوتو دسته جمعی از سفر افریقا و اروپا به تخته کالج نصب نمودم و در جلسه صبحانه افسران بین المللی که اکنون به زبان انگلیسی تا جایی آشنایی پیدا کردم فعالانه سهم گرفته و طرح های سفر به

مناطق دیگر هند را ارائه کردم. تاریخ 19 جون است موضوع درسی: "مراجع مالی بین المللی و رول آن در اقتصاد جهانی" بود. پس از ختم لکچر و تشکری از مدیر کشوری بانک جهانی در هند آقای آن نو رول تبعه امریکا مایکرافون را سویچ کردم و مانند همیشه نمبر اول قرار گرفتم. بعد از تفریح دیدم که مایکرافون مرا یک افسر پولیس بنام بینود کمار از بخالت به نمبر 5 برده و خود را نمبر اول نموده است. عجلتا به اطاق کنترل رفته موضوع را پرسیدم و داخل صنف شدم. در غیاب من افسر اطاق کنترل جریان را به آقای سمیر گذار ش می دهد. آقای سمیر با عصبانیت داخل لکچر هال شد و فرمان داد تمام مایک ها



خاموش شود و اجازه سوال اول را به نگارنده اعطا کرد. آواز خوان ادعا کرد که خرم قبل از ختم لکچر مایک را سویچ میکند در حالیکه این یک دروغ محض بود و آقای آروی سنگ شاهد بود که من لکچر را شنیده و بعدا مایکرافون را فعال ساختم. علت آن نصب مقاله نگارنده در دیوار اکادمی با دانش نه چندان عالی زبان انگلیسی که مقاله خواننده های زیاد داشت

و سوالات یومیه آن هم نخستین بنده باعث بروز بخالت برخی افسران هندی

گشت. در این موضوعات قبلا خالد اقبال قوماندان بحری بنگله دیش به من مشوره داده بود که عده زیاد افسران هندی تحصیلات اکادمیک ندارند از قطعات و جز و تام ها آمده اند با شما بخالت میورزند و شما هر روز سوال نکنید مگر من به مشوره های این دوست گوش فرا نادم.

در صورت که اشتباه از من باشد صرف حق متوجه ساختن را هیئت رهبری کالج دارد نه هر افسر و نه هر محصل. روز دیگری 18 جون بدون اینکه انتظار یک-دو خارجی شوند بس را حرکت دادند در حالیکه افسران بین المللی همیشه منتظر افسران هندی میباشند. افسران بین المللی در آخر بس می نشینند. در گروپ های کوچک، گروپ های تحلیلی و بیانات بعد از سفرها و در بحث ها و مناظره ها به آنها سهم کم داده میشود ولی قوماندان کالج در برخی موارد صحبت آنها را قطع کرده توجه به افسران خارجی می نماید و یا زمانکه در سفرها ترتیب لیست ها بدست افسران هندی می افتد اسمای خود را در اولی مینویسند و اسمای افسران بین المللی را در آخر میزنند. در افغانستان میگویند: تو مانند هندو استی، هندو یعنی حس کمک ندارد، زنده گی را مجزا و مستقل حتی از فرزندش دوست دارد. اسناد سفر به سیکیم،



تمیل نادو،
زیمبابوی و
انگلستان، شاهد
مدعا است. چند
بار از آنها در تهیه
صحبت ام روز
معرفی افغانستان

12 اپریل خواستار کمک شدم همه کنار رفتند و کمک قلبی ارائه نکردند اما در تجلیل روز مقدس (هولی)، پارٹی های مختلف بی معنی میان خانواده ها بیرون از محل زیست و کالج علاقه دارند که خارجیان و خصوصاً افسر افغانستان که همیشه پسته و بادام با خود دارد اشتراک ورزد. در چند محافل همصنفان رفتم تا با کلچرشان بلد شوم و خوب بلد شدم بلاخره قرض خود را ادا و 40 تن (مرد و زن) را به منزل خود دعوت کردم، نان افغانی را بدون شراب با انواع سلات ها، جوس ها و پلوهای مختلف ازبکی، نان سمنگانی، کباب مزاری و میوه های تازه و فرنی کابلی برایشان تقدیم نمودم که مزه این مهمانی مانند پیزه های حاجی شفیع الله خرم در لندن از دهان شان نمیرفت و همیشه تعریف میکردند اما برای تعداد پارٹی بدون شراب نگارنده و نشستاندن آنها بالای دوشک ها به ترتیب که خانم ها و مردان جداگانه اخذ موقعیت کردند مشکل تمام میگشت. در جریان صرف طعام دلیل آن را نماز خواندن پنج وقت همسر و خودم و حرام بودن شراب از دیدگاه اسلام توضیح دادم سپس همه با آن موافق شدند ولی از پلو سمنگانی و سلات الوینی خیلی مدت تعریف می کردند. افسران هندی براحت بالای دوشک ها نشستند اما برای افسر امریکائی خیلی مشکل تمام شد و تنها خانم اش را بالای چوکی نشانیدیم. این همصنفان همیشه علاقه دارند پارٹی بگیرند، شعر جنگی کنند، درینگ نمایند، موسیقی بشنوند، رقص نمایند و کار های که کیف را بار می آورد انجام دهند. تا ناوقت شب بیدار خوابی کنند، رنگارنگ فلم ها ببینند و در خلاصه اش در هنگام آرایه لکچر ها با چشمان باز در خواب روند، نسبت به قوماندان نا وقت آمده جای خود را اشغال می کنند، بعضاً در هنگام آرایه لکچر ها وسولات نا آرامی می دارند، عکس ها، تیزیس ها و مقالات

دیگران و بیانات شان را در لپ تاپ تکراری می نگرند و به لپ تاپ می نویسند من هیچ گاهی لپ تاپ را به صنف نبرده ام ، بسیاری ها صنف را بدون اجازه ترک می کنند و کدام ساختک و باختک باسکریتز دارند از جمله احمد مصری بسیار اوقات غیر حاضیر است و احمد عمانی و پطروس اندونیزیایی در ماه یکبار به کشور های شان می روند منکه یک روزهم کالج را ترک نکرده ام از دیدگاه جیکی شرما غیر حاضری دارم کالج احمد مصری را با مهماناناش قدر می دارد اما مهمانان افسر افغان در حالیکه افراد مشکوک نیستند و راجستر شدن اعضای خانواده اش و سفر اش به کشور مورد نظر از دید گاه هند وهر کشور دیگر پرابلم است . زیرا پاسپورت غیر الکترونیکی همسر و فرزندم دیگر چلش به جهان امروز چون نوشته دستی دارد، ندارد.

طوریکه افسر پولیس جانیسبورگ افریقای جنوبی در صفحه مقابل ویزه زیمبابوی تکت را چسپاند که ترجمه اش این بود که این پاسپورت سیکن نشده است ، در حالیکه اگر پرسیده شود ما خاک افریقای جنوبی را بشکل ترانزیت بسوی دبی می گذریم پس مشکل افسر افریقای جنوبی در چیست؟ که ما از کشور اش پس از چند ساعت محدود آنهم بداخل میدان هوایی جانیسبورگ قرار داشته و روانه دبی هستیم وهمچنان افسر خانم میدان هوایی گلاسکو جمهوری سکاتلند بادیدن پاسپورت همسرم به تعجب افتیده اظهار نمود که بار اول است چنین پاسپورت را می بینم ، آقای امیر جان سنگین که واقعا وزیر سنگین کابینه افغانستان است وداکتری در علوم تکنا لوژی از سویدن بدست آورده تاهنوز نتوانسته حد اقل پاسپورت های تمام کارمندان نظامی وملکی را با همسران شان الکترونیکی ساخته واز این سرگردانی ما را

نجات دهد در حالیکه مدت ده سال است به سمت وزیر مخابرات و تکنالوژی معلوماتی اجرای وظیفه داشته و از دانش عالی ایکه دارند مردم افغانستان را بهره مند نساختند شاید موصوف دلایل زیاد را ارایه بدارد، همه را می پذیریم پس وعده های شان کجا رفت و اگر توان تطبیق پلان وزارت را



ندارند پس بهتر می بود استعفا می دادند تا محبوب القلوب مردم می گشتند. به بحث خود پیرامون کالج ادامه می دهم هکذا هم صنفان من در حین تفریحات بعضا هنگام استفاده از شیر، چای و قهوه و خوراکه و در سایر مسایل زنده گی هیچ نوبت را مراعات نمی کنند وبدون رعایت الفبای اخلاق این جنرالان یک ستار و دو ستار بالای همه چیز حمله ور می گردند و چپ و راست خود را نمی بینند و به افسران بین المللی نوبت قایل نمی شوند، بریگدیر نارین در همسایگی مان زنده گی دارد و 2 بار به افغانستان سفر کرده است و قبل از اشتراک اش در کالج به حیث معاون ریاست کشف به

گفته استانکزی صاحب اجرای وظیفه نموده است وباری همسفرم در پروگرام تمیل نادو گشت واز وی در اصلاح مقاله ام به استقبال سال نو به زبان انگلیسی کمک خواستم که موصوف این کار را در حالیکه دو صفحه بیش نبود با صد ناز و نخره متن تیار را کنترل نمود و مرا قرضدار نیز کشید و گفت این کار سخت است و به عوض آن یک پلو افغانی برایم تهیه بدارید گفتم قرض بالای زاغ باشد وزاغ زنده.

یک صنفی دیگری داریم بنام سنگ وان که در افغانستان وان عبارت از موتوروان ، سرای وان و غیره می باشد پس از تلاش های زیاد بخاطر شمولیت پسر م در پروگرام ماستری اقتصاد دانشگاه دولتی دهلی که واقعا مهد بیرو کراتیزم است با انکه آقای سمیر و خالد اقبال به دوکتور مشرا مسوول بخش خارجی تلفون کشید و خودم چندین بار رفتم واز نزدیک همرایش صحبت کردم و 5 ماه ما را دواندند و سرانجام سنگ وان به این موضوع علاقه مند گشت تا در دانشگاه ایمیتی با پرداخت ده هزار دالر امریکایی به مدت دو سال و کسی را می شناسد وعده شمولیت داد واین جناب رنگارنگ اسناد خواست دایما تهیه کردم 500 روپیه پسر م و 500 روپیه خودم در بانک سپردم این پرداخت را قبول نکرد و 700 دیگر نقده خواست و سرانجام احمد ولید از بنگلور به دهلی آمد و فوراً نزد سنگ وان رفتم او احمد ولید را به یک آدرس نا معلوم به پوهنتون فرستاد و در انجا نه نامش بود و نه رسید پول هایش وقتی از سنگوان پرسیدم به بسیار تبسم گفت آن دوست امریکا رفته است و این پول ها و اسناد همه مفقود شدند و با او هیچ محبتی ندارم و دیگر از او خبری نیست، در حالیکه در زیر سقف یک هال و در همسایگی زنده گی داریم، چنین قصه ها زیاد است به خواننده گان محترم خسته کن تمام می شود بعضا تکراری هم

بوده و آنها را لازم به تذکر بیشتر نمی دانم در سفر تمیل نادو قرار بر آن بود که راپور سفر را نگارنده قرائت نماید جنرال سرن در راس است و کور دیناتور آقای موهانتی که او اولین افسر حمایوی من بود چون کرکتر اش خوشم نیامد اورا باهرش گوپتا که روسی میداند چینج کردم اما در این مورد سخت اشتباه کردم، 7 صفحه را تیار کردم اما راپور سفر را شانترول خواند وبدون اینکه جلسه دایر گردد هرکه وهرچه در این موارد قوماندان کنترول ندارد قوماندان عاشق شنیدن حرف های سخنران ها ومحصلین وعلاقه مند صحبت های یومیه خودش می باشد در گروههای اعزامی به خارج تنها در دو گروه لاوس - کوریای جنوبی وتایلند وچین افسران خارجی انهم انگلیس وامریکا گزارش دادند ودر 4 گروه دیگر به افسران خارجی چانس صحبت داده نشد ودلیل انرا تاهنوز درک کرده نتوانستم .

سفرایکه با ایشان در افریقا و اروپا داشتیم بعضی از آنها از ابتدا تا انجام حرکات نامناسب را اجرا نمودند خصوصا در برابر دو افسر بنگله دیشی در صورت که این ها هم محصل اند و نه کدام قوماندان و هئیت رهبری کالج. در گروه سه نفر خیلی حرکات بلند پروازانه داشت گرچه من شاعر نیستم اما جنرال رضوان بنگلدیشی از من خواهش کرد که در مورد این ها چند شعر بنویس رهبر گروه ما آقای سوداکرجی سه معاون داشت که بنام های آشونی، دلیون اهل سیک و جین بودند در لندن برایشان شعری نوشته ام و آنرا به رضوان خواندم من و همسرم تکت یکجائی داشتیم ولی افسران بنگلدیش در ویکتوریا از خانم های شان جدا شدند.

مطابق محتویات مضمون پنجم "ستراتیژی هند در همسایگی" از تاریخ 5 آگست تا 8 آگست مدت 4 روز بازی های استراتیژیک براه انداخته شد. ما

در ده گروه تنظیم شدیم و اعضای گروه ها فرق داشت، در نقش های چون وزیر دفاع، داخله، چیف منستر و همچنان به سطوح پایان رول ها بازی گشت و گذارشات به حضور داشت هئیت وزارت دفاع که در مدت چهار روز هم در آماده گی و تقدیم گذارشات کمک های خود را نمودند انجام یافت. خارجیان نقش ضعیف داشته من که سوالات بی شمار و بحث های خوب داشتم نظر به مکتوب 26 جولای که حق صحبتم گرفته شده بود خاموش ماندم. قوماندان کالج نیز بدون از افسران انگلیس و امریکا به دیگران توجه نداشت و افسران هندی را نام گرفته به زور تشویق میکرد تا صحبت کنند در حالیکه بسیاری آنها آماده نبوده ولی خارجیان را تشویق و دعوت به سوال نمی کرد تنها دو افسر فوق الذکر در دو بحث بسیار ضعیف نظریات ارائه کردند دیگر افسران خارجی در بحث ها خاموش بودند گرچه فهم و دانش بد ندارند اما کسانی در ده گروه چیف منستر و وزیر داخله بودند که در جریان تعلیم کدام فعالیت بخصوص از خود نشان ندادند مانند شیر ساغر، پراشا، انیش، جمنات، راجن، دیان، دیمری و غیره، جالب آن بود که پارکر امریکائی را برای نشان دادن لهجه و محلش بار دوم قوماندان صدا زده و تشویق کرد تا بدانند که او از امریکا است و او را در هئیت رهبری بازی نیز نشان دادند و همچنان پتروس کاتولیک اندونیزیا را در گروه رسانه ها نیز بالا کشیده اند.

اینجا دو سوال است امریکا و عیسویت و طرح سوال را از وزیر داخله آقای پاون به وسیله ریچارد لونگک سینگاپوری که بودیست میباشد زمینه سازی کردند در حالیکه از حقیقت اگر نگذیریم جنرال بنگلدیشی و ادمیرال مالیزیائی و قوماندان بحری خالد اقبال از کشور بنگدیش خوب انگلیسی

میدانند احمد الرواحی از کشور چهار میلیونی عمان همیشه سوال داشته به اینها چانس داده نشد و توجه صورت نگرفت. به گفته های قبلی این حرکات همه پلان شده و سیاسی است، کالج کاملاً سیاسی و استراتژیک می‌سجد. هر حرکتش قبلاً فکر میشود، آموزش در این کالج ساده و آسان نیست، خیلی حوصله میخواهد. از میان 24 افسر خارجی به آن خاطر به افسر امریکائی بی سواد و کور ذهن توجه می‌شود که دو بار لوی درستیز اش و یک بار سفیر امریکا و سکرترهای سفارت به مناسبت های مختلف به کالج آماده کوتاه و مختصر سخن رانی کردند که چانس سوالات را کمتر داشتیم. پس از بحث جنجال بر انگیز 24 جولای دیگر افغانستان مورد تاخت و تاز قرار نمیگیرد و بر عکس تعریف می‌شود، این سخنان را در حال می‌نویسیم که روز 8 آگست آخرین روز بازی استراتژیک هند در داخل کالج میباشد چهار روز متواتر روزه به دهن از ساعت 9 تا 6 عصر ما را مصروف ساختند.

من در گروه 9 نفری تنظیم ام که چیف منستر آن آقای راجین و وزیر داخله اش اجی پتنا گر است، 9 تن هستیم که از آن جمله سه افسر خارجی ادمیرال اول محمد ادیب از مالیزیا، دگروال اندری از استرالیا و نگارنده از افغانستان میباشد و متباقی شش تن افسران هندی اند. هشتم آگست روز اخیر ماه مبارک رمضان است در چهار روز بازی استراتژیک غذا های رنگا رنگ و متنوع در وقفه های تفریح برای هئیت و کالج تهیه میگردد اما از طرف خداوند به ما اجازه خوردن آن داده نشده است. سناریو دوم در روز سوم و چهارم عملی گشت رول نگارنده در این بازی ها رئیس اپراسیون ایالت جارکند و بهار بودم چون میدانند که در افغانستان جنگ و خونریزی است با آنکه به نویسنده گی و شعر علاقه دارم اما نقش های جنگ و اپراسیون داده میشود زیرا از

دیدگاه افسران هندی افغان ها همه شمشیر زن، جنگاور و پیکار جو اند، اگر شاعر، نویسنده، معلم و تاریخ دان هم باشند تصورات جهانی و منطقی در موردشان فقط جنگ و جنگ جوی است، ای کاش این نام از سر ما دور میگشت که ما تاریخ خوب، شخصیت های بهترین علمی و اکادمیک، نویسنده گان و شعرای برجسته و افراد اهل قلم و سخن داریم و داشتیم. یک صنفی هندی ام که در بانک کار میکند در سفر تمیل نادو نگارنده را جنگ جوی افغانی (Fighter) معرفی کرد به جوایش فوراً گفتم که نه من نویسنده افغانی هستم (Writer)، در رقابت های صنفی خدا آدم را از کشور غریب نیاورد و خصوصاً که در حال جنگ مانند افغانستان باشد که بسیاری ها را کشور غریب و در حال جنگ خوش آیند نیست، در چنین موسسات محصلین باید از کشور های بزرگ، ابر قدرت و با زبان انگلیسی مادری اشتراک ورزند، تمام بحث ها و بازی ها در مورد تخریب نخالیزم و مایویسم و مایویسم (مقصد اش کشور چین است) و افراطیت که (مقصد اش از پاکستان میباشد) جان مطلب بازی چهار روزه را تشکیل میداد در اخیر از میان هیئت وزارت دفاع هفت تن آن در هیئت رئیسه نشسته به بحث ها و صحبت هایشان ادامه دادند و زمان نتیجه گیری فرا رسید تا مداومین بار دیگر بحث نمایند. در آخرین لحظات استوارت انگلیسی با آنکه مایکرافون اش کار نمیکرد به پا برخاست و نظریات خود را آنقدر بد نبود پیرامون استراتژی هند بیان کرد و بعداً پارکر امریکائی مورد توجه قوماندان نیز چیزی را اضافه کرد که اشتراک کننده گان به آن پی نبردند اما سونیل لمبا مانند همیشه در مورد این افسر بسیار خرسند بود. این کتگوری افراد این شعر را فراموش کردند که:

از گوشه گمان مبر - که شاید پلنگ نهفته باشد.

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است:

با دوستان مروت - با دشمنان مدارا

دیدار از مناطق جنوب هند

جون 2013

کوچین Kochin، کریلا، حیدر آباد، پونه، ایندور و ماوه

از جمله 24 تن از افسران بین المللی تنها دگروال احمد محمود مصری نتوانست نسبت مریضی همسرش خانم شیما به این سفر برود ما بسوی کریلا به شهر کوچین که در گذشته کوچی بوده است از دهلی حرکت و پس از سه ساعت پرواز تاریخ 28 جون آنجا رسیدیم و پس از طی دو ساعت سفر زمینی در 2 بس کوچک به هتل کازینو که به گرمی استقبال کردند و بعد از چند ساعت توقف و استراحت و صرف غذا چاشت ساعت دونیم بعد از طبق پلان و پروگرام به قوماندانی جنوبی بحری در استقامت دیگری شهر کوچین آمدیم و از داخل شهر گذشتیم برخی مردم این شهر را کشور خدا می نامند هوای معتدل ، میانه ونه گرم مانند دهلی ونه سرد مانند سیکیم، شهر خیلی زیبا، پاکیزه، آرام و مساعد برای زنده گی .

در مدخل قوماندانی بحری جنوبی از ما افسران جوان این قرارگاه با گرمی خاص وزاید الوصف استقبال کردند با جنرال رضوان بنگله دیشی سخت شوخی ها داشته واز خاطرات سفر مان در افریقا وانگلستان یاد آور شده و چند قطعه فوتوها برداشتیم مانند گذشته .

این افسران یک تفاوت دارند که خیلی آرام، خاموش، مصروف پراکتیک، آموزش و غذا خوری و استراحت اند، پارکر امریکایی علاقه مند گشت تا

Welcome to Southern Naval بردارد جمععی

Command ساختمان ، سرک ها ، جاده ها و داکا کین اش مشابه تمیل نادو بوده و در هر چوک و چهار راهی فوتوهای از شخصیت های معروف اش



نصب است که به عقیده اهالی اینها شخصیت های سیاسی اند و یا وکلایکه علاقمند کار با مردم و سیاست می باشد و از احزاب گوناگون رسمی هند نماینده گی می دارند، مدت کورس ترینینگ تا 7 ماه می باشد از 16 کشور دنیا برای آموزش در اینجا مصروف هستند و در برابر سوال هیت رهبری قوا بحری جواب داد که تکنالوژی قوای بحری را قسما از تولیدات هند واکثرا از کوریای جنوبی، افریقای جنوبی، روسیه، انگلستان و امریکا خریداری می دارند.

به مکتب اشاره signal که واقعا یک مکتب مدرن و عصری قوای بحری کشور انکشاف یافته می ماند طوریکه سیستم هایش به سیستم های قوای بحری نور فولوک امریکا می ماند که در سال 2012 به آن اشنا شده بودم، ساحه مکتب خیلی پاک و اراسته، منزه و وسیع بوده، گروپ سوالات گوناگون از قوماندان بحری جنوب هند داشته که نامبرده به پیشانی گشاده به

کلیه سوالات جوابات مثبت ارائه کرد در هر مورد هریک سوالات خوب کاری داشته و برخوردار مسولین هتل وهیت رهبری کالج به یک حرکات وسکنات میزبان داری جلوه گر بود ، غذا وهوای ایالت کریلا دلکش وجذاب است، تاریخ قوای بحری کوچی را 1000 سال قبل از میلاد رقم زدند ودر 1920 مدرن تر آن در ممبی موقعیت داشته ودر 1986 در موقعیت کنونی قرار داشته در یک جایی این قوماندانی به زبان انگلیسی چنین نگارشات صورت گرفته است :

One man many oceans
Today a reader
Tomorrow a leader



قوماندانان بحری جنوب هند میگویند: تمام حرکات ما با در نظر داشت تدابیر امنیتی بسوی کشور های خارجی به اجازه وزارت دفاع بوده در صورت بروز حوادث منفی کشور متقابل از امنیت کشتی های مان جوابگو می باشد. در این قوا سیستم تریننگ، اداره عملیات کشتی ها، کتابخانه پاک، بزرگ و دارای کتب متعدد ساحه و لیلیه به گنجایش 700 تن انهم به هر کدام اتاق علیحده، اتاق های زیاد و کمپیوتر خانه ها .

سخنگوی ار تاریخ قوا از سال 1945 واز کوه های همالیا صحبت کرد وراجع به مکتب دوم که بنام Navigation Direction School Naval Base, Kochin Naval Institute of Aeronautical Technology نامیده می شود که جدیداً از 2012 شروع بکار نموده است تعلیمات مسلکی برای ارتقا ظرفیت کاری افسران بوده که در آن در حال حاضر 40 تن مصروفیت دارند، غذا رستوران هتل کازینو خیلی عالی، فرمایشی و به میل برابر بود که از غذا 5 ستار مفلر سیکیم و تمیل نادو فرق داشت.

مکتب دگری بنام مکتب انداخت یاد می شود که در آن سیستم های مختلف تمرینات انداخت اجرا می شود و اجازه عکاسی داده نشد که در کنار بحر موقعیت داشته و دران سیستم های مختلف قوای راهدار، مزاییل کمپیوتر رایشده و غیره جابجا می باشد . در گروپ ما مسلمان، بودیست، کاتولیک، عیسوی وجود دارد دگروال لونگ سنگاپوری که در سفر سیکیم با ما یکجا بود اظهار خوشی کرد که خوب است در این سفر به معبد نمی رویم در حالیکه خودش بودیست است چون در سفر سیکیم از رفتن زیاد به معابد خسته شده بود .

در مقابل هتل کزینو در یک دوکانچه مرکز تکسی ها با مستر وین ویک، تپی نام و مرد 70 ساله که دریور تکسی است ملاقی شدم. از طرف شب کوچی شهر تاریک است، چراغ ها ندارد و رفت و آمد در 9 و 10 بجه موجود نیست، مرکز این ایالت تیواندرم بوده و به گفته وین فیک 35 ملیون در کریلا زنده گی دارد شهر کوچی 2 ملیون اهالی داشته و در بین کریلا موقعیت دارد مرکز کریلا در جنوب کریلا و کریلا در جنوب هند قرار دارد که مردم اش به زبان مولاعالم صحبت دارند در این ایالت هندو 60٪، مسلم 30٪ و عیسوی 10٪ زنده گی دارد، از معاش شان پرسیدم این در یور جوان و کاکای کهن سال از کمپنی شخصی تکسی رانی ماهانه 20000 روپیه بدست می آورند که راضی بودند، برعکس افغانستان تصدی های خصوصی و کمپنی های شخصی در هند بیشتر به مردم نزدیک بوده و به کمک شان می رسد نسبت به دولت.



درختان انبوه و بزرگ کوچک ها و سرک های شهر را پوشانده است و به گفته یک دوکاندار مسلمان باران های ماه های جون ، جولای و اگست اش خیلی خسته کن می باشد او فیصدی مسلمانان را در کریلا بیشتر از 60٪ خواند، با آنهم آب و هوا کوچین نسبت به دهلی مساعد به گشت و گذار بوده در حالیکه درختان غیر مثمر اش نمایی شهر را خراب و تاریکی زیاد را آورده است، پلان بعدی مان را تماشا بحر و سواری کشتی، دیدار از منطقه یهود نشین که تا آنجا رفتن بسیار دور و سرک های باریک داشت ولی منطقه نهایت زیبا و دارای آب و هوای خوب در دو طرف سرک دوکانهای زیاد مملو از انواع کالا و اجناس اما با مشتریان کم ، دوکانداران هر نوع پیش آمد و خم و بیچ را انجام می دادند تا ما چیزی بخریم اما گروه گرسنه ما هیچ چیزی نخریدند و هم اجناس شان قیمت بود واقعا محل یهودی نشینان یک جایی تاریخی بوده است که ساکنان اصلی اش پس از 1948 این مناطق را رها کرده به اسرائیل رفته اند و تعداد مهاجر شده را معلومات پیدا کرده نتوانستم، همچنان از موزیم تاریخی مهارا جا پادشاه از قرن 14 که خیلی موزیم تاریخی و کهن سال بوده تماشا کردیم که در آن بخش های ساخت از چوب، تقدیم تحایف به جنرال ، موزیم زیورات ، موزیم اسباب ساخت چوبی البسه باب و آخرین مودل آن از 1932 تا 1944 ، سامان و آلات موسیقی و بخش های زنده گی هنری فولکلوریک و تعمیر های گوناگون و بیچیده کهن سال در گالیری ملی اش اثار قدیم ، سالونهای نشست و کنفرانس ها و دفاتر کاری زیاد در استقامت های گوناگون خلص کلام همه و همه دلچسپ و دیدنی ولی نه با گروه زیاد و وقت کم اما بشکل توریستی

روز دیگر از بازار ماهی چینی و کلیسای سان فرانسیسکیت پرتگالی که تعمیر بسیار قدیمی دارد .



و برای رفیق اندونیزیایی مان خیلی دلچسپ بود دیدن به عمل آمد که هر کدام عکس های یادگار برداشتیم و اهسته و اهسته بسوی بازار ماهی با عبور از محلات خوب ، کوچه های اسفالتی خوش آیند، درختان مثمر ، خانه ها در این کوچه با نصب اعلانات برای اجاره جهت تفریح در کنار بحر و مشاهده تعداد زیاد خارجیان سفید پوست و سیاه پوست از سایر ممالک خیلی عالی و دلچسپ به نظر می رسید، در کشتی سوار فاصله های زیادی را در بحر چنان خوش آیند، همه خوشحال و موسیقی و راهنما بنادر را تعریف می دارد، کشتی های زیاد، مسافرین خارجی از دول مختلف دنیا، بازار ماهی بنام

مارکیت فیش چین، محل ایکه کانتینر ها زیاد بود بنام پورت دبی در هرجا وهرنام مطابق واردات وصادرات همان کشور.



در هندوستان نام گذاری کوچه ها و سرک هایش بنام شخصیت های مشهور کشور دنیا هیچ پرابلم نیست هر رهبر وقوماندان ایکه با هند دوستی ورفاقت داشت به نام اوجاده و سرک را نام گذاری می دارند و مردمش چندان حساسیت ندارد اما در موضوع نامگذاری چند کوچه در مزارشریف ویا عوض پوهنتون دانشگاه گفتن چه غوغا هایی نبود که در رسانه های افغانستان باجنگ و جدال فزیکتی در پا رلمان افغانستان وامروز که همین سطور را می نویسم موضوع قومیت در ولسی جرگه سخت از جانب دشمنان افغانستان دامن زده می شود که سخت خطر ناک در آینده کشور می باشد، پس چرا پارلمان هند و مردم ووالیان اینجا چنین پرابلم را ندارند و وطن خود را سخت دوست دارند، باز از موضوع دور رفته در دو و سه ساعت گردش در میان بحر

خاطرات فراموش ناشدنی در زنده گی تلقی می شود، ادم هرچیز را به سن وسال بالاتر از 50 سالگی زود فراموش می دارد مادامیکه آنرا به تحریر آورد و رقم زد، انجاست که در خاطره ها باقی می ماند.

اکثرا آثار تاریخی، موزیم ها و کتب وداستان های قدیمی ما مفقود شده، یا مانند کتابخانه پوهنتون کدام وزیر صاحب همه را در قید خود آورده و سپس به کشوری دلخواه اش انتقال داده و نیست و نابود کرده باشد و هکذا در مورد آثار گرانبهایی تاریخی موزیم ملی و گالیری وارشیف ملی کشور، اما در هندوستان، انگلستان بشمول سکاتلند و زیمبابوی افریقا که این کشور های خصوصا اخری تحولات بسا عظیم را پشت سر گذرانده اند از قرنها مانند هند که از قرن 14 به بعد ابدات، محلات تاریخی، تحایف، اسناد و کتب را محفوظ نگهداشته اند، که خود قدر دانی از تاریخ گذشته شان می باشد ما با افتخار از تاریخ گذشته مان یاد آور می شویم اما مطالب لازم را برای بیان، ثبوت و تشریح و توضیح ان نداریم و زمانیکه به جروبحث پرداخته می شود بدون قناعت طرفین نشست را ترک و قهرانه وزور گویانه که چنین است و چنان از هم ناخوش جدا می شویم، این ضعف بزرگ روشنفکری در افغانستان است که بالاخره بدون معلومات از تاریخ قوم خویش وضعیت کنونی را دیده وبر آن می بالیم که اکثریت است و که اقلیت . و این قوم بالا است و این قوم ادنا و چطور و چنان .

30 جون حيدر آباد ايالت اندرا پرديش



از کوچين بسوب چينايي واز انجاپس از سه ساعت توقف به ديار زيا حيدر آباد ايالت اندرا پرديش رسيديم ساعت 7 بجه در هوتل بزرگ ومجهز ومدرن مشابه هوتل مريوت ويرجينيا كه اين هوتل نيز مريوت نام دارد رسيديم واز خستگي انتظار هاي زياد وطولاني ارام وبدون غذا شب خوابيديم، سحرگاه با اداي نماز صبح وبا صرف غذاي صبحانه به دستور جنرال ويپين اكون اماده گي سفر درجهت كار راداريم تمام عمه وخدمه هوتل با برخورد عالي ويپش آمد كلتورانه شان در خدمت ما اند، چون از افغانستان ام وقد واندام بلند در ميان سياه چهره گان وگندم رنگان بمن احترام خاص قايل اند، با شنيدن نام افغانستان لرزه به اندام هر كه مي افتد، بنازم به

نامت افغانستان، اگر بدهستی یا خوب مگر با 30 میلیون نفوس ات مشهور عالم، در تمام سفرها و در تمام لست ها نگارنده همه را از نامت ترسانده است. ای کشور عزیز، ای زادگاه قهرمانان تشویش مکن شاید روزی برسد که همپا با غرب شوی و امپراطور دنیا گردی، گر ملت ات غیرت کند و اتحاد نماید افتخار جهان شوی. خاک ام زیبا، کشورم با دنیا فخرها و سرزمین ام آریانا داخل هتل مریوت عکاسی ممنوع است، از هریش وراوی در یور راجع به نفوس حیدر اباد و از هنر مندان فلمی اش پرسیدم، کدام معلومات نداشت، سطح معلومات بسیاری از افراد دنیا ضعیف است، بدین ملحوظ به عوام فریبی رهبران فریب می خورند شماری زیادی به لپ تاب، فیس بوک، انترنیت و سکاایپ و ایمیل و غیره دسترسی دارند اما این وسایل انسان را با دانش و با سواد نگهداری نمی دارد.

طیارات، هتل و ساحه جوارش به مشابه کشور های پیش رفته است اما محیط بیرون اش یعنی سرک ها و کوچه ها، غذا و لباس گرمی و عدم صفایی از عقب مانده گی سخن می زند. سرک ها، پل و پلچک ها، شعایر و رکلام و تبلیغات ها در دیوارها و پلاکات های هند یکسان است، محمد ادیب ادمیرال اول ارام و کم گپ است، اداره و اطلاعات را به همگی واگذاری دارد افسران از کشور های مختلف طبق پلان نوکریوال یومی اند و وظایف را پیش میبرند و من غرق دنیا تفکر خود هستم و مانند ای که در افغانستان صرف در مورد وزیر دفاع و رییس جمهور صحبت می کردم، در موتر با دگروال لویس از کشور ایکوادور که زبان خارجی موصوف اسپانوی بوده و زبان گویش انگلیسی اش بدتر از من می باشد، رفت و آمد دارم، او در رکشاباون نیز همسایه ام می باشد با خانواده زنده گی دارد و علاوه بر معاش کالج ماهوار 2000 دالر

سفارت شان برایش می پردازد. مارا روز اول به کالج اداره دفاعی College of Defense Management (SDM) بردند و به گفته هندی های در کرسی ها یعنی چوکی ها نشاندند و راجع به کالج معلومات دادند که در 1990 شروع به فعالیت کرده و در مدت 44 هفته آموزش درجه ماستری می دهد در این کالج 9 مضمون تدریس می گردد و سفر های در کشور های در حال رشد مانند اسرائیل ، مالیزیا، قزاقستان لا وس و غیره داشته است و همه ساله پروگرام درسیر و سفر شان به کشور های خارجی تغیر می کند، نتایج امتحانات شان را پوهنتون عثمانیه می دهد، در کالج 6 کسب موجود است و دارای کتابخانه ها، اتاق های نگارش تیزیس ها و پروژه ها وجود دارد در جایی نوشته بود : *If you want change world you must make change (Gandhi)* در 2013 از شش کشور دنیا مصروف آموزش بودند این کالج در سکندر آباد موقعیت دارد قوماندان کالج منزلی را در اختیار دارد که معادل یک شهر کوچک است، از افغانستان دگروال عنایت الله بارک در زمان داکتر نجیب الله معاون غند 9 توپچی فرقه 14 پیاده بوده است و از قوم پشتون بادغیس می باشد که مرا بعدا از حساب خدمت گذاری مشترک مان در غزنی شناخت و افسر تحصیل یافته است، در اینجا مصروف تحصیل می باشد .



بعد از ظهر اول جولای ما را به سفر و تماشای بزرگترین بالا حصار حیدرآباد بردند، در جناح راست سرک حیدرآباد (بنجاره تپه **Banjara Hills**) که سینما گران مشهور هندی در آنجا شهرک فلمی و تجاری اعمار کردند، در وسط سرک مسجد جامعه حسینیه را که پنج وقت آذان و نماز دارد مشاهده کردم. در این شهر 70 فیصد مسلم زنده گی دارد. بالا حصار مشهورش (گول کنده) و بنام **Golkonda Fort** شهرت دارد در اینجا رسیدیم و نمیدانند از کجا توضیحات بدهند این بالا حصار نه بلکه یک شهر بزرگ است، گل کنده همان کوه نور است که الماس آن را از بابریان شاه شجاع بدست میآورد و سپس دلیپ سنگ پسر رنجیت سنگ والی پشاور در زمان استعمار بریتانیا بر هند این الماس را که بزرگترین الماس دنیا است تحفه میکند و اکنون این الماس در موزیم ملی لندن نگهداری میشود.



قبل از بابریان که توسط قوماندان عبدالرزاق که پیام آورش عبدالحی بوده در زمان اورنگ زیب پادشاه سقوط داده شده گرچه دختر ابوالحسن پسر سلطان عبدالله به عقد نکاح یکی از سرداران مغلی میاید اما با آن هم بابریان این جا را اشغال کرده و به سلطنت صد ساله شیعیان ایران در وسط قرن 16 خاتمه میبخشند. این بخش عظیم هند را با در آمیختن زبان فارسی مدت ها ایرانیان اداره کردند مانند که در کرناتا کا 36 سال 18 سال حیدرعلی و 18 سال سلطان تیپو پسرش اداره کرده اند.

در این بالا حصار مساجد فراوان از ابراهیم پادشاه، سلطان محمد قطب، محل ملاقات ملکه و پادشاه، محل بود و باش نگهبانان، بازار، پارلمان (بنام برادری دربار هال)، سالون جلسات، خندق ها در اطراف قصر، دیوار طویل مشابه دیوار چین و دور تر از آن موجودیت 8 مقبره سلسله پادشاهان سلطان محمد قلی دیده میشود، حیدرآباد شهر قدیم و شهر جدید اش را سکندرآباد میگویند. این ایالت قرن ها بدست مسلمانان تا اشغال بریتانیا در تسلط مسلمانان سنی مذهب بابریان بوده است، در بالا حصار سیستم انجینیری، رصد خانه، سلام خانه و غیره وجود دارد.

در سال 1126 معبد در آخرین نقطه بالا حصار بوده که توسط این شاهان تخریب نشده است. سلطان ابوالحسن پسر بنام سلطان علی جان داشته که این سردار جوان تمام تخت و بخت پادشاهی را فدای یک رقاوه معمولی که حوری پری برایش بوده و تمام شان و شوکت را رها کرده به قریه عادی و کوچک بگواتی به دامن عشق پناه میبرد. در مقابل هال دربار برادر باغچه وجود دارد که اعضای دربار تجمع تابستانی میکردند، جالب آن است که در مقابل پارلمان وقت مهاراجا تونل را احداث کرده که بطول ده کیلومتر می

انجامد. در زمان تجاوزات افراد و پرسونل پیاده رفت و آمد و اکمالات میکرده اند، مسجد ابراهیم پادشاه در بالای آن خانه های کوچک نگهداری کبوتر بخاطر ارسال پیام ها و آوردن پیام ها ساخته شده است، جا های زیادی به اندازه 3 کیلومتر از سطح زمین تا بالا حصار ساخته شده که اسمای آنها در خاطر م باقی نمانده است، از 7 الی 8 بجه شام پروگرام صدا و روشنی (Light and Sound) که تاریخچه این سلسله پادشاهان را به زبان انگلیسی مخلوط فارسی با نظم و شعر ایرانی که به دیگران قابل فهم نبود به گویش امیتابچن نشان دادند که برای من همه موضوعات قابل فهم و واضح بود. در این تماشا افراد زیادی داخلی و خارجی اشتراک داشتند، محمد غوث از اهالی مسلم حیدرآباد رهنما از طرف شعبه توریزم تعیین شده بود و توضیحات مفصل به گروپ ما که خیلی ها جالب بود ارائه کرد. هیچ کس به او کمک نکردند.



ولی من صد رویه برایش تحفه کردم گرچه چندان پولی نیست اما جنرال وپین در برگشت گفت که واقعا پتان ها مردم کاکه و دارای قلب وسیع اند، درحالیکه افسران انگلستان، امریکا، استرلیا، نایجریا و سعودی و غیره پولداران بودند که یک رویه خواهان کمک در چنین حالت و به چنین اشخاص نمی دارند، طوریکه از میان صد نفر فقط چند تن محدود به شمول نگارنده مبلغ 1000 رویه به اسیب دیده گان زلزله وسیلاب ایالت اتراکند کمک بشری داشتیم ، تا خداوند (ج) به ما کمک نماید. یادی از این حرف ها چندان معقول هم نیست اما نمایی از حسن نیت و احساس بشر دوستانه انسان ها را در برابر همنوعان شان نشان می دهند چون مردم ما رنج دیده، عذاب دیده و غم دیده اند ما نسبت به همه ترحم بیشتر داریم در حالیکه همصنفان فوق الذکر ما پول های زیاد رادر خریداری شراب و پرورش بدن مانند سپردن 3000 رویه به مسازیسست های جوان از طبقه اناث از جیب ها می کشند ، به فکر عمیق افتیدم که بنابراین خصلت که اینها دارند، پس 51 کشور بنام ناتو و آیساف در افغانستان چه می کنند؟ باز از اصل موضوع دور رفتم.

شاهان فارس زبان ایرانی شیعه مذهب همه از همدان بوده اند و مفهوم چار گول (4 معجرای آب) می باشد و در محوطه بالا حصار 4 منار بزرگ نیز وجود دارد، خانواده پارسیان در این دیار 7 پادشاه بزرگ بوده اند که تاریخ عجایب دارند، قصه های این پادشاهان به زبان انگلیسی بوده و شرح و ترجمه آن خارج از حوصله مقاله است به تاریخ ایران باستان به زبان فارسی مراجعه گردد، امپراطوری فارس که 700 سال طول کشید از هند گرفته تا عرب و اروپا را در برداشت، در منزل سوم محل ایست که ملکه و شاه می ایستاده و مردم را از بالا تماشا می کند و اگر کسی قصد داشته تا ملکه را ببیند، **ا ورا فوراً سر**

میبریده اند پایتتر از آن به دیوار گوش مانده می شود و صدا بلند می گردد و از سایر نقاط آرامگاه نیز صدا به اسانی شنیده می شود .



دیوار ها و سیستم های انجنیری چنان مغلوق و پیچیده است که چشم بینده گان را به حیرت می آورد افرین به انسانها این سرزمین که به چنان وسعت بزرگ، دیوار های مستحکم از خشت و سنگ را با تعمیر های مختلف به هر گونه آسایش رهایشی باآنکه در باریان را با شانه های خود حمل و نقل کرده اند و بعد تر از ان دایما انرژی و نیروشان را بیهوده در خدمت سلاطین و شاهان قرار داده اند که به جز از سپاه بودن، محافظ بودن، نگهبانان صد ها خانم در حرم سرای ها، قاب باشی و پیاده، خبر رسان و تنظیم و تر تیب دیگر وظایف را پیش نمی بردند، مردم قرن ها در خدمت سلاطین و پاد شاهان ارثی بوده اند که آنها

فقط از نعمات مادی و معنوی سر زمینها استفاده اعظمی کرده و عمر طولانی در زنده گی و حاکمیت داشته اند، اما مردم که سازنده گان واقعی تاریخ اند در تنور انبوه از آتش ها سوخته و ساخته اند، مرده اند و کشته شده اند. این بالاحصار بزرگ از چندین استقامت دارای زینه تپه های، منازل گوناگون مناسب رفع نیاز مندی های پادشاهان بوده که از یک بخش آن رفتن به بخش دیگرش کار آسان به نظر نمی رسد، از 400 سال بدینسو نمایی یاد گاری اش هنوز خوش آیند سیاحین و تماشاگران میباشد، خصوصا زمانیکه فلم آوازی آنرا به صدای امیتا بچن در طی یک ساعت بما شنواندند دیگر جریانات تاریخی اش قابل درک به همه گشت. دو جولای به فاکولته الکترونیک و میکانیک انجینری EME (ELECTRONICAL MECHANICAL ENGENERING FACULTATE) رفتیم که قوماندان فاکولته جنرال یک ستار مقدم ما را خوش آمدید گفت و سپس به سخن رانی اش در مورد میرترین کالج الکترونیک و انجینری هند توضیحات داد که کالج تاریخ کهن دارد در 1946 از مایسور به اینجا آمده است دارای دو فاکولته میباشد فاکولته تمرینات تکنالوژی و اداره و تکتیک همچنان بخش تشبیه سازی SDD (SIMULATOR DIVISON DEPARTMENT) بوده، دارای 47 صنف، کتابخانه مجهز با لپتاپ های مختلف میباشد. از کشور های مختلف دوره های کوتاه کورس ها، سیستم رادار که تا صد کیلو متر و بعدا صحنه های محاروبی عیار شده توسط قوای هوائی و ترسیم صحنه در اراضی مختلف، رسانیدن کمک اولیه به سرباز مجروح، راننده گی به وسیله دریوران همه بروی خریطه های وسیع و هموار عسکری توضیح داده شد. در فاکولته انجینری 300 مداوم مصروف اند،

کتاب های درسی، لکچر ها و سیستم های کمپیوتری همه مجهز بوده و عملاً از پرتاب ماین های دستی ضد پرسونل و انواع مختلف آن شناسائی گروپ ما حاصل نمود.



از کشور های مانند نیپال، سریلانکا، بوتان، برما و مالدیف درس میخوانند. کورس های 3، 6 و یکساله سرتیفیکیت اخذ میدارند بعد از ختم یک سال اگر محصل تیزس قبول نماید و از آن دفاع کرده بتواند بعد از یک سال ماستری خود را از دانشگاه جواهر لعل نهرو دهلی بدست آورده میتواند، این سیستم تعلیمات به نورماتیف عیار است اما کالج اداره دفاعی به مدت ده ماه آموزش دیپلوم ماستری میدهد که تفاوت اش با کالج مدافع ملی هندوستان (NDC) احساس نمیشود.



بعد از ظهر دو جولای از دانشگاه عثمانیه شخصی دیدن نمودم و پلان گروپ بازدید موزیم سالار جنگ بود ما در این موزیم حضور یافتیم عکاسی در آن ممنوع بود ولی محل خیلی مهم و دیدنی است، تاریخ اش از گذشته های دور خصوصا از قرن هفده آغاز شده و فوتوهای تماما سالاران جنگها از 1801 تا 1967 موجود بود که زیادتر حاکمان پارس و بابرین بوده آنها که در دفاع از این سرزمین در راس لشکر قرار داشتند بنام سالار جنگ یاد میشده که نام های زیادی مانند میر نواب علی خان، میر محمود علی خان و غیره ها وجود داشت و فوتوهای این سالاران جنگ از کودکی تا پادشاهی و حتی هنگام پیری شان در دیوارهای موزیم نصب است، اطاق مجسمه های از کشور های مختلف دنیا مانند ایتالیا، جرمنی، فرانسه را میتوان مشاهده کرد، اطاق

تجهیزات نظامی، البسه باب ظروف چینی و فرانسوی و کتب و آثار مختلف بیننده گان را سخت مصروف میسازد، ساعت که سه وظیفه را اجرا کرد زمان، تاریخ و روز را نشان داد از بنگال توسط انگلیس ها در موزیم جابجا شده هر سر ساعت صدای بلند را تولید میکند که برای تماشاچیان خیلی دلچسپ واقع شد، موزیم چیز های بزرگ ، سالون ها و اطاق های زیادی دارد که برای تماشای دقیق به چندین ساعت ضرورت میباشد. سوم جولای پس از طی چهل کیلومتر مسافه به قوای هوایی حیدرآباد که دارای بزرگترین میدان هوایی است و در جون 1971 افتتاح گردیده مورد استقبال گرم قوماندان اکادمی قرار گرفتیم که با سخنان از گرمی دهلی و ترافیک حیدرآباد خوش آمدید، اکادمی قوای هوایی دارای مکتب، شفاخانه، منازل رهایشی و کودکستان بوده که ترکیب رهبری اش معادل به ستندرد های بین المللی است، از هفده کشور جهان جهت تمرینات و آموزش فرا خوانده میشوند در سال 2012 به تعداد 14 تن از افغانستان کورس های 3، 4 و یک ساله را تعقیب کرده اند در اینجا تمرینات جیت 1974، طیاره AN 32 در سال 2009 شروع شده و PC 7 در سال 2013، شرایط شمولیت در اکادمی فارغان اکادمی مدافع ملی پونه، فارغان کالج ها و افسران دارای رتب مختلف تا شش ماه تمرینات میبینند. 24 هفته در موضوع هلیکوپتر مصروف بوده و اکنون 480 مداوم درس میخوانند در



این اکادمی شفاخانه 75 بستره بس ها، خدمات عمومی، محلات تطبیقات انداخت کمپ های صحرائی و تقسیم اوقات یومیه وجود دارد با سایر اکادمی ها ارتباطات داشته و پروگرام های تفریحی را همچو سازمان دهی باستکبال، والیبال و فوتبال و سایر پروگرام های تیاتر و رقص و آواز، محافل شب نشینی و در فراغت رسم و گذشت و سلیوت اجرا میشود. در مراسم فراغت از قوای بحری و کشتی رانی نیز دعوت به عمل میآید. در جریان تمرینات سفرهای خارجی ندارند، و تنها در داخل هند تبادل تجارب میدارند، استادان از امریکا و بریتانیا جهت ارائه لکچر ها تشریف میآورند، طیاره های کوچک PG 7 که پرواز آن را به معرض نمایش قرار داده اند نیم تن وزن دارد و تولید 2012 کشور سوئیس میباشد، حیدرآباد دارای سه میدان هوایی است.



اکادمی هوائی حیدرآباد دارای دو فاکولته است:

1- فاکولته تمرینات اولیه یک سال تعلیم میدهد

2- فاکولته پروازها

در فاکولته اولی خانم ها نیز کار میکنند و آموزش میبینند، در سال 2012 هشت تن از افغان ها از این فاکولته فراغت حاصل نموده اند در راس این فاکولته یک جنرال یک ستار قرار داشته در قرارگاه اش 22 تن از افسران کار میکنند و 4 بخش عمده دارد: لوژستیک، محاسبه، اداره و تعلیمات این فاکولته در سال جاری برای 300 تن محصل آموزش میدهد. اکادمی تنها پیلوتان مربوط قوه های بحری و زمینی را ترینینگ میدهد نه سایر مسالک را.

رتبه قوماندان اکادمی قوای بحری حیدرآباد تورنجنرال و قوماندان های فاکولته های مربوط برید جنرال میباشد این اکادمی در ساحه خیلی وسیع و سر سبز و شاداب به نام دون دی کل موقعیت دارد در بلاک انجینری عملا مانند پیاده و بحری سناریو را ترسیم کردند، موزیم اکادمی مشابه موزیم افغانستان بوده، افراد برجسته پیلوتان از سال 1948، البسه باب زمان های قدیم، اسلحه جات نمائی از طیارات ساخت کنونی، فوتو های فعالین قوای هوائی، طیاره در وسط موزیم و در منزل پایان کروکی موقعیت اکادمی برای شش هزار پرسونل، مدخل و ساختمان های فوق العاده عالی، کتب و آثار گرانبهای از فعالیت های قوای هوائی موزیم این اکادمی را ذاکر حسین رئیس جمهور هند در 1967 بنیاد گذاشته است.



در یک محل زیبای دیگر رسماً از طرف قوماندان اکادمی که در هنگام صرف غذا به او معرفی شدیم این تورنجرال از ما استقبال شایسته نموده و غذا را یکجا با هم صرف نمودیم او در اخیر صحبت رهبری گروپ ما تورنجرال ویین را شنید و خود صحبت دوستانه کرد از طرف رهبر گروپ تحفه ها را دو تن پذیرفتن و به هر یک گروپ ما تحایف خوب تقدیم کرد و ما دوباره به هوتل مریوت برگشتیم، یک محل دیگر زیبا و قابل تذکر ساحه رهایشی اکادمی است، ساحه رهایشی در فاصله چند متری اکادمی به همه تسهیلات و تجهیزات، صالون غذا خوری به گنجایش 700 نفر محل زیست افسران فامیل دار در چندین بلاک با اپارتمان های مختلف، اطاق پرسونل اداری و نوکریوال و جایگاه پرسونل مجرد، مکتب و شفاخانه، کتابخانه مانند یک شهرک متمدن دارای همه چیز در یک ساحه بسیار وسیع، سرسبز و شاداب و دلپذیر.

طوریکه عرض شد در فاکولته های اکادمی در سال 2012 چهارده تن افغانها کورس ها را فرا گرفتند و مشکل همه مان در عدم تسلط به زبان انگلیسی است هر جای که از افسران افغانی صحبت میشود، استادان و هیئت رهبری میگویند که خیلی افسران لایق و متجرب اما مشکل عمده ایشان زبان انگلیسی بود. در حقیقت افسران اردوی افغانستان اکثریت شان پرابلم زبان انگلیسی دارند زیرا آنها در مدت بیست سال در شوروی تحصیل کردند تکتیک و زبان روسی را فرا گرفتند کورس های فرا گیری زبان انگلیسی در چوکات قوای مسلح عملاً و درست فعالیت نمیکند، طور مثال نگارنده اگر مصروف آموزش زبان انگلیسی شوم، سفر های داخلی و خارجی کالج مانع آن میگردد و یا بعضاً پروگرام درسی تغیر میخورد که ثابت نبودن پروگرام

درسی و جلسات پیهه یک مزاحمت کلی است روز های شنبه و یکشنبه مانند اروپا در هند رخصتی است اتباع هند حاضر نمیشوند جائی بروند و زبان درس بدهند و همچنان پول وافر ندارم که در این مورد مصرف کنم.

در کالج از 21 کشور خارجی به تعداد 24 نفر به شرح ذیل اشتراک دارند:

- | | | |
|------------------|-------------------|------------------|
| 1. افغانستان (1) | 8. مینمار (1) | 15. اکوادور (1) |
| 2. جاپان (1) | 9. پیرو (1) | 16. یوگندا (1) |
| 3. ویتنام (1) | 10. برازیل (1) | 17. نایجریا (2) |
| 4. سینگاپور (1) | 11. سعودی (1) | 18. امریکا (1) |
| 5. نیپال (1) | 12. مصر (1) | 19. انگلستان (1) |
| 6. بنگله دیش (2) | 13. عمان (1) | 20. آسترلیا (1) |
| 7. مالیزیا (1) | 14. اندونیزیا (1) | 21. سریلانکا (2) |



پونه 4 جولای 2013

برید جنرال آنن فارغ 46 و مین دور سال 2006 میلادی وهم صنف شفیع الله خرم بوده و اکنون به حیث معاون اکادمی مدافع ملی پونه اجرای وظیفه می دارد پس از آنکه خود را در حیب الله هال معرفی کرد رشته سخن را به مسول بخش سپرد ، این سخنران چاپلوس که گویا هرگز هیت و خارجی را ندیده باشد پای خود را از زمین برداشت و رسم تعظیم نمود و اجازه سخن زدن را از مستر ان گرفت که امروز قوماندان اکادمی در دفتر اش نیامده بود این افسر به توضیحاتش چنین پرداخت : تهداب اکادمی را جواهر لعل نهرو اولین صدر اعظم هند در 16 اکتوبر 1949 گذاشته است، هال حیب الله بدین خاطر گفته می شود که حیب الله اولین قوماندان این اکادمی بوده است، اکادمی در سال 2013 دارای 6 بخش عمده است از قبیل: تعلیمات، تمرینات، اداری و محاسبات و غیره که بالاتر از 16 واحد اقل 12 را خوانده باشند به مدت سه سال تحصیل می دارند و در حدود چهار لک امتحان میدهد و چهار صد تن پذیرش دارد در مسالک بحری، زمینی و هوایی که در گذشته دگر جنرال خدایدا هزاره قوماندان اسبق فرقه 14 زمان داکتر نجیب الله و بعدا وزیر مبارزه علیه مواد مخدر در کابینه آقای کرزی و تورن جنرال عبدالخالق رییس ارکان ستر درستیز سابق قوماندان قول اردو پکتیا در حاکمیت داکتر کرزی از همین اکادمی بدرجه لسانس فراغت حاصل نموده اند در سال های اخیر از 24 کشور دنیا و در سال جاری از 9 کشور که 17 تن از افغانستان می باشد به شمول قزاقستان و تاجیکستان در اینجا مصروف تحصیل اند در هال حیب الله 350 تن گنجایش دارد و بدون از آن سه سالون دیگر نیز موجود می باشد .ساحه این اکادمی به مشابه یک شهر بزرگ است .ساحه اکادمی را افراد بسن

وسال نگارنده پیاده گشته نمی توانند، خیلی ها پاک و زیبا اما شرایط زیست از لحاظ نبود برق چندان خوش آیند نبود، معاون اکادمی طوریکه در فوق ذکر شد در غیبت قوماندان از ما استقبال و ترسیم تطبیقات قوتهای بحری و هوایی را در نمایش پرده قرار داد، گروپهای ترننگ سپورتی، انواع بازیهای فیزیکی، جمع نظام قوی و ترسیم صحنه دوش محصلین و هکذا موجودیت 175 اسپ جهت تطبیقات و تمرینات در اکادمی موقعیت داشت و صحنه های اسپ دوانی اش مانند بزکشی های افغانستان بود.



مطبوعات، موسیقی و هنرها، گلف و نقاشی و معماری نیز تدریس میشود. سوالات در مورد شرایط قبولی، جذب به اکادمی و چگونگی سیستم درسی زیادی صورت گرفت، سالون مطالعات اش در جهان اولین و در آسیا دومین است که برای هر مداوم با گنجایش 2400 تن سیت وجود داشته و اکنون

2030 مداوم در اکادمی اعم از داخلی و خارجی مصروف آموزش با در نظر داشت تقسیم اوقات یومیه مدت سه سال در بخش های مختلف هوایی، بحری و زمینی تحصیل و برای کسب درجه ماستری یکسال دیگر را در اکادمی های مربوط مسلک شان آموزش می بینند، ما از اتاق افتخارات اکادمی دیدن نمودیم و دگروال احمد عمانی توجه مرا در یک مطلب کشاند که در یک لوحه نوشته بود که فلان دوهم بریدمن کشمیری در جمو و کشمیر 5 افغان مجاهد را کشته است، اعتراض گرفتم که ما همه، دولت ما و بویژه بسم الله خان وزیر دفاع یک مجاهد قوی است، اگر باری از این اتاق دیدن کند وبا مشاهده این جمله برآشفته خواهد گشت ، لطفا این جمله را اصلاح کنید، از ساحه تربیت اسپ ها و بخش تریننگ، طیارات مختلف تماشا گردید.



سفر به اکادمی از هر لحاظ دلچسپ واقع گشت ما 24 نفر در 2 بس کوچک توسط افسران اکادمی بدرقه می شدیم، در بخش بحری کنار ساحل آمدم افسر موظف روی خریطه ترسیم شده بر دیوار از موقعیت و انواع جهش آب ها توضیحات داد. خطالسیر کشتی را در عمق های زیاد آب که توسط افسران بخش هوایی صورت می گیرد، اب وهوا معتدل و آنطرف بحیره تعمیر های مقبول و کوهها سرسبز بوده که محل اکادمی بر گزیده شده است، اینجا نیز ترسیم حرکات کشتی را در بحر مانند قوای بحری کوچین به نمایش گذاشتند. از افغانها بسیار پرسیدم برایم نیاوردند اما در لحظات آخر تورن محمد قاسیم از ملیت هزاره که از جمله دستیاران دگر جنرال مراد علی مراد بوده است به حیث افسر ارتباطی برای 17 تن مداومین افغانی به مدت یکسال جهت شنایی نامبرده گان تو ظیف گردیده است اونیز چند سال قبل این اکادمی را تمام کرده وبا خانم اش زنده گی دارد راضی به نظر می رسید و به زبان انگلیسی مسلط بود، قرار اظهار یک دگروال تعداد افسران اکادمی به بیش از 400 می رسند، زبان انگلیسی در اینجا توسط لپ تاپ به مقصد تقویه زبان انگلیسی به مداومین ایکه انگلیسی شان ضعیف است تدریس می گردد، نا گفته نباید گذاشت که در 30٪ محلات هند شنایی حاصل کردم سال 2011 ایالت کرنا تاتا کا شهر های بنگلور، میسور و مندیا، و در جریان تحصیل و تطبیقات ایالت ارینا، اقامت یکساله در دهلی، ایالت سیکیم، تمیل نادو، بنگال شرقی، اترا پردیش (اگره)، کریلا (کوچین)، اندرا پردیش (حیدر آباد)، مهاراج ترا (پونه) که ممبی در نزدیک اش قرار دارد، مدیا پردیش (ایندور و ماوه) هند دارای 28 ایالت و 7 شهر بزرگ می باشد.

ایندور وماوه

سفر از ایندور به پونه در طیاره 2 ساعت را در برگرفت، در این سفر هوایی صبحانه موجود نبود، ندانسته تمام پول هارا خرج کرده بودم ولی آرام ام هر که هر چه می خواست در کنارم جنرال سونیل شرما نیپالی قرار داشت او برای من یک قطی کوک کمی کلچه به ارزش 120 روپیه خرابات نمود ولی در کالج از معاش خودم وضع گردیده، ما در هتل زیبا ومجهز 5 ستار ایندور موقعیت اخذ کردیم وپس از غذا چاشت تماشای شهر توسط بس کلان عسکری ساز ماندهی گشت از جمله 24 تن فقط 12 تن اشتراک کردند و افراد عاقل مان درهوتل ماندند ما هر چه وهر پلان که است به حساب عسکری رفتیم در زیر باران ماندیم وبهر صورت به عمق شهر طولانی و پر از



از دحام، سرسبز و زیبای ایندور به دیدار موزیم، ارشیف ملی و یک محل تاریخی دیگر بنام گالری راجت چندر رفتیم که سه قرن قبل بوسیله خانواده مشهور هولکر که از پونه برای حاکمیت اینجا آمده بودند دیدن کرده و بعد از کوچه های تنگ و تاریک و خیلی مزدحم و چندین بازار مشابه جاده نادر پشتون، و مندوی کابل به دیدن یک معبد که بنام معبد تاج و شیشه ای شهرت دارد و در دو طبقه از دو قرن به اینسو عرض وجود کرده است که از 1930 عملاً فعالیت دارد و کاملاً از شیشه ساخته شده است و با استفاده از تمام مهارت های هنری به زحمات زیاد و ظرافت کامل مسلکی مربوط مذهب جیونیزم با تاریخ کهن اش. در موزیم هولکر که سلطان زمان راجندر مهاراجا بوده است در ظروف بزرگ چینی به زبان فارسی به تعریف شاه با ذکر سنه و تاریخ ان اشعار تحریر گردیده است، رفقای سفر فوتوهای از کوچه و بازار این شهر برداشتند، گفتنی اند پس از ممبی این دومین شهر بزرگ مدیا پردیش می باشد.

تاریخ 6 جولای به سوی مکتب پیاده روان هستیم در جناح چپ مان باگذشتن از تپه های اوکیلیس که خیلی سرسبز و شاداب و مملو از درختان گوناگون 8 صبح حرکت از هتل و ساعت 9 بجبهه به محل ماوه به مکتب پیاده رسیدیم و صحبت قوماندان مکتب را که افسر عالی جناب و خوش بر خورد بود استماع کردیم که محل نشست مان در سالون سم هال بود در حقیقت مکتب نه، بلکه یک قول اردو و یک دانشگاه است قوماندان که جنرال سه ستار است با هر کدام ما مصافحه داشت اساس مکتب در 1886 طرح ریزی شده و در 1919 برابر با ازادی افغانستان بنام مکتب پیاده مسمی گردیده و در 1935 به فعالیت



عملی آغاز کرده است در گذشته مسلک پیاده در وجود کالج جنگ تا 1971 فعالیت می کرده و در 1980 این مکتب از سکندر آباد به ماوه آمده است، تریننگ در کورس هامختلف از قوماندان بلوک آغاز می شود و تا سطح قوماندان کندک. کورس ده ماهه شان 480 مداوم دارد و از سه هفته به این طرف آغاز شده و در کل 3020 مداومین دارند از کشور های منگولیا، سریلانکا، مالدیف نیز تطبیقات نظامی دارند، جمنازیم، مکتب اطفال کلینیک و غیره وجود دارد، تا سطح قوماندانان تولى و بطریه های توپچی در این مکتب تعلیمات ابتدایی مسلک پیاده را بشمول مسایل تکتیکی، اشنایی و حاکمیت بر سلاح پیاده و توپچی را فرا می گیرند. این مکتب کورس مربوط اداره ولیدر شیپ را نیز تعقیب می دارد. افسران جوان ایکه 6 ماه و یکسال از

خدمت شان گذشته است پذیرفته میشوند، حمله، تعرض، مدافعه و استعمال اسلحه در اراضی مختلف. در سطح کندک کالج قرار گاه و کالج جنگ ترنینگ را اجرا می دارد، انداخت کلاشنکوف و انداخت های تفنگچه را عملا توسط مداومین نشان دادند که برخی گروهها خوب بود و برخی اعلی و در این مکتب استادان از جاپان و پیرو نیز اجرای وظیفه می کردند.

در اینجا بلاک را بنام سارا بایی یاد میکردند بعدا به کالج نظامی ارتباطات انجینیری بنام MCTE که در ماوه پونه و اگره نیز فاکولته های خود را دارد و

نام مکمل انگلیسی اش Military College of Telecommunication Engineering میباشد در این کالج به تعداد 900 تن اناث و ذکور به رتبه های مختلف مصروف تدریس اند. این کالج دو فاکولته بنام های ارتباطات انجینیری و معلومات تکنالوژی داشته که در پهلوی آن ها موسیقی و سپورت نیز رایج است و تطبیقات های پراشوتی، هوایی، زمینی و تویجی نیز صورت میگیرد. قوماندان کالج راجع به معلومات جهانی ساختمان ها، معلومات امنیتی سایبر ها و رول آن ها در آینده معلومات داد.

Cyber Offensive Policy Formulation Role and Organization in the Future

در این کالج از کشور های دوست هند سالانه 45 تن تحصیل میکنند بر علاوه 4 فاکولته فوق الذکر مرکز تربیوی سربازان نیز وجود دارد که در مسلک های مختلف زمینی، بحری و هوایی آموزش میبندند.

پایان کلام از اندور و ماوه

هوتل ها، میدان های هوایی، سرک ها و ساختمان های نهایت مدرن و مطابق ستندرد های بین المللی، قطعات بحری، زمینی و هوایی موسسات تعلیمی عالی کشور هند را که تماشا کردم با کشور ما به هیچ وجه قابل مقایسه نیست اما مردمش چون نفوس زیاد دارد چندان زنده گی خوب اقتصادی ندارند، اما در شرایط صلح و ثبات زنده گی دارند (یک لقمه نان راحت جان).

ما را در بخش های مختلف کالج نظامی سیستم کمپیوتر و ارتباطات انجینیری که دارای 5 فاکولته است بردند، ما فقط دو فاکولته آنرا مشاهده کردیم ارتباطات انجینیری که توسط کمپیوتر اداره میگردد صحنه را ترسیم، نقاط بارز اراضی، تثبیت محلات قابل عملیات را نشان دادند و گفتند که از این تجربه اردوی 10 امریکائی در قتل اسامه بن لادن استفاده آسان کرده است.



در فاکولته سیستم کمپیوتری دگروال رنجیت کمار از رهبری فاکولته راجع به سیستم های مختلف تکنالوژی کمپیوتری، مدت تحصیل، شرایط پذیرش مداومین، موجودیت کورس های قصیرالمدت و طویل المدت و نگارش پروژه ها در عناوین مختلف که یک مضمون اساسی شمرده میشود و مدت سه ماه را دربر میگیرد، صحبت نمود.

ماوه محلی بوده که در زمان حاکمیت بریتانیا به خاطر حمل و نقل نظامیان آن کشور و اکمالات لوجیستیکی و بنابر اینکه یک ساعت از مرکز شهر فاصله داشته و در گوشه و بیشه است استفاده کرده اند.



در این جا سه قطعه تعلیمی بنام مکتب پیاده، کالج نظامی سیستم های کمپیوتری و ارتباطات انجینیری و کالج جنگ در همسایه گی قرار دارد ما در حالیکه وقت هم داشتیم آن کالج را نشان نداند زیرا سال گذشته کدام

مسئله بین هند و سریلانکا صورت گرفته در حالیکه در کورس ما دو جنرال از سریلانکا نیز اشتراک دارد.

در اینجا غذای چاشت را در موزیم عالی اش صرف کردیم، در مدخل موزیم لوحه نوشته شده که پاکستان شرقی 1971 روابط حکومت هند، در هر زمان با دول خارجی دوستانه بوده اکنون در تمام دنیا بدون از پاکستان و چین روابط گرم دارد، برخی سیاست مداران هند در سردیت با چین خاموش اند و علاقه مند دوستی مجدد با انتخاب نواز شریف در دور سوم به حیث صدراعظم پاکستان در سال 2013 ابراز خوشی میدارند. در صورتیکه مناسبات عجیب و غریب هم باشد سفارت های شان در دهلی فعال اند و در سفر خارجی هم صنفان به تعداد بیست نفر در ماه می به تایلند و چین سفر کردند و از آنجا خاطرات خوب با خود آوردند (زور کا کا انگور در تاک ها) روز ششم جولای آخرین روز سفر ما از اندور به دهلی و بازدید از مکتب پیاده و کالج نظامی است که بنابر حساس بدون روز، آخرین روز و پیاده بودم من را به حیث رهبر 25 نفر تعیین کردند، از ساعت 8 تا یک بجه شب مسولیت گروپ را عهده دار بودم، چون در طیاره کوچک از اندور به دهلی آمدیم پیشنهاد غذای آماده را کردم جدول و شماره سیت هر یک را یاد داشت و به تورجنرال ویین رهبر عمومی سپردم نامبرده منظور کرد و غذای بدون تلخی را به گروپ مان در پاکت ها تقدیم کردند که از این ابتکارم همه افسران خارجی را خوشآیند بود و به استعداد و ابتکار افغان ها احترام قایل شدند زیرا که خالد الشرازی دگروال عربستان سعودی از پونه تا اندور چنین ابتکار را انجام داده نتوانست، و افسران از جیب خود غذا خوردند و نگارنده رایگان و از طریق کالج سازمان دهی کردم.

در سه موسسه تعليمی نظامی فوق الذکر در راس شان جنرالان سه ستاره قرار دارند در هندوستان بریگدیر جنرال یک ستاره، بریدجنرال دو ستاره و تورنجنرال و یا وایس ادمیرال سه ستاره میباشد.

به گفته یک دگروال نظامی در تمام هند یک جنرال چهار ستاره وجود دارد که آقای ویکرام سنگ لوی درستیز اردوی هند میباشد اما در اردو و پولیس افغانستان کوچک و سی میلیونی و اردوی دو لک نفری و پولیس 1.5 لک نفری تعداد بیشمار جنرالان سه ستاره و چهار ستاره وجود دارد.

قوماندان کالج جنگ دگرجنرال، قوماندان مکتب پیاده دگرجنرال نانگر که دور 48 ان دی سی NDC را آموزش دیده و با جنرال افغانی عبدالواسع میلاد هم کورس بوده گرچه با میلاد شناخت ندارم اما از نامبردنش خوشحال گشتم.



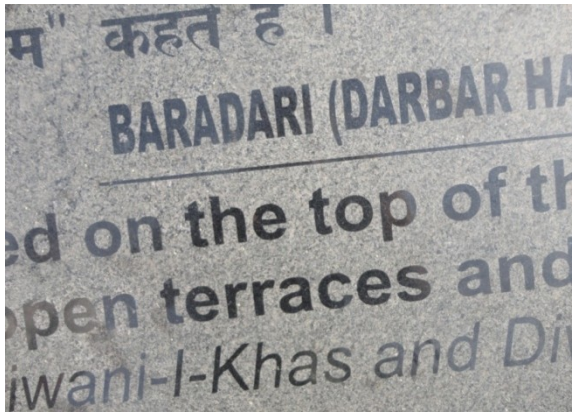
قوماندان کالج نظامی سیستم های کامپیوتر و ارتباطات انجینیری دوره 46 ان دی سی NDC را ختم کرده است.

پروگرام ساعت 2 بجه بعد از ظهر اختتام یافت و ساعت 4 بجه به هتل رسیدیم و پس از کنترل و چک پرداخت و یک فوتو دسته جمعی در مقابل هتل رخت سفر بسوی میدان هوایی اندور بستیم قرار بود ساعت 9 بجه شام به پرواز آغاز نماییم اما دو ساعت بعد حرکت کرده به ساعت 12 بجه در میدان هوایی دهلی رسیدیم و بعدا مع الخیر به رکشا باون.

قلعه گلکنده

تاریخچه

این قلعه در سال 1143 م بالای تپه اعمار گردیده که تپه مذکور قلمرو شاه ککاتیا ورنگال بوده است دوران پادشاهی راجا پرتاپ رودرا دیو، یک چوپان



پیشنهاد را برایش داد برای اعمار یک قلعه بالای این تپه که راجا از این نظریه پذیرائی نموده و اعمار سنگر بندی را که بنام کوچه بود انجام داد و گلکنده که گله به

معنی چوپان و کنده به معنی تپه است وقت ها گذشت و همین جا بنام گلکنده مشهور گردید و پایتخت راجاس ورنگال بود. راجا کرشنا دیو

ورنگال قلعه را به محمد شاه که سلسله شاهان بهامانی بود در سال 1363 میلادی برایش تسلیم نمود و بر اساس یک پیمان محمد شاه قلعه را به محمد نگر نام گذاشت. این نام را میتوان حتی امروز در سوابق دولتی یافت. پایتخت پادشاهی بهامانی در گلبرگا و بیدار موجود بوده جای که ما میتوانیم از مقبره های شان دیدن کنیم، این به معنی این است که رژیم شاهان بهامانی در گلکنده از سال 1363 الی 1518 بعد از میلاد بوده است. قلعه گلکنده اساسا از کوتچه که محکم بوده اعمار شده است. پنج والی نشین بهامانی به قدرت رسیده و در نتیجه بی ثباتی پادشاهی این پنج والیان به طور مستقلانه یک پی دیگر حکمرانی کردند ذیلا:

1. خاسم بورید در بیدار از سلسله شاهی بورید از سال 1492 تا 1609
 2. فتح الله - امادل المک در بیرار از سلسله شاهی اماد از سال 1490 تا 1527
 3. احمد نظام الملک در احمد نگر از سلسله شاهی نظام از سال 1490 تا 1663
 4. یوسف عدیل شاه در بیجاپور از سلسله شاهی عدیل از سال 1490 تا 1686
 5. سلطان قولی در گلکنده از سلسله شاهی قطب از سال 1518 تا 1687
- هفت شاهان سلسله شاهی قطب در گلکنده از سال های 1518 بعد از میلاد تا 1678 حکروانی کردند که از جمله سه شاه اول این سلسله شاهی قطب گلکنده را در ظرف 62 سال از سال 1518 الی 1589 اعمار کردند آنها محلات دیگر ساختمان ها را هم ساختند، سال 1587 میلادی بود که شاه قلعه محمد قولی قطب شاه شهر باگ نگر را به نام معشوقه خود گذاشت. این شهر است که امروز آن را بنام حیدرآباد یاد میکنند. حیدرآباد مرکز این

شاهان بود الی سال 1687 تا وقت که هفت حکمرانان این شاهی در حاکمیت قرار داشتند. ساختمان های قطب شاه بعد از قطب شاه بار اول مورد هجوم توسط اورنگزیب بالای حیدرآباد و قلعه گلکنده در سال 1656 زمان که سلطان عبدالله قطب شاه بود. سلطان عبدالله شکست خورد اما پیمان جدید بست. بر مبنای شرایط عهد نامه دختر سلطان عبدالله به ازدواج محمد سلطان پسر اورنگزیب درآمد. اورنگزیب بالای گلکنده برای بار دوم در سال 1687 حمله کرد زمان که ابوالحسن شاه پادشاه هفتم بود. این تهاجم مدت 8 ماه را دربر گرفت در اینجاست که عبدالله خان که قوماندان قوای قطب شاه بود برایش دروازه شرقی قلعه سپرده شده بود و او در را برای دشمنان در وقت شب باز کرده و به دشمنان کمک کرد تا به قلعه داخل شوند. ابوالحسن تنا را دستگیر و به زندان در چینیای محل قلعه دولت آباد انداختن، که او در آنجا برای 14 سال باقی ماند و درگذشت همین بود که سلسله شاهی قطب خاتمه یافت و ظهور سلطنت مغل به میان آمد مقبره های شاهان سلسله قطبی یکی از چیزهای علاقمندی باستان شناسی بوده و آن ها در حوالی غرب و شمال گلکنده موقعیت دارند.

بعد از ختم دوره قطب شاهی چندین والی ها به حیدرآباد از طرف امپراتور مغلی منصوب گردیدند. اولین حکمروان بنام رستم دل خان بوده که او برای 23 سال حکمرانی کرده و بعد از مرگ اورنگزیب شهزاده کام بخش او را زندانی کرده و بالاخره به قتل رساند. او به تنهایی خود بالای دکن حکمرانی میکرد. در عین وقت بهادر شاه علم بالای دکن هجوم آورد و در میان مبارزه شهزاده کام بخش به قتل میرسد و دلاور خان به حیث والی حیدرآباد منصوب میگردد بعد از گذشت چند روزی عبدالمنصور خان بجایش

منصوب میشود. در زمان این رژیم امپراتوری فروخ سایر نظام الملک آصف جا به حیث حکمروا در سال 1725 دایمی در سال 1737 منصوب میشود، در زمان محمد شاه مدیریت مغل به بدترین وضعیت خود رسیده و نظام الملک آصف جا به حیث یک پادشاه مستقل مانده که توسط هفت شاه کامیاب گردید. نواب میر عثمان علی خان که شاه آخر بود حکمروان حیدرآباد الی 1947 م بوده است به همین ترتیب سلسله قطب شاهی به پایان رسیده تا اینکه به اقدام پولیس دولت اندرا تشکیل گردید.



تاریخچه الماس کوه نور قلعه گلکنده

الماس کوه نور در زمان سلطان عبدالله قطب شاه در مکان بنام کالار نزدیک دریا کرشنا پیدا شده است، محمد سعید میر جمله که به امپراتوری مغل بست در سال 1656 میلادی به شاه جهان امپراتور الماس کوه نور را و دیگر الماس ها را به شکل تحفه برایش هدیه کرد که در گنجینه مغل موجود داشت، در زمان محمد شاه 1739 وقت کشتار در دهلی توسط نادر شاه به ایران (فارس زمین) انتقال یافت. الماس کوه نور به ملکیت شاه شجاع آمده و از آنجا به پنجاب سفر کرد در سال 1649 م به مهاراجا رنجیت سنگ در سال 1852 دلیپ سنگ پسر رنجیت سنگ الماس را به ملکه ویکتوریا داده که تا حال بهترین الماس دنیا است در میان تاج شاهان انگلیس، گفته شده است که این الماس 360 گاری میباشد. گلکنده برای بازار الماس بسیار معروف بود.

طرح قلعه گلکنده

برج و دیوار گلکنده بسیار مستحکم و از سنگ ساخته شده که تقریباً 5 مایل محیط دایروی دارد. این قلعه دارای 9 دروازه، 52 کلکین و 48 تونل میباشد. یک پکه رنج حلقوی در داخل اعمار گردیده و در جنوب شرق آن یک سنگر دیگری ساخته شده است.

دروازه های قلعه گلکنده

9 دروازه وجود دارد

1. فتح دروازه

2. ماتی دروازه

3. دروازه قلعه جدید

4. جمالی دروازه

5. بنجاری دروازه دبل

6. پتن چیرو دروازه

7. مکی دروازه دبل

8. بودلی دروازه

9. بهامانی دروازه

از این جمله دروازه های 1، 2، 3، 4، 5 و 7 بروی ترافیک باز بوده در وقت ازدحام.

فتح دروازه

این دو دروازه ئی در شرق قلعه موقعیت داشته در زمان 1678 عبدالله خان پانی این در را به روی اورنگزیب باز کرده تا لشکر اورنگزیب توانست به قلعه داخل شود.

برج های قلعه

جمله 87 برج بوده در موقعیت 5 مایل از برج که در آن 48 برج های کوچک وجود دارد که مشهورترین آن 1. پتلا برج 2. موسی برج 3. مجنون برج میباشند.

پتلا برج: این برج در شمال غرب قلعه موقعیت داشته و محل بزرگداشت از پیروزی های حاصله میباشد.

موسی برج

در جنوب قلعه موقعیت داشته در سال 1666 م تحت نظارت قوماندان موسی خان اعمار گردیده است. بعد از کشته شدن مت میران در این برج گردان توسط ارباب بنام درمچاری موسی خان به حیث جنرال تعیین گردید. این جاه از دیدگاه هنری باید تماشا گردیده، فوتو گرفته شود. هر دو فارس ها و تلگو ها از عبدالله قطب شاه میدانند.

مجنون برج

این برج با برآمده گی در سطح هموار موقعیت داشته و در آنجا توپ عالمگیر مجنون موجود است.

توپ کویله کش

در قسمت غربی بالا حصار موقعیت دارد

شمشیر کوته

یک گدام خانه از اسلحه جات از دوران سابق.

خزانه داری سلطنتی

خزانه قطب شاهی در این جا نگهداری میگردید

ارابه هاتی

این جا ارابه های شاهی نگهداری میشد و در بعضی از مراسم دسته آنها راه انداخته وازفیل ها در مراسم گوناگون استفاده میشود.

خانه کتورا

این مخزن آب قلعه بوده ، 200 متر طول دارد و 5 متر عمق دارد. با آب پر شده و در آن شاهان کشتی رانی میکردند، اگر صدا زده شود در قسمت دروزه غربی آن صدا سه بار انعکاس مینماید.

انبار نفت

با یک سنگ حک شده که اندازه اش 30-15-10 بوده و ظرفیت 12000 بیلر نفت را دارا میباشد.

مسجد مصطفی خان

این مسجد توسط مصطفی خان وزیر ابراهیم قلی قطب شاه اعمار گردیده است.

درخت همتیان

یک درخت عجیب و غریب بوده در قلعه نو موجود بوده در قسمت شرقی مسجد ملا خیافی.

دان کوتاه یا انبار غله جات

نگهداری غله جات در این شده و در زمان جنگ این جا را پر کرده تا نیاز به واردات مواد غذایی نباشد.

جامع مسجد و حمام

در مقابل دروازه بالا حصار قسمت شرقی موقعیت داشته موسس آن سلطان قلی قطب شاه میباشد که در سال 1518 میلادی مطابق 924 هجری تاسیس شده و به زبان عربی در دروازه آن نوشته های موجود است.

مسجد ملا خیالی

در قلعه نو موقعیت داشته و توسط ملا خیالی که ملک الشعرا بود اعمار گردیده است.

باد شاهی اشور خان

این تعمیر مقابل بالا حصار موقعیت داشته به قسمت شرق و موسس آن قطب شاه میباشد.

قسمت دوم- بالا حصار

اعمار بالا حصار

بالا حصار در تپه موقعیت داشته و محیط آن 11، 2 مایل میباشد تعمیرات چندی موجود است مانند قصر قطب شاهی، دربار عام، دربار خاص، دیوان عام، دیوان خاص، ذخیره گاه اسلحه جات و مهمات، مسجد، معبد، زندان، حمام جولو خان، پارک، مخزن آب و غیره. دو گذرگاه به بالا حصار راه دارند یکی دربار عام بطرف راست و دیگری قصر شاهی بسمت چپ.

دیوار پرده

در مقابل دروازه بالا حصار بوده که در زمان جنگ حرکات دشمن از طریق همین دیوار مشاهده میگردد.

دروازه بالا حصار

در بام این دروزه یک قوه مستقر بوده در قسمت عقب برج گردان. در جنگ بودن دشمنان در منطقه دیوار پرده بالا حصار قابل مشاهده میبود.

پاشیدن یا روغن داغ و یا سوزاندن

در قسمت مرکزی قوس دیوار بالا حصار یک سوراخ میباشد که در هنگام جنگ از آن برای ریختن روغن داغ یا آب شده بالای دشمنان که با فیل هایشان که با سرعت به طرف دروازه میرفتند، استفاده میشد.

نقطه بلند برج

اگر با دروازه بالا حصار نزدیکی صورت گیرد با دست ایستاده شده در مقابل قدم ها در زیر قوس بینی یک صداشنیده میشود که از قسمت بالاترین بالا حصار شروع میگردد.

حمام قطب شاهی

یک گذرگاه دخولی به طرف راست به بالا حصار وجود دارد که در آنجا یک حوض آب به طرف راست باغ نگینه بوده که در آنجا مخزن آب گرم و سرد میباشد. اینجا به مقاصد حمام فامیل شاهی بوده و بعد به خاک سپردن به مقبره های قطب شاه بطرف دروازه شمالی برده میشدند.

باغ نگینه

این باغ است که در آن جنگ که آورنگزیب در سال 1687 بوقوع آمد عبدالرزاق و اسپ او بسیار آسیب سخت دیده و بی هوش گردیده، در جنوب

این باغ دروازه موجود است در زمان گذشته گادی ها برای شهزاده ها و شاهدخت ها خدمت میکردند.

خط نگهبان

از دروازه این باغ یک راه تنگ موجود بوده در قسمت چپ آن تعمیر موجود بوده که زمان بنام سرباز خانه یاد میشود.

دفتر وزیر اکاندا و مدانا

به ادامه سربازخانه یک تعمیر دو منزله است که دختر وزیر اکاندا و مدانا بوده. آنها وزیر آخر عبدالحسن تنا شاه که هفتمین و آخرین شاه سلطنت قطبین بوده است.

بادی باولی و یا چاه بزرگ

یک چاه بزرگ بنام بادی باولی با آبشار دایمی موجود بوده در کنار این چاه یک ذخیره آب با زینت بخاطر آبشار موجود بوده و همچنان تعمیر در نزدیکی آن با برنده ها که در آن زمان شاهان در موسوم تابستان از آنجا استفاده نموده و از طبیعت لذت میبردند.

ذخیره گاه باران

دو ذخیره گاه در قسمت راست پارک موجود بوده که به آبیاری استفاده میشد و در زمان جنگ بسته بوده است.

زینه های بالا حصار

از دروازه اول بالا حصار تا یا دربار عام 360 زینه است. این یک راه عمومی به طرف دربار میباشد.

زندان رمداس

کاچرلا گوپنا بنام باگات رمداس یاد میشود. او تحصیل دار بدراجلام در زمان حکمرانی عبدالحسن تنا شاه در سال 1674 میلادی بود. او برادرزاده وزیر مدانا بود. او موسس مندر رام در بدراجلام بوده و در زندان یکی از بت های موجود است که خودش بدست خود ساخته است و در آنجا پرستش میکرد. و بسیاری از کسانی که به معبد میروند همچنان از این زندان دیدار میکنند.

ذخیره گاه اسلحه جات و مهمات

در هر دو سمت زینه ذخیره گاه ها مواد احتراق پذیر وجود دارد که یکی آن بنام امبر خانه یاد میشود. در مقابل آن بالای یک سنگ سیاه وجود دارد که از زمان سلطان عبدالله قطب شاه و غیرت خان والی 1052 هجری مصادف به 1642 م بوده میباشد.

مسجد ابراهیم قلی قطب شاه

این مسجد دوران ابراهیم قلی قطب شاه اعمار شده که در عقب آن به سمت غرب خط نگهبان در چند قدم این مسجد است، در سمت شرق یک قوس است که از آن قلعه گلکنده و تعمیر های مجلل حیدرآباد دیده میشود.

معبد علامه دیوی

این معبد در زمان وزارت داری اکاندا و مدانا و شاه داری عبدالحسن تنا شاه اعمار گردیده است. این معبد دورگا دیوی ماهاکالی میباشد که در آن هر ماه مراسم بوقوع میگردد که متعقدان از شهرهای دو گانه حیدرآباد و سکندرآباد میآیند.

برادری یا اجتماع عامه

یک تعمیر سه طبقه ئی بوده که در زمان سلطنت قطب شاه آن را بخاطر ایجاد اجتماع عامه استفاده میکردند. گذرگاه در زیر زمین این منزل موجود بوده که به گوشه محل میرسد. در بالاترین طبقه آن جاه گاه های شاهانه وجود داشته 400 فت ارتفاع و 2000 فت از سطح بحر فاصله دارد. از این تا طرف شرق خرابه های تعمیرات قطب شاهی، لنگرها، شهر حیدرآباد و تمام تعمیرات بزرگ چون چارمنار، مکه مسجد، محکمه عالی، شفاخانه عثمانیه دیده میشود. به سمت شمال شرق میر علم تانک، قصر فلکنما دیده شده و بسمت جنوب دروازه مکه ئی و حمایت ساگر، به سمت جنوب غرب قصر های تراماتی و پرمامتی موقعیت داشته و تانک عثمان ساگر در غرب است. حسین ساگر تانک، سکندرآباد و پوهنتون عثمانیه و غیره به سمت شمال شرق موقعیت دارد. به غرب مقبره های قطب شاهی و برج پلا موقعیت داشته، به شمال شهرک قلعه گلکنده و قوای هوایی حکیمیت بیگمیت موجود است. در دامنه بالاحصار به سمت شرق یک راه بطرف قصر قطب شاهی رفته که در آن 5 مخزن، برای تامین آب به اندازه 300 فت میباشد. بالاترین مخزن توسط چرخه پر گردیده و از آنجا به تمام مناطق آب رسانیده میشود.

سلاح خانه

تعمیر سه منزله بوده به سمت چپ دروازه ورودی بالاحصار موقعیت دارد که در آن اسلحه جات کوچک مانند توپ ها تفنگ ها و غیره نگهداری میشود که تا حال میتوان آنها را دید. در سمت شمال این تعمیر یک چاه اعمار گردیده است در سال 1687 م زمان که عالمگیر گلکنده را اشغال میدارد.

لنگر خانه و یا آشپزخانه

یک آشپزخانه شاهی بوده در زمان قطب شاهی و تا به حال وضعیت خوب دارد.

داد محل

برنده این محل به طرف شرق از جاده هم دیده میشود. در پیشروی این برنده فضا خالی بزرگ بوده که در آن نجیبان جمع شده و شاه به شکایات آن ها گوش میداد.

اشتر خانه

یک جاه خاص بوده که در آن اشتر های شاهان نگهبانی شده و به سقف آن مخزن موجود بوده که تا هنوز آن را میتوان دید.

دوره اعمار قلعه و تعمیرات تاریخی حیدرآباد

هفت شاهان دوره حکمرانی قطب شاهی 170 سال از 1518 الی 1687 حکومت کردند. سه شاه اول قلعه گلکنده را با قصر و برج اعمار کردند در مدت 63 سال شاه چهارم محمد قلی موسس شهر حیدرآباد اوباگیا نگر را بخاطر خانم هندو اش باگماتی نام گذاشت و زمان همین شاه بوده که تعمیرات بزرگ و پر جلال مانند چهار منار، چهار کمان، خانه گلزار، آشور خانه بادشاهی، دارالشفاء، جامع مسجد و چندین جاه های دیگری و حمام هم اعمار گردیده است.

آرام گاه های گلکنده

سلطان قلی قطب شاه

از 1518 الی 1543، سلطان قلی موسس سلطنت قطب شاهی بوده و اولین پادشاه این دوره میباشد. در ایران تولد یافته در سال 1452 و به بیدار با کاکا خود آمده که در آن زمان محمد شاه بهمانی سلطنت را به عهده داشت و این ها به تجارت اسپ آمده بودند. بعداً به حیث والی تلنگانه در سال 1485 مقرر میشود و از دوران بهمانی لقب قطب الملک را دارا میشود یک سلطنت آزاد را بعد از مرگ آن ایجاد کرده مناطق چون راجکنده، دیورکنده، پنگال گانپور، کووال کنده و نلگنده را زیر اثر خود می آورد از مناطق راجمندری، خامامت، ایلور، کندویری، کاهیر، کنده پالی، و مچیتنام ستایش بدست می آورد. 70 قلعه را زیر ملکیت خود می آورد و گلکنده را به حیث مرکز تعیین میکند. برج ها و تانک ها را ساخته و اولین شاه بوده که اسلام را پخش میکند، پسر سوم آن جمشید که میخواست سلطنت را دارا باشد پدر 90 ساله خود را توسط محمود همدانی در زمان ساختار جامع مسجد قلعه گلکنده در سال 1543 به قتل رسانده و در آرام گاه گلکنده به خاک می سپارد.

آرام گاه های قطب شاهی حالا زیر نظر شعبه باستان شناسی ایالت بوده روزانه هزاران سیاحان به دیدار این ها می آیند که بسیار زیبا میباشد.

موزیم سالار جنگ

مقدمه:

پارلمان هندوستان این موزیم را به حیث یک انستیتوت عام المنفعه شناسائی کرده، موزیم سالار جنگ مخزن از کار های بزرگ هنری مختلف اروپائی،

آسیائی و کشور های شرق دور جهان میباشد. قسمت بزرگ از این کلکسیون توسط میر یوسف علی خان مشهور به سالار جنگ 3 ساخته شده اما چند قلم آنرا از پدر خود نواب میر لایق علی خان سالار جنگ 2 و از پدر کلانش نواب میر طراب علی خان مشهور به سالار جنگ 1 به ارث برده است.

تاریخ اجدادی سالار جنگ هارا میتوان از قرن 16 ترسیم کرد اما در میان قرن 19 این فامیل به خود امتیازاخذ که پنج عضو آن به حیث وزیر اعلی نظام حیدرآباد مقرر گردیده بودند کسب کرده اند .

میر طراب علی خان بهادر پدر کلان میر یوسف علی خان لقب سالار جنگ بهادر را در سیزده سالگی از آن خود نموده و نظام نصیرالدوله او را به حیث صدراعظم در 24 سالگی اش مقرر کرد. اداره خوب یکی از اصلاحات اساسی و مشهور آن بوده است *Veiled Rebecca* یکی از مجسمه دلربا ساخته از سنگ مرمر که ملکیت صدراعظم بوده، از روم توسط او در سال 1876 خریداری گردیده است. سال وفات او را 1882 رقم میزنند.

پسر بزرگ او میر لایق علی خان به حیث سکرتر جنرال و بعداً منحیث قونسل ایالت ایفا وظیفه نموده است. زمان که نظام به دست میر محبوب علی خان افتاد او را به حیث صدراعظم در سال 1884 تعیین کرده اما بعد از خلافت از این پست در سال 1887 برطرف گردید. او به عمر 26 سالگی در پونه وفات نموده و یک طفل 24 روزه که عبدالقاسم میر یوسف علی خان نام داشت از خود باقی گذاشت. زمان که میر یوسف علی خان 10 ساله بود نظام لقب سالار جنگ بهادر را به او اعطا نموده و تمام منصب و لقب های او را اعاده نمود.

زمان که میر عثمان علی خان حاکم گردید او میر یوسف علی خان را به حیث صدراعظم خود تعیین نموده که باز هم تاریخ تکرار شد و بخاطر

اختلاف نظر سالار جنگ 3 پست صدراعظم را ترک نموده در نومبر 1914 تمام عمر خود را وقف غنی کردن هنر و ادبیات خود نمود. خبر این عشق پر احساس او به هنر به تمام جاها پخش گردید، او اجنت ها در خارج داشته که برایش کتلاک و لست اشخاص معامله کننده اشیا قیمتی و انتیک را ارسال مینمودند. او تنها خریداری خود را به همین منابع محدود نه نموده بلکه شخصاً از اروپا و کشور های شرق میانه دیدار و خریداری مینمود.

او تنها جمع آور هنر و اشیا انتیک نبوده بلکه همیشه شاعران، نویسندگان و هنرمندان را تحسین، ادبیات و کارهای فرهنگی را تشویق میکرد. او مسوول انتشار و چاپ تعداد زیاد از کتاب ها در فامیل خود میباشد.

شوق خود را در عرصه هنر تا آخر عمر خود امتداد داده با غنی ساختن کلکسیون هنری خود. همین عشق 40 ساله در دروازه های موزیم سالار جنگ جابجا گردیده. در حقیقت آخرین شی خریداری او یک ست از چوکی عاجی یا هم دندان فیلی بوده که گفته میشود مربوط تیپو سلطان مایسور بوده که او هم بعد از مرگش آنجا میرسد.

در عدم حضور شهزاده گان این فامیل، حکومت هند یک کمیته را بخاطر اداره ایالت سالار جنگ تعیین نموده که بعداً مفکوره ایجاد موزیم گرفته از نامش سالار جنگ در دسمبر سال 1951 در دیوان دیودی منزل سالار جنگ 3 به میان می آید. پندت جواهر لعل نهرو، صدراعظم اسبق هند این موزیم را آزاد بروی مردم گذاشت.

اداره موزیم زیر کمیته ایالت سالار جنگ الی 1958 ادامه تا اینکه که وارثان سالار جنگ با دلپذیری سازش نموده و با یک قبالة با توافق حاضر به این گردیدند که تمام مجموعه های این موزیم را به حکومت هند بسپارند. بعد از

این اداره موزیم زیر چتر وزارت روابط فرهنگی و تحقیق علمی حکومت تا سال 1961 آمد.

در سال 1961 بر اساس یک ماده توسط پارلمان تصویب گردیده بود، این موزیم با یک کتابخانه به حیث یک انستیتوت عام المنفعه باقی ماند. اداره موزیم مستقل گردیده و والی اندرا پردیش به حیث رئیس این اداره تعیین گردید. موزیم در سال 1968 در منزل فعلی که خاصاً برای موزیم و کتابخانه ها ساخته شده بود منتقل گردیده است.

کلکسیون

کلکسیون این موزیم را میتوان در بخش های هنر هندی، آرت یا هنر شرق میانه، هنر شرق دور، هنر اروپائی و بخش اطفال تقسیم کرد. در پهلو این همه یک گالری دیگر برای فامیل مجلل اختصاص داده شده که مسوول اصلی جمع آوری این همه میباشد.

گالری موسی

تصاویر، نقاشی ها و تمامی اشیای مربوطه این خانواده در این جا به نمایش قرار گرفته تا زنده گی و لحظات سالار جنگیان را تازه سازد. نقاشی از شیخ اویس قرنی نیا اسبق، میر علم، منیر الملک دوم، محمد علی خان، سالار جنگ اول، سالار جنگ دوم و تعداد خوبی از نقاشی های روغنی از سالار جنگ سوم نشان دهنده اشکال مختلف شخصیت او در این گالری موجود میباشد. همچنان اشیای شخصی، تحایف و یادگاری های سالار جنگ در این جا موجود بوده، که میتوان از بعضی نام برد: کاسه نقره ئی از طرف ادوارد البرت در سال 1876، گلدان چینی ساخته شده چینی سازی انگلستان در سال 1876،

ستایش نامه به زبان اردو برای سالار جنگ و نظام چهارم بخاطر حضور داشت آنها منحیث قیصر هند در ابلاغیه سلطنتی ملکه و کتوریا در دهلی در سال 1876.

اشیای مربوط سالار جنگ اشیاى مختلف میباشند، گیلای ساخت چکسلواکیا، ست از پیاله ها و این با جمله در آن نقش شده که میگوید "توکل به خدا"، کتاب ها، شهادت نامه های او و یک چوکی نقره ئی. در پهلوی نقاشی های حاکم حیدرآباد که تحت آن خانواده سالار جنگ به حیث صدراعظم حکمرانی میکردند، مانند سکندر بهادر، حاکم سوم 1768-1828، نواب نظیر الدوله، نظام چهارم 1793-1856، افضل الدوله حاکم پنجم 1827-1868، محبوب علی خان نظام ششم 1866-1911 و میر عثمان علی خان حاکم هفتم 1886-1967 همه این ها به نمایش قرار دارند.

کلکسیون هندی

اشیای هنر هندی متشکل اند از مجسمه های سنگی، تصاویر برنز، پارچه های نقاشی شده، حکاکی چوبی، نقاشی های مدرن، نقاشی با تذهیب، نسخه خطی، اسلحه و مهمات و غیره...

برنز (مسبار) های هندی و پارچه های چاپ شده

کلکسیون برونز موزیم یک مفکوره خوب از بیان های محرمانه و صمیمی با مذهب را از روز های قدیم میدهد. برنز ترکیب از پنج آهن بوده هنر قالب زدن برنز بسیار قدیمی بوده مانند تمدن وادی هندو، پروسه ساختن تصویر در برونز را بنام 'Lost Wax' یاد میکنند.

برونز های اسبق جنوب هند مربوطه امرواتی از دره کریشنا میباشد، استخراجات نشان داده است که آهن به قرون دوم میلادی دوره اکشواکو رقم میزند. برونز های دوره پلواس تصاویر خوب را ایجاد کرده است، اما این هنر در دوره چولا به اوج خود رسید. موزیم تعداد زیاد از برونز های دوره ویجی نگر را دارا میباشد. گروپ دلربایی دیگر کلامکاریس بوده که نقاشی های بر لباس ها، قسمت آن رسم گردیده و قسمت دیگر چاپ شده. اندرا پردیش ایالت مشهور در قسمت این هنر از دوره های مچلیپتام، کالاهستی و پلاکالو میباشد. رنگ های استفاده شده طبیعی بوده که از نباتات گرفته شده است.

مجسمه سازی هندی

باوجود که کلکسیون مجسمه های سنگی موزیم کم میباشد، ولی آنها از اهمیت خاص برخوردار بوده که مشخصات انواع سبک غالب شده در هند را به نمایش میکشد. تاریخ مجسمه سازی هند بعید میباشد. ساختار مکمل و با مشخصات اناتومی پرنده گان، حیوانات و اشکاک انسان ها نشان دهنده اختراعات و قوه ابتکار مجسمه سازی هندی بوده که به سومین هزار سال قبل از میلاد رقم زده میشود. شواهد اسبق سنگ تراشی از ستون های سنگی یک پارچه ئی دوره اشوکان میباشد. تراشی های مقبول حیوانات مانند شیر، گاو، اسپ و غیره نشان دهنده هنر بزرگ مجسمه سازی اشوکان میباشد.

هنر های کوچک جنوب هند

شامل اشایی ساخته چوب، کارهای عادی، کارفلزی و تراش عاجی میباشد. بخش عمده را ساختار چوبی تشکیل داده و یک بخش مهم را در تاریخ هنر هندوستان دارا میباشد.

منسوجات هندی

از صنعت پارچه بافی غنی برخوردار بوده که به دوره های تمدن سازی وادی ها رقم زده میشود. نمونه های این منسوجات در این گالری موجود بوده که نشان دهنده ارزش تمدن پارچه بافی این کشور میباشد که این ها ارتباط دارند به قرون سوم که عبارتند از پاگاری، سفا، چوگا، جامه، پاکته یا کمر بند، ساری، آدنی و شاول. این موزیم یک کلکسیون غنی از شاول های کشمیری قرون 18 و 19 را دارا میباشد که بخاطر همین شاول های کشمیری هند از طرف جهان قدردانی گردید.

اسلحه و مهمات

دارای مهمات و اسلحه جات گوناگون بوده که بعضاً از طلا ساخته شده. آهن هندی از آهن های خوب دنیا به حساب میرود. در این کلکسیون شمشیر، خنجر، تبر های جنگی، نیزه، سیخ، چماق، تیر و کمان و وسایل زره موجود است.

نقاشی ها و رسامی های معاصر.

مطالعه نقاشی های با تہذیب هند بسیار دلچسپ بوده که قبل از کشف کاغذ در قرون 14 رسامی ها بالای لباس، چوب و برگ درختان و یا هم بر دیوار ها صورت میگرفت.

نقاشی مدرن

در این گالاری به امتداد نقاشی های دیگر، نقاشی فعلی هند به نمایش گذاشته شده است، کلکسیون مدرن نقاشی از زمان نواب سالار جنگ سوم توسط خود او آغاز گردیده و نقاشی های موجوده دیگر توسط کمیته هنری بعد از سال 1962 صورت گرفته است.

حکاکی های Jade

جد یکی از سنگ های شبه قیمتی است که از مناطق آسیای مرکزی، برما، امریکا، زیلانند جدید، بعضی از کشور های اروپائی و غرب به دست آمده است. مقاومت این سنگ بعد از کوارتز و دیگر سنگ های قیمتی مانند زمرد سبز، یاقوت، الماس و غیره بوده به همین لحاظ پروسه شکل دادن به این سنگ بسیار آهسته میباشد. این صنعت در دوران مغلیان به اوج خود رسیده بود و در این موزیم کلکسیون جد های هندی و چینائی موجود اند.

هنر شرق میانه

شرق میانه نماینده گی میشود از اشایی هنری اش از فارس، سوریه، مصر پوشش کننده اشایی گوناگون مانند قالین، کاغذ، سیرمایک، شیشه، لوازم آهنی، فرنیچر و غیره که تمام آنها یک مفکوره خوب میدهد از موفقیت های هنرمندان صنعت گران این مناطق با رسوم خاص.

قالین

فارس به حیث عالیترین منطقه برای صنعت قالین بافی جهان بوده که در قرن 16 به اوج خود در زمان صفاویان بخصوص در دوره شاه عباس 1586-1628 رسیده بود. بعضی از کارهای عالی قالین های فارس که به جهان مشهور شد مربوط همین دوره بوده است که بعد از مرگ شاه عباس این هنر ارزش خود را از دست داده که بعد از هجوم افغان ها در 1721 به زوال خود رسید که تا قرن 19 بهبود نگردید که دلیل قسمی آن بخاطر برکناری شاه و همچنان آگاهی جهان غرب در این پیشه و صنعت. قالین های فارسی یک جای خاص را در کلکسیون هنری این موزیم داشته که از زیب و زینت خاص برخوردار بوده که در فرش زمین روی دیوارها و دروازه ها انداخته شده، کارگاه های بافنده گی مشهور فارس عبارتند از کاشان، بخارا، تبریز، قرمن، شیراز و غیره میباشند.

دست خطی های عربی و فارسی

دست خطی های فارسی و عربی یکی از پر ارزشترین مجموعه های این موزیم میباشند که کارهای عالی آنها توسط خطاطی و خوش نویسی نشان داده شده که قدیمترین آنها قرآن شریف بوده که بالای پارچه ها نوشته گردیده و به قرن 9 رقم زده میشود، در پهلو نسخه های دیگر هم است که این گالری را روشن و درخشان ساخته است.

هنرهای مصر و سوریه

با اینکه تمام اشیای هنر مصر موجود در اینجا کاپی های از اصلی آن بوده اما باز هم تماشاگران میتوانند یک مفکوره از صنعت هنر و عقیده های مذهبی مصر باستان داشته باشند. کارهای حکاکی، فرنیچر های جالب و همچنان نسخه بسیار جالب و دیدنی تخت توت انخ امون که جلب توجه و بوده اصلی آن در موزیم قاهره و مصر قرار داشته که از سال های 1340 قبل از میلاد می باشد. در عقب نمایش و مجسمه از خود شاه توت انخ امون بر سر چوکی نشسته و همچنان ملکه او انک سمون که در حال آرایش نمودن شاه کوچک است به نمایش آورده شده است.

اشیای هنرهای سوریه متشکل اند از فرنیچر های خوب با کار عالی از گوهر نشاندن و مروارید که بسیار یک روشنائی و درخشش خوب را ارائه نموده و کار گوهر بشکل یکنواخت اشکال مختلف هندسی را مانند مربع، مثلث، اشکال لوزی و غیره را نشان میدهد.

هنر شرق دور

موزیم سالار جنگ یک از موزیم های اندک در هندوستان است که کلکسیون هنر شرق دور را با داشتن اشیای سنو جاپانی داشته به رخ میکشاند. هنرپیشه های این منطقه روی هر ماده امکان پذیر استعداد خود را نشان داده اند، کلکسیون متشکل از ظروف چینی، برونز، مینا کاری، لاک و الکل زدن، قلا بدوزی، رسامی، کارهای چوب و طلا کوبی.

کلکسیون چینائی

این کلکسیون است از ظروف چینی که از قرون 12 تا 19 بدست آمده است، که این کلکسیون نشان دهنده جامع و وسیع از صادرات بوده و همچنان ما را قادر میسازد تا مقایسه کنیم با کلکسیون ظروف چینائی مشهور جهان.

آرت جاپانی

توته های قدیم موزیم مجمع از ظروف آبی و سفید آرتیا که به قرن 17 میرسد. کلکسیون ظروف چینی اماری یک از اشیای جالب این موزیم بوده که از یک کاسه که با گل ها بوته دار، پرنده ها با رنگ های آبی و سرخ نقاشی شده هم از قرن 17 نگهداری گردیده است.

مجسمه ها و مجسمه سازی شرق دور

این گالری نشان دهنده عکس های جالب و دیدنی از هنر مجسمه سازی کشور های نیپال و تبت میباشد، که این دو کشور به بالاترین و سقف دنیا و از کشور های تایلند و برما در جنوب شرق آسیا حساب میگردند در پهلوی کار های چین و جاپان در شرق دور. مجسمه سازی اینها از سه وسیله مانند برونز، فلز و چوب میباشد. اکثریت مجسمه های این گالری مجسمه های بودست میباشد که نشان دهنده تاثیرات ابدی بودیزم از نیم قاره هند به کشور های دور مانند چین و جاپان. در پهلوی مجسمه های بودیست گالری همچنان اشکال بسیار دلچسپ از جنگجویان سامارای جاپان را بنمایش ارایه میدارد.



هنر اروپائی

در میان موزیم های هندی، بجز چند موزیم سالار جنگ بخاطر داشتن کلکسیون اروپائی بی نظیر میباشد. رسم های رنگه روغنی و آبی یکی از بخش مهم کلکسیون اروپائی بوده کار های به نمایش کشیده هنرمندان عالی بوده و نمایانگر واقعی دلبستگی مردم آن زمان به هنر میباشد.

ظروف چینی اروپائی

میان کشور های اروپا که به صنعت سازی ظروف چینی پرداخته بودند کشور فرانسه به کار عالی هنری خود ایستاده که بر تمام جهان برای مدت طولانی حکم روائی داشت.

کتابخانه و نسخه خطی موزیم سالار جنگ

کلکسیون گرانبها و با شکوه کتابخانه موزیم دارای هشت هزار نسخه خطی و بیشتر از چهارده هزار کتاب های طبع شده به زبان های عربی، فارسی، ترکی و اردو. مجموعه کتابهای چاپ شده انگلیسی به 29000 رسیده که شامل است از ژورنال های تحقیقی و علمی آلبوم عکس های کم پیدا و منقوش های با ارزش. نقطه قابل یاد آوری اینست که این کلکسیون بزرگ پوشش وسیع مطالعات رشته های مختلف چون هنرها، مهندسی، باستانشناسی، علم فزیک و بیولوژی، علوم اجتماعی، ادبیات، تاریخ، سیاحت، اسلام، هندویزم، عیسویت و دیگر مذاهب را دارا میباشد.

بحث جنجال بر انگیز در کالج مدافعه ملی هندوستان مورخ 24 جولای 2013

مضمون پنجم بحث پیرامون استراتیژی هند با همسایگان و منجمله افغانستان به مثابه همسایه دور مرکز توجه هند قرار دارد، جنرالان هندی سخنان گوناگون در مورد افغانستان دارند، نگارنده مسله افغانستان را چنین توضیح دادم که در دهلی وسایر محلات هندوستان زنده گی کردن و نگارش و صحبت پیرامون افغانستان انقدر شاید دقیق نباشد. هر روز مناسبات ام با رهبری کالج در موضوع افغانستان تیره می شود زیرا سخنرانان یومیه جدید می آیند و از یک دیگر خبر ندارند و مستقیماً راجع به افغانستان خوش بینانه و بدبینانه صحبت می کنند همصنفاً خیره خیره بمن می نگرند که معنی اش کشور شما به این سطح ضعیف و دچار مشکلات است اما شما سر شار از وطن خویش دفاع می دارید و من هیچگاهی خاموش نبوده پرابلم ها را به مسایل منطقی و بین المللی محول می ساختم و در گروپ تحلیلی 15 نفری که اداره 5 جنرال و قوماندانان اردو هند را عهده دار هستم سخن را چنین آغاز کردم:

قبل از اینکه در مسله استراتیژی اقتصادی پردازیم، لازم است به چگونگی تأمین ارتباطات صحبت گردد، بدون شک آسیای میانه، افغانستان با هند و افغانستان با آسیای میانه وجوه زیاد مشترک فرهنگی و کلتوری دارد، بخش اعظم اقوام ساکن آسیای میانه با مردم شمال افغانستان روابط مذهبی، قومی، زبانی و نژادی دارند ولی در شرایط کنونی این روابط به گونه دیگری تغیر کرده است، پس از ختم جنگ سرد در 1991 که شوروی از هم پاشید، و به کشور های آسیای میانه آزادی بخشیده شد اما افغانستان در حالیکه به

کمک های غرب و پاکستان حکومت مجاهدین به میان آمد به مصیبت های دیگری مبتلا گردید در حالیکه در زمان حکومت داکتر نجیب الله در سال 1989 عملاً دوفرقه اردو پاکستان از ثمر خیل گذشته در شهر جلال آباد به کمک مجاهدین شتافتند و سرانجام اردو افغانستان آنها را شکست داد و دوباره همه شان فرار کردند و زمانیکه به چل ونیرنگ ملل متحد داکتر نجیب الله اسیر آن دفتر گشت پاکستان بخاطر وحدت مجاهدین بازهم کمک نکرد تفرقه قومی را دامن زد و جنگ های تنظیمی آغاز و تا اینکه از فلتر این شرارت طالبان کرام ظهور کردند، در زمان جنگ سرد هر دو کمپ در بین خود متحد بودند ولی پس از سقوط شوروی جهان یک قطبی گشت و اداره آن به دوش امریکا قرار گرفت و همین اکنون در افغانستان دیده می شود که کشور های غرب بجای بلاک شرق در اختلافات شدید میان هم در کار و پیکار اند در دوده دهه اخیر هر که و هر کشور بدون منفعت خودی شان گامی نمی بردارند و هر چیز را برای دریافت پول و بیزنیس بهانه می آورند از قوم می گویند، از زبان، از فرهنگ، از همسایگی، از انسان دوستی، از حقوق بشر و غیره که به واقعیت های زنده گی عینی شان تطابقت ندارد انسان غریب، کشور در حال جنگ و کوچک و دچار پرابلم را هر کشور تلاش دارد همان شکل نگهدارد تا از او منحنی مثال بد یاد کرده و مضمون بسازند همچنان شعر علامه سید اسماعیل بلخی را که گفته بود :

بروقوی شو که راحت جان طلبی زیرا در نظام طبیعت ضعیف پایمال است
 طور مثال در زمان حاکمیت طالبان کشور های دوست مانند ایران، روسیه و آسیای میانه که آن زمان مهاجر در تاشکند بودم بدون اینکه ترحمی به حال مهاجرین نمایند نرخ ویزه های شان را بازار سیاه ساختند و 20 چند بالا بردند

اما به افراد شبکه شان ویژه ای رایگان می دادند تا در خدمت شان بوده و برای شان کار نمایند این موضوع باعث آن گردید که اکثریت مهاجرین به دامن ملل متحد پناه برد و آهسته آهسته بعد از آنکه رنج های زیادی را در هجرت کشیدند در دیار غرب پناهندگان رسمی گشتند روز 23 جولای در گروه کاری مان جنرال جسوال گفت: معنی افغانستان برای هند چیست؟ تورنجنرال بحری جواب داد که تروریزم از افغانستان می آید در این وضعیت حوصله نکردم در جواب اش گفتم افغانستان هرگز جنگ را صادر نکرده است. جنگ ها در کشور ما وارداتی و اشغالگرانه است و افزودم که شما برحق نیستید برای شما خطرات از جانب پاکستان و چین است که اگر بخواهند



تروریزم و مایویزم را ارسال کرده می توانند شاید کدام وقتی ترافیک انسانهای خودمان و مواد مخدر بسوی آسیای میانه از خاک ما صورت گرفته باشد اما مافیای افغانستان و مواد مخدرش به تناسب مافیای آسیای میانه و روسیه و جهان قوی و خطر ناک به صلح و ثبات منطقی و جهانی نبوده و نیست.

در حالیکه به چشمان خود در شهر لندن دیدم که مافیای روسیه در بهترین موقعیت لندن بدون کدام مشکل و در حمایت حکومت انگلیس زنده گی دارند ادامه دادم که بیاید درست صحبت کنیم ما با هند دوستی داریم و بدون از دوره طالبان دوستی مان همیشه نورمال بوده است اما با شما سرحد نداریم که تروریزم را صادر کنیم و در افغانستان پایگاه های تروریستی و کارخانجات آماده گی مواد مخدر وجود ندارد اگر باشد هم در هلمند و بدخشان که در آن ولایات 12 سال می گذرد قوای انگلیس و جرمن حضور دارد پس این قوا در آنجا چی مصروفیت دارند؟ ولی می دانم که یک مسله وجود دارد که دیگر داستان های خوب فلم های هندی ختم گردیده و داستان های دیگر برای تهیه فلم ها وجود ندارد برای جهانیان بدون از موضوع افغانستان، عراق و بهار ساختگی غرب عرب دیگر قصه ای وجود ندارد اگر ملل متحد و سیستم های دروغین اش ترحم انسانی دارند پس چرا 50 سال می گذرد قضیه فلسطین را حل نمی سازند؟ گفتم موضوع افغانستان اکنون به یک موضوع ساعت تیری و بازی مبدل گردیده و به یک دیپلوماسی و پالیسی عیار شده است و برای منطقه و جهان موضوع خنده اور و کمیدی میباشد.

در حالیکه هر روز مردم ما شهید می شوند و معلوم نیست که تروریست از پاکستان می آید و یا از قرارگاه ایساف و معلوم نیست که واقعا آنها افغانها هستند و یا از دیگر ممالک. بل، از درد ورنج مردم خویش خود مان بسیار رنج می بریم شما می توانید خنده کنید مانند ایکه پاکستانی ها می خندیدند و به مصیبت ما دچار شدند و ادامه دادم که سخنرانان، خارجیان، رهبری کالج، اعضای کورس و مطبوعات هند هر چه تعبیر دارند وابسته بخود شان است.

روز 24 موضوع درسی در مورد پاکستان و استراتژی هند در قبال آن با راه های بیرون رفت بود که سخنرانان بعضا آماده گی ندارند فورا به موضوع ساده وداغ یعنی افغانستان می چرخند این جناب بعد از چند دقیقه صحبت پیرامون موضوع اصلی، بالای افغانستان آمد که صحبت هایش خنده ها را در قبال داشت.

خاموش می بودم او در بخشی از صحبت هایش کنایه امیز از احمد شاه بابا اساس گذار افغانستان جنگ های پانی پت و شکستادن بت های سومنات 27 بار از سلاطین مشهور ما محمود غزنوی و شهاب الدین خان یاد آور گشت ودر نوبت سوالم که موصوف به عوض موضوع پاکستان زیادتر بالای افغانستان بحث کرد چنین سوالم را مطرح کردم:

من تصمیم گرفتم که هر روز سوال نکنم زیرا که برخی هم صنفانم به سوالات هر روزه وانهم که مرا پتان خطاب می زنند و اولین سوال را مطرح می دارم باعث بخالت عده ای از افسران هندی گردیده است بسیاری ها خندیدند لیکن مکلفیت دارم و چونکه از افغانستان هستم و به پول ملت ام تحصیل می دارم و غذا کشور خود را می خورم باید از حقایق جامعه خود دفاع بدارم و ادامه دادم:

امروز داستان های خوبی بدون از موضوع افغانستان، عراق در منطقه و جهان وجود ندارد واز صحبت هر روزه در موضوع افغانستان من نیز بسیار خسته شده ام ومعنی علاقه مندی را نیز ندانستم به تعبیر من پس از جنگ سرد دیگر علاقه مندی بشر دوستانه رخت از جهان بر بسته است شعایر کاذب حقوق انسان وملت مظلوم اعتبار خود را از دست داده است امروز دلچسپی ها برای نمایش قدرت و رقابت ها صورت می گیرد نه برای ترحم به مردم در حال جنگ مانند عراق،

سوریه افغانستان که هر روز می میمرند اما برای پاکستان و امریکا هم چیزی باقی نمانده است و تمام اینها بجز از بازیها، ساعت تیری ها، خنده ها، نمایش قدرت، حرکت و تمرینات در سرزمین مقدس مان چیزی دیگری تلقی نمی شود هند پرابلم های خود را دارد پس اهمیت افغانستان برای هند چه بوده از اینکه نامبرده از کمک های شان به حکومت افغانستان زیاد یاد اور گشت من سوال دادم که آیا این همه کمک ها بخاطر مردم افغانستان است یا در رقابت با پاکستان و چین ویا بخاطر سیاست و استراتژی تان؟ اگر بخاطر مردم افغانستان باشد سفیر افغانستان در دهلی نماینده آقای کرزی و ملت افغانستان است با وجود نامه پر قوت و خواهش شان از پوهنتون دولتی دهلی و وعده برخی از مقامات آن پوهنتون که پنج ماه مارا دواندند در نتیجه به مکتوب اعتنا نکردند تا پسر خود را به یکی از پوهنتون های دولتی شما به مصرف خودم شامل سازم (ختم سوال) هدف ام از طرح موضوع شخصی مقابله بر توضیحات بدرد نخور تاریخ گذشته ما باهند بود از این موضوع یاد اور نمی شود که رنجیت سنگ چقدر ظلم به مردم افغانستان کرد وپشاور ما را گرفت وپسرش دلپ سنگ الماس کوه نور را به شاه انگلیس که مال افغانستان بود تحفه کرد.

سوال نبود یک بلا بود که همان روز سکریتزر کالج که همه کاره کالج است یاد داشت فرستاد وفردا صبح به دفترش رفتم که بسیار غضب بود و مکتوب محرمانه با بسیار مهر های مخفی را برایم تسلیم نمود، انرا باز کرده خواندم که خیلی دروغ ها نوشته و جواب انرا فرمایش نیز خواسته بود حتی تا سرحد اخراج ام را که صرف چارماه از ختم پروگرام مانده احساساتی مطرح کرده بود ندانستم که از قوماندان کالج مشوره خواسته ویا نخواست است جوابات زننده به کمک پسرم تهیه وبرایش سپردم از موضوع مفصلا به آقای دگروال

مسعود ستانکزی اتشه نظامی سفارت کبرای افغانستان گزارش تلفونی دادم با نمایش یک غیرت بجا ویا بیجا افغانی جنجال ها افریدم وازاینکه پتان هستم صد سال بعد هم قصد خود را می گیرم اکنون سکریتیر در مقابل من قرار دارد و باوجودیکه وطن وکالج از اوست او که رنج ما را خلاف اصول مهمان داری درک نکرد جنگ قلمی ام را با او ادامه می دهم ومقصد اواینست که در طرح سوالات وبحث ها ومناظره ها سهم فعال نگیرم زیرا آنها علنا با خاموش ساختن میکرافون بنده اقدام عملی فرمودند زمانیکه جواب نامه را برایش سپردم ونوشتم که دیگر سوالات وبحث ها را رها می کنم خیلی خرسند گشت موضوع بدون از بخالت به تحصیلات ودانش بنده چیزی دیگری نبوده زیرا نگارنده در 7 ماه گذشته اول نمره صنف بودم و تا آخر به یاری خداوند میباشم در همین روز لوی در ستیز چهار ستار اردو امریکا با ما صحبت داشت از او چنین سوال کردم :

در جریان 12 سال قوای نظامی بین المللی در مبارزه علیه تروریزم در خاک افغانستان ناکام گشت وپس از انکه در سال 2014 آنها خاک افغانستان را ترک گویند در آنصورت آنها چه پیام های را باخود به کشور های مربوط انتقال خواهند داد.

نامبرده بجای جواب به پرسش از ادامه کمک هایشان پس از 2014 وبویژه برای تقویه نیروهای مسلح افغانستان سخن راند وبه گفته برخی از مردم (ماده کجا،درختان کجا)

ستراتیژی هند در قبال کشورهای آسیای میانه و افغانستان

بحث در این مقاله در مورد علاقه مندی هند، فرصت‌ها و تحلیل‌ها پیرامون روابط هند با آسیای میانه و افغانستان می‌باشد. پس از سقوط اتحاد شوروی 15 کشور سوسیالیستی صاحب استقلال شدند، هند در گذشته و پس از آن تأثیرات خود را بالای 5 کشور آسیای میانه داشته است، زیرا این کشورها همسایگان دور هند محسوب می‌گردند. هند در ظرف 2 ساعت پرواز بجای ممبئی و کلکته می‌تواند به تاشکند رسید. قبلاً از سقوط شوروی و در حال حاضر هند علاقه مند تنظیم ثبات در منطقه می‌باشد.



در سال 1991 اسلام عبدالغنی ویچ کریموف، نور سلطان نظربایف که اولین سفر رسمی اش به خارج حساب می‌گردد از هندوستان دیدار بعمل آوردند و همچنان در سال 1992 عسکر آقاییف رییس جمهور قرغزستان و صفر مراد

نیازوف رییس جمهوری ترکمنستان و در سال 1993 عبدالله جانوف با آنکه جنگ داخلی در سال 1992 در دوشنبه آغاز گردیده بود از دهلی دیدن کرده و همه شان روی همکاری های متقابل و دوستی بیشتر تبادل افکار به عمل آوردند. این سفرها برای تحکیم دوستی میان هند و کشور های آسیای میانه تاثیرات خوبی را بجا گذاشت. مشکل عمده ای که از لحاظ اقتصادی برای هند در آن زمان وجود داشت همانا پس از سقوط شوروی مدت زمانی یک رکود اقتصادی که مانع صادرات هند گردیده بود بمیان آمد زیرا آن زمان 50 میلیون انسانهای ساکن در آسیای میانه (ارقام 1991) در انزوا از سیستم بانکداری خوب و نا آشنا به مارکیت های بین المللی زنده گئی داشته و در زمان جنگ دوم جهانی از مناطق آسیای میانه استالین منحصیث مناطق ریزرف برای تولید مواد خام، تداوی معیوبین و معلولین، مواظبت از آنها و استراحت گاه عساکر خسته از جنگ استفاده می برد بعد از جنگ دوم خصوصا در قزاقستان توجه بیشتر بخاطر هم سرحد بودنش با روسیه شوروی صورت گرفت و تمرکز تولیدات صنایع حربی، سیستم های راکت های پیشرفته و راه دارد ادیسه و الماتا و استخراج یورانیم رویدست گرفته شد مهمتر از ان اقتصاد این کشور ها پیوسته به زراعت بوده و محصولات عمده آنها را پخته تشکیل داده و می دهد همه ساله جمع آوری آن بدست مردم بوده که شاگردان مکاتب را خلاف میل والدین به جمع آوری پخته اعزام می دارند که پرابلم های زیادی را میان دختران و پسران بیار می آورد. پخته را در حقیقت طلا سفید می نامند استخراج معادن خام نیز از منابع بزرگی و عایداتی این مناطق می باشد.

از لحاظ سیاسی و کلتوری

هندوستان بهره های زیادی منحصیث اولین کشور غیر کمونیستی از شوروی سابق در خصوص فراهم نمودن بور سهای تحصیلی آنهم در رشته های مهم طب وانجینری برده است افتتاح پست دیپلوماتیک در سال 1987 در آسیای مرکزی (تاشکند) بخاطر برگذاری فستیوال ها هند که در همین جاها برگزار می گشت و جنرال قونسلگری تاشکند در 5 کشور آسیایی میانه انرا اداره می کرد . این مقام در پیوند بامحصلین هندی بوده وبه مشوره ها و کمک هایشان محصلین هندی در رشته های انجینری وطب آموزش می دیدند ومصروف بودند زیرا همین اکنون شمولیت در هند در رشته های طب وانجینری به اتباع اش مشکل بوده وبه خارجیان واسطه قوی ضرورت است .

دو کمپنی مشهور هند بنام تاتا ولارسن توبرا که انعام های زیادی را بدست آورده اجازه فعالیت خوبی را در این منطقه داشت انجینران هندی در تاشکند، سمرقند وبخارا بهترین هتل ها را اعمار کردند .

در ماه مارچ 1992 اولین سفارت خانه هند در آسیای میانه گشایش یافت ، روابط میان مردمان کشور های آسیای میانه وهندوستان بر قرار گردید ورفت و آمد ها آغاز گشت ومردم به ارزوهای دیرینه شان رسیدند وبه اصطلاح غربی ها دموکراسی به میان آمد .

در عرصه سیاست اقتصادی پیشرفت های قابل ملاحظه در خصوص تولیدات برق آسیای میانه به کمک هند به مشاهده می رسد که هند در این مورد با داشتن اوقیانوس بزرگ بنام بحر هند وچگونگی استفاده ازنیرو های آبی تجارب کافی دارد .

حکومات آسیای میانه و افغانستان از سفارت خانه هندوستان مقیم کشور های شان بنا بر نا آرامی های موجود در پاکستان و خصوصا ویزه های رایگان هند به افرادی که جهت تداوی به دهلی می آیند خرسند به نظرمی رسند و احترام زیاد قایل هستند و هکذا پاسپورت های رسمی اتباع هند در این کشور ها به شمول روسیه به ویزه ضرورت ندارد هند کشور قابل قبول به کشور های سابق شوروی بوده که در دراز مدت توانسته موقف بیطرفانه خود را حفظ نماید .

سخن سالهاست در مورد پروژه بزرگ گاز بنام تی ای پی می رود که در سال 2011 برای باردوم انتقال گاز از فاصله 1735 کیلومتر از ترکمنستان پس از عبور از افغانستان و پاکستان به هند می رسد که قرار است تا 5 سال آینده شروع به کار نماید .

رول هند در آسیای میانه از نقطه نظر همکاری های تکنالوژی معلوماتی مانند افغانستان برجسته است . هندوستان در بخش تکنالوژی معلوماتی کمک های زیادی نموده است که می توان از چند پروژه آن نام برد: مرکز آی تی جواهر لعل نهرو در تاشکند، مرکز ای تی بیدیل در شهر دوشنبه، انستیتوت ملی برای تکنالوژی معلوماتی در آلما آتا در سال 2006 و مرکز ای تی در شهر بیشکیک قرغزستان در سال 2007.



روابط آسیای میانه با هندوستان

این روابط آغاز از سال 1992 به مرحله نوین پا گذاشته است که کشورها برای تشخیص هویت های ملی شان و تبادل تجارب استفاده اعظمی برده اند آنها از فرهنگ مشترک دوره بابریان و ساختار ملی پس از استقلال 1947 و نقش هند در غیر مستعمره بودن منحصیث نمونه بارز یاد کرده و آنها در این زمان مدت یک و نیم قرن در مستعمره شوروی زنده گی می کردند. کشور های آسیای میانه از تجارب هند به گونه راهنما در ساختار ملی شان استفاده بردند. در سال 1992 قرغزستان اولین کشوری بود که پیشنهاد بالا رفتن ارتقای ظرفیت منابع بشری را در سکتور پروگرام ای تی ایس هندوستان کرد و هکذا علاوه بر سکتور بانکی های کوچک و متوسط و همچنان به بخش های دیپلوماتیک نیز استفاده برده شد، این موضوع به اثبات می رساند که میراث های غنی اسلامی رول عمده را در باره احیا مجدد هویت های ملی بازی می کند،

سمبول این میراث هاهمچنان نظریات امام بخاری، با همکاری های علمی و بشری کادر های اسلامی چون البیرونی، ال فارابی ومنجم سلطان الغ بیگ و صوفیان اسلامی همچو احمد یوسف وطریقه نقشبندیه محسوب می گردند . در جریان تسلط استعمار شرق وغرب این میراث ها ازین رفته بود که بعد از ختم جنگ سرد آهسته آهسته احیا گردید واین میراث ها باعث ان گشت تا فرصت ها وامکانات بیشتری در راه اعمار وتجدید راه نوین ابریشم بوجود آید .

راه نوین ابریشم

یک شبکه راه ها وانتقال محموله ها با عبور از افغانستان وکشور چین بوده که نه تنها برای تجارت بلکه برای انتقال فرهنگ ها، تبادل وحاصل نظریات وایده ها استفاده شده وبودیزم را در زمان امپراطوری آشوکا از راه کشمیر زیبا واز همین راه کهن ابریشم پس از عبور از افغانستان واسیای میانه به چین می رساند . بادر نظر داشت اهمیت راه قدیم ابریشم وحال که در قرن 21 بوسیله تکنالوژی ایجاد شده فرصت های زیادی بمیان آمده تا موضوع قوی گردد اکثریت چالش های مفکوروی وفزیکتی برخاسته به اطراف راه سابق شمال وجنوب راه ابریشم بستگی به ثبات سیاسی وجغرافیای محیطی دارد که نقش افغانستان در آن با اهمیت بوده وبه سرمایه گذاری زیاد ضرورت دارد . هند در ده سال اخیر 2 بلیون دالر به افغانستان کمک کرده است این کمک با وجود مشکلات موجود هند این کشور را بزرگترین همکار منطقوی ساخته است . اخیرا در دهلی کنفرانس سرمایه گذاری در مورد افغانستان برگزار گردید که در ان پیرامون استخراج مواد مفیده جامد، اعمار ساختمان ها، ارتباطات، زراعت وکارخانجات کوچک، صحت و دوا سازی، تعلیم وتریبه،

ای تی وسکتور های دیگری بحث گردیده است . تامین ارتباط شمال و جنوب برای هند به آسیای میانه و بلاخره به آسیای جنوبی و اروپا خیلی باارزش است . که مسایل فوق بستگی به ثبات اوضاع به پاکستان و افغانستان دارد راه کهنه ابریشم با راه نوین اش فرق دارد همه دست آورد ها وابسته به پالیسی آسیای مرکزی باهند و سرمایه گذاری هند در این مناطق افغانستان می باشد .

چین چه می خواهد : چین در این مناطق در فکر منافع، انکشاف و اعمار ساختمان ها، بادر نظر داشت موقعیت استراتژییک اش و استفاده از منابع طبیعی واحداث راه ها می باشد بازیگران منطقوی و جهانی توجه زیاد به آسیای میانه دارند چین برای خود شاخصه مهمی را ایجاد کرده است تا بتواند از طریق تجارت ، معاملات انرژییک ، قرار داد های نظامی پایگاه های داشته و به همکاری های شانگهای ادامه دهد . منافع اساسی چین را انرژی ، تجارت و اتحاد با اهداف دراز مدت صادرات اسلحه نظامی و گسترش نفوذ در عرصه سیاسی و کلتوری تشکیل می دهد.

روسیه : خواهان حفظ منافع ؛ صنعت ، فرهنگ ، زبان، نژاد و منابع خود بوده و هرگز نمی خواهد دیگران مانع در زنده گی این مناطق شوند روسیه همکار بزرگ و حامی کشور های مستقل منافع المشترك بوده و معاملات چین و روسیه باهم فرق دارد.

امریکا : سعی دارد تا دست چین و روسیه را از آسیای مرکزی کوتاه سازد و به آسیای جنوبی آنها را نزدیک سازد و تمرکز زیاد بالای هند و بازار هند صورت گیرد این طرح در صورتی عملی است که در افغانستان صلح بوجود آید و انتقال کالا از هند و پاکستان به آسیای میانه و برعکس آن صورت گیرد و امریکا خواهان ایجاد دموکراسی در آسیای مرکزی بوده و می خواهد با

تروریزم در آسیای میانه مقابله کند مانند انقلاب روسیه در گرجستان، انقلاب نارنجی اوکراین، انقلاب سفید در قرغزستان و اعتراضات خشونت بار در تاجیکستان و از بکستان، امریکامنافع تجاری خود را از طریق بازیگران وانجو های غیر دولتی در این مناطق می پالد.

اقدامات اولیه هندوستان برای افغانستان

برای هند لازم می افتد تا از پروژه های عام المنفعه در افغانستان حمایت کند، این حمایت به شمول کمک های تعلیمی نظامی، انتقال برق از پلخمیری تا کابل بنام تاجیک برق، در بخش تعلیمات نظامی، تکنالوژی معلوماتی، صحت، همکاری های نظامی و ترنینگها، استفاده از متخصصین در بخش های نظامی، تشویق روابط کلتوری تحکیم و انکشافات آن، کمک در ایجاد و تقویت انستیتوت های دموکراتیک توسعه ساختار همکاری های بین الدولتی خلاصه می گردد.

نتیجه گیری

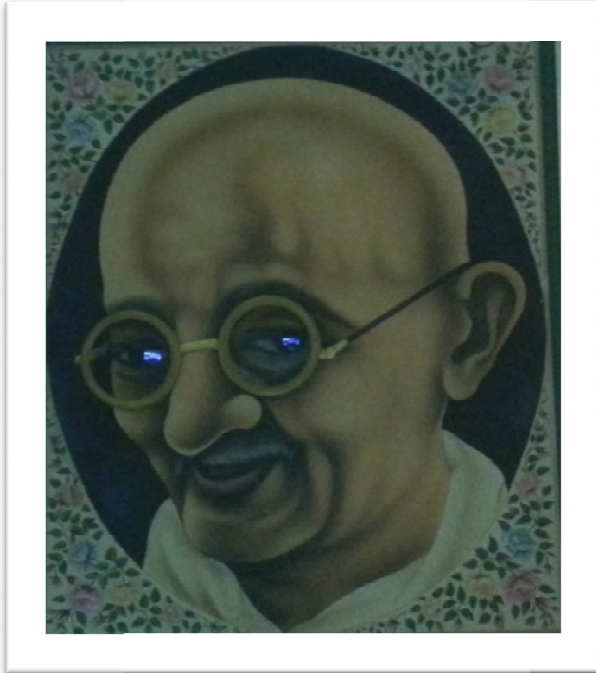
وسعت دادن راه ریل از طریق تاجکستان به چین که چین و آسیای مرکزی را وصل می سازد در مرحله نهایی قرار دارد در 2 دهه اخیر به اثبات رسید که هندوستان رول برجسته در آسیای میانه داشته و تقویت این رابطه توسط دو نگرانی انعکاس می یابد یکی حفظ و متنوع سازی پایگاه های انرژی هند که باعث رقابت شدید شده و دیگری حضور گروپ های بنیاد گر که توسط چین کمک می شود و همچنان نا معلوم بودن وضعیت در پاکستان که در بی ثباتی آسیای مرکزی نقش منفی می تواند داشته باشد.

گروپ ها خراب کار به انتقال مواد مخدر کمک می نمایند و فروش اسلحه را نیز ساز مانده می میدارند. دوم اینکه پیشرفت های سریع الوقوع هند باعث نگرانی

پاکستان گردیده و پاکستان آگاهانه تلاش می ورزد تا موجودیت هند را در مناطق جیواستراتژیک ضعیف وانمود سازد ولی هند می تواند یک الترناتیف برای کاهش نفوذ چین در مناطق شوروی سابق شود که امریکا در این امر راضی است. بنابراین از اقدامات مهم اینکه هندوستان انرا باید عملی سازد و ضرورت تقویه آنرا دارد همانا می تواند در بعد های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی متمرکز گردد.



نظریات گوناگون در مورد گاندی ها



مهندس کرمچن گاندی که بنام مهاتما گاندی (مرد بزرگ) عالی ترین لقب مردم هندوستان را گرفته است او تحصیلات خود را در رشته حقوق در بریتانیا به اتمام رسانیده و هنگامی که بوطن بر می گردد بر ضد استعمار به مبارزه پرداخته و به یک مبارز اذدیخواه ملی، منطقی و بین المللی مبدل می شود که نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح منطقه و جهان او را می شناسند و آثار و کتب و نظریات اش را به تحلیل گرفته ریسرچ می دارند، پس از آنکه در 1947

تحت رهبری خردمندان او در 15 اگست مردم هند آزادی خود را بدست می آورد اما دیر نمی گذرد که در 30 جنوری 1948 او را به قتل می رسانند . محل زنده گئی، مقبره، آرامگاه، دفتر کاری، نمایش آثار و اختراع و اکتشافات نامبرده فقط در مقابل کالج مدافعه ملی هندوستان که در اینجا اکنون برای مدت یکسال تحصیل می دارم قرار دارد و این سرک بدین مناسبت بنام سرک 30 جنوری یاد می شود و راه مشهور است قضیه کشته شدن اش این بوده که پس از کسب استقلال مردمان زیاد گروه گروه به ملاقات اش می آیند یک گروه که در میان آن یک هندو متعصب وجود داشته توسط تفنگچه او را به قتل می رساند این شخص اهل گجرات بوده و از دیاریست که گاندی آنجا متولد گشته است ، نامش ناتورام گوت سی بوده و قبل از اینکه اعدام گردد ، علت قتل را چنین وانمود می سازد که برای آن گاندی را به قتل رساندم که او مسلمانان را زیاد دوست داشت و با ما حقوق مساوی قایل بود گاندی هنگام مردن 79 ساله بوده است همین عمریست که رابرت موگابی رییس جمهور فعلی زیمبابوی دارد خانم اش کستوها نام داشته و بنام موصوفه سرک و پارک در دهلی وجود دارد و طوریکه حکایه می شود یک زن خیلی عادی و معمولی بوده است از موصوفه 4 پسر به دنیا می ماند و دختری نداشته است.

Even if I am killed, I will not give up repeating the names of Rama and Rahim , which mean to me the same God. With these names on my lips, I will die cheerfully.

M .k .Gandhi



در جریان سالهای مبارزه گاندی توانسته حتی در 1942 ریل را از ممبی تا شهرهای دیگر هند بشمول احمد آباد برده و این مودل را از افریقا جنوبی انتقال می دهد. او کارخانه ساده کرباس را می سازد و بدستان خود بیل زده و مصروفیت کشا ورزی می دارد، کرباس می بافت تا مردم از بیرون البسه وارد نکند و قرضدار نشوند و تاکید می کرده است که تولیدات داخلی را رشد دهید و کرباس ساخت خود شان را بپوشید که کرته و جامه مدرن امروزی در هنگام عروسی نوجوانان هند نشانه ساخت وی پس از استقلال است، نمک که ذخایر آن در هندوستان بوده دولت انگلیس، هند را مجبور می سازد تا از تصفیه ان مالیه هنگفتی بپردازند انجاست که چه غوغایی را بر پا می دارد و مردم با او متحد شده کارخانجات کوچک تصفیه نمک را می سازد تا مردم از پرداخت مالیه به دولت انگلیس معاف شوند و امثالهم . برای اطفال تاریخ

آموزی را تنظیم می کند. اختراعات و تولیدات را سراسری می سازد، اتاق های مختلف وابسته به مطالعات، میز و چوکی سوراخ دار قدیمی، اجناس انتیک، محل آرایش و ریسرچ زمان وی از فعالیت هاش سخن می گوید. برخی ها به این تصور اند که تمام گاندی هاییکه بعد ها طی سالهای زیاد صدر اعظمان هند بوده اند از نسل مهاتما گاندی است در حالیکه چنین نیست، این ها از خانواده جواهر لعل نهرو اولین صدر اعظم هند در 1947 می باشند. جواهر لعل نهرو هندوکشمیری است که پدرش موتی لعل حقوق دان مشهور هند است و موتی لعل از جمله آزادی خواهان بوده که نهرو و موتی لعل یعنی پدر و پسر دوست و رفیق همزم گاندی می باشند . موتی در سال 1885 حزب کانگرس را افتتاح می دارد از جواهر لعل نهرو یک فرزند به دنیا می ماند که خانم اندرا گاندی می باشد موصوف از 1964 تا 1974 صدر اعظم هند بوده و از 1964 تا 1965 لعل بهادر شامستری صدر اعظم مقرر می شود وی بعد یکسال نسبت تکلیف قلبی در تاشکند وفات می کند و سالهای 1977 و از 1979 تا 1984 دودوره خانم اندرا گاندی دختر جواهر لعل نهرو صدر اعظم هند تعیین می گردد این زمانیست که کدام معبد سیک ها مورد حمله هندو ها قرار میگیرد و به گفته جنرالان هندی سیک ها از طرف ای اس ای تحریک می شوند و مدتی جنگ در می گیرد چون بادیگاردان اندرا گاندی متشکل از هندو، سیک و مسلم بوده است و بادیگاردان سیک وی غضب می شوند و تحریکات بیرونی نیز اثر گذار بوده و سر انجام توسط تفنگچه اندرا گاندی را به قتل می رسانند انگیزه قتل اش آشوب گری سیک ها علیه حکومت موصوفه بوده که منجر به کشته شدن خودش در عمر 60 و 61 سالگی می گردد از موصوفه دو پسر به دنیا باقی می ماند بنام راجیف گاندی و سنجی گاندی راجیف گاندی از 1984 تا 1989 و بعد تا زمان کشته شدن در 1991 مانند مادرش دوبار صدر اعظم هند مقرر می گرد او

در تمیل نادو هنگام سخنرانی توسط یک خانم دختر جوان از جمله اعضای گروه جدا طلب شیران تمیل مخالف حکومت سری لانکا که علیه این گروه و توقف حمایت حکومت تمیل به آنها صحبت می نمود در جون 1991 بوسیله بمب انتحار می گردد و با تفاوت شکل حادثه به سر نوشت پدر کلان اش گاندی و مادرش اندرا دچار میشود راجیف و سنجی هر دو برادر پیلوتان قوای هوایی هندوستان بوده اند سنجی گاندی در یک حادثه هوایی کشته می شود از وی یک پسر بنام دارون گاندی باقی می ماند که از جمله مخالفان حکومت کنونی بوده و از جمله رهبران حزب بی جی بی حزب مدیست هندوستان است. راجیف گاندی با سونیا گاندی که فعلا رهبر حزب کنگرس است ازدواج کرده، سونیا گاندی متولد لندن ایتالیوی الاصل می باشد ویا راجیف در دهلی عروسی کرده است او دو فرزند یک دختر و یک پسر دارد که پسرش راول گاندی نام دارد 44 ساله است تاهنوز ازدواج نکرده و از جمله اپوزیسیون حکومت هند می باشد.



علاوه گی ها به نامه محرمانه جنرال جیکی شرما
به آدرس دگروال عبدالواحد خرم اشتراک کننده کورس نمبر
53 کالج مدافعه ملی
نمبر 0753 مورخ 25 جولای 2013

کالج مدافعه ملی از دیدگاه من واصولا محل مطالعات استراتژیک، سوال و جواب، بحث و مناظره، طرح پیشنهادات ونظریات کلی که جایگاه اکادمیک دارد، میباشد.

سخنرانان باید مطابق اجندا صحبت های خودرا عیار سازند و گذشته از آن برای کالج درجه اشتراک فعال مداومین باید در نظر گرفته شود، زیرا از صد مغز متفکر ومتحرک ودارای چنین رتب چیز های بزرگی ساخته می شود سوالات وبحث ها معنی فعالیت واکتیفیتی مداوم می باشد .

اقای سکریتر جیکی شرما تمام مسایل را مربوط بخود دانسته توجه به نقش خود و دسپلین دلخواه خود دارد ودر پی مطالعات استراتژیک نیست . اوپس از سوال نگارنده در مورد استراتژی هند در نامه خویش چندین مورد غلط را رقم زده وکاملا اضافه روی کرده است در حالیکه در صحبت قبلی اش بخاطر تغیر سیت بنده به کمک مستقیم آقای سمیر و موافقه غیر مستقیم قوماندان خاطر نشان ساخت که شما مانند بچه های جوان حرکات صنفی دارید 11 ماه ترنینگ است ،کیف نموده واستراحت نمایید در صورتیکه چنین باشد پس چرا مرا خواسته اید وچرا موضوع را جدی می گیرید حتما جسوال که به این کار سمیر صاحب ناراض بود از موضوع شکایت نموده واگر جدی نمی پندارید پس در مورد افسران اردو هند نسبت به خارجیان

چرا جدی هستید و زمانیکه خلاف اصول بینود کمار به کنترل روم رفته میکرافون مرا که اول بودم به درجه پنجم برد چرا خاموش بودید و حال چه گونه بدون تعمق به یک سوال نگارنده که کاملاً به موضوع ارتباط دارد به خشم می آید و هر ناروا را تا سطح اخراج نگارنده می نویسد در حالیکه این حرکت شما مخالف تمام اصول ها و بویژه رسم مهمانداری است و من نمی دانم پس از ختم کورس و برخورد نادرست شما در مورد عدم اجازت به مهمانان افغانی ام که از عقب گیت مرخص می شوند چه پیامی را باخود به افغانستان برم ، گذشته از آن چرا بسیاری از افسران هندی در طرح سوالات و پیشنهادات خود خیلی جدی و مغرورانه حرکت دارند که احساسات شان بدون شک احساسات دیگران را نیز کم و بیش تحریک می دارد . برخی از انها سخن رانی، صحبت و بحث را بشمول چای و قهوه، سرگروپ بودن و رهبر گروپ بودن را تنها متعلق بخود می دانند، آقای شرما نمی دانم تا کدام سطح تحصیلات دارد او پیوسته مانع اظهارات مسایل شخصی می باشد و من ندانستم که چه وقت مشکلات شخصی که یگان بار بوجود می آید مطرح گردد پس اگر ذکر مثال از موضوع شخصی در کالج ممکن نیست پس بایست سخنران اصلی نیز از موضوع حاشیه نرود در حقیقت کالج ورکشا باون را شرما به یک زندان تبدیل کرده است نمیدانم چگونه حامد انصاری معاون رییس جمهور و سلمان خورشید وزیر خارجه هند می باشد که در جمله 76 محصل هندی یک مسلمان رانیدم و در رهبری کالج همه هندو ها اند و آنهم بسیار مذهبی. در 7 ماه ایکه گذشت تمام صحبت ها به نوع از انواع برضد اسلام، برضد پاکستان و با ریختن اشک تمساح توضیحات مفصل هر سخنران دایمی وبدون وقفه درظاهر دوستانه اما بحیث یک موضوع ساعت تیری راجع به

افغانستان و گفته می شود که بعد از اندونیزیا کشور هند در جهان دومین نفوس اسلامی را دارا می باشد. مثلا سخنران 24 جولای عوض اینکه در مسایل پاکستان و استراتژی هند بچرخد، شاید آماده گی نداشته باشد زیاد وقت خود را پیرامون افغانستان کنایه امیز سپری کرد و دیگر تحمل آنرا نداشتیم که ما در غم چه واو از تاریخ گذشته احمد شاه، محمود غزنوی و غوری یاد می کند که در مقاله جداگانه ام از آن مفصل یاد ور شده به آتشفشان نظامی آقای مسعود ستانکزی انرا سپردم و کاپی اش را به سایت آریایی . قبلا نیز روحیه را در ک داشتیم و بتاریخ 19 جولای به تورنجنرال هوایی آقای وپین طی دو صفحه برخی بیعدالتی ها را که تا جایی پای سکریتر نیز دخیل می باشد به زبان انگلیسی به کمک پسر اماده و تقدیم نمودم که متن آن چنین است:

در جریان 7 ماه گذشته با در نظر داشت مشکلات انگلیسی هر روزه و یک روز بعد ان سوالات، نظریات و بحث های خود را ارایه و در تمام موارد سهم فعال داشتم ولی هر گز از جانب رهبری کالج و قوماندان بخاطر سوالات و بحث هایم از من بنابر رشک و بیخالت نام برده نشده است زیرا افسری از کشور غریب هستم . اگر سوالی و بحثی پس از گذشت سه ماه هم از جانب افسران انگلیس و امریکا صورت گیرد اسمای شان گرفته شده و مورد تشویق قرار می گیرند در حالیکه نگارنده دارای چند دیپلوم بوده و هر گز تشویق نشده ام تشویق تنها دو افسر و چند تن محدودیکه یا در مقامات بالا کار می کنند و یا با بالایی ها رابطه دارند می شوند و من دلایل این گونه برخورد را چنین می پندارم :

- 1- من از کشور هستم که در آنجا جنگ جریان دارد، هم کوچک است و هم ظاهراً غریب و بنام افغانستان یاد می شود
- 2- شاید تمام سوالات و بحث های ارایه شده در 7 ماه غلط باشد پس همصنفان ام مانند جنرال انیل کیور، داکتر معین، رایینا، خالد اقبال بنگله دیشی و صدا کارچی و غیره نیز در طول این مدت مرا غلط تایید کرده اند
- 3- این خوب است که کالج تنها تیزس و مقالات دارد و اگر امتحان می داشت ممکن تمام افسران بین المللی بدون از 2 تن ناکام گشته و کورس 54 را تعقیب می کردند.
- 4 - همین رویه بخل و حسادت بوده است که کسی جرات کرد و برفت و مگرافون ام را عقب راند و دیگری قیودات را در مورد مهمانانم گویا اینکه خبر نباشند که افغانها مهمان نواز اند در رکشا باون وضع نمود
- 5- من تصمیم گرفتم که در آینده ها رفیق آدم غریب و کشور غریب نباشم

با احترام

دگروال عبدالواحد خرم

19 جولای 2013

چندین بار از جانب سکرتر بدون دلایل قانونی مورد پرسش قرار گرفتم و دیگر تصمیم گرفتم خاموش بوده نه سوال و نه جواب و کدام بحثی، اما همصنفان ام چون جنرال انیل کپور، جنرال سنگ وان، آقای انیش وداکتر معین و دیگران جدی تقاضا کردند که بحث نمایم. اگر چه کالج به افسرانیکه در بحث ها و سوالات سهم فعال ندارند مانند افسر امریکایی، یوگندایی، برازیل و پیرو به آنها چانس بیشتر درخشنده گی می دهد و نام پارکر امریکایی و ستووارت انگلیسی مورد زبان رهبری و قوماندان قرار دارد اما از هورا، شرما، خرم، احمد الرواحی و شکرالله یاد نمی شود اما سعی داشته ام تا در مسایل تاریخ و سیاست کشور خود را تنها نگذارم. اکنون به توضیحات جزئی و بیشتر موارد ذکر شده در مکتوب نهایت سربسته و محرمانه آقای سکرتر می پردازم:

I-1. مهمان شدن دوست روسی ام جنرال زیاد افرید که تاهنوز درج قلم سکرتر است

نزد سکرتر یک جرم است، این موضوع را قبلا نمی فهمیدم که همه کاره و تمام مسایل کالج بدست سکرتر است و حتی قوماندان آنقدر دخیل نیست قبل از آمدن مهمان از افسرحمایوی و سرگروپ اقایون انیل کپور و هرش گوپتا اجازه انرا گرفته بوده و بعدا دوست خود را با همسرش که در زمان جنگ شمال بمن کمک های زیادی کرده بود دعوت نمودم این مهمان خود نمی داند که من چقدر رنج کشیدم موصوف یک هفته را بامن سپری کرد با انکه تحفه اش را سکرتر گرفت و دوسیه اش را بست ولی باز هم یاد آور میشود و دیگر مهمان را قبول نکردم در حقیقت این اشتباه افسران هندی بود که مرا متوجه نساختند زیرا در هندوستان اکثریت در یوران رکشا ادرس را نمی دانند و دو افسر دوچیز می گوید و دو کارمند دانشگاه باهم نظر مخالف

دارند و شاید هم عقده سکریترا از شکستاندن گل وی بوسیله نواسه ام باشد که در همسایگی دور تر ما قرار دارد که غیرمستقیم خانواده مرا سرباز وی تهدید کرده بود و چون اشتباه نواسه دوساله ام بود از نزدش معذرت خواسته و مقدار جلغوزه برایش بردم این دوسیه رانیز بسته کرد

2- اینکه من اصولنامه داخلی را مراعات نکرده باشم یک دروغ محض است در حالیکه اکثریت کورس بمن احترام خاص قایل بوده و مرا با دسپلین ترین و شخص دانشمند می حسابند .

3 - در بحث از مسایل شخصی گویا یاد آوری کرده باشم هرگز چنین نبوده در 24 جولای به ارتباط موضوع درسی مورد شمولیت پسرم را مثال زدم و از آن منکر نبوده که به حساب کمک های هندبه مردم افغانستان می باشد و در موضوع ویژه همسرم ایم مسئله را با آتش نظامی کشور انگلستان در وقت تفریح زمان صرف چای و قهوه یاد آور گشتم که نیز مورد شان حقیقت ندارد سخنان 24 جولای از اصل موضوع طرفه رفته بود و بحث شان پیرامون افغانستان که از این کشور نماینده گی دارم ، به مالیه مردم اش تحصیل نموده معاش و غذا اش را می خورم مکلفیت دارم تا از سرزمین خود در برابر هر نوع حملات لفظی دفاع بدارم

4 - گویا که بدون اجازه کالج را ترک کرده باشم یک دروغ محض است و یک بهتان بزرگ از 9 جون تا 27 جولای صرف برای یکساعت آنهم به اجازه خودش برای ملاقات سفیر افغانستان رفته بودم ماه های جنوری، فبروری و مارچ نیز هیچ غیر حاضیری نداشتم در ماه اپریل شاید با اجازه وبدون اجازه بخاطر اخذ ویزه ها که همگی به این مشکلات روبرو بودند

غیابت داشته باشم بیان حرف های کهنه معنی بد بینی را دارد زیرا من در دهلی کار شخصی و تجارت ندارم
 آقای شرما در مورد بنده هر چیز را بهانه می آورد ، احمد مصری که چیز های خوب برایش تیار و ارسال می دارد بسیار اوقات غیر حاضری داشته و همسر اش رفیق همسر اوست بدون یک بار نه کدام سوال داشته و نه بحثی و حتی در سفر جنوب هند که تمام افسران بین المللی برای 9 روز رفته بودند او اشتراک نکرد ولی بهترین دوست اوست زیرا آقای شرما رشوت خور است



II – در بحث دوم : یاد اور شده که بادر نظر داشت چار مورد فوق رفتار عمومی شما همراه با نقایص است این موضوع یک توهین بیش از طرف جناب شان به ادرس بنده نبوده و از این معلوم می شود که دموکراسی هند یک

شعار محض بوده و آقای شرما ظرفیت و برداشت از دموکراسی ندارد و دانش استراتژیک شان در قبال همسایگان و خصوصا افغانستان ضعیف است.

من از جمله کسانی نیستم که بدون تحلیل سخن بگویم، مشکل لهجه زبان انگلیسی دارم و هرگز بحث و سوالاتم بيمورد نبوده است و قتيکه با ایشان صحبت رویارویی در مسایل داشتم اظهار کرد که گرم بودم و معذرت می خواهم سوال اینست که پس از شراب نوشیدن به نگارش چنین نامه مبتذل پرداخته و فردایش پشیمان شده است به ایشان گفتم که چه وقت غیر حاضر بودم و این نوشته دروغ محض است در جواب گفت که در ماه اپریل ، گفتم که این را قبول دارم زیرا پاسپورت همسرم غیر الکترونیکی بوده و ویزه انگلستان ، ترکیه و دبئی را برایش ندادند و برای خودم نیز اخذ ویزه دبئی مشکل بود اما به دیگران اسان زیرا کیس افغانها فرق دارد و به عوض اینکه در این موارد کمک کرده باشد برعکس این موضوع را که خوب می داند افسر سال گذشته را ویزه نداده بودند و من به تنهایی موفق گردیده به خود و همسر ویزه گرفتم قدر دانی نماید برعکس مزاحمت ایجاد نمود و هیچگاه مورد قبول ام قرار ندارد و من همیشه در سها را شاهانه تعقیب کرده ام گرچه سه ماستری و بیش داکتری داشته و این دروس برایم تکراری و گاه خسته کن است .

آقای شرما سعی دارد کسانی که برایش چیزی ندهند و چا پلوسی نه نمایند زیر تاثیر قرار بدهد ولی نامبرده بی خبر از آنست که در جهان معاصر چل های او کهنه شده است ، عوض کمک این افسر همیشه به سخت گیری و مجازات آماده است او از کالج طوریکه عرض کردم یک زندان ساخته است اما چاکلیت زندان سمیر است اگر آقای سمیر نباشد هیچکس به درس حاضر نمی شود برخورد شرما مثل یک قوماندان لوا بوده نه سکریترو و ایس ادمیرال

لمبا . شاید وایس ادمیرال از کار های اونداند که سکریترا شان افسران را تحریری تهدید می ورزد گمان می زنم صحبت های یومیه قوماندان پس از هر لکچر او را خسته می سازد و یا پیر شده است بر قوماندان لازم است تا کارهای مشکلات مداومین اش را یومیه خود حل کند و افسران را محتاج شرما نسازد و دروازه قوماندان به روی محصلین باید همیشه باز باشد 7 ماه محصل خوب بودم وقتیکه از روابط استراتژیک هند و ماکراسی اش در داخل مثال زده و انرا به واقعیت جامعه هند تطابقت دادم آنگاه بر افروخته شده و تصور می رود که یگانه ممثل دموکراسی جناب شان است قلم می بردارد و مکتوبی که شایسته حال بنده نیست مینویسد و برایم تسلیم می دهد .

III- در بحث سوم مکتوب محرمانه اش افزوده که اگر شما در موارد فوق عاجل تا 26 جولای جواب رسمی بدست خودم نسیارید شما از کالج اخراج می شوید و خوب ضرب العجل را تعیین کرد و فردا ان جواب اش را بردم انرا خواند و قبول کرد و بعد از چند بحث از نزدش مرخص شدم و در مکتوب نوشتم که دیگر سوال و بحث نمی کنم این را خواند و خیلی خرسند گشت در ک نمودم که موضوع بخالت است . و فهمیدم که مقصد اش چه بوده است و در این لحظه یادم آمد باری در اداره مطبوعات کرزی کار می کردم، ریفورم ملکی ام به معاش بالاتر صورت نگرفت سرور صالحی پرچمی سابق ورییس قلم مخصوص را که مقرب در بار آقای کرزی است از او کمک خواستم او وقت گرفت و در مورد من به رییس جمهوری چیز های گفته است و جوابش را از زبان رییس جمهور کرزی چنین آورد:

(که کرزی صاحب می گوید در ارگ کار کند معاش خوب می دهم ولی هر چیزیکه می خواهم اجرا کند) گفتم به دلخواه شخص کار نمی کنم هر

چیزی که قانون حکم کند اجرا می‌کنم با شنیدن این حرف بیهوده از نام رییس جمهور به نام کانیداتوری واشتراک در انتخابات پارلمانی ارگ را ترک و 12 سال خود را آواره ساختم پس ندانستم که جناب شرما چه می‌خواهد، شرما از هند است زبان انگلیسی خوب می‌داند و از روز اول اگر برخورد شریفانه و عادلانه جنرال میستون آتسه نظامی هند در کابل و راجکمار خوشم نمی‌آمد و اگر می‌فهمیدم که این قدر بخالت در اردو این کشور حکمفرماست به آمدن راضی نمی‌شدم مرغ شرما همیشه یک لنگ دارد و طوریکه او می‌خواهد کالج باید برقصد.

قوماندان کالج حیثیت امریکا و جناب شرما رول انگلیس را داشته و رهبری کالج جنرالان دوستار مانند ملل متحد اند که از نزد شان چیزی ساخته نیست و یک محصل را نیم روز هم رخصت نمی‌دهند و به هر مشکل فقط شرما و شرما دید گاه من با شرما در مسایل زنده گی کالج فرق دارد، او قضایا را از نقطه نظر اداره، دسپلین محکم نظامی، قوماندانیت و عسکریت و من از دیدگاه استراتژیک، سیاسی و اکادمیک طبق پروگرام کالج و پلان وزارت دفاع در نظر دارم.

او برای حصول مقاصد خود هر چیز را بهانه می‌آورد که برای من مسایل جزئی آنقدر مهم نیست. هدف من تحلیل، آموزش مطالعات استراتژیک منطوقی و بین المللی و تعلیمات اکادمیک بوده، زیرا عضویت اکادمی های افغانستان و تاجیکستان را داشته ام من همیشه با ملاقات های دوستانه و بحث های علمی با هر کس بشمول شرما خرسند می‌شوم البته نه تهدیدات، دسپلین خود سرانه. شرمانزد من در حقیقت زبان قوماندان و زبان حکومت هند است

اما با تفاوت آن که قوماندان در طرح سوالات همیشه متوجه افسران بین المللی بوده و توازن را نگهدارند.

سکریتزر کالج نسبت به مداومین برخوردار چند گانه دارد و در مورد نگارنده خلاف اصول مهمان نوازی و تاریخ مشترک هند و افغانستان در مبارزات آزادیخواهانه از مقام خود استفاده نادرست می کند و هیچگاهی نپرسیده که شما چه مشکل دارید و هرگز روحیه رفیقانه نداشته او وقتی مرا نزد خود خواسته که من برایش مشکل ایجاد کرده ام ، اینکه من چقدر مشکلات شخصی و صحنی دارم سکریتزر را هرگز علاقه مند نساخته است فقط برای سکریتزر سخن نگو، آرام باش و بدون اینکه چیزی را بفهمی در سالون حضور بیاب ، خواب بزن و خواب کردن خود را در یک دو سوال و یا یک دو صحبت گروهی و یا تقدیم راپور سفرها آنها کهنه پنهان کن خودت خواب و چشمانت باز و نقص خود را ابالای دیگران بیانداز، کتاب مطالعه کن ، سوال مکن، بحث مدار و دایما مصروف لب تاپ کوچک ات باش هم سرگروه یک ستار میشوی و هم دوستار و آدم خوب نزد سکریتزر هستی و گاه گاه سلام حق و ناحق برایش بده . موضوع سکر تر به یک داستان تبدیل گشت در فرجام باید نگاشت که قضایاییکه از سکرتر خواهان کمک شدم نه تنها کمک نکرد بلکه حاضر به شنیدن اش نبود عبارت اند از:

- تغییر سفر استراتژییک از مین مار به قزاقستان
- اصلاح ویزه عروس ام با جودیکه قوماندان گفت هیچ اقدام نکرد
- در مورد راجستر خانم نگارنده تا زمانیکه قوماندان نگفت اقدام عملی نکرد و مکتوب را نداد.

- هیچ روحیه همکاری در مورد اخذ ویزه لندن به همسرم نداشت و عوض کمک نماید در جلسات می گفت که سال گذشته افسر اردو افغانستان به حساب ویزه به کانادا پرابلم داشته است
- در مورد شمولیت پسر م با وجود اینکه قوماندان را گفتم هیچ کمک نکرد
- تقسیمات سیت هارا همیشه غیر عادلانه بشمول رهبر شدن در یک ستار و دو ستار نموده و حتی اسم بنده و افسر ایکوادور را در مضمون پنجم نیز فراموش کرده در حالیکه 16 افسر خارجی را از میان 24 تن انتخاب و برخی هارا دو بار و سه بار چانس داده اینکه می دانند و یا نمی دانند مهم نیست.
- تهیه و تقدیم راپوهای سفرها آنهم کهنه و بوسيله افراد محدود هندی و 2 تن خارجی از دول قدرتمند جهان فاقد دانش سیاسی
- سکوت بودنش در مورد خاموش ساختن میگرافون بنده بوسيله یکی از مقامات پولیس بنام بینود کمار
- تحقیقات زیاد پرسونل مربوط اش در رکشا باون در مورد مهمانان افغانی، همصنفان پسر م و حتی 3 اگست برادر زاده همسر م منیر جان را که به دیدن من بخاطر تب و مریضی طولانی ام آمده بود از دروازه اجازه دخول ندادند با انکه پسر م به استقبال اش رفته بود چشم سفیدی هم از خود حد دارد.
- به عده از افسران خارجی بدون مراعات نوبت چندین بار وبه دیگران چانس کم در حالیکه افسران خارجی همه مشکلات زبان انگلیسی و در لهجه گفتار مشکل دارند و کسی از دیگری خوبتر صحبت نمیکند اگر زبان مادری شان هم باشد .

- اینکه یومیه 5 و 10 در صنف حضور ندارد هیچگاه نمی پرسد وهمچنان کسانی وجود دارد بنام عروسی دختر ، عملیات همسر ، فوت پدر روز ها نمی آیند به گمان اغلب آنها تحایف خوب را به سکریترا می آورند
- رفتار متکبرانه و خود خواهانه سکریترا اشتراک کننده گان کورس وبویژه افسران بین المللی و پرسونل مربوط اش را خسته ساخته است
- زمانیکه در محل زیست اش می آید چندین پرسونل اضافی اورا استقبال وبدرقه می دارند وچنان شان وشوکت که گویا فاتح تبت وکشمیر باشد حرکات وسکنات اش بالاتر از جنرال چهار ستار لوی درستیز اردو هندوستان آقای ویکرام سنگ می باشد

سریلانکا سرزمین تاریخی

سپتمبر 2013

ماه دسمبر بتاریخ 8 آن تحت رهبری معاون کالج در امور خارجه محترمه کیا باتیا چاریا گروپ ما عزم سفر استراتیژیک بسوی کشور راون کرد، با توقف از میدان انترنشنل چینائ مانند سفر قبلی خسته کن از نقطه نظر آلوده گی هوا و کثافات سرک های جوار میدان بسوی کولمبو روانه شدیم. از گروپ 16 نفری چهار تن را افسران خارجی از مصر، افغانستان، نیپال و یوگندا تشکیل میداد، جنرال نیپالی خانم خود را همراه داشت. ساعت ها در این فاصله کوچک منتظر و منتظر ماندیم. ما را در سرزمین توریستی به هتل تاج در کنار بحر استقامت دادند، این هتل ساحه بزرگ با تمام آسایش های زنده گی از قبیل جیم بزرگ، تنس کورت، مساز خانه ها، حمام سونا، حوض آببازی و غیره داشت. مهمان دار ما سفیر هند در کولمبو بود. کولمبو خیلی ها زیبا دارای هوای سرد، سرک های وسیع پاک دو طرفه، خانه های طبق نقشه، با پیش آمد گرم پرسونل هتل همچو هومیشه، مونیکا، آشوک و نادیا. رئیس هتل تبعه هند بوده در سراسر هند مالک هتل تاج است. ملاقات نخست در قرارگاه دفاعی اردو صورت گرفت، آنها به زبان های مختلف از ما یاد آوری کرده نقش محوری هند را برجسته و نقشه کشور های مصر، یوگندا، افغانستان و نیپال را بروی خریطه آوردند. ترقیات قطعات اردوی سریلانکا و مشکلات محلی آن را تذکر داده و کار ملل متحد را در تامین حقوق بشر و ضعف محاسبات پولی ضعیف ارزیابی کردند. آنها از انتقال انسان ها، سلاح و تخنیک قاچاق مواد مخدر یاد آور شدند.

تعمیر های کهن سال کولمبو به دیزاین انگلیس بوده. پس از آن طبق پروگرام به قوای بحری رفتیم که قوماندان قوای بحری به صحبت خویش چنین ادامه داد:

سی سال در کشور ما جنگ بود، بزرگترین قوت های تروریستی در اینجا فعالیت داشتن، 32 کشور دنیا از آنها حمایت میکردد، ما جنگ را بردیم صلح و ثبات را آوردیم، علت پیروزی ما را اتحاد قوت های سه گانه زمینی، بحری و هوایی تشکیل میدهد. رهبری جدید و زعامت سالم رئیس جمهور از 2005 به بعد باعث پیروزی ما شد. قوای بحری در قلع و قمع دشمنان توجه اساسی به عدم تحرک حامیان تروریستان در بحر تامین مواد لوژیستیکی به نیرو های زمینی و هوای، حمل و نقل پرسونل و تخنیک قوت های در حال جنگ اجرا کرده است. ما در حال جنگ را بردیم که دشمنان وطن کشتی های کوچک در اختیار داشته، هلیکوپترهای خارجی کمک کرده، با استفاده از این کشتی ها در میان بحر به هر سو میدویدند و وسایل مخابراتی مدرن در اختیار داشته، حرکات منظم اجرا میکردند، عقب نشینی و فرار را گاه هم تعقیب میکردند، گروه های تمیل خرابکار از لندن، آیرلند حمایت میشدند. برایشان مراکز برخی کشور های دنیا پول میپرداخت و از این پول در تبلیغات سیاسی ضد دولت استفاده میکردند. سریلانکا در سال 1915 منحصی یک کشور مستقل عرض وجود کرده، قوت های بحری نسبت موجودیت بحر و محاط بودن سریلانکا اهمیت بزرگ ستراتیژی، نظامی و سیاسی دارد. با هند، چین، روسیه و جاپان روابط نزدیک داریم، این کشور ها علاقه مند استفاده زیاد از بحر هند اند که ما در بین آن قرار داریم. مسایل تجارت، کشتی رانی از نقاط مختلف دنیا بشمول افریقا خیلی عمده است. میان قوای بحری سریلانکا و هند روابط خوب وجود دارد در حقیقت هند قدرت بزرگ حوزه کشتی رانی در دنیا است. ما منتظر نتایج انتخابات سال

2014 هند میباشیم. ادمیرال گفت من از جمله عیسوی مذهبیان هستم که در سریلانکا 70 فیصد هندو ها زنده گی میکنند.



نگارنده 9 سپتمبر 2013 در کنار بحر شهر کولمبو پایتخت سریلانکا
دیدار بعدی از قوماندانی قوای زمینی سریلانکا بود که جنرال یک ستار سخنگو این قوا از فعالیت های تخریب کارانه گروه های آزادی بخش شیران تمیل آغاز از سال 1978 صحبت نمود و از کشته شدن هزاران نفر در جریان جنگ یادآوری کرده و افزود که حملات بالای اهداف اقتصادی، تخریب طیاره ها و تعمیرها صورت میگرفت. تنها در دسمبر 2006 حکومت جدید با مسوولیت های جدید آغاز یافت و در 25 اپریل 2007 به جنگ خامته داده شد.

فکتور های اساسی در قبال پیروزی بزرگ:

- پالیسی درست و رهبری معقول
- مساعی مشترک قوت های رزمی

- طرز استفاده از تکتیک های مختلف
 - پرکتیک، تجربه قومندانیت ها
 - تداوم تمرینات و تدارکات نظامی
 - حمایت مردمی
 - ترقیات اردوی سریلانکا 2009-2013 در شمال و شرق
- ساختار ملی:

برق و پروژه های برق رسانی، زراعت و آب رسانی، راه سازی، اعمار مکاتب و تعمیراتی های دولتی، انکشاف دهات، ترینگ اداره برای جوانان، اعمار هتل ها و رستوران ها، اعمار خانه برای متقاعدین، توجه به تعلیمات، تانک های توزیع تیل، تفریحگاه ها، حوض های آب بازی، پروژه های ساختمانی طبق نقشه حکومت در اعمار منازل رهاشی توجه به زخمیان و معلولین جنگ، تمرینات کندک، تمرینات مقدماتی، تمرینات قرارگاهی، تمرینات سربازان، تغیر چهره کشور از لحاظ ترقیات در تمام عرصه های زنده گی مردم. همچنان از منار شهدا دیدن به عمل آوردیم، قوت های حافظ صلح هند 1600 نفر کشته شده اند، از سال 1981 تا 2010 به تعداد 60000 انسان در این کشور کشته شده اند. حکومت سریلانکا جنوب هند، انگلیس، امریکا، فرانسه و جرمنی را متهم از حمایت گروه های خرابکار می داند. سریلانکا 200000 تن اردو دارد، از جمله 60000 قوای بحری و 60000 قوای هوایی و رئیس جمهور اش در عین حال وزیر دفاع نیز میباشد. دو برادرش نیز وزیران بر حال حکومت اند و برخی ها میگفتند که حکومت سریلانکا حکومت فامیلی است. این کشور روابط خاص با چین و پاکستان دارد، طوریکه در سال 1971 زمان آزادی بنگلادیش از پاکستان میدان های هوایی خود را در اختیار پاکستان قرار

داده بود. روابط، کلچر، زبان، لباس، عنعنات مانند هندی ها است. این کشور در سال 1948 استقلال خود را از بریتانیا به دست آورده است. چهار سال پس از پیروزی ارتش سریلانکا بر شورشیان ببرهای تامیل، رای دهنده گان در شمال این کشور برای انتخاب او لین شورای نیمه مستقل به پای صندوق های رای رفته اند.



**نگارنده با جنرال سریلانکائی و جنرال موهن بابو افسر ارتش هند
10 سپتمبر 2013**

پیش بینی شده که اتحاد ملی تامیل، مهم ترین گروه مخالف، اکثریت آرا را از آن خود کند.

گفته شده تأمیل های ساکن این منطقه که سال ها در انتظار صلح و ثبات هستند، این انتخابات را فرصت مناسبی برای رسیدن به آرزوهایشان می دانند.

مناطق شمالی سریلانکا زمانی پایگاه شورشیان بیرهای تأمیل بود. گروه بیرهای آزادیبخش تأمیل که در سال 1976 تأسیس شده، خواستار جدایی مناطق تأمیل نشین در شمال و شرق این کشور و ایجاد کشور مستقل در این مناطق بودند.

بیرهای تأمیل از سال 1983 عملیات خشونت آمیز از جمله بمب گذاری، آدم ربایی، ترور، عملیات اتحاری و حمله به مراکز دولتی را برای دستیابی به هدف خود در پیش گرفتند و نیروهای این گروه بخش هایی از مناطق شمال و شرق سریلانکا را عملاً در اختیار خود گرفتند.

از اواخر دهه 1990، نفرات مسلح بیرهای تأمیل توانستند با تحکیم موقعیت خود بر برخی مناطق عملاً نوعی دولت خود مختار در شمال سریلانکا ایجاد کنند. در سال 2006 ارتش سریلانکا به حملات گسترده ای علیه مواضع تأمیل ها دست زد و توانست به تدریج بخش عمده ای از مناطق تحت تسلط آنان را در اختیار بگیرد. این درگیری ها در سال 2010 میلادی با شکست کامل بیرهای تأمیل پایان یافت. علاوه گی ها در مورد سریلانکا:

- بطور رسمی بنام جمهوری سوسیالستی دموکرات سریلانکا یاد میشود
- مرکز اصلی: سری جایاواردناپورا
- مرکز تجارتي: کلمبو
- کود تلففونی: 94
- واحد پولی: روپیه سریلانکائی

- سرود ملی: سریلانکا ماتها
- نفوس: 20.87 میلیون (2011)
- زبان های رسمی: سنهالا، تمیل
- مساحت sq km65.525
- بودیزم، هندویزم، مسیحیت و اسلام موجود است
- قانون های رومان-جرمن، قانون انگلیس، اسلامی، کانديان و تساوالامی
- صادرات: چای، رابر و نارپال
- فابریکه های جامه و تولید روشنائی
- کاگر های مراکز شرقی
- 40% از منبع برق آن آبی میباشد
- 50-60% از انرژی از تیل چوب



نگارنده با آتسه نظامی هند در سریلانکا 11 سپتمبر 2013

دولت

سريلانكا يك جمهورى دموكراتيك بوده و يك ايالت واحد ميباشد كه توسط يك سيستم شبه جمهورى اداره گرديده كه از سيستم هاى رياست جمهورى و پارلمانى تشكيل گرديده است. رئيس جمهور سريلانكا در راس ايالت، قوماندان قواى مسلح، همچنان در راس دولت بوده و توسط انتخابات براى مدت 6 سال انتخاب ميگردد.

امار نفوس

مجموع نفوس: 20 مليون

تراكم نفوس: 323 بر كيلومتر مربع

ميزان رشد: 0.913%

سنهالا: 74.9%

تميل هاى سريلانكا: 11.2%

تميل هاى هندى: 4.2%

مورها: 9.2%

اقتصاد

عوايد خالص محصولات داخلى سالانه به مبلغ \$59 بليون به اساس سال 2010 بوده است. اين کشور صاحب GDP يا محصولات خالص داخلى به مبلغ \$116 بليون به اصطلاح تعادل توانائى در خريد دارا ميباشد. سريلانكا بعد از مالديوز در آسيا جنوبى به اساس عايد سرانه قرار داشته، با ارزش 2.877 و با تعادل توانائى خريد \$5673. و رشد 8.7% در

محصولات خالص داخلی آن در سال 2011 قابل ذکر است. مسوول خارجه کشور سریلانکا در مورد سیاست اقتصادی بیان داشت که بازار آزاد در سریلانکا مروج گشته و ما از مشکلات اقتصادی و امنیت بین المللی برخورداریم سریلانکا تهدیدات و مداخلات زیاد را در سی سال از جهان و منطقه دیده است. در حوزه بحری مساعی مشترکه میان سریلانکا، هند و مالدیوز از اهمیت خاص برخوردار است. ما به سه چیز امنیت، سیاست و اقتصاد توجه داریم دفاع ملی و اقتصاد آزاد میسندیم با وجود فشار کشور ناروی بالای حکومت ما توانستم صلح را تامین نمائیم.



فوتو با کارمندان هتل تاج (پنج ستار) در شهر کولمبو محل اقامت گروه

در حین اینکه تولیدات و صادرات چای، رابر، قهوه، شکر و بعضی از محصولات دیگر بسیار مهم باقی ماندن، صنعتی سازی اهمیت پروسس غذا، منسوجات، مخبرات و مالیات را بالا برده است.

سکتور های مهم اقتصادی این کشور عبارت اند از توریزم، صادرات چای، پوشاک و تولیدات برنج.

استخدام های خارج از کشور شریک مهم است در قسمت تبادل اسعار خارجی، اساسا از خاور مرکزی.

سکتور سرویس 60% GDP را تشکیل میدهد، همین طور بخش صنعتی 28% و زراعت 12% را تشکیل میدهند.

سکتور خصوصی 85% اقتصاد این کشور را دارا میباشد. هندوستان بزرگترین شریک تجاری سریلانکا میباشد.

فکتور های ملوک الطوائفی

- نقض قانون اساسی.
- تسلط خانواده گی در احزاب سیاسی.
- موضوعات کرامت انسانی و حقوق بشر.
- رفتار و گرایش دولت با شهروندان استثمار گرانه .
- فساد ویعدالتی .
- ارگانهای عدلی بطور کافی پاسخگوی نیازمندی های مردم نمی باشد.
- تحصیلات ، مسولیت ، افکار مستقل

فکتور های تساوی گرای یا Equalitarian

- خبرنگاری، تکنالوژی معلوماتی و سفر – ارزش های مدرن
- تعلیمات رایگان.
- اشتراک در محافل بین المللی.
- تلاش در استفاده از زبان انگلیسی.
- پائین آمدن تاثیرات محافظه کاری جنبه بودیزم.
- ازدیاد تشکیلات غیر دولتی برای حقوق بشر.

موضوعات اندو – سریلانکا

- آزادی بعد از جنگ و احیا مجدد.
- سیزده و مین بار تجدید قانون اساسی.
- حقوق ماهی گیری.
- همکاری دفاعی، تمرینات، گفت و شنود های سالانه دفاعی، تدارک دفاعی.

سفر های اخیر و نتایج تحصیل ماهای اکتوبر و نومبر 2013

زمرمه ها و تبصره های سفر های اخیرین از 2 ماه بدینسو ورد زبانها گشت ، من تازمانیکه در روز صحبت لوی درستیز ارنش هند جنرال چهار ستار بیکرام سنگ تکت را بدست نیاوردم خاموش بودم .سفر بحری یک تعداد به 20 اکتوبر آغازگردید برخی هی بوسیله ریل وعده ای توسط طیاره .روز یکشنبه 20 تا 27 یکشنبه دیگر را انتخاب کردم، تعین محلات سفر وباز دید ها در گروپ 24 نفری که لیدر مان فرست ادمیرال محمد ادیب از کشور مالیزیا است برمبنای قرعه صورت می گیرد، این بار سفر هوایی ما در اگره افتید وسفر کلیه اعضای کالج در سیر بحری به ممبی و گوا وسفر قوای زمینی ام به کشمیر تطابقت کرد مانند انگلستان وزیمبابوی افریقا .

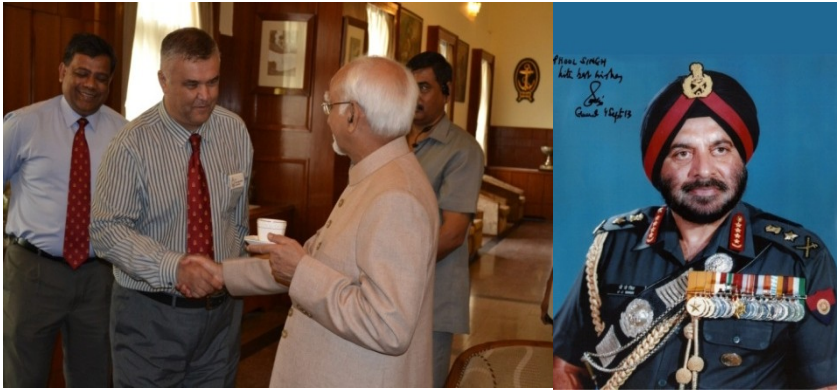
درحیات کالج پس ازسفر سریلانکا که بار دوم جهت بازدید پسر بزرگم که سخت مریض گردیده بود ومدت یک ماه را در شفاخانه سپری کرده بود با استفاده از ویزه چند مراتبوی به لندن سفر کردم انهم به طیاره گلف رفت وآمدودر بازگشت یکجا با همسر وباز دیدچند ساعته از کشور بحرین که این بار از پروگرام 20 سپتامبر کالج که محفل با شکوهی بوده است محروم ماندم زیرا 21 سپتامبر رسیدم .من این بارمانند گذشته درلندن چندان مورد استقبال قرار نگرفتم از یکطرف خسته بودم ازجهت مریضی پسر واز سوی دیگر انتظار جواب تلفون هارا درمیدان داشتم که اکثریت اش خاموش بوده نه جاوید خرم، نه نوید خرم ونه غیاث خرمی جواب دادند، یک ساعت منتظر در میدان که لباس نازک درتن داشتم ماندم وسر انجام پسر مریض مرا به منزل اش برد که واقعا در مسیر راه از راننده گی اش ترسیدم که هر طرف

موتر از نزدش می رفت چون از شهر لندن بیرون بسوی ولایت کنت می رفتیم خطر کمتر محسوس بود در این مدت کوتاه سفری به مانچستر داشتیم که خلاف اراده برخی از اقارب ساز ماندهی کردیم چون وعده ان از دهلی داده شده بود و تنها الحاج شفیع الله خرم مرا همراهی کرد دیگران گرچه مصروف هم چندان نبودند حتی یک روز هم از همراهی مان ابا ورزیدند محمد امین خرمی، خانواده و دوستان شان در مانچستر مدت دویوم از ما استقبال گرم کردند نقاط مهم و دیدنی مانچستر را به شمول دانشگاه قدیم آن که در سال 1824 اعمار گردیده، تماشا و فوتوهای لازم از محلات زیبا و دلکش این شهر باستانی که به وسیله بس رفت و آمد کردیم برداشتیم آنچه در خاطرات همیشه باقی مانده است پس از گشت و گذار نظر مان به یک محل در یک مسجدهی افتید که بنام مسجد جامع احمدی مسمی بود فکر کردم این مسجد دارالامان تعلق افغانهاست در حالیکه موذن پاکستانی بنام ضیا الحق که با هم انگلیسی صحبت کردیم گفتم جنرال ضیاالحق هستید، گفت مسلم سنی پاکستانی ام اما نام ضیاالحق را نگیرید او انسان خبیث بود. دیگر به بحث ادامه ندادیم. واقعاً همه مان خود را در محیط مسجد زیبا، پاک، با آب و هوای خوب در کنارش باغ پر از درختان سیب وضو گرفتیم و نماز ظهر را با تمام نیت قلبی و صفا دل ادا کرده و رخت سفر را بسوی لندن بر بستیم. این پاکستانی از پاکی، ریش مقبولش و نهایت ادب و احترام و حفظ و نگهداری مسجد خوشایند ما گشت. در محلات پاک و زیبا انسان را خوشایند است که دایما مصروف عبادت باشی.

تسهیلات خوب انسان را به خداوند نزدیک میسازد، علم و جهان گردشی بيش وسيع را میسر ساخته توحيد و یکتا پرستی را خیلی ها تاکید میبخشد.

5 اکتوبر در کالج محفل با شکوه برگزار شد این دو ماه اکتوبر و نوامبر شامانه پی در پی محافل برگزار میگردد. گروپ های محصلین برنامه های خوبی تفریحی ترتیب و به معرض نمایش قرار دادند و بتاریخ 12 اکتوبر قوماندان کالج وایس ادمیرال سنیل لمبا (دگر جنرال) همه را در خانه کالج (NDC HOUSE) در COCKTAILS دعوت کرد و پذیرائی گرم نمود. در روز 14 اکتوبر جناب حامد انصاری معاون رئیس جمهور هند صحبت با ما داشت در جریان تفریح با جنرال خالد اقبال بنگلادیشی او را ملاقی گردیده و سلام دادیم او با گرمی از دو افسر مسلم استقبال کرده علیک گرفت او در سالهای 1989 تا 1990 سفیر افغانستان و از 1990 تا 1992 در ایران سفیر بوده چند جمله فارسی با من حرف زد که باعث حیرت قوماندان و رهبری کالج قرار گرفت و چشمان سکرتر از جرات نگارنده شرم آور به نظر میرسید اما در صحبت اش امروز سوال نکردم. 17 اکتوبر در پای صحبت جنرال 4 ستار لوی درستیز ارتش هند و کرام سنگ نشستم، از 10 بجه تا 1:30 صحبت و به پرسش ها پاسخ داد او مرد آرام، خیلی با حوصله، خوش برخورد و صادق در مسایل افغانستان و شامانه ما را در خانه اردو (ARMY HOUSE) دعوت نمود در جریان تفریح با افسران خارجی طور جداگانه معرفی گشت. در محفل شبانه نگارنده را به همسرش معرفی نمود من از کمک های وزارت دفاع هند در تعلیم و تربیه جوانان افغانستان اظهار تشکر کردم و گفتم چون شما به جولای 2014 موقع اساس به تقاعد میروید اردوی افغانستان به کمک نظامی هند علیه تروریزم ضرورت دارد او گفت هر کی بجای من مقرر شود ادامه دهنده راه نیکی و دوستی با افغانستان خواهد بود.

در هنگام صحبت اش زمانیکه نوبت سوال به من رسید قوماندان امر داد تا تمام مایک ها خاموش شود و گفت من کسان را که باید سوال کنند دعوت میکنم. او محترمه راسیکا، جوشی و جنرال رضوان را که آماده گی نداشتن به سوال کردن دعوت کرد و همچنان فرد خودخواه دیگر از ساحه پولیس بنام اجی پتناگر را دعوت کرد که موصوف با چند شوخی و ناز نخره سوال خود را مطرح ساخت



جنرال چهار ستار بکرام سنگ لوی درستیز ارتش هند، نگارنده با محترم حامد انصاری معاون رئیس جمهور هند اکتوبر 2013
 جنرال وکرام سنگ مرد مزاح طبع به سوالات رنگارنگ پاسخ دادونقاط اساسی صحبت اش این بودکه اردوبایدسیاسی نباشدوسیاسی بودن افسران اردوبه نفع مردم نیست اردودرمسائل سیاسی بی طرف است ومصروف وظایف اصلی،دفاع ازکشوروتامین صلح وامنیت بوده وتوجه اساسی اش درجهت مبارزه علیه تروریزم ودهشت افکنان میباشداین است استراتژی نظامی وساختاراساسی آن جهت تامین امنیت ملی درهند.

موصوف از دسپلین، نظم و نسق، بخشیدن مورال و معنویات به سربازان، اداره و رهبریت بهتر قطعات سخنان زیادی میگفت و برای نگارنده توجه بیشتر نمود که باعث رشک تعدادی زیادی هم صنفان میگشت من به لوی درستیز اردوی هندوستان در مورد سلب رتبه جنرالی ام در وقت تفریح سخنی چندی گفتم:

زیراوی پرسید از کدام مدت دگروال هستید؟؟

گفتم از سال 1989 و وی وعده داد چون شما سوالات خوب نمودید من با آقای شیرمحمد کریمی صحبت میکنم تا به شماره تبه جنرالی اعطا فرماید، در روز مهمانی در منزل اش قوماندان کالج ماوایس اد میرال (جنرال سه ستار) سونیل



لمبادر مورد صحت و سلامتی پسر ام احمد فرید که در این او اخر در لندن به تکلیف دماغی عصبی مبتلا گردیده پرسش به عمل آورد، که واقعا "از نزدش خوش شدم. زیرا این اولین بار است که در طول 10 ماه از مشکلات شخصی نسبت به

من پرسیده میشود در حالیکه بر خورد اکثریت افسران و رهبری کالج فورمولیته و تشریفاتی است بیشتر شکل رسمی و سیاسی دارد از صفائی قلبی ناشی نمیشود اما عده محدودی بودند که دل سوزانه و آگاهانه میپرسیدند، اما اکثریت چنین روحیه رانداشتند خصلت خودپرستی و مطلب آشنائی در وجودشان برجسته بود در هندوستان در هر مسئله جدی و مصمم بودن بهتر است زیرا سایکلوژی این مردم چنین است، لودی ها و سوری ها، بابریان، غوریان و انگلیس ها این ها را همیشه غلام و برده نگه داشته اند، برده و غلام اگر چانس آمریت دریافت کند از چوکات خارج میشود.

حامد انصاری یک شخص آرام، قد کوتاه موهای سرش همه سفید و دارای ریش فرانسوی، هندوستان کشور عجائبات است، صدر اعظم و لوی درستیز بالونگی های سیکی از مذهب سیک که بنام سرداران مشهوراند رئیس جمهور از اهل (هنود، هندوویزم)، حامد انصاری معاون رئیس جمهور و سلمان خورشید وزیر امور خارجه از مسلمانان. اینجا نیز امریکا تقسیمات قومی را تطبیق کرده است.

انصاری نیم ساعت صحبت کردونیم ساعت به چند سوال محدود پاسخ داد، جای کافی نوشید در کتاب خاطرات کالج چیزی نوشت و به دفتری کاری اش برگشت.

دربازی باردوم ستراتیژیک از 9 تا 11 اکتوبر با وجود که خالد اقبال جنرال بحری بنگله دیش خود را همسایه و دوست نزدیک نگارنده می حسابد چانس صحبت بنده را که هرش گپتا با تاخیر طرف مادیدبه سنجی شرما و اگذاری کرد، از این خصلت و دوریه گی این مسلم بنگله دیشی خوشم نیامد دو جنرال سریلانکائی در منزل دوم و همسایه گی زنده گی دارد آنها روحیه ضد هندی

داشتند که ناشی از پشتیبانی حکومت هند در جنگهای داخلی سریلانکا و حمایت ایالت تمیل نادواز گروه جدائی طلبان شیران تمیل بوده است اما جنرال سانه پریاکه مسلک اش تانک است در روزبازی ستراتژیک با وجود موضع ثابت قبلی اش به یک باره گوی به چنین سخنان چاپلوس مابانه پرداخت :

کشور ما بدون همکاری هندهیچ چیزی را انجام داده نمی تواند اما نگارنده چنین گفته ام :

دوستی با هند بهتر است ، اگر شما بدان علاقه مند نباشید ما میتوانیم با ایران ، آسیای میانه ، روسیه و چین که در همسایه گی زیست داریم روابط بیشتر تحکیم نمائیم ما با هر کشور میتوانیم کنار بیاییم . با شش کشور سرحد داریم خدا اگر بحری بزرگ نداده ، دریای آمو ، معادن و میوه جات فراوان داریم ، دردیگر مسائل موافق بودند اما با اظهار نام چین هندی ها تحریک شدند .

رهبربازی ستراتژیک که از وزارت دفاع هندتوظیف شده بود به نظر من توافق کرد ، من در این بازی سمت وزیر خارجه افغانستان را داشتم این نقش را خیلی خوب اجرا کردم موضع افغانستان را چنین بیان کردم : کشور ما آزاد و مستقل است ، تحت شرایط بدون قید و کور کورانه سایر کشورها بدون مشوره با مردم قرار نمیگیرم آزاد ، مستقل ، بی طرف ، فعال و مثبت هستیم از این موضع با هر کی دوستی و سر صحبت و توافق را باز میکنیم ، وسیله شده از خاک خود تجاوز بالای همسایگان را اجازه نمیدهیم و تهدیدات را از هر محل و هر جای که باشیم محکوم میداریم .

ماملت آزاده ، سر بلند و دارای تاریخ کهن ایم چون تاریخ و قدامت زیادی داریم هر مشکلی بیاید ، تحمل میکنیم ممریم و دوباره زنده میشویم ولی هرگز نابود نمی شویم ، ما تاریخی داریم که کاکا برادر زاده و برادر . برادر را بخاطر

قدرت کشته است اما در برابر دشمنان خارجی یک بار اگر متحد شویم دیگر دشمن مجال حیات را در کشور ما ندارد ما همیشه جنگ ها را برده ایم ولی در سیاست رهبران ماضعف ها داشته اند و بازی هارا از راه دیپلوماسی اکثرا" باخته اند.

سکندر، چنگیز، تیمور، انگلس ها و روس ها، پاکستانی ها و غربی ها در وطن ما اقامت کرده نتوانستند بدین ملحوظ قوت های ناتو جنگ را در مبارزه علیه تروریزم در افغانستان باخته اند و نمیدانم پس از خروج شان در سال 2014 میلادی با کدام دست آورد و پیامها به مردم شان به کشورهای اصلی شان برمیگردند. آمریکا، انگلیس و 48 کشور اعضای ناتو بدون پرسش از مردم افغانستان و فیصله لویه جرگه به بهانه برافغانستان تعرض کرده اند و 12 سال عمر شیرین و عزیز جوانان وطن ما را ضایع ساخته اند و به صدها بدبختی و نا اتفاقی با تطبیع ساختن مشت انگشت شماره 25، 0 فیصد جامعه را تشکیل میدهد و تعداد شان بیشتر از 2000 انسان نیست بالای 30 میلیون دیگر حکم روائی دارند آنها به مشوره چند نفر محدودی منفعت جو افغانی داخل خاک ما گردیده اند رضایت خداوند و مردم افغانستان نبود مردم هوشیار و فعال هرگز قوت های نظامی خارجی را نمیبند یرد زیر اکشورات به کنترل خودت نمی باشد افغانستان از سال 1979 تا کنون حضور نظامیان و تسلط اجنبیان را دارد .

سفرهای مرتب و تنظیم شده کالج، آسایش در محل زیست، درهنگام سفر در بهترین هتل ها در خارج و داخل که بنام پنج ستار مشهور است در نصیب ما بود. اما در اطراف اش مردم گرسنه و در سرکها می خوابیدند.

بسیاری افسران هندی متاثر بنظر میرسیدند که این همه اجناس و لوازم راهنگام فراغت که منازل برخی شان به مثابه گالری های ملی و موزیم های افتخاری

است چگونه جمع بندی و انتقال دهند زمان که به وظایف دیگر استخدام میشوند زیرا کورس روبه اختتام است هر روز پارتی و تیم دادن بالای 24 افسر خارجی بود، محافل رنگارنگ در کالج، رکشاپاون و در سفارت خانه ها و در سطح رهبری نظامی و ملکی هند، برای این هم صنفانم (درسی، تفریحی، سیر و سفرها، بازدیدها ملاقات ها و همه و همه) جدید به نظر میرسید. از طرف کالج به هرافسردوخانم تحت عنوان آشپز و کالاشو، صفا کارتووظیف است که معاش آن از طرف افسر پرداخته میشود چون روزهای اخیر کالج است این هر دو موظف به افسر افغانی که مینا و مهیانام داشتند اولی 1800 و دومی 470 روپیه هندی معاش باید اخذ نماید ولی نگارنده به حساب عیاری افغانی 2000 دومی را 500 معاش داده و بعد از یک ماه 500 اضافی بخشش میدادم زیرا بسیار غریب بودند در مراسم ملی و مذهبی هر دو کشور چشم سفیدانه از من تحفه میگرفتند ولی هر دو تنبیل بودند و هرگز غذای به دلخواه خودم آماده نکرد هر چند میگفتم باز هم غذا راتلخ را آماده میکرد به جنجال شدم آخر گفت من هندوستانی هستم دستانم به پختن غذای شیرین افغانی و پلو عادت ندارد به هر نوع گوشت بدون گوشت مرغ حساسیت نشان میداد.



کتابخانه رکشباون مسئولین کمپیوتر، کتابخانه های کالج بی مزه گشته است، تایم حرکت و بازگشت بس دقیق نبوده و زود تغیر میخورد ما عساکر آماده باش هستیم، کمپیوترهای کتابخانه رکشباون که مسئولیت آن را صوبه دار پاتک عهده داراست همه را ویروز گرفته است که هنگام ضرورت باچاپ اسناد ضروری و لازم فلش هارا به ویروز مبتلامیسازد، کمپیوترها خراب میشود، چینلهای تلویزیونی دائم فعال نیست مصروفیت اضافی مارا ترمیم فلش و کمپیوتر تشکیل میداد. عدم حاکمیت شخصی بالای این وسائل و نبود تسهیلات چنان خسته شده ام که روزشماری میکردم تا هرچی عاجل کابل بروم از یک طرف پسر م که به زبان انگلیسی مهارت داشت نیز به کابل برگشته بود وی همکار خوب در اجرای کارهای خانگی ام بود. ناپلیون و سکندر برحق بودند که ازامتحان میترسیدند در سن و سال نگارنده تحصیل مشکل آفرین است، همه چیز در جوانی تا 40 سالگی لذت دارد، از 40 سالگی تا 60 سالگی ایام کار و خدمت و از 60 به بعد استراحت و 5 تایم حضور در مسجد دادن مصلحت های قومی و حل مشکلات خانواده ها تا هنگام مرگ.

15 یوم میگردد برای خود فیسبوک گشاده ام، فیسبوک مراسم ساخت مصروف ساخته بود. کار در فیسبوک از یک جهت خوب است که هنگام انتخابات برخی رهنمائی ها به دوستان و همشهریان شده میتواند، شنیدن نظریات دیگران نیز مهم است ولی فیسبوک اصلاً "برای آدمهای بی کار است نه برای کسانی که مصروفیتهای جدی دارند مانند نگارنده.

فیسبوک در مهاجرت و در هنگام تقاعد وسیله خوبی ارتباط با دوستان و اقارب است. سرانجام 20 اکتبر به سوی شهر پرنفوس و مشهور ممبی بس از دو ساعت پرواز رسیدیم که از فضا حین تقرب به میدان هوائی ممبی مشاهده نمودیم که

خانه های نزدیک به میدان مانند سایر شهرهای هند غربیانه و مخروبه بوده که اهالی زیست داشتند در داخل شهر کمپنی های خصوصی زیادی فعالیت دارد و اکثریت هنرمندان مشهور هندوستان در این شهر زندگی دارند، تعمیرهای بلند منزل زیاد دیده میشود شهر ممبی بسیار مزدحم است و ما در هتل پرینت موقعیت داریم که مربوط کمپنی تاج است در عرض راه در سرکهای عمومی اطفال را بار اول دیدم که کاملاً برهنه در روی سرک خوابیده اند ، افسران هندی در کنار بحر (درگاهی حاجی علی) که نام یک مسلم است نشان دادند که صد هاتن به این درگاه رفت و آمد داشتند.



21 اکتوبر تمام افسران کالج ورهبری ملبس با یونیفورم نظامی با زهم کمی تاخیر به سوی قرارگاه قوای بحری غرب هند آمدیم تادرپای صحبت مسئولین نشسته و پروگرام دوروزه را تطبیق و 23 اکتوبر به وسیله کشتی ها آن همه با یونیفورم به سوی گواحرکت کردیم. همه دریشی عسکری تابستانی دارند و از اینکه دریشی تابستانی ام خوشایند پوشیدن نبود با این همه گرمی های طاقت فرسا مجبور شدم تا دریشی زمستانی پوشیدم. افسران پرسیدند: چرا دریشی شما با دیگران فرق دارد؟ به جواب گفتم 20 سپتمبر تیم دریشی تابستانی ما به حساب اردوی افغانستان ختم گردید و من بخاطر رعایت دسپلین عسکری اردوی افغانستان مجبوراً زمستانی میپوشم در حالیکه حقیقت چنین نیست.....

سخنگوی قوموقعیتهای قرارگاهی خود را در چهاراستقامت ممبی، کوچی و غیره تشریح کرد و در مورد تدابیر امنیتی قوتهای بحری شان مسائل مهم را در گجرات، کرناٹاکا و گوا بیان کرد و همچنان سایر محلات را بمبئی شهر پرتعفن بوده مارکیتها و دکانهای کنارجاده فراوان وجود داشت اما فضای آن تنگ و شهری پر از کثافات از دوشرکت: شرکت دولتی ساخت کشتی ها با تکنالوژی عالی که انجن و سامان آلات آن از کشورهای گوناگون چون استرالیا، ایتالیا، جرمنی و فرانسه وارد شده و بسته بندی آن در هندوستان صورت میگیرد این مهارت از سال 1947 آغاز و بعد از 1961 به فعالیتهاى عملی کشتی رانی آغاز میشود عملیات کشتی های بحری در جنگ پاکستان علیه بنگله دیش در 1971 آغاز شده ناگفته نباید گذاشت که در سال 1970 اتحاد شوروی در مسائل کشتی سازی و تحکیم قوای بحری این کشور را کمک کرده است سال 1987 به کمک روسیه تولیدات مستقل خود را هند آغاز نموده است در این دوروز با وجود که تلفون همراه روابط مرا

با افغانستان و لندن قطع کرده و ناراحت هم هستیم اما فعالانه به تحقیقات خود ادامه میدادم شب گذشته تمام 120 نفر مهمان قوماندان قوای بحری بودیم.

ما محل آماده ساختن و تیار کردن کشتی های بحری رادرمقیاس بزرگ و کوچک با کارخانه جات و تمام شایهای آن دیدیم، روز دوم بخش اساسی فعالیت مان را بازدید ترمیم خانه اساسی کشتی های ممبی تشکیل میداد که اطاق کنترل، اطاق افتخارات و محلات ترمیم اساسی و کوچک کشتی هارابه شمول حالات ایمرجنسی تشکیل میداد، تاریخچه کشتی رانی و استفاده از برق در زندگی مردم هند از قرن 15 (1585) آغاز گردیده و آهسته آهسته پیشروی کرده است در ابتدا ساده و بسیط و بعداً در حاکمیت 200 ساله انگلیس ها و حکمرانی مغولیان از 1526 تا 1857 ادامه پیدا میکند. انگلیس اولین بار کمپنی شرقی خود را در ممبی، تمپلنادو، و کلکته که پایتخت اولی هندوستان است افتتاح و تاسیس گذاری کرده است محلات مهم شهر ممبی بنام مرین درایف که دارای جاده های بسیار وسیع، پاک و واقع در کنار بحر که اکثر ارقص و شوت های فلم های هندی در همین جاسورت میگیرند در سمت مقابل آن مردم مهم و قهرمانان سینمای هند زندگی دارد دروازه کهن سال هند در ممبی که در مقابلش هتل مشهور تاج که سال 2006 مورد حمله و انفجار قرار گرفت خیلی محل زیبا و دیدنی است.

منزل و تعمیرات بمبی خیلی قدیمی مانند مسکو کهنه میباشد اما این محلات سرسبز و شاداب نیز تعفن بحر را به مشام میرساند که چندان خوشایند نیست. باسپری کردن سه شنبه شب رخت سفر به سوی Kavar برداشتیم که مربوط ایالت کرنا تا کا بوده که پایگاه قوای بحری جدید ساخته شده شب رادرا راه

داخل کشتی بایونیفورم سپری کرده و تاریخ 24 اکتوبر به این پایگاه رسیده بایک توقف کوتاه سیر حرکت به سوی گوا گشت دوروز باز دید گشت و گذار جالب بود هوا اش نسبت به دهلی گرم غذای آن چرب در صورتیکه گردش صورت نگیرد سردردی و گرده دردی رابه بارمی آورد.

شب از ترس وقت برخواستن نا آرامی از ناحیه گرده درست نخوایدم همه به تایم معین به سوی بحرو کشتی ها آمدیم و این 100 نفر تحت رهبری 20 جنرال به کشتی های مختلف تقسیمات شده و بگاژمان را تسلیم شدند کشتی مربوط گروه ما Aditya نام داشت این کشتی 5000 انسان را انتقال میدهد و



24500 تن وزن دارد بار اول در کین مستقل که در رأس ماتورن جنرال سنجی سرن و دگروال سمیر قرار داشت که قوماندان کشتی پس از استقبال گرم نموده و راجع به کشتی با پرسونل اش معلومات مفصل داد این کشتی تاتنگی هموز فعالیت های اجرا کرده ، اموال و کارگورا به بنادر مختلف هند انتقال داده و 7500 تن کارگورادریک وقت انتقال میدهد.

الماری لباس، سطل کثافات، دستمال وسامان آلات حمام و تمام شرایط لازم در کشتی وجود داشت در این کشتی 20 افسرو 200 تن سرباز مصروف خدمتگزاری اند، این بار جنرال اناوند که شش سال در قوای بحری ممبئی خدمت کرده سخنگو و رهبری کننده بود در سفر قبلی تمیل نادو دی. آی. جی سورش کمار مارا هر طرف سرگردان ساخت، در سفر سکیم آقای تراپاتی اکتها بیجا زیاد داشت.

اماسفرتنهائی 24 افسرخارجی خوبتر از همه بود در حالیکه ادمیرال اول محمد ادیب مالزیای در رأس قراردادش هر روز وظایف خود را هر کدام اجرا می کردیم رهبری دسته جمعی بود و سفر خیلی خوشایند و بدون رنجش. در سفر گوا قوماندان کربند و مسئولیت داشت وی مواظبت خوب از گروه نمی کرد از یک طرف تمام اکادمی اداره آن مشکل به نظر می رسید هرچی باشد در هر جای به ویژه امور نظامی بیشتر جنبه نمایشی دارد مانند لپتابهای توزیع شده کالج که بدون از ذخیره عکس دیگر چندان مفید نبود در کابین کشتی مشکلات از قبیل نبود ذخیره آب، قطع شدن برق، و عدم فعالیت تلویزیون محسوس بود.

جنرال بالا وداس افسر بحری ممبئی و همچنان رئیس ارکان آن قوا (ریدا میرال) به من وعده ملاقات با امیتا بچن و دلیپ کمار (یوسف خان) را دادند اما مانند همیشه نیز دروغ گفتند و کدام کاری را اجرا نکردند مانند محمد غفران از مسلمانان این شهر که در یورت کسی بود محلات جالب و قابل دید را نزدیک و آسان نشان میداد اما بخاطر دریافت پول بیشتر به جاهای دور خلاف توقع بنده گشت و گذارداد از این عمل چالا کانه اش خوشم نیامد و من نیز او را جزا دادم یعنی کرایه اش را نیمه پرداختم.

دکانهای بیشماری در جوار هتل موقعیت دارد اما نرخ ها بسیار بلند است خصوصاً خارجی اگر بخواهد چیزی را خریداری نماید. از بالای بحره سوی کاردار میرویم (250) میل معادل (500 کیلومتر) فاصله دارد این کشتی سال 2000 ساخته شده سامان ولوازم آن از جرمنی وارد گردیده و در آن 200 تن سرباز مصروف وظایف امنیتی، پاک کاری و صفائی و بارگیری اند این کشتی در این فاصله مصرف زیاد دارد اما چون پلان وزارت دفاع هند جدی است این کشتی اساساً بخاطر جنرال نیپالی و دگروال اردوی افغانستان پلان شده است.



آخرین برج کشتی جریان غیرمستقیم بحر هند را که مناطق کریلا، گوا، کرنااتاگا، تمیل نادو، گجرات، ممبئی و بنگال را دربر میگیرد خوشایند است کاش صاحب صلاحیت میبودم از آمودریا کشتی میساختم اگر کشتی کوچک هم میبود فرق نداشت کشتی سازی از پروسه ساده به انتهای مدرن رسیده است امروز ساخت کشتی های هندی در رقابت با روسیه و کشورهای اروپائی قرار دارند به صد های کشتی تحت البحری same marian وجود دارد که

زیر آب میروند گاه هم در سطح آب مانور اجرامی کند کشتی تحت البحری که تعداد زیادی داخل بحر حرکت میکند هر کشتی از خود نمرات واسم های جدا گانه دارد مانند A61.012.D52 و غیره دارد کشتی ها بنام مونث اسم گذاری میشود اولین کشتی ارجون نام داشته و امروزتانکهای زیادی هندوستان بنام ارجون یاد میشود که تماشای همه آن دلچسپ است تا عمر 55 سالگی در چنین کشتی بزرگ سوار نشده بودم.

Commander در لفظ بحریان معادل گروه کپیتان هوایی و دگروال زمینی است این کمندور از شمله محلی است که آقای کرزی از آنجا ماستری بدست آورد نامش بیم بیگ است انسان خوش طبع و خوش برخورد.

تمام ساحات کشتی را به شمول پروازهای هلی کوپتر و حرکات هشت کشتی مشابه در دو جناح ما مشاهده کرده هلی کوپتر نزدیک سطح بحر پرواز میدارد و حتی عادی ترین چیز را میبیند، کشتی که مادر آن سوار بودیم در عرض راه از عقب یک کشتی و از جناحین دو کشتی دیگر رادیزل داد بعد از آن که در کاروار ما را پیاده کرد به استقامت دیگری وظیفه اش رفت کشتی های تحت البحری را بنام شان قول یاد می کردند.

کشتی گروه ما 172 متر طول و 23 متر عرض داشت در کشتی فقط ما 9 نفر و پرسونل خود اش و دیگر نه مسافری داشت ونه کارگو.

در فاصله (500) کیلو متر از ممبئی تا کاردار تنها در یک طرف (30) تن دیزل که هفت لک و چهل هزار که تقریباً چهل هزار دلار آمریکائی میشود به دو افسر خارجی مصرف شده و هندی ها به آن بلد بودند در مورد مصرف با قوماندانی کشتی شوخی زیاد کردم که اگر سهم بنده را مبلغ 20000 دلار نرفته میپرداختید از نزد شما خوشحال میشوادم. کشتی در عقب

خود صحن نشست یک هلی کوپتر را داشت کشتی نجرانج باسیستم رادار و راکت مجهز بوده و گذشته از آن دوهلی کوپتر و دوجیت را با خود حمل میکرد در این روزها پرخوری نداشتیم از تکلیف گرفته ام کاهش آمد از محل ورزشی و باسکتبال کشتی آشپزخانه و سالون غذاخوری و مرکز صحرای کشتی دیدن و سربازان آماده باش به خدمت را که دریشی سیاه به تن داشتند ملاقی شدیم . ما 7 نفر هستیم نوشیدن و خوردن ما نه چندان محسوس در کشتی هنگام صرف غذای شب جنرال راینا آهنگ های خوبی هندی سرود و دیگران زمزمه کردند جنرال شرمای نیپالی و نگارنده خاموش بودیم زیرا آنها معنای آهنگ های ما را نمیدانستند کشتی سوار ما طوریکه قبلاً عرض شد INS ADITYA نام داشت قوماندان کشتی گفت : کشتی های بزرگ در عمق 12 متر بالاتر حرکت دارد، بحر هند نظر به معلومات وی از 20 متر تا 1000 متر عمق دارد.

سیر و سفر ما را موضوعات عمده ای ساخت کشتی های مختلف النوع، ترمیم کشتی ها و فعالیت عملی آنها تشکیل میدهد که ساخت و ترمیم آنرا در ممبئی مشاهده کرده و فعالیت عملی آنرا در بحر میان ممبئی و کاردار.



جلسه و ضیافت پرشکوه به اشتراک تمام اعضای کالج و قوماندان کالج در پایگاه بزرگ بحری هند در کاردار صورت گرفت که در سال 1986 این پایگاه بوسیله راجیف گاندی افتتاح شده است.

کاردارساحه ای بحری مربوطه ایالت کرنااتا کا سرزمین زیبای بوده که کوه ها و جنگلات اطراف بحر اش را احاطه کرده است. افسران بحری این پایگاه صمیمی بودند و پس از توقف کوتاه این محل را ترک و به سواری بس ها به ایالت مشهور و توریستی گوارسیدیم و در بهترین هتل به نرخ هوتلهای پنج ستار مستقر شدیم این هتل Heritage vi lige Resort نام داشت در یک طرف اش منازل و باغات اهالی و از سوی دیگر حوض های بزرگ آب بازی مانند هتل ممبئی قید و تعفی نبود.

آب و هوایی مساعد و شرایط بهتر زیست. تعداد زیادی خارجیان خصوصاً روس ها در این جزایر دیده میشوند که بس های زیاد آنها را حمل و نقل میکرد، خانواده های اتباع روسی مستقیماً روزانه به مدت دو هفته در اینجا میامدند و شرکتهای توریستی پروگرامهایشان را تنظیم میکردند با برخی شان روسی حرف زدیم در گروههای شان اطفال، زنان و مردان کهن سال نیز شامل است شرکتهای زیادی روسی توریستی در گوا عملاً فعالیت دارد خانم نتالیا (نتاشه) هماهنگی میان هتل، مسافرین و محلات تاریخی را پلانگذاری میدارد او تبعه روسیه بوده ولی شوهر هندی دارد.



شب اول مهمان قوماندان قوای بحری گوا بودیم و صبحانه به منطقه دیگری رفته و گذارش مسئول بخش طرح و دیزاین کشتی ها را استماع کردیم رفقا سوالات زیادی دادند تعدادشان برای ضیاع وقت و خودنمایی در فابریکه اطاق های طرح و دیزاین اداره و کنترل کشتی را مشاهده از ساحات زیبای گوا دیدن کردیم خیلی دلکش است اما سرکهای گوا خیلی تنگ و کوتاه و بدتر از ممبئی که برای عبور و مرور بس هامشکلات آورا است در عرض راه از کاردارتا گوا مناطق کوهی، سرسبز باغات زیاد، درختان زیاد اما بدون ثمر دیده شد آب و هوا معتدل و نسیم شبنم آن پای هزارهاتوریست را اینجا کشانیده است خلاصه اینکه در این بازدید ساخت، ترمیم کشتی ها در ممبئی فعالیت آن در بحر و طرح دیزاین کشتی در گوا هدف اصلی کالج را تشکیل میداد در گوا از مسئولین سوال نمودم که انجیران و دیزاینگران کشتی های مختلف النوع شما در کجای تحصیل کرده اند؟؟؟

در جواب مسئول بخش گفت: که آنها در هند آموخته اند. دانش، تجربه و تمرینات شان زاده کشور خودمان است کشتی رانی، کشتی سازی، مصرفیت با بحر و از طریق آن به بنادر دیگری کشورهای خارجی ستون اساسی زندگی مردم هند است. شکار ماهی های بحران تقال کارگوها واموال در داخل هند و از بنادر خارجی بخش عمده ای عایدات این کشور را تشکیل میدهد.

بعد از ظهر از کلیسای قدیم و شهر کهنه گوا بعداً کنار بحر Calaggut دیدن به عمل آوردیم به واقعیت گوانسبت به هرایالت هند از نظر منظره و طبیعت سرشار اش، آب فراوان و پل های بزرگ اش، تپه ها و کوه ها و سرکهای آرام و نه چندان مزاحم و راحت بخش است. در کنار بحر فوق به ده ها تن اتباع روس نیمه برهنه در داخل بحر همچو گرسنه گان آب و آفتاب غوطه میزدند با شوهر و بدون شوهر از طریق گروپ های توریستی آمده اند و در گام نخست از تعمیرهای کهن سال کلیسا و شهرهای مختلف گوا دیدن میکنند مردم گوا به زبان روسی پی میبرند مادر هتل که موقعیت داشتیم نزدیک Beach قرار داشت.



روسهای زیادی به خاطرهم مذهب بودن اینجامیابند، گواماندشهردوشنبه تاجکستان به روسها بوده وویزه های شان رایگان است شرکتهای روسی درهندخصوصاًدرگواغایدی زیادی دارند وهمچنان ویزه های اتباع هندبه روسیه نیزرایگان است بایک دگروال طب متقاعدازسن پتربورگ روسیه درشب کنسرت درهوتل معرفی شده ام که ازسال 1984 تا سال 1986 در بگرام، کابل وکندوزخدمت کرده ام وخاطرات خوبی ازمردم افغانستان داشت .روز 26 اکتوبرآخرین روزرادراستیشن هوایی قوای بحری گوا120تن بایونیفورم های مختلف ازتمرینات مختلف این ولایت مستفیدشدیم دربرگشت به هوتل گروپهای ازمردان وزنان چهره سفید،آبی چشم ونیمه برهنه دختران روسی چشمان همصنفا،افریقایهاوهندی هاراتیره وتارساخته بود تعدادی ازاین روس ها ازمن کمک خواستندادرحل مشکل شان به حساب هوتل وبس یاری رسانم پس ازظهربه سوی مرکزگوارفتم وازبرخی نقاط شهرآرام وزیبای دیدن کردیم دراین سفرفرهادخرمی محصل صنف اول فاکولته سیاسی دانشگاه گوا مرایاری رسانده وتوضیحات خوبی پیرامون این شهربرایم داد.گوا470 سال پیش منحیث یک ایالت کشورپرتگال بوده .مردم اش اکثرآپرتگالی میداندآن زمان دراین ایالت 50 فیصد مسلم و50 فیصد هندها زندگی داشته واکنون 14 میلیون نفوس دارد وروابط شان باپرتگال حفظ است خانه ها به تیپ اروپواعمارگردیده وبسیاریها تابعیت دوگانه دارد واقعا این شهرتوریستی بوده که پرتگال آنرااشغال کرده است .مسلمانان علیه پرتگالی ها زیاد میجنگند واكثریت شان کشته میشوند وهمسران شان اسیرپرتگالیهاشده به پرتگال انتقال میشوندوآنها رااجبرأبرده

وعیسوی میسازند گوا از کولمبو پایتخت سریلانکا 40 دقیقه مسافه هوایی دارد.



در حال حاضر بالاتر از 50 فیصد عیسوی مذهب، 40 فیصد هند و 10 فیصد مسلم زندگی دارد. هند و ها و مسلمانان هندوستان در مخالفت با یکدیگر در تعصب زندگی دارد این شهر توریستی خیلی شهر قیمتی است چون کلیساهای زیاد از قدیم و اکنون وجود دارد فلها تماشاچیان بیشماری از پرتگال و روسیه اینجا رفت و آمد دارند در هتل اقامتگاه ما هر روز یک و دو گروپ اتباع روسی میامدند. 27 اکتوبر قبل از آماده گی به پرواز به سوی گولوا ما را بردند. آنجا هتل های زیادی و شهرک دلکش و زیبای وجود داشت که لوحه جات آن در مغازه ها و شرکتها در زبانهای انگلیسی، هندی و روسی نگارشات داشت در کنار بحر مانند روز قبلی به ده ها تن سرخ و سفید، چاق و لاغر، بلند اندام و کوتاه اندام افراد روسیه که از سردی های

سنپتربورگ و مسکو خسته شده اند به گرمی های هند به گوا آمدند آنها اکثر آژانسپتربورگ اند برخی دختران جوان بدون پدر و مادر و خانمهای بدون شوهر شامل این گروپها اند بامن فوتوهای یادگاری گرفتم دگروال دویانی ویتنامی عکاسی مارا مینمود. از آنجا با تصفیه ای حسابات هتل باتایم معین به سوی میدان هوایی گوا و با تاخیر و انتظاری خسته کن و طولانی غیر قابل فراموش شدنی به ممبئی و از آنجا به دهلی رسیدیم. دوباره به کالج رفتیم روز 28 اکتوبر در لکچر هال به پای صحبت سلمان خورشید وزیر خارجه هند نشستیم و صحبت جنرال سرن را در مورد سفر به قوای زمینی Armytour استعمال کردیم که قرار است به مثابه آخرین سفر از 5 تا 8 نوامبر ادامه یابد و افسران مطابق قرعه به محلات گوناگون هند سفر مینمایند قرعه نگارنده تصادفاً ولی یک چانس خوب برابر شد که به کشمیر بروم در رأس ما قوماندان کالج و ایس ادمیرال سونیل لمبا و مدیر امور خارجه کالج محترمه داکتر کیا باتیا چاربه قرار داشت که 50 سال عمر داشت ولی هنوز ازدواج نکرده است.

خوب به هر صورت در اصل موضوع بر میگردیم. سلمان خورشید مرد قد بلند و خوش اندام، ریش تراشیده موهای سرش سفید، پیراهن و تنبان سفید با واسکت فولادی رنگ مانند مردم و سیاست مداران افغانستان شیک پوش که چهره اش مانند داکتر عبدالله وزیر خارجه پیشین افغانستان آهسته آهسته آغاز به صحبت در موضوع:

Indias Relevance in shaping The Multilateral groupings:

نمود. او از خانواده مشهور و سیاستمداری مسلم مذهب هندوستان که پدراش عالم خان والی چندایالت و پدر کلان اش داکتر ذاکر حسین که سرک بنام اش در دهلی وجود دارد و موصوف سومین رئیس جمهور هند پس از استقلال میاشد. سلمان خورشید گفت: ما با Asian مناسبات گرمی داریم، مناسبات هند با آسیای میانه و کشورهای سارک افغانستان در سطح لازم اش قرار دارد آیا در کالج نماینده افغانستان حضور دارد؟؟؟ به پایستادم و خود را معرفی کردم خیلی خرسند شد. با میانمار، تایلند و سینگاپور خواهان احداث راه های زمینی بوده و روابط ما نسبت به هر زمانی بهتر است ما خوشبخت هستیم که با تمام دنیا روابط حسنه داریم با کشورهای خلیج تجارت خوبی داریم پروژه های ما با افغانستان و ایران امیدوار کننده است ما خواهان روابط نیک و حسنه با پاکستان هستیم ولی جانب پاکستان خاموش است حوادث پس از 2014 تاثیر خوب را در مناسبات داخلی و خارجی وارد میسازد، صلح و ثبات در افغانستان صلح ثبات در منطقه و جهان است. با آمریکای لاتین، آفریقا، آمریکای جنوبی چانسهای خوبی دوستانه داریم. دیدار صدراعظم هند داکتر من موهان سینگ در سال گذشته با بارک اوباما امیدهای زیادی را به ارمغان آورد. ما خواهان روابط نیک و بهتر با جمهوری خلق چین این همسایه در به دیوار خود هستیم خدا کند که رهبری چین نیز در این مورد با تعقل بیشتری اندیشند.

پس از آنکه 28 اکتوبر صحبت دلپذیر اما نه چندان دیپلماتیک سلمان خورشید را که شفاف حرف زد و تصور اش این بود که تمام اشتراک کننده گان افسران هندی اند در حالیکه 24 تن افسران خارجی از 21 کشور دنیا آنها را از کشورهای مهمی چون بریتانیا، آمریکا، استرالیا، مصر، افغانستان و عمان که تایم به تایم

قضایای مربوط به سیاست بین المللی هند را تعقیب میداشتم چه خوش بینانه و چه بدبینانه .

دوجنرال سریلانکائی ودوجنرال بنگله دیشی خصوصاً اولی دل خوش از هندنداشتندجنرال نیپالی ظاهراًشورومیداد باآنکه هندبانیپال یک دوستی خاص دارد درمیان کشورهای سارک طوری که 15000افسران نیپالی در سکتورهای مختلف امنیتی هند ایفای وظیفه میدارند،اهالی نیپال درسرزمین هند زیاد اند وکدام قیودات درزندگی شان وجودندارد.برداشت من ازسطح بالایی حکومت هند و تا گروپهای تحلیلی مختلط IAG که معنای آن اشتراک افسران ازبخشهای هوائی،بحری،زمینی وخدمات ملکی وخارجیان میباشدکه هفته دوبارپیرامون موضوعات درسی تدریس شده بحث و مناظره صورت میگیرد .

مضمون آخری ما (استراتیژی وساختاراستراتیژیک برای امنیت ملی هند) بود و بناً بحثها پیرامون موضوعات طبق پروگرام درسی هفته واردرمورد استراتیژی هندمیچرخید وبدون شک درقبال کشورهای سارک،شانگهای،جنوب غرب آسیا، چین وپاکستان نظریات گوناگون ابرازمیگشت .سلمان خورشید در جریان یک ساعت که وقتی کم است مروری کوتاه نمود وبالای مسائل فوق تماس اندک داشت .

برداشت من این نتیجه رابه بارآورد که دموکراسی هندخودطرف است. در زمان نظام شوروی وسوسیالیستی همین گونه روش راکه اکنون با امریکا دارد.آن زمان باشوروی داشت .درمسکوسالهای اخیری سقوط حکومت داکتر نجیب الله مصروف تحصیل بوده ام که مستقیم هندوستان ازمزایای نظام شوروی استفاده اعظمی میبرد اکنون مطالبی رامطرح وبالای آن بحث میدارند

که غیر مستقیم سیاست آمریکاراتمیل میکند مثلاً نظریات در مورد ایران در حالیکه ایران تیل را به هند آسان و ارزان صادر و در بدل آن روپیه هندی اخذ میدارد. در سیاست باچین و دین اسلام تنها مخالفت با پاکستان و دوستی با روسیه اراده مستقل حکومت هنداست. چین در عرصه بین المللی اختلاف خود را با آمریکا دارد در حقیقت چین شوروی دوم میباشد هر چند بنده رادریاست ضدیت باچین تحریک میکردند ولی از چین دفاع میکردم و برخی ها مرا به اندیشه های مایوسی تا به میزدند در مخالفت با پاکستان از آنها بیشتر موافق بودم هند با پاکستان و چین پرابلم جدی در موضوع کشمیر و ایالت تبت دارد در حالیکه هند و پاکستان مانند افغانستان رفقای امریکانند.

فردای آن طبق پلان قبلی به گروپهای جداگانه تقسیم شده به سیروسفر به قطعات هوایی پرداختیم گرچه دوبار قبل شهرآگره و تاج محل رادیده بودم آرزو نداشتم که دوباره به آگره بیایم اما موضوع قرعه کشی بود صبحانه تحت رهبری جنرال واگلی سرگروپ ما گروپ 33 نفری مابه سواری بس به سوی آگره در حرکت شدیم از ایالت هرینا گذاشته وساعت نه ونیم بجه صبح در استیشن هوایی آگره رسیدیم و مورد استقبال گرم افسران آنجا قرار گرفتیم که پس از گذشت یک ساعت چای و کیک کلچه آوردند. قوماندان کالج و رهبر مضمون تورن جنرال هوایی که در هندوستان مارشال هوایی نامیده میشود آقای وی بین Vipen، یا ور قوماندان و مدیر خارجه نیز ما را همراهی میکرد. از تکنالوژی جریان تطبیقات و حرکات اجازه عکاسی ندادند. در ابتدا تطبیقات دلچسپ هوایی پراشوتی توسط یک فرد، دو فرد و سه نفری را برای ما در معرض اجرا قرار دارد سپس جلسه راسازماندهی کرده و بعداً از انواع مختلف ایالات خریداری شده وساخت هندبه مامعلومات دادند به طور مثال انتونف

32 ساخت روس که وظیفه بمبارد و انتقال را انجام می‌کند و بوسیله همین طیاره به دهلی آمدم. طیاره L-76 جهت انتقالات مصروف بوده که با سیستم راه دار ساخت روس که راه دار مدوراش را از اسرائیل خریداری نموده نصب کرده اند.

هوشیاری حکومت هند در آن است که همه چیز را از یک کشور خریداری نمی‌کند. مخلوط می‌کند، مخلوط سیاست دارد تا احساسات امریکارادردوستی و خریداری بیشتر از روسیه بر نه انگیزد بدین منظور اسرائیل را شریک ساخته است. طیاره دیگری را بنام L-78 که مدرنیزه ترین محسوب میشود از اسرائیل از بکستان خریداری کرده که ذخایر زیاد تیل دارد و در جریان پرواز به دیگر چرخ بالها تیل میدهد. بگاژ انتقال نمیدهد و تنها اجازه انتقال 75 تن پرسونل را دارد.

با صرف غذای چاشخانه و معده های پر و لطف و مهربانی افسران ساعت 4 بجه عصر همان روز به سوی تاج محل (ممتاز محل) تاریخی که نمائی از فرهنگ اسلام است رفتیم دوبار قبل از این محل با مصرف مبالغ زیادی شخصی دیدن کرده بودم اما این بار آسوده و راحت، رایگان، رسمی و باگروپ و با قدر و عزت فراوان از نقاط مختلف تاج محل عکاسی برداشتم، جنرال سته پریا سریلانکایی در مراعات نظم عسکری آنقدر دسپلین پذیر و رقیقانه حرکت نداشت و سبک سرانه حرکت میکرد ما راهنما از طرف حکومت اگره داشتیم وی راجع به تاریخچه ممتاز محل هر چه میدانست راست و دروغ میگفت این تماشا از هر لحاظ دلچسپ بود وی گفت از 30 پاره قرانکریم 17 پاره آنرا شاه جهان در مدخل و تعمیر اساسی قصر مینا کاری نموده است. جناح راست مهمان خانه ای را میسازد و در جناح چپ مسجد شریف را تا مردم مسلمان 5

وقت نمازهای فرضی را ادا نمایند. ساختمانهای کنار آرامگاه ممتاز بیخاطر حفظ توازن اعمار شده قصر توسط انجیران بغدادی و اصفهانی که از چندین طرح فقط اینها را شاه جهان میپذیرد ساخته شده است .

داستان اعمار تاج محل داستان عشق و عاشقی، مهر و محبت، وفاداری و احترام میان زن و شوهر و یادبود از خاطرات زندگی شاه جهان و بی بی بیگم (ممتاز) این دودل باخته است. قصه های عشق محبت لیلی و مجنون، فرهاد و شیرین، ذلیخابه یوسف ورام و سیتارا زنده ساخته است .



مرکز کلتوری بین المللی تاج محل که در فاصله ای نزدیک قصر قرار دارد، صدها تماشاگر و شنونده را همیشه به داخل خود جذب میکند. مامدت یکنیم ساعت در این مرکز ماندیم و داستان واقعی اعمار قصر تاج محل به زبان هندی که همزمان به زبانهای روسی، هسپانیوی، جرمنی، ترکی و فارسی ترجمه میگردد شنیده میشد. به یادبودی خاطرات ماندگار ممتاز پس از آنکه خوشی و

خوشحالی شاه جهان (امپراطور هند) به یاس و ناامیدی نسبت خبری وفات فرزند نوزاد اش میرسد، مبدل گشته و هنگام که ممتاز ملکه هند آخرین لحظات زندگی اش را میگذراند تمام هند را به ماتم میکشاند در لحظه مرگ ممتاز از شهزاده میخواهد تا وی را فراموش نکند. وی را تعقیب کند این شوهر وفادار روزها و سالها گریه میکند پیر میشود در برابر ملت حاضر به سخنرانی نمیگردد در مراسم رسمی دولتی و مذهبی حضور نمی یابد حتی هوش خود را از دست میدهد و وضعیت به سرحدی میرسد که دختر اش اداره امور را بدست میگیرد این داستان خیلی طولانی است گنجایش نگارش زیادی را در این اثر ندارد.

دوباره به هتل زیبا و دلچسپ که بنام هتل مغل یاد میشود که از تمام هتل‌های شهراهرنقطه نظرتفاوت کلی دارد برگشتیم طرح و دیزاین فوق العاده راهنماهای دولتی و پرسونل فراوان امنیتی در قصر مسئولیتهای زیادی داشتند در هتل چند شبی را که سپری نمودیم. دختران زیباروی اگره که مشابه چهره های هندی نبود (سفید چهره) دهلیزهای طولانی پرسونل امنیتی بایروتهای شیخ و کلان راجستانی مشابه مردم جنوب افغانستان، حوض های آب بازی، سالون نان خوری بنام مجلس، محیط خیلی شفاف و پاکیزه همه و همه به زیبای هتل افزوده است. با صرف چای صبح دوباره به استیشن هوایی اگره آمدیم و از آنجا به شهری گوآلر Gwalear این بار واگلی سرگروپ ما که از به تایم بودن اش خیلی راضی بود 15 دقیقه دیر آمد که انتقاد اش کردم.

قوماندان کالج که با ما در هتل زیست داشت، مانند کار اش در کالج جدی و با پیشانی ترش حرف های اضافی نمیزد، خنده و شوخی بر زبان نداشت و از اگره به سوی شهر گوآلر طی 25 دقیقه پرواز هوایی رسیدیم، طیاره در اختیار ما بود تاریخ 30 اکتوبر است، در این استیشن نیز ابتدا مانند اگره تطبیقات

پراشوتی، مانورهای مختلف طیارات مختلف به شمول جیت ها به راه انداخته شد، اطفائیه بزرگ خریداری شده از اتریش، اطاق کنترل عملیات، جریان پروازها را عملادراین پایگاه نمایش دادند، این پایگاه هوایی خیلی در اراضی بزرگ واقع بود که هوایی محل اش معتدل به نظر میرسید، اجناس و لوازم ما داخل طیاره بود مابا خاطر جمع وبدون هتل در این پایگاه از محل تطبیقات داخل ساختمان طیاره، نقاط اصابت طیاره سامان و افزار سلاح خفیفه، اطاقهای افتخارات، موزیمهای تاریخی، آثار و اجناس خیلی قدیم تماشا کردیم کمی صحتم خوب نبود بسیاری حرفه‌ارابه درستی نفهمیدم، در داخل قطعه اجناس و کالای مورد فروش را آورده بودم و چون شهری توریستی است به اهمیت تجارت حتی نظامیان میدانند. قطعات هوایی نیز بی تفاوت در خرید و فروش نمیشد و خیلی چیزها هر کدام ما خریداری کردیم

در اکره و گوالر مانورهای دلچسپ و مختلف طیارات را به مانشان داد این قطعات تسهیلات فراوان در اختیار دارد و مانند قوای هوایی افغانستان محتاج نیست در مقابل موزیم قطعه از پیروزیهای هوایی در جنگهای هند و پاکستان سالهای 1965 و 1971 در آزادی بنگله دیش و حمایت قوای بین المللی در جنگ دوم جهانی از انگلیس و امریکا در کشور برما بانقاشی روی سنگها از قهرمانی قطعات درج گردیده است. طیاره معروف هندنحراج نام دارد و طوریکه گفتیم تانک معروف اش ارجون گفته میشود که افتخارات طیاره و تانک از سال 1948 تا 2013 فوتوهای قوماندانان شان درج دیوارهای موزیم هاست.

پس از تفریح و صرف غذای چاشت ساعت 3 بجه بعد از ظهر به وقت تعیین شده پس از یک ساعت و پانزده دقیقه پرواز خالص به میدان هوایی نظامی دهلی

درحالیکه همه یونیفورم نظامی به تن داریم بوسیله انتونوف آسان و ساده بدون انتظارچک و کنترل رسیدیم .

درمیان 33 محصل 8 تن را خارجیان از کشورهای سریلانکا، افغانستان، پیرو، اکوادور، مالزی، برازیل، امریکا و نایجریا تشکیل میداد و امور عکاسی را داوطلب ولی کمترچاپلوس مابانه افسر نایجریای دگروال حکیم بایو عهده‌دار بود، ساعت پنج و نیم عصر به محل زیست مابه رکشاباون برگشتیم در جریان سفر مزاح‌های زیاد با همدیگر داشته و هندی گفتن حکیم بایوسیاہ پوست چند روزی وردزبانها گشت .

در هنگام رسیدن به قوای هوایی دهلی جرأت کردم تا از قوماندان کالج تشکراتی عظیم رابه نماینده گی از تیم به عمل آورم زیرا ما رابه سهولت دهلی آورد و به دین شکل قصه سفر هوایی دوروزه ما خاتمه یافت .

هر چاته خپل وطن کشمیردی

نومبر 2013

آغازین لکچر آقای جیکی شرما سکریټیر کالج که سخنگوی کالج نیز میباشد راجع به نظم و ترتیب و چگونگی نوعیت لباس به خاطر ملاقات با رئیس جمهور هند آقای پرنامو کر جی که قرار است 4 نوامبر در صالان دربار ریاست جمهوری برگزار گردد مدتی نیم ساعت معلومات مفصل ارائه کرد و توجه جدی مدوامین را در حفظ نظم و دسپلین حین ملاقات جمعی با خانمهای افسران که تعداد 250 تن را در بر می گرفت و هکذا در صورت لزوم دید رئیس جمهور با هر کدام مصافحه خواهد نمود و همانطور نیز شد تمام جریانات را نمیتوان با جزئیات اش رقم زد ماه اکتوبر و نوامبر سفرهای مربوط قوای مسلح هند، صحبتها توسط عالیترین مقامات، وزرا، لوی درستیزان تا سطح رئیس جمهور تشکیل میدهد، اینها همه معنای آنرا میدهد که کالج مدافعه ملی یگانه موسسه عالی تعلیمی هند و با ارزشترین آن میباشد که در چنین سطح صحبتها، ملاقاتها و سفرهای داخلی و خارجی دارد تاثیرات آنرا بالای افسران فارغ شده از این موسسه در اردوی افغانستان چندان محسوس فکرندارم.

پنجم نوامبر است که سطور زیرین رامینویسم، در شیرینا گرم کز ایالت جمو و کشمیر هندوستان رسیدیم گروه ما 20 نفری است در رأس ما قوماندان کالج، یاوراش و داکتر چاریا معاون امور خارجه کالج قرار دارد به مجرد رسیدن به میدان هوایی کشمیر تماشا کردم که تیپ برخورد، میدان هوایی و سرک اش الی هتل مانند میدان هوایی کابل و سرک چهل متره کابل بوده در بس عسکری خیلی منتظر ماندم دلیل اش معلوم نشد لباس مردم اعم از زن و مرد با حجاب ولی بدون چادری درجه حرارت مثبت 15 میباشد.

رهبری ما را ترک کرد ما انتظار آن که چی وقت به هوتل میرسیم بلاخره رسیدیم در اطاق نمبر 10 و جیب ساخت هند نیز نمبر 10 با افسرویتنامی در یک محلی مقبول جابجاشدیم که سربازقطعه 244 از قول اردوی نمبر 15 از لکنهور ایالت اترپردیش بنام Ravi kant Pandey برای خدمتگذاری توظیف بود پس از صرف غذای چاشخانه ساعت 5 بجه بعد از ظهر به اشتراک قوماندان به موزیم ملی کشمیر بنام عبادت - شهادت رفتیم، موزیم از تمام بخشهای زندگی مردم این ایالت که در 1924 بنیان گذاری شده حکایه میکرد که در سالهای اخیر به توجه داکتر عبدالکلام رئیس جمهور پیشین دوباره احیای مجدد گردیده و از تاریخچه سه دوره جنگهای باپاکستان نگارشات به زبانهای مختلف به شمول فارسی و عربی وجود داشت در موزیم لباسهای محلی، میوه جات مختلف طبیعت زیبا، محصولات و پیداوار گوناگون، تاریخچه ایالت، حالات مختلف جنگها و آشوبگری ها توسط پاکستان که بعداً توسط فلم کوتاه به معرض نمایش گذاشته شد روشنی زیاد برای ما افزود در هر جیب ساخت هند که در قطعات اردوی معمول است دو افسر، یک مسئول امنیتی به شمول دریور قرار دارد، هوا خیلی سرد است در کنار کوه در یک محل زیبا که دارای درختان و باغچه بود موقعیت داریم سرکها، ساختمانها، مشابه کابل اند از مشاهده فلمها و سریالهای هندی از نمایش فلم که اکثر جملات و کلمات فارسی داشت و خرابی های جنگ را از 1948 به نمایش گذاشت که به افسران تحمل آن مشکل بود در این نمایش فلمی زیر نام اسلام و با استفاده از اطفال خورده سال و نعره تکبیر و الله اکبر پاکستان تجاوز را با وجود که منطقه فعلی (کشمیر پاکستان) از طرف هند در 1947 بخشیده شده شروع کرده است مبارزات ضد هندی تحت رهبری جنرال اکبر که تلفات و خسارات هنگفتی را به

شمول جنایات بیشماری غیرانسانی از طرف پاکستان صورت میگیرد در هر دو کشمیر صورت میگیرد که واقعا نمایش این فلم اسلام را بدنام ساخته و غرور اسلامی هر مسلمان را کاهش داده و توهین به عقاید اسلامی از جانب مدعیان اسلام میباشد که تفکیک آن خیلی مشکل است زیرا بنام جهاد، شرعیت، و اسلامیت به اعمال ناشایسته ای غیرانسانی در این مناطق گروه های تندرو دست زده اند. و جانب هندوستان را جنرال راجندر سنگ اداره کرده است وی از توانمندی خوبی اداره جنگ برخوردار بوده که در این فلم راجع به وی گفتنی های زیادی بود، به هر صورت وضعیت در اینجا خوب نیست سال 1990 سر آغاز برخی تحرکات و فعالیتهای تخریبی به شکل انفرادی و گروهی بوده که توسط قطعات اردوی جمو و کشمیر خاموش گردیده قول اردوی نمبر 15 در اینجا موقعیت دارد که لواهای مربوط آن در سرحدات پاکستان مستقر است.



پاکستان سه بار باهند جنگیده که پاکستان شکستهای بزرگی را متحمل شده است که عبارت اند از :

1- سال 1947-1948 در موضوع جمو و کشمیر .

2- سال 1965 نیز در موضوع فوق .

3- سال 1971 در مورد آزادی بنگله دیش از پاکستان .

در کشمیر اشغال شده که مرکز آن ظفر آباد است باری بخاطر اجرای ویزه انگلستان در شهر میرپور سال 2007 میلادی رفته بودم که واقعا هر دو کشمیر زیبا و دارای هوایی گوارا اند در هر دو کشمیر پنج وقت نماز به تایم آن خوانده میشود و صدای آذان با آواز بلند مانند شهرهای افغانستان شنیده میشود. مساجدی زیادی وجود دارد 80 فیصد مردم کشمیر مسلمان اند. جنرال باتیا گفت: فردا نزدیک به سرحد پاکستان حرکت میکنیم 60 فیصد کشمیر بدست هند و 40 فیصد به پاکستان تعلق دارد لوحه ای بنظرم خورد که افسران هند بخاطر فتوحات جاهای که رفته اند نام افغانستان را نیز تذکر داده اند در اوراق و کتوب تبلیغاتی مجاهدین و مخالفین حکومت محلی به زبان اردو و فارسی، جهاد افغانستان، جهاد اکبر و غیره نوشته های زیادی به مشاهده رسید. این سرزمین میوه جاتی شیرین و خصوصا سیب خوب دارد هوا اش مانند کابل و ولسوالی خرم و سارباغ بوده بدون جاکت ضخیم و کرتی گشت و گذار ممکن نیست، چهار مغز، پسته، آلو، شفتالو، انگور و غیره اش مانند مناطق ذکر شده میباشد با خواندن کلمات اردو و فارسی در موزیم مسئولین از من قدر دانی خاص کردند. و مردم کشمیر مردم مهمان نوازی است

طبق پلان افسر استرالیای دگروال اندری اشتراک نکرد نسبت به قوماندان، یاور و شانزده تن دیگر تنها اینجانب از اینکه مسلم بودم توجه کشمیریان بیشتر

بود در طی چهار روز اقامت متواتر عبادت، آذان و حرکات اسلامی به مشاهده میرسید.

مهمان خانه اردو که در آن زنده گی میکردیم طوریکه قبلا عرض شد در هراتاق یک نفر خدمتگار وجود دارد و تمام مشکلات به موقع حل میگردد، کارت دعوت شب قبلا آماده، سیروسفر، پلان و پروگرام همه چیز آماده است. در تمام سفرها شیوه زندگی نظامی اعم در قوای بحری، هوایی، زمینی و ساحات ملکی هندوستان و در افریقا و اروپا چنین است. اگر صاحب صلاحیت شدم این شیوه زندگی را در اردوی افغانستان تعمیم خواهم بخشید اگر نشدم در مقالات خود نگاشته به سایت آریایی ارسال و تحت یک بروشور مانند سفر آمریکا به چاپ میرسانم همین اکنون وقت نماز خفتن است در شهر شیرینا گربه صداها صدای آذان و غلغله های بزرگ برپا است که هندوها و عیسویها را خوشایند نیست ولی من لذت میبردم.



زیرا هر که تلاش دارد نمایشی قدرت دین خود را داشته باشد من که مسلم و نزد خداوند گنهگارم با آن هم رجوع به خالق پاک دارم که مرا عفو کند محل موقعیت ما در تپه سبز بنام بادامی باغ کینت یاد میشود از محلات که دیدار به عمل آمد بنام باره ملا که یک ولسوالی میباشد فرقه 19 پیاده موقعیت داشت ولوای 12 این فرقه در منطقه حوری که باغات سرسبز و چنارهای انبوه در آن دیده میشود خاطرات تازه ای برای مان بوده مناری یادگاری خاطرات جنگ گ، گارنیوزیون نظامی در منطقه شریف آباد، منار پیروزی در میدان کوچک، در محوطه قول اردوی 15 و ازدحام میدان هوایی شیریناگر مطالب عمده ای مضمون ما است.

در اطاق که زندگی میکردیم در دوازده چوبی مستحکم داشت اما چنان هوا در آن سرد بود که بخاری دولینه جلوگیری از سردی نمیتوانست آب آشامیدنی اش مانند آب پغمان و قرغه که به نل به مشکل دست زده میشود، هوایی این منطقه در تابستان نسیم گوارا بوده و دریای پرخروش از میان شهر عبور میکند که اطراف آن باغات پراز میوه جات درختان کهن سال چنار مانند مناطق افغانستان سیب و چهار مغزاش مشهور است زندگی در کشمیر انسان را همیشه بشاش و تنومند نگه میدارد اما تعجب بر آن دارم که مردمان این مناطق به جای اینکه سفید و سبزینه باشد چهره سیاه اند تصور میشود که باشندگان اصلی سرزمین کوچانده شده و یا اینکه کشته شده اند، یانسل گیری بعمل آمده مانند ایالت گوا.

از لحاظ توریستی و مناظر زیبا ایالت گوا و از لحاظ اسلامیت، پاکیزه گی تاریخی بودن و کوهستانی بودن وادی کشمیر سرزمین نامور و قابل دیدنی است. پیشنهاد من به دوستان این است که اینجارا ببینند به مزایای عمرشان افزوده

میشود ازاینکه کوه، تپه در میان اش دریای پاک، سرکهای وسیع، باغات پرمیوه وچمن زارها دارد بدین لحاظ بهترین است .

درافریقا آبشارویکتوریا ، دربریتانیا بالاحصار اسکایتلند ،درهندوستان کشمیر وگواه وکوه های همالیا درسرحد تبت چین محل خوبی تفریحی است . درکشمیرمیتوان روزانه پنج وشش بار غذا خورد زیرا زود حل میشود آبهایش لذیذ وشفاف است درجریان یازده ماه به چنین تحلیل دست یافتم که اکثر سخنرانان ،مسئولین وقوماندانان به شکل واضح وغیرمستقیم پیرامون مسائل دینی صحبت میکردند وازاسلام برداشت وتصوردرست ندارند مسلمانان هند و آنان که درمقامات بزرگ مانند معاون رئیس جمهورآقای حامد انصاری و وزیر امور خارجه هند آقای سلمان خورشید وچیف منسرایالت جمو و کشمیر قرار دارند کاری ضعیف را درزمینه دفاع ازدین اسلام پیشبرده اند .



قوماندان قول اردوی نمبر 15 دگر جنرال Cur Mit Singh AVSM.VSM رئیس ارکان اش تورن جنرال جگ برسینگ چیمما Major General jakbir sing cheema نام داشت و قوماندان لوای 12 پیاده برید جنرال آر کی سینگ نام داشت که لوای اش در حوری موقعیت دارد.

هند بانبگله دیش 4906 با چین 3380، با پاکستان 2912 با نیپال 1690 با مینمار 1463 و با بوتان 587 کیلومتر سرحد دارد.

موقعیت سه شبانه روزه ای ما در بادامی باغ است بعد از ظهر شش نوامبر پلان بازدید معبد بزرگی هندوها در بلند ترین نقطه کوه که بنام Shankracharya یاد میگردید رفته مارا خلاص اراده ما در این معبد بردند. بالا شدن بالای معبد با گذشت ازدها و صدها زینه که به هر مرد وزن بالا شدن کاری مشکل بود کمره و تلیفون همراه اجازه داده نمیشود ولی بیچاره گان معتقد به این زیارت میروند، سنگها را میبوسند و میگویند این سنگها 3000 سال قبل اینجاموجود بوده است، پندید (ملا) توضیحات راجع به تاریخچه معبد داد و به پیشانی هریکی تیم ما خال زد و بدست شان تسمه تازی بست، دعا خواند من افسری مصری و برازیلی که مسلم و عیسوی بودیم در حاشیه قرار داشته و نظاره گربودیم، زیارت چیان خیلی زیاد بودند افسران هندی با وجود که در بالا شدن حتی بدون جراب رفتند آبها بالای شان ریخته شد دعاها را تکرار میکردند، خانم راسیکا چوبی و دکتر چاریا نیز با ما بودند آنها از بالا شدن نفسها میکشیدند اما عقیده و مذهب چیزی دیگری است، بالای سنگ سیاه آب ریختند و گل ها پاشیدند، پول دادند و به غاری دیگر رفتند که در آن نیز بزرگترین مار سنگ سیاه را حلقه زده و تصویر میکنی

که این مارزنده است و شاید گزندی برساند ، سازماندهی اموررا جنرال باتیا عهده دار بود وی که همصنفی خوبی ما است مانند تورن جنرال انیل کپور سرگروپ عمومی ما هردومذهبی هستند و افسرویتنامی که هم مذهب شان است در پروگرام سهم فعالی داشت و دربرگشت گفت :معنای دعاها را نفهمیدم .

دربرگشت نیز بدون مشوره و موافقه قبلی در کشتی های کوچک و دریک جزیره کوچک که آب عمیق داشت که ازبرف و باران تشکیل شده در کشتی های کوچک سوارشدیم که دارای تخت آسوده و به میله راحت بخش ولی از ما 600 روپیه هندی با دوچرخ کوتاه اخذ نموده اند و از آنجا که هوا خیلی سرد بود به محل اقامت برگشتیم . قبل از ظهر شش نوامبر بوسیله هلی کوپتر به سوی فرقه 19 در ظرف 20 دقیقه رسیدیم رئیس اوپراسیون فرقه مارابه جلسه خود دعوت کرد. در تمام جلسات ما قوماندان کالج نیز اشتراک دارد ، جنرال گندهاری در مورد فعالیت های تروریستی که از کشورهای اسلامی گویا حمایت میگردند یادآوری کرد ، اعتراض کردم که نه همه کشورهای اسلامی از فعالیت مثبت مدرسه ها دربرملا صحبت کرد که یک ولسوالی زیبای کشمیر است ولی فعالیت های منفی مدرسه های پاکستان را در جوار سرحدشان تقبیح و ازافضل گروه باشند این محل که خواهان انفجار پارلمان کشمیر به کمک تروریستان پاکستانی بوده توضیحات داد که این شخص دستگیر و بعداً توسط حکومت هند اعدام گردیده است .

موصوف تاریخچه فرقه 19 را که ابتدا در سکندر آباد بوده و در سال 1949 به شیریناگرو در 1951 به اینجانتقال کرده معلومات داد ، از رفت و آمد روزهای

دوشنبه مردمان هر دو کشمیر که اکثراً خویش و قوم اند توضیحات داده که دیگر روزها سرحد بسته می‌باشد کشمیر چه درهند و چه درپاکستان زیبا است . رهبری قول اردو و فرقه 19 را اکثراً سیک ها تشکیل می‌دهد ، بعد از ظهر بوسیله بس طی دو ساعت به منطقه حوری از میان کوه ها و دره ها به قرارگاه لوای 12 پیاده رسیدیم که 18 کیلومتر از سرحد پاکستان فاصله دارد این لوا مسئولیت تامین امنیت 52 کیلومتر راه دارد در عرض راه کوه ها ، دره ها ، سرکهای پخته باریک و در بلندترین ارتفاعات خانه های آهن چادر پوش طوری که در فم های هندی نشان داده میشود این منطقه مشابه به جبل السراج ، سالنگ ها و خنجان و دوشی افغانستان است در بسیاری لوحه ها و تخته های جوارس رنگ به زبان اردو و فارسی (خوش آمدید) به چشم می‌خورد .

هفتم نوامبر پس از گل گذاری به مناریاد گاری (خاطرات سرباز گم نام) که در یک چقوری توسط قول اردوی 15 احداث گردیده و یک ساحه نه چندان بزرگ اما بسیار زیبا با انبوه گل و گلبرگها و قدیمی ترین درختهای چنار که قوماندان نیز در آن شرکت کرد مراسم احترام به جا گذاشتیم و در قسمت تحتانی اش معبد کوچک بنام معبد آبی که افسران هندی بشمول قوماندان آنجا رفتند و ما مصروف تماشای باغ شدیدم عقب یک ساعت ده بجه قبل از ظهر را نشان می‌دهد از آنجا حرکت و بعد از طی یک ساعت مسافه در بس عسکری با تدابیر امنیتی شدید به سوی شریف آباد رفتیم و به قرارگاه قطعات مخصوص پیاده بنام k رسیدیم در کشمیر این قول اردو دارای فرقه های 19 و 28 و قطعات منظم v و k است که در سکتورهای 5، 7، 8 و 10 مصروف فعالیت اند پس از مراسم گل گذاری دگروال مسئول گارنیزون گذارش قرائت کرد و بعد ارشته سخن را قوماندان گارنیزون تورن جنرال بعهدہ گرفت . وی

از فعالیتهای گروه فتح الله توسط فیسبوک لشکر طیبه، جهیش محمد و حزب المجاهدین یاد آوری کرده و خوشحال بر آن بود که در سال 2013 این نوع فعالیتها کاهش نموده و کشمیر را در سال 2012 یک میلیون سیاح بازدید کرده است، سوالات بیجا و مداخلات بی مورد که عادت بدی برخی ها است مرا خسته ساخت. این قطعات 25 سال سوابق اقامت در شریف آباد را دارد، شریف آباد محل عالی از نقطه نظر آب و هوا است جنرال دوستار افغانستان را متهم به اعمال تروریستی کرد در سرزمین کشمیر که آنرا به کلی رد کردم که بحث خیلی طولانی شد و من خفه شدم در جواب گفتم: که عملکرد طالبان مجزا از اراده سی میلیون افغان است، خانه های مسیر راه درد و طرف سرک، بیت الحجاج، کالج ها سرکهای زیبا مناطق باد رختان سرسبز مانند ایدیمبوری سویدن بامهای منازل سرخ پوش و دارای یک نوع دیزاین.



سخنران از رشد تعلیم، ترقیات اقتصادی و تعلیمی یکجای پسران و دختران و کمکهای پرسونل قطعات به امور صحتی توجه به سپورت ورزش یادآوری نیک کرده و از موجودیت کارخانه جات کوچک مانند خیاطی و دست دوزی به اشتراک فعال زنان بخشی اساسی کار گارنیزین را تشکیل میدهد درصالح جلسات چای، کیک و کلهچه دوامدار آورده میشود و توضیحات به روی خریطه بزرگی عسکری نشان داده میشود در کتاب خاطرات شان علاوه بر قوماندان از نگارنده به نمایندگی از محصلین دعوت بعمل آوردند تا چیزی بنویسم و این دعوت شان را پذیرفتم سخنان جالب و ادبی که در ذهنم بود به آدرس کشمیر درج کردم قابل یادآوری است که صالان طعام خوری آنقدر آنتیک و از محصولات خود محل یعنی ساخت از چوبهای چنارهای قدیمی کشمیر بوده است. قوماندان قطعات متذکره *Sk . saini . ysm. vsm* مرد لاغر، قد بلند و خوش اندام در مورد وضعیت افغانستان و عراق و جنگهای جاری و خط کنترل سرحدی صحبت کرد چندان موثق و مستند به پاسخها نبود، در عرض راه مسجد بلال و شفاخانه احمد و غیره مطالب به فارسی وارد و نوشته شده بود که جمله رفت و آمد و گشت و گذار ما دو ساعت را دربر گرفت مهمانی در گارنیزین از هر لحاظ خیلی ها عالی سازماندهی شده بود. ایالت جمو و کشمیر (12 میلیون) نفوس دارد که (80 فیصد) آن مسلمانان و (20 فیصد) آنرا هند و ها تشکیل میدهد. در قول اردوی (7000) سرباز کشمیری خدمت میکند جلب و جذب مردم کشمیر مانند جلب و جذب افغانستان مشکلات زیادی دارد والدین شان به خدمت آنها بخاطر معاش خیلی خرسند هستند. مردم کشمیر بسیار غریب اند با تعدادی از دریوران کشمیری در جریان سفر معرفی شدم که به من یاد داشت به انگلیسی نوشته اند که ما غریب هستیم به ما

کمک کن. مثلاً در یور محمد شفیع (6000 روپیه) معاش دارد و سه فرزند نابالغ هکذا (1500 روپیه) کرایه خانه میپردازد درحقیقت فقر خود بی امنیتی است چه افغانستان باشد و چه بنگله دیش یا کشمیر

چیزی جالب این بود زمانیکه توسط هلی کوپتر از حوری به بادامی باغ مارا پیلوتان می‌رساندن از نشست عالی شان بدون تکان خوشم آمد و تشکر کردم، آنها گفتند: ما خوندی هاستیم بجواب گفتم: افغانها نیز چنین نشست را اجرا میکنند در هر صحبت، محل از اسلام و افغانستان بنا بر رسالت که داشتم عاقلانه، با تعمق و منطق سالم دفاع کردم و خود را راحت احساس میدارم اما ندانستم که ائشه نظامی مسعود ستانکزی در لباس همدردی مرا از عقب خنجر میزند و تورن جنرال پیاده عزیز احمد فراهی مرستیال معاونیت تعلیمات و پرسونل عوض استقبال خوب و اراج گذاشتن به کار کردها و فعالیت عملی ام با حرفهای ناسنجیده و به دور از حقیقت مرا میپذیرد و تاجای تورن جنرال سخی آصفی نیز در شکاکیت قرارداداشت که وی را با مدیر تدریسی کالج آقای سمیر به دهلی بوسیله ای تیلیفون وصل ساختم که ایشان به آصفی از من توصیف زیاد کرد.

پس از بازگشت از شریف آباد شتاب زده با یونیفورم (همیشه ملبس با یونیفورم بودیم) به سوی جلسه قرارگاه قول اردوی نمبر (15) رفتیم که آخرین جلسه سفری اردو میباشد خاطرات جلسه ای صبحانه قول اردوی پکتیا در سال 1391 به یاد آمد، همصنفی دگروال محمد صالح از سال 2012 برید جنرال گل پال سینگها گرداننده مجلس است که پست مدیریت اوپراسیون قول اردوی را بعهده دارد وی خیلی عاقلانه و مستند صحبت نمود و از تقسیمات اراضی جمو و کشمیر در سالهای 1947 و 1948 طبق فیصله نامه

ملل متحد و انتخابات 1956 حکومت محل (جمو و کشمیر) حرف زد در اطلاق جلسه به چنین جمله ای از گفتار گاندی به زبان انگلیسی چشم خورد One Nation for all indians: گل پال فعالیت‌های قول اردو را عالی گذارش داد و گفت: در ساحه فرقه 28 بتعداد (452) و در ساحه فرقه 19 بتعداد (515) تن تروریستان به قتل رسیدند و در سال 2012 بتعداد (121 تن) و در سال 2013 بتعداد (96 تن) تروریستان از بین رفتند قوماندان قول اردو از موجودیت 120000 تن پرسونل در قول اردو صحبت کرد و افزود که بلند ترین رقم را در سطح جهان این قول اردو دارا میباشد تاریخچه کشمیر را که 21 فیصد در تصرف چین، 34 فیصد مربوط پاکستان و 45 فیصد مربوط جمو و کشمیر است.

کشمیر سرزمین قدیمی و مشهور صوفی‌زم بوده که از این لحاظ در جهان اسلام شهرت فراوان دارد کشمیر به خوبیها، زیباییها، و مدرنیزه بودن اش عالم گیر است اما رهبر قول اردو گفت: صوفی‌زم اسلام در گذشته‌ها یک طریقه بی آزار، صلح آمیز و بدون تعصب بود اما شوربختانه اکنون از آن راه انحراف صورت گرفته و به سوی رادیکالیزم و بنیادگرایی لغزیده است در سالهای 1450 در این سرزمین 97 فیصد مسلمان 2 فیصد هندو و 1 فیصد سیکها زندگی میکردند. آنزمان زین العابدین پادشاه منطقه بوده و رهبر قومی به اسم رحمت علی کشمیری مانند محمد علی جناح پاکستانی از شهرت و محبوبیت برخوردار بوده است.

وی از سابقه جنگهای 1947 بخاطر آزادی و بخشیدن قسمت اراضی کشمیر به پاکستان و جنگهای 1948 و 1965 در مسئله کشمیر توضیحات داده طوریکه

فوقاً عرض شد سومین جنگ پاکستان و هند در سال 1971 بخاطر آزادی بنگله دیش بوده است .

سرحدات ما با پاکستان يك مشکل بزرگ به دولت هند است زیرا در آن سوی مرزها بطوری مثال درپشاوراطفال خوردسال را لباس نظامی پوشانده و در سرحدات میرپورومظفرآباد می آورند تا علیه حکومت تربیت نظامی شده و بجنگند اجساد زیادی کشته شده گان را در کنار دریای کشمیر درهمین فلم به نمایش گذاشتند .ساحه مسئولیت قول اردو 344 کیلومتر را دربرمیگیرد و بلند ترین ارتفاع مسئولیت امنیتی 1751 فیت میباشد .



در مسائل سیاسی از سیدعلی گیلانی نام برده شد که مرد کهن سال و سیاست مدار برجسته ای کشمیر بوده و رهبر حذب حریت میباشد وی آزادی و استقلال 12 میلیون اهالی جمو و کشمیر را به مثابه کشور مستقل می خواهد در سال گذشته موصوف با سفیر پاکستان در دهلی ملاقات نموده که از وی استقبال گرمی نموده است که فوتوهای شان به معرض نمایش قرارداد شده . گفتنی اند که گیلانی از طرف حکومت پاکستان تمویل شده و پول بدست می آورد و بعضی اوقات میتینگها و تظاهرات را علیه حکومت محل سازماندهی و به راه می اندازد و از پولهای بدست آورده مقدار کمی آنرا به مردم توزیع میکند و متباقی را به جیب خود می اندازد و از وضعیت بدی اقتصادی مسلمانان کشمیر سوء استفاده اعظمی سیاسی میکند . ناگفته نباید گذاشت که آقای گیلانی حمایت بسیاری از کشورهای مسلمان دنیا را دارد و در محلات مختلف کشمیر دفاتر و لوحه جات کشورهای مختلف عربی و ایران به وضاحت به مشاهده میرسد .

کمتر از موضوع دور می شوم . 19 اگوست روز استقلال افغانستان بود ، در همین روز شیدامحمدابدالی سفیر کبر جمهوری اسلامی افغانستان به کالج ما جهت ارائه لکچر با معیتی دگروال مسعود استانکزی به کالج آمده و از آنها نیز استقبال کردم که طرز صحبت و پاسخ به سوالات شنوندگان بوسیله سفیر جوان واقعاً باعث افتخارم گشت ، ولی روزها منتظر بودم که سفارت چی وقت از سال جدید ، روزهای عید و جشن استقلال تجلیل بعمل می آورد ، ده ماه تام گذشت سر انجام 31 اکتوبر که همین شام در غذای شب از طرف لوی درستیزهوائی دعوت بودیم به آدرس نگارنده کارت دعوت فرستاده بود ترجیح داده به محفل سفارت مان رفتم محفل پررنگ ، اتن ملی ، تاریخ مبارزات آزادی خواهی مردم افغانستان در پرده های تلویزیونی ، چوپ بازی و آتش بازی

،سخنان توسط گرداننده به زبانهای پشتو و دری، غذای خیلی لذیذ و نوشابه های غیرالکولی سفرای کشورهای همسایه و نماینده گان کوردپلماتیک ،داوودمردیان ،آتشه های نظامی و مشاورین دفاعی کشورهای دوست ،وزیرتجارت هندوستان و برخی اراکین بلندپایه حکومتی هند، اما صرف آتشه نظامی و معاون اش و اینجانب از جانب افغانستان یونیفورم نظامی به تن داشتیم .



دوستان زیادی را از کشورهای آسیای مرکزی ملاقات و دریکی دو ساعت برای تفهیم وافهام بیشتر به زبان روسی صحبت نمودیم .منتظر آن ماندم که آقای استانکزی فارغ شود تا کلاه عسکری خود را از دفتر اش برداشته و به رکشاباون برگردم. ساعت ده بجه شب است بسیاری از همصنفانم مانند امریکائی، بریتانیوی استرالیای، اعراب ،نایجریایی و عمانی موترهای موظف به رفت و آمد دارند. تنها افغانستان ،بنگله دیش ،نیپال و سریلانکا محروم از آن است. از محل زیست خانم شالونی مشرا به موتر خود تا سفارت مرارساند اما

در برگشت بایونیفورم نظامی زمستانی وانتظاربه ریکشا غذایی زیادی دیدم زیرا موثر نداشتم و کسی نیز از مقامات سفارت چنین درکی راندارند درهمه جا چی داخل وخارج اراکین دولتی افغانستان اموال دولتی را شخصی تلقی میکند. یک دگروال سابقه دار اردو، تحصیل یافته با داشتن 15مدال ونشان نصب در سرسینه آن هم در چنین محافل باشکوه واقعاتحقیرمیگردد .

غذاهای لذیذافغانی آماده شده توسط پرسونل خدماتی سفارت مورد پسند مهمانان قرار گرفت. آهنگهای جوره ای و کلاسیک ومحلی افغانی به رنگ و زینت محفل افزایش بهتربخشید .

نسبت به همه مهمانان از پاکستان همراه باخانمهای شان زیاده نظر میرسید .
 الیوم جمعه اول نوامبر 2013 آخرین ماه تحصیل است دریای صحبت وزیر مخابرات وتکنالوژی معلوماتی هند آقای Shri kapil sibal Hin ble Ministier for communication and IT نشستیم که موصوف در موضوع جبهات غیرجنگی، مشکلات آی تی وامنیت ملی معلومات داد یعنی :
 The non – Frontier War: challenges in IT AND information security. دانش تکنالوژی معلوماتی ملی است در 25 کالج هندوستان وانستیوتها انترنت و کمپیوترتدریس میگردد از همه مهم دانشگاه حیدرآباداز کیفیت معقولی Network برخوردار است، استفاده از تیلفونها، آماده ساختن پاسپورتها دربخشهای خدمات عامه کاروزارت ما را تشکیل میداد و پروسه محافظت پولها در منازل نیز مهم است .

به منظورتامین روابط انترنتی وپیشرفتهای قابل ملاحظه نیتوارک توافقات بین المللی درجهت امنیت اینگونه فعالیتها ضروری میباشد، فضای سایبر نیز خیلی عمده است وزیر فقط 30 دقیقه صحبت کرده وآآماده گی خود را به

سوالات ابراز کرد. طوری معمول اول نمره کورس آقای جنرال هوائی راجف حورا صدای خود را بلند کرد او همیشه یا اول و یاد در آخر سوال مینمود واقعا دانشمند و اول نمره کالج بود در سطح افسران خارجی بنده فقیر و حقیر نمره اول و در سطح کالج بعد از قوماندان حورا درجه دوم اخذ نمودم زیرا بعد از حورا سوال دوم و یا اگر حورا در آخر سوال مینمود به من اشاره میداد سوال اول را نگارنده مطرح میکردم این وزیر شخصی خوش قیافه، دریشی ملکی منظم بانیکتای خوش رنگ به تن داشت و کهن سال بنظر میرسید.

چند مطلب در مورد کالج و ماحول آن

افسران و پرسونل نظامی هند به دروغ گفتن و وعده کردن و به آن وفانکردن عادت دارند، هیچ گاهی ندیدم که جنرال ارش گپتا سلام به من داده و من حیث افسر حمایتی احوال گیر باشد، همچنان موهانتی و جنرال تراپاتی ادب و احترام را پذیرا نیستند. 11 نومبر از شعبه تدریسی مربوط کپتان سمیر پرسیدم تا در مورد بهترین تیزس در سال 1991 که از کدام کشور بوده معلومات دهند و همچنان گذارشات پاکستان را که 9000 کلمه است به اختیار من قرار دهد اما جنرال هوئی راجن هرروز وعده میداد و بالآخره گفت که فلشم مفقود شده است. روز 12 نومبر پرسونل شعبه تدریسی علناً اظهار عدم همکاری نموده و کار را به کتابخانه محول ساختند.



تورن جنرال بحری رئیس ارکان قد بلند بمبی و بعداً رئیس ارکان قوای بحری کل هند در دهلی اولی وعده دقیق ملاقات مرا با امیتاچن هنرمند مشهور هندوستان و دومی ارسال کارتش را از طریق یک افسر کالج وعده داد که دیگر از آنها درک نشد.

با در نظر داشت چنین روحیه و صد ها مثال دیگر که ارزش نگارش را ندارد بالای جنرال چهار ستار بگرام سنگ که اکنون لوی درستیز اردوی هند است نیز مشکوک ام، قوماندان کالج نیز در مورد شمولیت پسر م به دانشگاه دهلی مرا یاری نرساند، دروغگوئی و وعده کردن امر عادی در این کشور است در دو ماه اخیر انترنت منزل، فعالیت اطاق کمپیوتر و کتابخانه کالج چندان موثر نبوده و یک نوع بی تفاوتی وجود دارد مانند افسران هندی و برخی خارجیان نازدانه از ترانسپورت کالج استفاده درست نتوانستم. افسران بریتانیا، امریکا، سنگاپور، نایجیریا، عمان واسطه های شخصی از طرف دولت به کرایه گرفته بودند و آسوده رفت و آمد داشتند. برخی افسران خود خواه و جاه طلب حتی هنگام ارایه سوالات در حالیکه پروفیسور و یا حد اقل جنرال دو ستار مصروف سخنرانی است از جای خود بخاطر معرفی ایستاده نشده و به استاد احترام قائل نبودند، و هم در کتابخانه بالای کمپیوترها و در رکشا باون بالای ماشین های فوتوکاپی و هنگام خوردن چای و کیک و کلچه نوبت را مراعات نمیکردند، گرچه چند بار موضوعات تکرار میشود که خدا کند برای خواننده گان خسته کننده نباشد.



اکنون پایان تحصیل فرا رسیده است در پنج گروپ (افسران خارجی، کارمندان ملکی، افسران بحری، افسران هوایی و زمینی) تقسیم شدیم تا ارزیابی جریانات تحصیل یازده ماهه را نماییم. در حالیکه قوماندان در جلسه افسران خارجی حضور داشت، معاون بخش خارجی خانم چاریا سر صحبت را آغاز نمود و هرکه نظریات خود را ارایه کرد افسران میانمار، نیپال، سریلانکا و مصر چیزی برای گفتن نداشتند، حکیم بایو از نایجیریا، جنرال رضوان بنگلادیشی، لویز از اکوادور و نگارنده گفتنی های خود را با تفصیل برملا ساختیم، لویز اکوادوری ازاینکه به احساسات آمده بود در جریان صحبت اشک از چشمانش جاری بود تنها جنرال رضوان بنگله دیشی استوار سخن

میزد، حرکات و طرز صحبت دگروال لویزهرگزفراموش افسران خارجی نخواهد شد.

ارزیابی من چنین بود:

بطور کل از سفارت شما در کابل، قوماندان و تمام رهبری کالج خوش حال هستم، پرسونل کالج مودبانه و با لطف برخورد کردن و در رکشا باون زنده گی عالی داشتم ولی نقاط نظر ذیل رابخاطر بهبود وضعیت کالج که سال آینده کسانی دیگری می آید به شکل ذیل مطرح ساختم:

- 1- اکثریت سخنرانان خوب بودند اما درس بعضاً بدون پاور پابنت پیش میرفت.
- 2- برای معرفی کشور سی دقیقه کم است باید 50 دقیقه وقت داده شود.
- 3- اکثریت سوالات مداومین را سخنرانان جواب نمیدادند و حاشیه میرفتند.
- 4- مشکل ما در مورد ویزه کشور خارجی و نگارش تیزس بود که زمان اخذ ویزه هال لکچر خالی بود زیرا سازماندهی واحد وجود نداشت و هر که برای خود میدوید.
- 5- تیزس ها را بدرستی رهبر آن مطالعه نمیکرد ولی بیهوده نظریه پردازی مینمود بدین دلیل من پنج بار تیزس نوشتم.
- 6- سیستم لاتری در انتخاب سفرها کار خوب است مشروط به آنکه دست نخورد
- 7- مفهوم افسر حمایوی را بالای افسران خارجی درک نتوانستم و افسر مربوط به من هیچ کمک را ارایه نکرد.
- 8- یک افسر به رتبه تورن و یا جگرن در بخش اداری باید مصروف خارجیان گردد.

- 9- پرسونل خدماتی کتابخانه ها، آشپز و صفا کاران، مسوولین کانتینها، اطاق کنترل بخش مالی و اداری شعبه کمپیوترها در جریان یازده ماه نباید تبدیل گردد.
- 10- هر مضمون گروه های تحلیل مشترک دارد که درس گذشته را تحکیم نمیکند و برخی محدود حق صحبت دارند و بدیگران چانس نمیدهند و در گروه های کوچک تحلیلی عده محدودی دو و سه بار صحبت میکنند و تعدادی در حاشیه نگاه داشته میشوند. تعداد افسران اردوی هند پیوسته سخن میگویند و بدیگران نوبت نمیدهند
- 11- بخاطر کیفیت درست و استماع خوب بهتر است لپتاپ ها بداخل لکچر هال اجازه داده نشود.
- 12- سه روز پیهم کپسول میدیا توسط یک چهره و آن هم یک جوان ژورنالیست خسته کن بود.
- 13- در جریان سفرها از سفر مضمون اقتصاد در تمیل نادو راضی نیستم، اداره خوب و پیشبرد جلسات دیده نمیشد، راپور سفرها بعضاً کهنه و جالب نبود.
- 14- زمانیکه سفیر یک کشور از رهبری دفاع و خارجه در یک موضوع صحبت میدارند در روزهای بعدی بحث پیرامون موضوع لازم نمیشد. پیشنهاد دارم تا هر چه عاجل دیپلوم های ماستری مان از دانشگاه مدراس خواسته شود تا سند از کشور انگلیسی زبان که کار آمد ما است در اختیار ما قرار داده شود زیرا حکومت افغانستان به دیپلوم های از کشور های شوروی سابق چندان ارزش قایل نیست. در مدت دوازده دقیقه این مطالب را بیان کردم و محترمه ظاهراً از من خوشحال گشت و باطنش را نمودارم.

همچنان افزودم دانش، تجربه، ارتباطات و درک وسیع از سیاست و استراتژی هند به عمل آوردم به کمک کالج از کوه های همالیا، سرزمین کشمیر، شهرهای هراری، آبشار ویکتوریا، جهانسبرگ افریقای جنوبی، لندن، هامبورگ، کوپنهاگن، ادینبوری سویدن، هالند، بلژیم، پاریس و مانچستر و 40٪ خاک هندوستان را از سرحد تبت الی منطقه هوری (برمولا) کشمیر تماشا کردم و در بهترین هتل ها زنده گی کرده و غذاهای خوب و رنگارنگ را صرف کردیم.

کالج فرصت داد تا هر ماه 2 مقاله که جمعاً 22 مقاله گشت در موضوعات گوناگون تهیه و به سایت آریائی بفرستم و دو مقاله را تحت عنوان با استقبال از سال نو هجری شمسی 1392 و جنگ و صلح به زبان انگلیسی ترجمه و در تخته کالج نصب نمودم.

تجربه هندوستان 11 مین اثر ام است که 70٪ کار آنرا تمام کردم اما درک کردم که هندوستان مختلف است، کالج مختلف است و استایل ها مختلف است و برخی افسران شما نسبت به من بخالت و حسادت ورزیدند.

من در جریان یازده ماه معترف به دو اشتباه ام اول نباید افسر حمایوی خود را تبدیل میکردم دوم یک دوست روسی خود را 5 شب در غذا شب مهمان ساختم آنهم به اجازه جنرال انیل کپور سرگروپ عمومی و افسر حمایوی هرش گپتا که بعد ها سکرتر اکادمی جنرال جی کی شرما پرابلم های زیادی را به من ایجاد کرد و مکتوب نادرست که سپس پیشیمان هم گشت به آدرس فرستاد اما این جناب هرگز نه پرسید که شما چی مشکلات دارید. خاطره بدی که دارم پنج ماه دویدم با وجود وعده های مقام پوهنتون دهلی اجازه شمولیت با وجود مکتوب قوی سفیر افغانستان در دهلی آقای شیدا

محمد ابدالی را کسب نکردم و از سوی هفت هزار دالر خود را به نرخ 53 روپیه هندی شکستاندم و دوباره به نرخ 63 روپیه هندی خریداری کردم و اجازه افتتاح حساب دالری برایم داده نشد و در روز های اخیر یکشنبه 23 نومبر یک پرگرام صحی World Health Initiative For Peace در محل زیست ما پلان گذاری شد غیر از عده محدود دیگر کسی به این درس حاضر نشد. تنها سرگروپ نگارنده و هفت تن خانم های افسران که داکتر موظف به زبان هندی در مورد مرضی های گرده، کمر، پا، سر و معده و استفاده از آب های صحی چگونگی اخذ شاور در موسم گرما و سرما معلومات مفید ارایه کرد که متأسفانه در چنین شرایط مطابق اظهارات داکتر طبی در کابل زنده گی ندارم. در یک بحث دیگر در کالج گفتیم که حکومت هند باید واقعاً دموکرات باشد توسط مردم، برای مردم و از طریق مردم *By People, For People, From People* در سیاست مثبت بی طرف و آزاد و فعال هندوستان بخاطر امنیت ملی اش باید بیلانس و توازن را در عرصه جهانی نگاه دارد و با امریکا، بریتانیا، کانادا، فرانسه و جرمنی و روسیه و چین دوستی کند. اگر مناقشه با چین آغاز شود امریکا بریتانیا، کانادا و فرانسه در یک صف، روسیه و چین و ایران، جرمنی و پاکستان در صف دیگر، وضعیت جهان تغیر میخورد و به هند و کشورهای سارک Asian و تمام آسیا مفید نخواهد بود. پاینت آخر ما دوستی هند با چین است زیرا تروریزم، رادیکالیزم و بنیاد گرایی خطر ناکتر از ماویزم است. در زمان جنگ سرد از 1947-1992 هندوستان سیاست معقول را پیش میبرد و اکنون نیز نباید سخنگو امریکا باشد. بر حکومت هند لازم است تا به آقای کرزی مشوره دهند که طبق فیصله لویه جرگه عمل نموده و پیمان امنیتی

استراتژی یک میان واشنگتن و کابل را هر چه زودتر امضا کند. سیاست خارجی هند طوریکه قبلاً عرض شد در وقت شوروی بیطرف بود، اکنون تا جایی زبان امریکا بوده و هر طرف دست و پاچه میزند، در سیاست داخلی آنقدر موافق با اسلام نیستند در حالیکه سومین کشور جهان از نظر موجودیت مسلمانها هست. تشدید فعالیت های محسوس و غیر محسوس در مخالفت با اسلام در کردار و گفتار پرسونل اردو هند مشاهده میگشت در امور دین داری هندو ها نیز افراطی و متعصب اند ولی به شکل خشونت آمیز آن عمل نمیکنند.

راستی سخنی بیادم آمد که در 33 سال اخیر ده افسر در این کالج از افغانستان دعوت گردیده طوریکه در سال 1991 ستر جنرال شیر محمد کریمی، در سال 1992 جنرال امین وردک این کالج را ختم کرده است. پروسه جذب متوقف بوده و در سال 2006 دوباره آغاز میگردد که نگارنده دهمین افسر (محصل این کالج بودم) و در همین مدت تیزس هیچکدام به حیث بهترین تیزس نیامده و در دیوار کالج نام کدام افسر افغانستانی به ملاحظه نمیرسد ولی زمانیکه با بعضی از فارغان این کالج صحبت شود از خود بسیار لاف و تعریف میدارند. از کشور های خارجی تنها در سال 1995 از کشور گانا در سال 2001 از کشور امریکا در سال 2003 از کشور نایجیریا و در سال 2011 از کشور فرانسه تیزس هایشان مستحق مدال طلا گشته است و متباقی افسران اردو، بحری و هوایی هندوستان بوده است.

لکچر آخرین کالج در مورد استفاده درست از تکنالوژی مدرن و امنیت انترنتی بود که در 27 نومبر بالای آن بحث های زیادی صورت گرفت پیشنهاد بنده این بود که یک سیستم کنترل از طرف ملل متحد بنام سیستم

کنترول حقوقی بین المللی باید ایجاد گردد در نتیجه گیری آنچه که مایه شرمنده گی برای افغان ها است این بود که جنرال مالک با نشان دادن فوتو های طالبان پس از آنکه از افسر بحری انگلستان که به حیث آتشه نظامی در هند تقرر یافته قدر نمود افزود که تکنالوژی آنقدر هم مهم نیست که مورال و معنویات ارزش خود را دارد، امریکا با تمام تکنالوژی مدرن و دست داشته جنگ را در مقابل القاعده و طالبان در افغانستان باخت. گروه های طالبی که تنها تخصص فیر و انداخت را دارند نه انگلیسی میدانند و نه دانش دارند و نه امنیت سایر فضا را درک دارند فقط مصروف بچه بازی اند. در همین مدت باری هم که حق اولیت را من داشتم آتشه نظامی ما از من در کدام محافل دعوت نکرده است در حالیکه آتشه های نظامی سریلانکا، اندونیزیا، بنگلادیش، مصر، مالیزیا، نیپال، پیرو، اکوادور، ویتنام و برما که در همسایگی ما قرار داشت هفته یک بار مهمان هم دیگر شده با هم رفت آمد و صمیمیت داشتند. اما نماینده کشور ما چنین توجه را نداشته آتشه نظامی افغانستان آقای دگروال مسعود ستانکزی سال ها است که در اینجا اجرا وظیفه می نماید او شخص ظاهراً خوش برخورد اما خیلی نا مردانه دو بار رسمی و مکتوبی که خود را خیلی صمیمی میگرفت از من به وزارت دفاع شکایت نموده است. این جناب که اهل لوگر است 15 سال میشود در اینجا کار میکنند بیشتر و پیوسته مصروف خدمت گذاری به مقامات بالای بوده جنرالان دو ستار و سه ستار به دهلی می آیند او فقط مصروف خدمت گذاری به مقامات بلند پایه میباشند. دهلی محل خوب استراحت، تداوی و صحت یابی و اخذ مسازها به جنرال های افغانستان است، واضح است که به کشور غریب دارای اقتصاد

پایان توجه نه چندان خوب در موجودیت قوای بیگانه به افراد کم رتبه آن و مردمش احترام صورت نمی گیرد.



روز 29 نوامبر آخرین روز حضور در لکچر هال بود که قوماندان سرتفیکت های یکا یک را بدست خود تفویض کرد و محفل با شکوه در محوطه کالج برگزار گردید اما کسانی که تیزس هایشان به حیث تیزس های خوب ارزیابی شد عادلانه نبود زیرا در میان خارجیان جنرال خالد اقبال از بنگلادیش بهتر از جنرال محمد ادیب مالیزیائی نوشته بود و همچنان در مورد قوماندان از قوای هوایی هند نیز ظلم صورت گرفت افسران خارجی در همین روز تحایف به قوماندان تقدیم نمودند از اینکه تحفه من از کابل نرسید خیلی مایوس شدم با اتشه نظامی در تماس شدم مانند روز معرفی افغانستان از کمک در مورد با بیان نبود بودجه و مبلغ ابا ورزید ولی شبی محفل در حالیکه همه اتشه های نظامی به دریشی ملکی آمده بودند این جناب یگانه کسی بود که نقطه بارز به دریشی نظامی آمد و عوض مصروفیت سالم که تازه از حج برگشته و این حج رفتن را نیز از مفکوره من گرفته بود با اتشه نظامی انگلیس منفردانه

صحبت نموده و حرف های نا درست را در مورد ویژه همسر من که گویا من همصنف خود را واسطه کرده باشم به وزارت ارسال کرده است از این موضوع تا کابل نیامده ام آگاهی نداشتم. آقای مسعود ستانکزی در اخذ صحبتها وانتقال به موقع آن چی شفاهی وچی کتبی در لباس دوستی به مقام وزارت دفاع مهارت خاص داشته است . طوریکه مکتوب ذیل را عنوانی وزارت دفاع ملی نگاشته است:

دولت جمهوری اسلامی افغانستان
 وزارت دفاع ملی
 معاونیت اتسخبارات ستراتیژیکی
 ریاست کشف خارجی
Foreign intelligence directorate
 مدیریت امور آتسه های نظامی

شماره (2723-824)

تاریخ 1392/09/10

به معاونیت محترم ستراتیژی وپالیسی!

توأم مکاتبه شماره (143) مورخ 1392/08/29 دفتر آتسه نظامی مقیم دهلی جدید پیرامون اشتراک آتسه نظامی ما در ضیافت مورخ 1392/8/28 که از جانب پوهنچی مدافعه ملی وزارت دفاع کشور هندوستان (NDC) به مناسبت ختم دوره کورس تعلیمی 2013 ترتیب گردیده بود گزارش ارایه شد ودر ضمن ضیافت از اطلاع آتسه نظامی کشور انگلستان مقیم دهلی جدید چنین نقل قول شده است:

در ایام سفر تعلیمی ستراتیژیکی مداومین کالج مدافعه ملی به انگلستان که جز پروگرام تعلیمی کالج می باشد دگروال عبدالواحد خرم چند مراتبه به سفارت انگلستان مراجعه می نماید، وهم محصل کشور انگلستان در کالج مدافعه ملی را وسیله قرار داده خواهان اخذ ویزه کشور انگلستان به خانم اش می گردد، تا با موصوف در سفر تعلیمی همراه باشد، سفارت انگلستان در هند به اعتبار سفر تعلیمی موصوف به خانم اش نیز مانند خانم های دیگر مداومین ویزه صادر می نماید، عازم انگلستان می گردد.

قرار که اطلاع داریم در ختم سفر تعلیمی دگروال موصوف دوباره با گروپ به دهلی باز گشت می نماید ولی خانم اش در انگلستان باقی می ماند، فعلا ویزه اقامت خانم موصوف در انگلستان ختم گردیده و تقاضای پناهندگی سیاسی را نموده است، و علاوه نمود فکر می کنم که بخش قنصلی (ویزه) سفارت انگلستان در هند در قسمت صدور ویزه به محصلین افغان بعد از این محتاطانه عمل خواهند نمود.

زمانیکه موضوع را به دگروال عبدالواحد خرم مطرح نمودم در ابتدا گفت که خانم اش را به کابل اعزام نموده است بعدا اظهار نمود که پسرش در لندن دوچار تکلیف مریضی می باشد، خانم اش یک مدت با پسرش در لندن باقی مانده بد در ظرف چند روز آینده با فامیل پسرش عازم دهلی می گردد و در هند با پسرش زنده گی خواهند نمود. مراتب فوق آگاهی بشما خبر داده شد.

با احترام

سرپرست و مرستیال معاونیت استخبارات ستراژیکی تورنجنرال عبدالخالق فریاد

در حالیکه با ملاقاتی رویارویی که با ایشان داشتم موضوع را مطرح نمود و برایم چنین مورال داد که این موضوع کاملا موضوع شخصی بوده به وزارت دفاع هند و افغانستان تعلق ندارد و افزود که تعداد زیادی از جنرالان اردو را میشناسم که در افغانستان کار میکنند و فامیل های شان در اروپا زنده گی دارند و نام تنی چندی را ذکر کرد که من از ذکر آن صرف نظر میدارم و گفت به هیچ مرجع مکتوبی نخواهم فرستاد و آن را حفظ خواهم کرد در

حالیکه نه مکتوبی بوده و نه سخنی همه حرف های ساخته و بافته دستگاه های دولتی خود افغانستان است .



در این روز ها دوستم انجینر حمیدالله موج با برادرش حاجی فواد موج به هند آمده بودند در حالیکه متأثر بودم با آنها به وسیله ریل به زیارت خواجه محی الدین چشتی به اجمیر شریف رفتیم که کوچه آن مشابه بازار قصه خوانی پشاور بود بعد از زیارت به وسیله موتر سبک رو به جیپور مرکز راجستان رفتیم و در هتل که مالک آن محمد فراز مسلم بود و به نام Hotel Siddh Shree Palace استقامت گذاشتیم محلات زیاد را در نظر داشتیم تا تماشا کنیم اما روز یکشنبه اول دسمبر نسبت انتخاب جا های تاریخی

مسدود بود لاکن ما توانستیم از Jahangir Fort، City Palace، Hawa Mehel دیدن به عمل آوردیم و از دیگر محلات بزرگ تاریخی تماشا کرده نتوانستیم. دهلی تا اجمیر 450 کیلومتر مسافه داشته که نفوس آن 27 لک می باشد از اجمیر تا جیپور 130 کیلو متر و از جیپور تا دهلی 273 کیلومتر فاصله است. قلعه بزرگ که 9 کیلومتر از شهر دور بود اطرافش را دیوار های قدیم و کهن سال مانند دیوار چین احاطه کرده که محل بود و باش پادشاهان و راجا های این ایالت بوده است. این سفر با دوستانم یک تفریح خوب بود در بازگشت پس از طی شش و نیم ساعت توسط بس به دهلی رسیدم در زیارت اجمیر شریف ازدحام زیاد وجود داشت و حتی هندو ها نیز شرکت داشته و به مقاصد تجارتنی استفاده میکردند در عرض راه با حمید الله موج که بعد از مدت طولانی با هم ملاقات نموده بودیم صحبت های زیادی داشتم که نامبرده بیست سال است در شرکت کفایت واقع تاشکند کار نموده و در آنجا زنده گی میکند و نگارنده با خانواده مدت شش سال در ازبکستان سکونت داشتم. راجع به اوضاع ازبکستان از ایشان پرسیدم و خصوصاً راجع به خانواده کریموف او برایم گفت:



گلناره کریموفه دختر رئیس جمهور ازبکستان یک پرابلم بزرگ به پدرش می‌باشد او 42 ساله است دو فرزند دارد که یکی دختر و دیگر پسر است و لاله کریموفه شوهر سمرقندی اش را رها کرده و در ملل متحد نماینده ازبکستان است و به ارزش چندین میلیون دالر در لندن خانه خریداری کرده گلناره در امور پدرحق و نا حق مداخله میکند و اکنون معشوقه وزیر امنیت ملی است او از شوهر افغانش که پسر داود مقصودی است و یکی از تاجران مشهور افغانستان و از ازبکان اندخوی ولایت فاریاب می‌باشد سالها است جدا شده و طلاق گرفته است پسر مقصودی همصنف دوران فاکولته گلناره بوده، فابریکه کوک و فانتا

تاشکند متعلق به مقصودی بود که در سال های اخیر از طرف کریموف مسدود میگردد. کریموف از زن اولی اش که او را طلاق کرده پسری دارد که در شهر مسکو در یک بانک کار میکند اما گلناره او را دوست ندارد.



در این اواخر پسر ماما گلناره نسبت کدام خیانت به امر رئیس جمهور روانه زندان میشود اما گلناره از او دفاع کرده و هنگام که کریموف به سفر بیلاروسیه میرود به کمک وزیر امنیت او را از زندان رها میسازد. کریموف 75 ساله پس از برگشت وزیر امنیت ملی و گلناره را سخت و لت و کت میکند و خطاب به وزیر امنیت میگوید در صورتیکه یک دختر را اداره نموده نمیتوانی پس کشور را چطور اداره میکنی؟



ناگفته نباید گذاشت که طبق پروگرام منظور شده کالج پس از ختم مضمون اول و در جریان اختتام یافتن مضمون ششم یعنی طی یازده ماه تحصیل قوماندان کالج این مهم نیست که کی قوماندان است طوری انفرادی با هر محصل به مدت ده دقیقه خصوصاً با خارجی‌ان صحبت جداگانه نموده و از مشکلات وزنده گی محصلین پرسش بعمل می آورد و در صحبت دوم نظریات مداومین را در رابطه با بهبود وضعیت کالج به درستی می‌شنود، کاش

این تجربه را موسسات تعلیمی نظامی، رهبری ستردستیزوزارت دفاع ملی عملی میساختند. در اردوی افغانستان همه چیز تعلق میگیرد به تدویر جلسات، سیمینارها، ورکشاپ ها و کنفرانسها. آنچه انگیزه، مورال و خوشحالی را به بار می آورد روابط را نزدیک و زبان را باز و تبادل تجارب و انتقال مسئولیت را تحکیم میبخشد همانا صحبتهای گروهی مانند گروههای تحلیلی مروج در کالج که از آن توضیح داده شد صحبت دوبار قوماندان کالج میباشد.

به لوی درستیز افغانستان لازم است تا مدیر مشغول درست دگروال را در سال دوبار به شکل منفردانه دریای صحبت خود بکشاند و وزیر دفاع ملی باید جنرالان را به همین گونه مورد نوازش قرار داده، چالش ها و پیروزی های نظامی، علمی و تحقیقاتی آنها را در صحبت رویارویی مورد غور و مذاقه قرار دهد. و هکذا قوماندانان، روسا ادارات و موسسات تعلیمی و مدیران عمومی و کلیه مسئولین چنین روش را با سربازان، بریدملان و افسران تارتبه دگرمن باید عملی سازند. متأسفانه رهبری ستردستیزوزارت دفاع ملی از قدمه های مادون و همکاران افغانی خویش به دورزندگی داشته که موجب بی اعتمادی و شک و تردید نسبت به یکدیگر گشته و عدم شناخت کامل و نبود روحیه ای صمیمانه ای عسکری منجر به فساد اداری و بدگمانی ها میگردد. این تجربه را طوری که معلومات نمودم کشورهای زیادی جهان و بویژه دول سارک مراعات مینمایند. اما رهبری نظامی کشور ما تا سطح مدیر عمومی بیشتر اوقات مصروف تبادل نظر و افکار به شکل جمعی و فردی با مشاورین نظامی و به اصطلاح مقامات اردو با همکاران بین المللی و خصوصاً امریکائی ها اند که انرژی و حوصله شان در بحث های طولانی در همین مسیر به مصرف رسیده و متوجه بیروکراسی غربی گردیده که ثبات و استواری را در اردوی افغانستان در حضور و خروج نیروهای

خارجی از افغانستان در سال 2014 و یا 2024 به بار نمی آورد. ما محتاج هستیم ولی نباید غلام باشیم. با آنکه این روش در کالج هندوستان کاملاً به منافع ملی هند تمام میشود و جنبه ای فورمولیته (شکلی) و سیاسی دارند اما با آن هم خالی از مفاد نیست کاش رهبری نظامی کشور (کابینه جنگ) مانند دهلی با تعقل و تعمق بیشتر در این مورد برخورد نمایند.



**تحفه دگروال عبدالواحد خرم به نماینده گی از افغانستان به
قوماندان کالج وایس اد میرال سونیل لمبا**

شهر علیگر ایالت اترپردیش هند سوم دسمبر 2013

سرزمین که از دهلی، صاحب آباد، غازی آباد، دادوری و خواجه به آن رسیده میشود ایتوا خان پور و سپس لکنهور به پایتخت اترپردیش می انجامد و از دهلی به وسیله ریل 133 ک م مسافه دارد که در خط و سیر مختلف تاج محل (ممتاز محل) اگره واقع میباشد.

در غازی آباد خلاف توقع برخی همصنفان کالج که اکنون از آن فراغت حاصل نمودم مرد در کنارم نشسته بود که خود را آمر مالی لکنهور معرفی نمود و از کار و بار و معاشات یک لکی خود راضی بود، او خود را آویش کومار معرفی نمود و به مردم افغانستان وضعیت افغانستان علاقه مند بود و از من با صفای قلبی دعوت کرد تا در فرصت مناسب مهمان اش در غازی آباد شوم از نزدش تشکری نموده و گفتم اکنون پروگرام درسی مان خاتمه یافته و اگر بار دیگر به دهلی آمدم برایت زنگ خواهم زد.

پس از دو ساعت سفر کوتاه توسط ریل عاجل شتاب دی که ریل مشهور هندوستان است با اخذ تکت دو طرفه به ارزش 1480 روپیه به ایستگاه الیگار رسیدم که طبق وعده شب آقای شاهرخ شمشاد معاون اداری دانشگاه اسلامی الیگار موتر خود را فرستاد و بسوی منزلش حرکت نموده و چای لذیذ، صبحانه و چاشنانه در دو روز اقامت ام در منزل بزرگش در حالیکه همسر و پسرش نیز حضور داشت از من استقبال کرد. او و خانمش سال گذشته به حج بیت الله رفتند و از مسلمانان هندوستان میباشند. یازده ماه تحصیل معادل دو روز مهمانی در منزل شاهرخ شمشاد بود، او مرا با خود به دانشگاه برد و با پروفیسوران مجیب زیری و پرویز مستجاب معرفی ساخت ، جای های زیبا

دانشگاه را تماشا و از من تقاضا نمود تا در پروگرام دکتری در مسایل سیاسی شامل شوم و به آن توافق کردم چون سه ماستری دارم میخواهم دو دکترای داشته باشم و از اینکه آقای تورن جنرال متقاعد مظفر الدین شاه به زیارت بیت الله شریف رفته بود این کار معطل گشت. رئیس دانشگاه برادر هنرمند مشهور سینما هند نصرالدین شاه میباشد که از همین دیار اند.



شهر علیگار دارد و ندارد همین دانشگاه را دارد که خیلی تاریخی و ساحه وسیع را احتوا میکند و زمانی حامد انصاری معاون رئیس جمهور کنونی هند رئیس همین دانشگاه بوده است. در این دانشگاه 32 هزار محصل اعم از دختر و پسر مصروف تحصیل اند که 18000 آن در ليله و 14000 بدون ليله، به تعداد 1300 استاد و 6000 پرسونل در بخش های مختلف که جمله 40000 انسان میگردد مصروف اند.

محصلان طبقه اناث در 5 محل جداگانه و محصلان طبقه ذکور در 14 محل بود و باش دارند که جمله 19 محل میباشد که این ساحات رهائشی به بخش

های جنوب و شمال تقسیم شده است. این محل را به نام دروازه ویکتوریا یاد میکنند، اساس گذار این دانشگاه سیر سید احمد خان عالم، حقوق دان و سیاست مدار برجسته مسلم هند بوده که در سال 1875 بشکل مدرسه اسلامی، در 1877 کالج MAO (مشترک انگلیس و هند) و در 1920 به حیث دانشگاه الیگار آمده است.

سید احمد خان تمام دیزاین بلاک های دانشگاه را مستقیماً از دانشگاه کامبریج انگلستان آورده و در ساحه رهایشی در جنای راست آن قبر های سلسله هفت پشت سیدان و رفقا هم مسلک سید احمد خان در پهلو مسجد جامع قرار دارد.

در این ساحه وسیع و سرسبز 20 فاکولته فعالیت دارد، ناگفته نباید گذاشت که مصاحبه و مطالعه اسنادم که 50٪ از روسی به انگلیسی در آورده شده است مورد پسند پروفیسوران قرار گرفت.

در تمام ساحه دانشگاه مدیر امور عامه به هدایت آقای شمشاد که اسم اش محمد عظیم میباشد و به وسیله موتر شان نگارنده را گشت و گذار دادند. او ماستر علوم ژورنالیزم بوده مرا به بخش های اکادمی، دروازه ویکتوریا و کتابخانه بزرگ مولانا آزاد که فکر میکنم در هندوستان چنین کتاب خانه وجود ندارد و هزاران جلد کتاب در آن وجود داشت و صد ها تن محصلان مصروف بودند. تنها در بخش فارسی کتابخانه 20 هزار جلد کتاب وجود داشت که تمام دیوان های شعرای فارسی زبان در آن دیده میشد. در سفر دوم من نیز 5 جلد کتاب خود را تحفه کردم که تشکر نامه از جانب داکتر امجد خان آمر کتابخانه برایم رسماً سپرده شد که از این سلیقه کاری شان خیلی ها خوشم آمد. به گفته محمد عظیم در سال 1877 نقشه تعمیر های قدیم و



E-mail: amjadali@yahoo.com
 Fax: 0571-2700099
 Cell: 0571-2700512
 Phone Exch 0571-2700920, 21Ext.1217
 Mob: #0027662060

MAULANA AZAD LIBRARY
 ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY, ALIGARH – 202002 (U.P.) INDIA

Dr. Amjad Ali

Ph.d., D.Litt.

Actg. Univ. Librarian

ڈاکٹر امجد علی

پہاڑی ڈی. ڈی. سٹ

انگلک یونیورسٹی لائبریرین

No. G&E./UL/2013/ 375

Dated: 28.12.2013

Col. Abdul Wahid Khoram (Esq.)

Director

Culture & Religious Head

Staff Army,

AFGHANISTAN

Hon'ble Sir,

I thankfully acknowledge the receipt of the following Persian publication for Maulana Azad Library, Aligarh Muslim University, Aligarh as GRATIS from you. We have entered the book in our library and assign the accession number as under:

سفر بہ امریکا (۵ نسخہ)

نویسنده

عبد الواحد خرم

(اندراج نمبر: ۱۹۷۳۵.۳۹)

I am sure, the publication will be a valuable addition to our Library and our readers will be benefitted greatly.

Thanking you,

Yours sincerely,

(Dr. Amjad Ali)

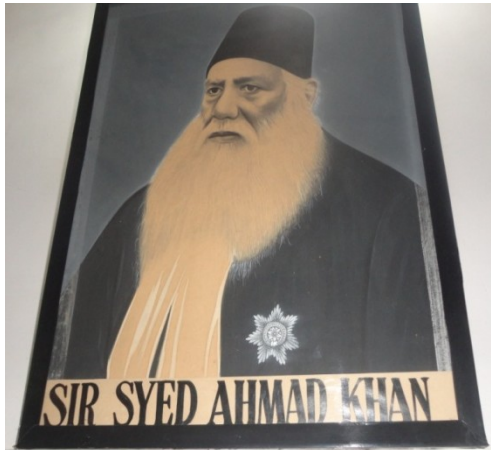
Actg. Univ. Librarian
 ACTING UNIVERSITY LIBRARIAN
 MAULANA AZAD LIBRARY
 A.M.U., ALIGARH

کلیه سامان آلات این دانشگاه توسط سید احمد خان از لندن آورده میشود. این شخصیت مشهور فرهنگی و حقوقی که در عین حال انجینر ورزیده بوده است سخت مورد احترام مردم قرار دارد او در 17 اکتوبر 1817 در دهلی تولد گردیده و در 27 مارچ 1898 در علیگار وفات کرده است.



محمد عظیم شخص خوش طبع، میانه سال با ریش معمولی کوتاه اسلامی و با درک وسیع از مسایل ملی و بین المللی معلوم میگشت. شهباز پسر آقای شمشاد که تازه از فاکولته فارغ شده و در جستجو کار است از جریان سیر و سفر ما فوتوهای چندی اخذ کرد، از برخورد خانواده آقای شمشاد خیلی خرسند شدم. همسر شمشاد با درک از دیانت اسلامی ام مرا به رفتن حج تشویق کرد، سه وقت غذا لذیذ و مختلف و سه نفر خدمتان مختلف و افراد امنیتی دانشگاه مانند عساکر رزمی با یونیفورم نظامی آماده باش پلیس های خدمات محافظتی مانند قطعات عسکری انضباط و دسپلین داشته و لحظه مرا

تنها نگذاشتند و در بازگشت با یک رئیس یک کمپنی بنام موهن معرفی شدم که علاقمند ایجاد روابط تجاری در شمال افغانستان بود. در محلات و ساحات دانشگاه همه احترام و رسم تعظیم بجای آورده اند در ساحه اکادمی در کتاب خاطرات به انگلیسی و فارسی مطلب نوشتم که مسوول بخش خط امیر حبیب الله خان پدر مرحوم امان الله خان غازی را با یک متن کوچک اردو تقدیم کرد. در ساحه دانشگاه 80٪ مسلمانان و در هر طرف 5 تایم اذان به گوش شنیده میشد مانند شهر های افغانستان. در سطح شهر الیگار 40٪ مسلمانان زنده گی دارند، اهل هنود، بودیست ها، عیسوی ها و یهود ها هم در این شهر صلح آمیز و برادرانه زنده گی میکنند.



شهباز، دریور و کارمند ستیشن ریل تا مرا در چوکی ریل نشانند راحت نبودند که از استشن دهلی جدید همان رئیس کمپنی مرا تا رکشا باون آورد که خاطرات جالب از این سفر با خود دارم. تاریخ 5 دسمبر به کابل آمده ام

قبل از اینکه به وظیفه بروم به یک مشکل دیگر شخصی روبرو شدم که دوباره 19 دسمبر به دهلی سفر و تا 31 دسمبر آنجا ماندم این موضوع یک مساله شخصی و سفر شخصی بود که بار دیگر بخاطر دانستن جزئیات پروگرام ماستری پسرم به آنجا رفتم در این سفر با هارون اوریا خیل وایمل سارنوال، رام مسکین یار پسر رام سنگ باشنده غزنی روبرو شدم. شاهرخ شمشاد بار دوم از من نیز استقبال گرم نمود که متأسفانه رئیس دانشگاه نیز به دهلی رفته بود. پس از بازگشت به کابل نامردیها و آوازه های منفی در مورد خود را که کاملاً واقعیت نداشت از زبان تورن جنرال پیاده عزیز احمد فراهی و مشکوکیت تورن جنرال غلام سخی آصفی رئیس تعلیم و تربیه وزارت را که قبلاً ذکر شد مشاهده نمودم که تمام این دسیسه ها را اتشه نظامی مسعود ستانکزی براه انداخته است .

آقای شیر محمد کریمی لوی درستیز که در لیلا پلس به من وعده پذیرش را در منزلش داده بود بآنکه دو مرتبه به منزلش رفتم اما موفق به ملاقات او تا هنوز نشدم، اما با صحبت که با تورن جنرال حبیب حصارى و بعداً با دگر جنرال عبدالخالق سروری رئیس ارکان ستردرستیز داشتم که ایشان نیز تحصیل یافته اکادمی پونه هند اند تمام اسناد و مدارک مرا دقیقاً مطالعه و از فعالیت های اکادمیک ام در کالج ابراز رضایت نشان دادند.

درسفر بار دوم بازم به کالج سرزدم گرچه باردوم هندوستان بخاطر حصول پول های ازدست رفته ام توسط وحیدالله بغلانی به دهلی سفر نمودم این بار تلاش ورزیدم تا یک قرض کالج را که برایم باقی مانده وهمچنان البوم مربوط خودرا ازعکاس آقای کمار بدست نیاورده بودم خواستم تا هم خرما وهم ثواب را کمایی کنم.

در کالج بدون از قوماندان کسی حضور نداشت و هیئت رهبری به شمول آقای سمیرمدیر تدریسات در رخصتی به سرمیبردند تحفه ای کالج را که در وقت لازم بنا برد روغهای وحیدالله تحویل داده نتوانستم شخصاً که یک پارچه سنگی قیمتی هلمندی که در آن قلم دانی وساعت حک شده بود در حالیکه لباس ملی افغانی به تن داشتم در نخستین روز به شخص قوماندان در دفترش تحویل نمودم و توضیح کردم سنگ از ثروت افغانستان، قلم از نویسندگی نگارنده وساعت از ارزش وقت که از کالج شما فرا گرفتم میباشد و ادامه دادم چه زود یا دیر قرض را دوست ندارم وی از ابراز این سخن خرسند شد و سرانجام به تعداد (65) قطعه فوتوهای را که قسماً فامیلی نیز بود از مسئول عکاسی کالج که فوقاً اسم اش برده شد با پرداخت مبلغ شخصی در یک البوم منظم ساخته من حیث خاطره با خود آوردم 19 دسمبر آنجا سفر نمودم و 31 دسمبر بعد از سپری نمودن 11 روز با تشویشهای فراوان و دستان خالی از ناحیه ای حصول پولهایم برگشتم و با وجود آنکه بار دوم نزد شاهرخ شمشاد معاون اداری پوهنتون علیگرمسلم رفتم و تا اکنون دیگر ایمیلی و تلففونی از طرف آقای شمشاد دریافت نکردم.

گفتنی چندی در خصوص وضعیت جاری افغانستان

اینک که کار کتاب در ماه حوت ختم شده تصمیم گرفتم تا به چاپ آن اقدام ورزم دوستان برای چاپ اثر و فروش یک بندر حویلی عادی ام در مزار شریف بخاطر رهایی از خانه بدوشی در شهر کابل مصلحت نه دادند و تا ختم نتایج انتخابات چه برد چه باخت باید حوصله بدارم ، آنرا معقول دانستم زیرا همین روز ها مطبعه های دولتی زیاد مصروف اند و مطبعه های شخصی بیشتر و بیشتر .

چون کارزار انتخابات 10 کاندیدای پست ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی بشدت جاری است که این مطابع قیمت ها را زیاد بالا برده اند ، علاوه بر آن نرخ ها در حساب چاپ کتب ، کرایه و گروهی منازل رهاشی ، مواد سوخت و وسایط در مرکز و ولایات چندین برابر بالا رفته است .

الیوم 18 حوت که این سطور را مینویسم مصادف با درگذشت یگانه مارشال کشور مرحوم محمد قسیم فهیم معاون اول ریاست جمهوری اسلامی افغانستان و وزیر دفاع پیشین در دولت انتقالی اسلامی افغانستان است که سه روز کامل ماتم ملی با نیمه برافراشتن بیرق ملی در داخل و خارج از طرف حکومت اعلان گردیده است.

مرگ نا بهنگام و دردناک مارشال ضایعه بزرگ در این مقطع حساس تاریخی خصوصا در آستان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی 16 حمل 1393 محسوب میگردد که نگارنده چندی قبل با عده از مردم سمنگان ملاقات خوبی با ایشان داشته و امید واری های زیادی را در ثبت رتبه جنرالی ام در اداره امور از جانب شان در دل بسته بودم که باز طالع نکردم،

بهر صورت خدا خیر ملت افغانستان را اعطا نماید. قابل یاد اوریست که احمد شاه مسعود قهرمان ملی کشور نیز تاریخ 18 سنبله جان را به جان افرین سپرد. درگذشت مارشال فهیم رویداد عظیم در کشور بوده و یک هفته کامل در افغانستان مراسم سوگواری برپاگشت، پیکر مارشال دو روز در خانه اش بود مردمان زیاد رفت و آمد کردند در روز دوم با دگرمن لعل الدین آنجا رفته و ادای احترام کرده مقامات بزرگ دولتی بشمول وزیر دفاع، قانونی، داکتر عبدالله عبدالله، عتیق الله بریالی، جنرال شریف یفتلی ووالی بلخ و غیره ها صف آرائی کرده بودند.

روز سه شنبه 20 حوت که در سراسر کشور رخصتی عمومی اعلان گردید پیکر مارشال پس از اجرای مراسم خاص وشاندار از شفاخانه سردار محمد داود خان برداشته شد به وزارت دفاع واز آنجا به ارگ منتقل گشت که در آنجا به امامت استاد سیاف نماز جنازه خوانده شد وبعدا در بادام باغ که هزارها نفر تجمع کرده بود نیز نماز جنازه خوانده شد وبلاخره میت مارشال ساعت 1 بجه بعد از ظهر بخاک سپرده شد وحامد کرزی جریان را توسط هلیکوپترها نظارت میکرد و 21 توپ در دشت بادام باغ به رسم احترام شلیک گشت.

در این مدت یار وهمرایم دگروال ذکریا میرزا زاده قوماندان لوای محصلین اکادمی ملی نظامی که تا اخر مرا همراهی کرد وقصه های زیاد با ایشان از این طرف وآن طرف داشتیم با بالاشدن به تپه با جناب احمد ضیا مسعود معاون اول پیشین دوره اول حکومت منتخب کرزی ملاقی وفوتوهای از ما برداشتند آرام آرام بسوی مقبره روان بودیم که جارالله منصورى وزیر پیشین انکشاف دهات را که قبلا نمیشناختم معرفی زیرا تلاش بخاطر برنده گى اش بدستور دگرجنرال حسام الدین معاون اول ریاست عمومی امنیت ملی کرده بودم، او

شخصیت خوش برخورد و دارای دو ماستری از اسلام آباد و حافظ قرآن است ازش سوال کردم که چند سال عمر دارید گفت 38 ساله ام گفتم پس پارلمان 5 سال قبل در تائیدی شما در پست وزارت اعتراض که داشته برحق بوده بجواب گفت در تذکره ام یکسال کلان نوشته شده ام .

گفتم شما که در پاکستان تحصیل کرده اید اما این کشور به افغانستان بدی میکند اما نگارنده که در روسیه ، تاجکستان و هندوستان تحصیل کرده ام با افغانستان خوبی دارد و خیلی خندید و ازش که یک مولوی وی را همراهی میکرد جدا شدم در حدود 30 الی 40 نفر از ولایت سمنگان اقارب و خویشاوندانم تحت رهبری سناتور برحال محمد آصف عظیمی و حیدر خرمی شاروال اییک نیز در جنازه حضور یافته بودند که با شاروال بوسیله تلفون و اما با سناتور از نزدیک در حالیکه حاجی بنیاد یک تن از فعالین حزب جمعیت اسلامی نیز حضور داشت یکجا با مرزازاده ملاقات و برخی شوخی ها کردیم برای سناتور گفتم 5 سال خوب معاشات گرفتید و راحت زندگی کردید او جدی تعبیر نمود و از صحبت که جنبه قومی داشت اجتناب کرد و خود را شیخ بزرگ و بجا رسیده و انمود ساخت گفت ما عذاب زیاد دیدیم مردم بود که ما را سناتور ساختند ولی شما بخانه تان رفته نمیتوانید .

گفتم سه ماه قبل از هندوستان آمدم و سه بار سمنگان رفتم در تمام جنازه ها مراسم شاد و غم مردم حضور دارم چندی قبل در دره خرم بزرگشی را سازمان داده و در محفل عروسی برادرزاده و نواسه کاکایم نقش عمده داشتم و نسبت به هر کسی به مردم خویش نزدیک بوده و هیچگاه بدون از دوره 5 سال طالبها وطن را رها نکرده ام گفتم متاسف بر آنم که مردم سمنگان نمیدانند که چگونه و کلا و سناتور دارند.

من نیز از جمله کاندیدای شکست خورده دور اول پارلمانی هشتم که در حدود 4000 تن رای دهنده و طرف دار داشتم دستانش را فشردم و افزودم گرچه دوبار لندن و سفر به امریکا و اروپا داشتم اگر میخواستم آنجا میماندم این سخن را نیز تأیید نکرد و گفت البته شرایط پذیرش آنجا برای تان میسر نبوده است. باز هم از این سه برادر به نان چاشت که در نزدیکی بادام باغ زنده گی دارم دعوت کردم ولی هر سه از نزد ما سرد جدا شدند که ذکرها مرا انتقاد کرد در راه برایش گفتم با این گونه افراد چنین طرز روش و صحبت از جانب من درست میباشد او میخواست چیزهای اضافه نماید مجال نداده سخن را قصداً بدیگر جاها بردم در جریان راه که خیلی ها پیاده روی کردیم او از بحث هایش که با عتیق الله بریالی به حساب محلی داشته که مشابه بحث فوق من با سناتور بود یادآور گشت، وی به وسیله موتر خود مرا تا نزدیک خانه برد و یک جلد کتاب سفر به امریکا خود را برایش تحفه کردم دگروال ذکرها افسر متجرب، با حوصله و شیرین صحبت است.

در پایان باید نگاشت که مردن حق است دهقان هم میمیرد و مارشال نیز. چیزیکه در مراسم عزا داری و روز تدفین پیکر مارشال و صحبت های گوناگون که از زبان برخی ملایان و مبلغین شنیده میشد از موضوع خارج و به سیاست های مختلف دست میزدند و از هر چمن سمنی بیان میگردد، حرکات جوانان روی احساسات بوده بی کلتوری آن در فضا حاکمیت داشت، در هر جا بالا و پائین میشدند و یک تعداد شان حتی نماز جنازه را نخواندند قریب بود که آهن پوش های نمایش گاه بادام باغ بر سرما افتد، ازدحام را قصداً تشکیل میدادند، از لحاظ عقیدتی و فرهنگی این حرکات در ابتدایی ترین سطح قرار داشت که شرایط خوب برای کیسه بران گشت از

فساد، استعمال و ترافیک مواد مخدر و بی امنی درجه اول در دنیا هستیم به این باور شدم که در موضوعات فوق نیز ملت ضعیفی ایم و چنین برداشت کردم که: با این طرز دید و روش برخی ملایان و کلتور موجود سال های زیاد افغانستان به طرقي و پیشرفت کشانده نمیشود.

تحلیل گران کار کرد های مارشال فقید را در پنج بخش چنین رقم میزنند:

- در بخش انتقال مسالمت آمیز قدرت بعد از اجلاس بن از استاد ربانی به حامد کرزی

- در خلع سلاح مجاهدین و قناعت دادن آنها

- پاک سازی بسیاری از بخش های کشور از وجود طالبان

- ایجاد جبهه ائتلاف ملی در پنج سال اول حکومت منتخب و دوباره برهم زدن آن

- مصلحت گرا، هوشمند و شخصیت معتدل در سال های اخیر حیات برخی های میگویند:

در سیاست خارجی اش مارشال نقش فعال و پر رنگ نداشته و کمتر به کشور های خارجی سفر کرده است و تنها به کشور آلمان جهت درمان رفت و آمد داشته و با ایران، هند و روسیه روابط نیک برقرار کرده است، رهبری هند وی را شخص شجاع و نا ترس عنوان کرده، مارشال سه بار مورد سو قصد قرار گرفته است.

در سال 2009 دیده بان حقوق بشر و برخی کشور های غربی وی را جنگ سالار مینامیدند، نقش فهیم در داخل کشور تاثیر گذار بوده است، اما بعضی از باشنده گان کندهار و ننگرهار اعلان سه روز ماتم ملی را به حساب وفات مارشال فهیم از طرف کرزی یک اشتباه میخوانند و گل آغا شیرزی یکی از

کاندیدای پست ریاست جمهوری در موضوع فوق توسط صحبت تلویزیونی اش چنین گفت:

مارشال رای داشت از قوم خود و جمعیت خود. معنی این سخن نظر به اظهار آقای شیرزوی این است که مارشال متعلق به تاجیکان و حزب جمعیت اسلامی افغانستان بوده است.

افغانستان پس از ایجادش دو مارشال داشته، مارشال شاه ولی خان کاکا ظاهر شاه پدر سردار ولی خان دامادش، که این مارشال در راندن عساکر امیر حبیب الله کلکانی نقش داشته و بنام کابل گیرک مشهور گشت، و دومین مارشال در 2001 میلادی محمد قسیم فهیم زاده پنجشیر فرزند ملا متین یار اول احمد شاه مسعود که پس از شهادت وی در 18 سمله 2001 رهبری سپاه شمال را عهده دار گشت و بخاطر اشغال کابل به حمایت قوای ناتو به رهبری امریکا کابل را از وجود عساکر ملا عمر پاک و طالبان را به پاکستان دواند. آن بار مارشال شاه ولی به کمک مردم جنوب تحت رهبری نادر شاه و حمایت هند بریتانیاوی داخل جنگ گشت و این بار مارشال فهیم به کمک مردم شمال تحت رهبری پروفیسور برهان الدین ربانی.

در مسایل اردو:

اردو افغانستان یک اردو اسلامی و در حال مسلکی شدن است، در حال حاضر از عدم موجودیت سلاح و تخنیک محاربوی مدرن رنج میبرد. تا زمانیکه در اردو نظم و دسپلین ایجاد نگردد و شمولیت به حربی شونحی بر مبنای لیاقت و دانش که تهداب اردو ویگانه مکتب عسکری است صورت نگیرد و فارغین اش پس از سه سال مستقیما به اکادمی ملی نظامی راه نیابند و آغاز از این موسسه تا ارکان حربی موضوع سن و سال دقیقا در نظر گرفته

نشود، تقاعد بدون استثنا اجرا نشده و راه به دیگران باز نگردد از رشد و تقویت اردو سخن زدن ضیاع وقت است.

ارتقا ظرفیت ها و تعقیب مسیر انکشاف در صورت موفقانه میباشد که به تشویق و ترغیب نسل جوان و پرورش آنان پرداخت، جهت نیل به آرمان های فوق باید حد اقل تقسیمات طبق مسلک صورت گرفته و توظیف نظامیان بر مبنای علاقه مندی شان عیار، سیستم مکافات و مجازات مروج و در سطح کل اردو را باید از مصلحت ها، تنظیم گرائی، قوم گرائی، مسائل زبانی و نژادی و سمتی وغیره ها نجات داد. اما قرار معلومات های بدست آمده از موسسات تعلیمی نظامی و قطعات اردو به عوض ساختار چنین پروگرام مانند تجارب اردو های منطقه ستردرستیز و وزارت دفاع ملی افغانستان به گونه دیگری مصروف اند. ایجاب میکند تا رئیس جمهور آینده کشور بخاطر بهبود وضعیت در اردو چنین کارها را عملی بسازد:

- به قانون ذاتی افسران باز نگری صورت گیرد، ترفیعات بدون در نظر داشت بست در دو حالت یا از رتبه و یا از بست بشمول معاشات اجرا گردد.
- به شهدا، معلولین و معیوبین زمان حاکمیت جدید زمین و یا خانه توزیع گردد.
- افسران اردو که مدت ده سال را در خدمت بالفعل سپری کردند 20٪ در معاش شان افزودی به عمل آید.
- معاشات افسران متناسب ارزش دالر امریکائی محاسبه گردد.
- برید ملان که 5 سال را در اردو سپری کرده اند و سند فراغت 12 را داشته باشند بدون استثنا باید شامل کورس شش ماهه آموزشی گردیده و رتبه دوم بریدمن برایشان اعطا گردد.

- تقاعد به موقع اجرا شود و پس از تقاعد نیز از متقاعدین مواظبت لازم در ساحه ملکی صورت گرفته و به جا های مناسب در وزارت خانه ها و موسسات دولتی تقرر یابند. در اجرا معاشات تقاعدی شان کار شکنی صورت نگیرد و صد فیصد اجرا گردد.
- افسران عالی رتبه و بلند رتبه جهت بازدید و قیومیت بدون در نظر داشت فهمیش زبان انگلیسی به کشور های منطقه و جهان طبق پلان منظم و یکسان به مدت 15 و یا 30 یوم اعزام گردند.
- آنعده افسران عالی رتبه و بلند رتبه که تا اکنون سرپناه ندارند ، به درستی تدقیق شده برایشان منازل رهایشی مانند اردو های منطقه توزیع و یا در پرداخت کرایه منازل شان کمک صورت گیرد.
- زمینه تحصیل و کاریابی به فرزندان افسران اردو ملی و بخصوص به شهدا و معلولین و معیوبین در بخش های ملکی و نظامی مهیا گردد.
- فارغین حربی شونحی بدون استثنا به اکادمی ملی نظامی جذب گردند.
- در مورد تداوی منسوبان اردوی ملی توجه جدی گردیده و در اعزام شان جهت تداوی به خارج عدالت در نظر گرفته شود.
- به وزیر دفاع ملی و لوی درستیز وظیفه جدی پیرامون بهبود وضع معیشت پرسونل داده شده و از آنها مواظبت شود تا در نصب، تقرر و جابجا شدن کادر های نظامی فقط شایسته گی و لیاقت را در نظر گیرند و نه سایر ملحوظات را.
- مواظبت از پرسونل از شعار به عمل تبدیل گردد با وجود مصارف ملیارد ها دالر وضع زنده گی منسوبین اردو چندان قناعت بخش نیست و نظامیان

آنها چندان حس نمیکنند زیرا این کمک ها در مسائل اسکان، بخشی ها و معاشات تشویقی مصرف نگردیده است.

جریان انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی 16 حمل سال 1393

در حقیقت انتخابات تمثیل کننده اراده قوی مردم است و رکن اساسی دموکراسی در یک کشور مرفعی انتخابات است که در صدر اسلام بنام بیعت یاد میگشت. با موزمان از دوره های پنج هزار سال قبل از میلاد از انواع حاکمیت ها مانند زورگویی، به میراث ماندن و استبداد به شکل دموکراتیک آن جهت ساختار حکومت مردم سالار پس از انقلاب کبیر فرانسه شکل گرفت.

مردم افغانستان در شش دهه اخیر حکومت سلطنتی، ریاستی، تیپ سوسیالستی، اسلامی، طالبانی و نوع خانواده گی رابه رهبری طولانی چهل ساله محمد ظاهر شاه و 12 ساله حامد کرزی تجربه کردند در دوره های انتخابات ریاست جمهوری سالهای 2004 و 2009 میلادی مردم تجارب کافی نداشتند و این پروسه به مردم افغانستان تازه گی داشت. مردم افغانستان دیر میفهمند، گر بفهمند خوب تصمیم میگیرند.

در انتخابات گذشته بیشتر گرایشات قومی، زبانی، نژادی و سمتی محسوس بود و برنده بودن یگانه کاندید در راس نظام آقای کرزی به وضاحت مشهود بود. آنچه ای که در انتخابات مهم است مشارکت، میزان مشارکت، امنیت محلات، شوق و علاقه مردم است تازمینه همگرایی، همزیستی و صلح و اشتهی رابمیان آورد.

در انتخابات 2014 م ملحوظات فوق چندان تاثیر ناک نبوده ولی مسائل تنظیمی و وابستگی به احزاب سیاسی جهادی بیشتر لمس گردیده و از میان یازده

کاندیدای به ترتیب: داکتر عبدالله عبدالله، داکتر زلمی رسول، داکتر اشرف غنی احمدزی، استاد عبدالرب رسول سیاف، محمد شفیق گل آغا شیرزوی هدایت امین ارسلا، داود سلطان زوی، قطب الدین هلال، جنرال عبدالرحیم وردک محمد نادر نعیم از نواده گان سلطنت و عبدالقیوم کرزی که چهارتن اول با پایگاه های بزرگ اجتماعی، سیاسی با تفاوت اینکه شخص دوم تاجایی حمایت حکومت کرزی را نیز داشت بمیدان مبارزه برخاستند.

در روز 16 حمل با آنکه در اوراق رای دهی اسما 11 تن درج بود ولی قیوم کرزی و نادر نعیم قبلابه نفع زلمی رسول کنار رفته و جنرال وردگ از کاندید اتوری خود استعفا کرد.

به واقعیت مردم افغانستان به شورشوق زاید الوصف با درک حقانیت از انتخابات وبا ظلم و تعدی وحق تلفی در حاکمیت کرزی، تهدیدات بزرگ و شدید امنیتی در پای صندوقهای رای رفته و سرنوشت خود را با انتخاب کاندید مورد نظریه درستی رقم زدند انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی 1393 در طول 12 سال گذشته سومین دور انتخابات محسوب میگردد که بر مبنای قانون انتخابات سراسری در کشور 458 به شوراهای ولایتی و 96 کرسی برای زنان اختصاص داده شده است که 20٪ آن به زنان تعلق میگیرد در حالیکه در گذشته 25٪ کرسی شوراهای ولایتی به خانمها رسیده بود.

در 16 حمل سال 1393 به تعداد 6212 مراکز رای دهی و بتعداد 21000 محلات رای دهی بازو فعال بود، در شوراهای ولایتی بتعداد 2713 تن که از جمله 308 تن آن را خانمها تشکیل میدهد خودها را کاندید کرده اند، این انتخابات را 325000 ناظران کنترول نمود که 90 تن آن از اتحادیه اروپا میباشد.

چیزیکه از صحبت ها کاندیدای محترم هنگام کمپاین ها و مناظره ها برداشت کردم این است که کلیه کاندیدای ریاست جمهوری به مسائل عمده و مبهم حیاتی که همانا صلح و رشد اقتصادی کشور است به عام گوئی پرداخته، طرح ها و برنامه های مشخص کاری در مورد چگونگی تامین صلح، استقرار امنیت و رشد اقتصاد و حفظ میراث خوب اقتصادی نداشتند زیرا در این رشته مانند روسای پیشین افغانستان تخصص ندارند.

به گفته آقای داکتریوسف نورستانی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات نیروهای امنیتی کشور تدابیر شدید امنیتی را اتخاذ کردند که فعالیتهای نیروهای دفاعی باعث جلوگیری از اخلاص و برهم زدن امنیت از طرف مخالفان در کشور گشت. اما با وجود لاف و گزاف مسئولین کمیسیون مستقل انتخابات در روزهای آغازین پروسه در تاله و برفک بغلان دو صندوق رای دهی به دریا انداخته شده و در سیدآباد وردک دو افسر پولیس توانسته از قبل 5 صندوق را پر کند و کسی دیگر در سالار میدان وردگ یک محل رای دهی را خود سرایجاد و برگه های انتخاباتی را توزیع میدارد.

در موضوع انتخابات تصادم مسلحانه در ولایت بادغیس صورت میگیرد که منجر به کشته شدن یکتن و مجروحیت چهار تن دیگر میگردد. جنرال سالم حساس مجموعه تلفات اردو و پولیس را 16 تن قلم داد کرد در هر محل 600 ورق رای دهی فرستاده شده که هر مرکز دو محل زنانه و مردانه داشته که مجموعا 1200 تن را تشکیل میدهد اما انتشارات مستقیم در تلویزیونها از شروع نشدن کار به تایم معین، کمبود و نرسیدن اوراق رای دهی در ولایات بلخ، جوزجان، بامیان، هرات، غزنی، میدان وردک و حتی وزیر اکبرخان شهر کابل اطلاعات رسانیدند. طوریکه در اکثر مراکز رای دهی ولایت هرات

اوراق رای دهی به کلی وجود نداشته و یا ساعت 11 بجه و 2 بعد از ظهر به اتمام رسیده است. مردم درهرات درعقب درهای مراکزرای دهی قرار گرفته و برخی ها بدون سپردن رای به منازل شان برگشتند دردورسوم انتخابات کمیسیون مستقل انتخابات وشکایات انتخاباتی با سنجش نادرست ومحاسبه ضعیف شان مقصراند روی همین دلیل بود که آقای نورستانی دوام پروسه رای دهی را یک ساعت دیگر تا 5 عصرتمدیدنماید، اینکه نتایج ابتدائیه ونهادینه ای انتخابات چگونه اعلان میگردد مردم به شکاکیت مینگرند درانتخابات مفاهیم فرهنگ شهروندی لمس نگردیدوهموطنان به سطح شهروندی به مسائل انتخابات نپرداختند اما چون آغازین پروسه دموکراسی است میتواند اساس خوب به آینده سیاسی افغانستان تلقی گردد، امید برآن است که درمراحل بعدی ازاحساسات غریزه ای به شعوری مبدل گردد که نمای رسیدن به شهر شهروندی است.

آگاهی دهی رکن اساسی پیشبرد انتخابات است که رسانه ها اطلاع دهی، ذوق دهی ونظارت را خوب اجرا کردند درشهرهای متمدن جهان نظارت، گری ومشاهدات آنقدر عمده نیست زیرا دراین جاها مردم خود نظاره گراند زیرا به اطلاعات رسانه ها کارخودرا بسنده میدانند.

تحلیل گران این انتخابات را عالی ازآن جهت ارزیابی کرده که درتاریخ گذشته افغانستان رهبران انتقال قدرت را به وحشی ترین شکل کورکردن چشم، روغن داغ نمودن، غوغاو کشتارهای بیرحمانه وانجام کودتاهای خونین عملی میساختند واین اولین باراست که انتقال قدرت ازیک زعیم به زعیم جدید (رئیس جمهورتازه) به شکل مسالمت آمیزبا حضورگسترده وفعال مردم افغانستان به قوت پرتوان و سرورشادمانی واشتراک مثبت شان وبویژه سهم زنان

و موجودیت ناظران و شاهدان ملی و بین المللی و مدیریت کمیسیون مستقل انتخابات و تصمیم جدی این کمیسیون و جدیت نظامیان افغان صورت گرفت. حضور توده های مردم اعم از زن و مرد را خبرنگاران در ولایت پرنجنال قندهاری پیشینه ارزیابی کردند این انتخابات را برخی سیاست مداران و وزرای کابینه یک انتخابات عالی، ملی و بی سابقه در تاریخ افغانستان قلم داد کردند نظام آینده را مردم سالار و دموکراتیک خواندند.

یان کویش نماینده سازمان ملل متحد شجاعت مردم افغانستان را ستایش برانگیز خواند برخی ها این انتخابات را پیامد مثبت و دراز مدت جهت کاهش فقر و بیکاری، برای خدمات بهتر، آسایش زندگی، ترقی و تعالی کشور تلقی کردند، آزمون انتخابات به دستان افغانها پیروزی بزرگ محسوب میگردد، در این سهم گیری مردم افغانستان قوت و حاکمیت خود را تمثیل کردند.

مردم نشان دادند که قانون مدار و روشنگرا هستند، این روزها ارزشترین و تاریخترین روز در شمال و شرق، جنوب و غرب کشور ما بود، احساس درک حقوق شهروندی در وجود مردان، زنان، جوانان و کهن سالان افغانستان متجسم گشت، مردم خرسند بودند و خواستند از رای آزاد و سری خود استفاده برند.

انتخابات نشان داد که حضور زنان این بار تنها اشتراک نیست بلکه حق خواهی و قدرت شان را تبارز نماید و مردم این انتخابات را جشن ملی خواندند زیرا در برخی مناطق بادهل و سرنا و میله گویانه حرکات خود را به نمایش گذاشتند. نامزادان پست ریاست جمهوری تلاشهای نیروهای امنیتی را ستودنی گفتند، واقعا مردم افغانستان با ابراز چنین شجاعت و وحدت ملی شان را تحکیم بخشیدند و انزجارشانرا به دشمنان افغانستان آشکار و پاسخ دندان شکن مستقیم و غیر مستقیم ابراز کردند، 400000 تن از نیروهای امنیتی مصروف و وظایف

خود بودند و کلیه مردم واجد شرایط رای دهی با اعتقاد به روند دموکراسی حرکت کرده خوب جنیدند و درخشیدند یک صفحه نوین وزرین را در زندگی سیاسی افغانستان کهن سال ورق زدند .

اثبات ادعای ما همانا صبح گاهان به محلات رای رفتن ،صف طولانی کشیدن مادران، اطفال کوچک شان را به شانه انتقال داده با ترموزچای را با خود بردند وهمه مجهزبا تجهیزات گویا نظامی بسوی جبهه جنگ رفتند مانند دوشیزه های روس دربرابرنازی های آلمان درجنگ جهانی دوم .بدون غذای صبحانه وچاشنه مکلفیت خودرا انجام دادند .

از 12مليون دارای کارت 34٪ آنرا زنان تشکیل میداد ،انتظارمیرود که رهبر آینده آیا قدراین زحمات مردم را درنظر گرفته وبه وعده خود وفامیدارند یا نه یک سوال بزرگ است ؟

انتخابات هیجانانگیز خودرا دارد که رسانه ها برخی ارقام واعداد را گوناگون پخش کردند ،مراجع مسئول اطلاع رسانی مختلف داشتند ویژه گی های انتخابات را قلم بدستان چنین ردیف بندی کردند :

- خریدوفروش رای دربرابربول علنی نبود
- درپروسه انتخابات نسل جدید همکارویاوریبوند.
- رویکردانتخابات مختلف بود ازحالت قبیلوی بیرون برآمده طوریکه اعضای یک خانواده به چندین کاندیدرای دادند .
- نیروهای امنیتی کشورمستقلانه ازعهده مسئولیت وبه شکل موفقانه بدرآمدند .

- مدیریت کمیسیونهای مستقل انتخابات وسمع شکایات انتخاباتی نسبت به انتخابات گذشته بهبود

سرانجام مردم به رئیس جمهور آینده شان پیامهای روشن سپردند، آنها به جهانیان اطمینان دادند که از خورد تا بزرگ از جنگ، ترور، وحشت، دهشت و افراط گرایی نفرت دارند هر افغان نقش خبرنگار خوب را اجرا کرد، خوشبختانه پروسه بعدی نتایج ابتدائیه و نهائی آنرا 20 میلیون افغان آشنا به سکایپ، فیسبوک و ایمیل به طور جدی تعقیب و پیگیری میدارند .

اختتامیه

شامل پروسه بورسیه کالج مدافع ملی هندوستان بودم، درعین حال مصروف آموزش پروگرامهای دو ماهه ای کمپیوتر در مرکز تعلیمی نظامی کابل در ماه های نوامبر و دسامبر 2012.

درحقیقت این مصروفیت چانسی را برایم میسر نمود تا نگاه ناگاه از تعقیب بورسیه احوالگیر باشم، گرچه از ایام وساعت معین امتحان ومصاحبه در وزارت وسفارت هند آگاهی نداشتم ولی به هر صورت با وجود مشکلات فراوان فامیلی خود را به سختی عیار ساخته میرفتم، مخالفتها به حدی زیاد وجود داشت تا مانع سفرم گردند اما تصمیم شرط اول موفقیت است.

سرانجام منظور شد آنرا از دو کشور طوریکه گویند پیروزی به آسانی بدست نمی آید به دست آوردم، از جریانات مفصلی آن بدان ملحوظ صرف نظر میدارم که در کتاب تحت عنوان (سفر به امریکا) مشکلات وموانع آن سفر را برملا ساخته بودم و در این نوشته از آن قصد آکنار میروم زیرا به دوستان و علاقه مندانم تعبیر سوء تلقی میشود.

در مدتی غیابتم دگروال سید رحمت الله هاشمی که درباره این اثر تقریظی نیز دارد احوال گیر گشت، یکی دوباری از طریق جگرن پیوند علی بالحاج دگروال محمد قاسیم حسن ارتباط تیلیفونی از دهلی برقرار ساختم، همکاران قبل از عزیمت و پس از برگشت همکاری و صمیمیت های زیادی اظهار نمودند، آقای دگروال غلام محی الدین روفی یگانه مرد میدان گشت که تزلزل وشکاکیت محترم حسن ودگروال ویس الدین راشکست.

موصوف باجرات وشهامت قابل وصف اوراق تضمین ام رابا امضا وشصت اش مهر صحت گذاشت. با وجودیکه وی را از عدم برگشت گویانگارنده

مورد تبلیغات سوء قرارداد بودند ولی کدام تاثیر در حرکات و سکنات آقای روفی به میان نیامده است .

پس از برگشت شوخی های کردیم و موصوف آماده گی خود را در صورت عدم الحاق ام به اردو قبلا اخذ نموده بود وی را مرد قوی ، با اراده ، و آهنگین دریافتم. کسانی هم بودند که در موضوع ضمانت ام خیلی ها زیر کانه طفره رفتند، الحاج دگروال سردار محمد رشید، مولانا نذیر احمد خان، انجنیر عبدالمحمد خان ، دگروال عبدالاحد خان، آقای محبی ، مستقیم خان، رقیب خان، گدامحمد خان ، موسی خان، وداکتر عبدالواحد ، دگرمن عزیز خان، دوهم بریدمن لطیفه جان و بریدملان عبدالله و محمد جان به شمول کاکا قاری همه وهمه از عودت دوباره ام خوشحال گشتند.

باری در مورد نصب رتبه برید جنرالی ام که به اجازت رئیس دفتر معاونیت اول ریاست جمهوری آقای اعتبارمورد انتقاد جنرال محسن سلطانی قرار گرفتم که بعد ها تعقل اش بر احساسات غلبه کرد و به اساس فشار افسران پشیمان گشت آقای سلطانی میدانده که 50 فیصد حکم ریاست جمهوری را در اختیار دارم. مدت 34 سال در ملکی و نظامی خدمت کرده و جنرالی حق مشروع من میباشد با جناب سلطانی دوست قدیمی از دوران حاکمیت داکتر نجیب الله که قوماندان فرقه ای جهادی 095 در غزنی بود آشنائی داریم و باهم نان و نمک خورد در منازل یکدیگر هستیم به اساس گفته های خودش خانه رهائشی را برایش استاد ربانی و زیارت بیت الله شریف را احمد شاه مسعود و زمینه ای تحصیل 18 ماهه را در آمریکا جنرال بسم الله محمدی وزیر دفاع فعلی میسر ساخته است.

کرزی در سه سال اخیر بخاطر منافع شخصی و خانواده گی اش به حرف های پراکنده و بی معنی مصروف است او که روز های نخستین تدویر لویه جرگه مشورتی در مورد عقد پیمان ستراتیژیک امنیتی قرار گذاشت که به تصمیم مردم ارج میگذارد. اما خلاف تصمیم مردم به مخالفت بخاطر اهداف شخصی اش پرداخت و بدون از بد گویی و تخریبات امریکا اکنون که دوران کارش به پایان رسیده در رسانه های کشور چیزی برای گفتن ندارد و همچنان برادرش قیوم کرزی یکی از کاندیدان پست ریاست جمهوری در ابتدا به تصمیم جرگه احترام نگذاشت و به نفع زلمی رسول نگذشت ولی هفته بعدی آن به نفع رسول از کاندیداتوری اش صرف نظر کرد. بدینترتیب هر دو برادر حامد و قیوم تصمیم جرگه ها و لویه جرگه ها را در صورتیکه سازگار به منافع شان نباشد طوریکه عملا دیده شد نقض کردند. از این معلوم میگردد که در گذشته ها تمام تصمیم جرگه ها موافق منافع فردی و شخصی زعما، سلاطین و پادشاهان زمان بوده است.

حال که عصر تکنالوژی، مدرنیزه سازی و قرن 21 است این گونه عمل میشود. پس برداشت کردم که دو وسه و چهار قرن قبل نیز جرگه ها اهمیت نداشت و تاریخ افغانستان را مورد سوال قرار میدهد. شاید تاریخ گذشته افغانستان غیر واقع بینانه نوشته شده باشد، زعما که تصمیم جرگه را میشکنداند هرگز رهبران واقعی نیستند، روی همین دلیل بود که پروفیسور حضرت صبغت الله مجددی بار دیگر به دنمارک مهاجر گشت و نسبت مخالفت با کرزی وطن را ترک کرد جالب آن است که آقای کرزی به مناسبت روز همبستگی بین المللی زنان هشتم مارچ 2014 در برابر نماینده گان زنان افغان در محفل با شکوه چنین براز نظر کرد: "چند روز میشود که در منزلم دختر به

میان آمده از شما میپرسم که نامش را چی بیانم؟ خانم صدا زد مروه بهار، کرزی گفت من خاطرات خوب از زنان افغان نسبت انتخاب شان بنده را در سال 2009 به حیث رئیس جمهور دارم که کمرم را بستند ولی مردان ما مانند زنان شهامت نکردند و شما را اذیت میکنند اگر شجاعت دارند پس علیه امریکا چرا نمیجنگند و هکذا برخی شان در انتخابات قبلی معامله کردند. پس زن های افغان بهتر از مردان اند."

در تکمیل تایپ برخی اوراق تجارب از هندوستان و سطور هذا دوهم بریدمن دوشیزه همکارما محترمه راضیه جان مرا خیلی زیاد یاری رسانده و نقش فرزند گویانه اش را در مورد به خوبی و صداقت کامل ادا نموده که از نداشت یک جهان در همینجا تشکری بعمل می آورم .

پس از عودت ملاقات گرمی با قوماندانان تعلیم و تربیه و دوکتورین تورن جنرال محمد حبیب حصاری داشته ام، وی مرا خوب پذیرفت و بر مبنای حسن نیت اش سخن به جای رسید که تا 19/1/1393 برای تثبیت جایگاه نگارنده در اردوی ملی و ارتقار تبه ام مرا فارغ از قیودات حاضری گذاشت اما با وجودی دلسوزی، نرمش، و الطاف آقای حصاری مدت طولانی دوباره صاحب رنجری متعلق به خودم طبق تشکیل نگشته ام، خاموشی را ترجیح دادم زیرا پس از سفر امریکا در ماه می 2012 مشکل با امین الله کریم داشتم این بار خاموشی را اختیار نموده در برابر اجراءات آقای حصاری و وعده های چرب و نرمی الحاج ستر جنرال ارکان حرب شیرمحمد کریمی لوی درستیز قوای مسلح افغانستان مهرسکوت به لب زدم با آنکه جناب ایشان در معرفی تورن جنرال شیرمحمد حاحی به این قوماندانی برای بار نخست تشریف آورده بودند اما دوستان اجازه صحبت را برایم مشوره ندادند و از یک طرف در عین

زمان نمیخواهم با در نظر داشت تجارب تلخ گذشته در دوجبهه هم با آقای شیرمحمد کریمی وهم با آقای یوسف اعتبار مصروف شوم .

دوباره از رهبری ستردرستیزسخن را به قوماندانی تعلیم و تربیه می آورم ، راستی اخذ تفنگچه، استحقاق البسه باب زمستانی و تابستانی به ساینز نگارنده، تیل وغیره از آقای دگروال بای محمد رنجبر کاری ساده نیست.

حادثه که جعل ، تزویر و وحیدالله بغلانی در گیروی بلاک دوم اپارتمان 24 تهیه مسکن در جوار تانک تیل 90 فامیلی وزنده گی با پسری کوچک به تنهایی صفحات نوین زنده گی ام را تشکیل میدهد .

دگروال محمد سلیم خرمی ودگروال عبدالقدوس سمنگانی که با من یکجای کار میکند اولی از جمله خویشاوندان ودومی ازدیارمن میباشد ولی دلسوزی شان نسبه گویانه واز دور صورت گرفت وهیچگاهی از نزدیک پرسشی بعمل نیاورده اند در موضوع سرقت آخرین پولهایم فقط دگروال شاه علم کریمی و دگرم لعل الدین پنجشیری بود که دو ماه در تعقیب وجستجوی وحیدالله مفروربا وجود مشکلات که کریمی در منزل داشت وبلاخره دخترک جوان اش از بابت داشتن مرض سرطان جان به جان آفرین سپرد ، مرا همدردی وهمکاری نموده است . با وی شوخی های زیادی در موتر مینمائیم با وجودی تشویق های پیهم دگروال شاه علم کریمی تا هنوز مصمم بر ازدواج باردوم نگشته ام .

احمد ولید خرم با نمرات بلند از اقتصاد شهر بنگلور هندوستان فراغت حاصل کرده ودر جستجوی کاری میباشد که حکومت برایش شغل عادی را لازم نمیبیند .

تصادف نیک او اخر ماه دلوزمستان کابل با برف باری و بارندگی آغاز شد که شعار مردم کابل گویا کابل بی زرباشدونه بی برف جامه عمل را پوشید اما من بیچاره شرایط لازم نگارش وزیست را دراطاق نشیمن خود از نقطه نظر غذا و گرمی ندارم و متاسفانه چاشخانه تدارک دیده شده از طرف آقای رنجبر مکفی حداقل ویتامین وانرژی برای 200 تن پرسونل قوماندانی تعلیم و تربیه نمی باشد زیرا رهبری درجه اول با ما غذا نمی خورند بوی دیگهای جداگانه تهیه شده در اوقات ظهر در دهلیز قوماندانی تهیه شده و به مشام میرسد. دفتر کاری ما که نام دومدیریت را به خود گرفته و در آن در حدود (28 تن) مصروفیت دارند حیثیت مستوفیت ولایت بلخ را دارد در اینصورت خوانندگان در اردوی ملی خود قضاوت میتواند که با کثرت چنین تعداد چطور میتواند بامراجعه بر خورد سالم نمود و چه رسد به آنکه در اینجا لکچری ساخت، مفردات درست کرد، ریسرچ، تحقیق و پژوهش بعمل آورد و یا داستان و خاطره ای نگاشت، برایم مشکل است که با وجود چنین شرایط در محیط کار و منزل به یازدهمین اثر دست اندر کار قلم می شوم در حالیکه هیچ گونه تسهیلات و شرایط لازم نویسندگی و فکری برای امنیت ملی استراتژی نظامی افغانستان حداقل فعالیت موثری انترنت و فیسبوک به مشاهده نمی رسد. تشکیل در قوماندانی طوری ساخته شده که پست مشابه خود را بنام مدیرک و پست مشابه حاجی قاسیم را مدیر و پست مدیریت آقای رحمتی را مدیر خطاب زدیم که ورد زبانها در قوماندانی شده است که دلیل اش همان موجودیت تشکیل نادرست موقت دگروال بالای دگروال و بردگروال عیار گشته است. در نمازهای پیشین نماز گذاران نسبت کمبود جای به مشکل دچار اند، روحیه افسران در آستانه انتخابات چندان عالی نبوده و سردرگمی فضاکاری را احتوا کرده

است، سخنان کرزی طوری پراکنده و عدم امضاتوافق نامه ای امنیتی میان کابل - واشنگتن برای همکاران مایوس کننده میباشد، بحث ها پیرامون کاندیدخوب و انتخابات یومیه صورت میگیرد.

قابل تذکر است که در این مدت بیش از یکسال اجناس و لوازم متعلق ام در داخل میزکاری به شمول کمپیوتر و میز و چوکی، لین انترنت، قاشق و پنجه و گیلان، به درستی نگهداری و محفوظ بوده که توجه دگروال قاسیم حسن دگروال مولانا نذیر احمد و جگرن پیوندعلی در آن محسوس است که با در نظر داشت روحیه ای کنونی در جامعه افغانی این عمل نظامیان همکاران نمای از صداقت و راست کاری شان در حفظ بیت المال و همزمان محسوب میگرد.

در این بحث خیلی ها قابل یاد دهانی میدانم که دو شخصیت فرهنگ دوست، میهن پرست و فرزندان اصیل این مرز و بوم الحاج دگروال نجیب الله سروری اهل بدخشان، شخص مهربان و دلسوز که در حال حاضر سمت قوماندان دیوهای اکمالات عمومی را دارا بوده و محترم دگروال فتح الله همدست فاریابی قوماندان لوای تحرکات ترانسپورت که دایما پر تحرک و پر تلاش و پابند وظیفه است نیز در چاپ این اثر کمک های لازم و به حد توان خود را داوطلبانه ابراز کرده اند که با این احساس عالی شان خانواده های فرهنگی افغانستان را شادمان ساخته اند که از نزد شان جهان سپاس و شکران عظیم.

پایان

حمل 1393 هجری شمسی

خلص سوانح

الحاج بریدجنرال پیاده ارکانحرب دوکتور عبدالواحد خرم



تحصیلات:

- فارغ کالج مدافع ملی هندوستان به سویه ارکانحرب 2013
- دوکتور از اکادمی علوم تاجیکستان 2009 در رشته تاریخ
- ماستر علوم تاریخ از پوهنتون پیداگوژی، دوشنبه تاجیکستان 2008
- متخصص در رشته های حقوق و علوم تاریخ از پوهنتون پیداگوژی، دوشنبه تاجیکستان 2007
- ماستر علوم حقوقی از پوهنتون اسلامی دوشنبه تاجیکستان 2003-2006
- ماستر علوم نظامی و سیاسی از اکادمی سیاسی و نظامی مسکو 1989-
- 1992
- فاکولته سیاسی حربی پوهنتون در مسلک پیاده کابل 1982-1984
- فارغ صنف چهاردهم تخنیکم نفت و گاز مزار شریف در رشته جیولوجی تفحص نفت و گاز و دیگر مواد مفیده جامد 1972-1977
- مکتب متوسطه خرم، ولایت سمنگان 1963-1972

تجربه کاری:

- مدیر پلانگذاری عقیدتی و فرهنگی قوماندانی تعلیم و تربیه و دوکتورین وزارت دفاع ملی از 2011- تا حال
- استاد مضمون روابط بین المللی در دیپارتمنت علوم اجتماعی در اکادمی ملی نظامی افغانستان 2010-2011
- رئیس کمیته تحلیل و ارزیابی کمپاین انتخاباتی حامد کرزی جون 2009- نومبر 2009
- استاد در دانشگاه صدرالدین عینی، دوشنبه تاجیکستان 2007-2008
- استاد پوهنتون آریانا، مقیم پشاور 2006الی 2007
- آمر روابط بین المللی اکادمی علوم افغانستان 2005-2006
- معاون سخنگو رئیس جمهور در امور نظامی 2003-2004
- عضو کمیسیون مرکزی بازسازی اردو در وزارت دفاع ملی 2001-2003
- کارمند سیاسی در قطعات مختلف وزارت دفاع ملی افغانستان 1980-1996
- آمر سیاسی فرقه 14 پیاده غزنی 1987-1989
- استاد تخنیکم نفت و گاز مزار شریف 1977-1980

کورس های کوتاه مدت:

- اشتراک کننده سمینار نیسا واشنگتن دی سی 17 اپریل تا 25 می 2012
- کورس دو ماهه کمپیوتر KMTC کابل 2012
- دیپلومه یکساله انگلیسی از تاشکند 2000

- کورس سه ماهه اساسات کامپیوتر در تاشکند 2000
- کورس سه ماهه زبان انگلیسی در مسکو 1990
- کورس سه ماهه انستیتوت علوم اجتماعی کابل 1985

کتاب ها چاپ شده:

- تجارب از هندوستان در سال 2013 چاپ 2014
- سفر به امریکا در سال 2012
- آیا افغانستان بسوی دموکراسی می‌رود؟ در سال 2006
- افغانستان، طالبان و تشکل مراکز تروریستی (ترجمه از زبان روسی) 2005
- تروریسم بین المللی و افراط گرائی (ترجمه از زبان روسی) 2005
- نظامیان در میان مردم 2003
- اردوی ملی متضمن تمامیت ارضی و استقلال ملی کشور 2003
- صلح نیازمبرم بشریت 1986
- نگارش دسته جمعی کتب دروس سیاسی افسران قوای مسلح در سال 1985
- نگارش دسته جمعی کتب دروس سیاسی سربازان و خرد ضابطان قوای مسلح در سال 1985
- دارنده اضافه تر از هزار مقاله در موارد مختلف و ده اثر چاپ شده

کتاب های آمده به چاپ:

- عمره را بجا آوردم
- برخی مسائل مبرم تحلیلی در افغانستان و جهان
- خاطرات مهاجرت در ازبکستان

فهمیش زبان ها:

- دری
- پشتو
- روسی
- انگلیسی
- ازبکی

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.